



تا استانبول در جست‌وجوی تشیع

داود بهلولی

فانسان وچانسان

۸۲



داود دود

تری

۱

۲

۳

Until Istanbul; In Search of Shiite

Davood Bohlooli

استانبول به عنوان مهم‌ترین شهر
اسلامی نزدیک به مرزهای جهان
مسیحیت دارای جایگاه ویژه‌ای در
جهان است. تشیع نیز به خصوص
در سال‌های اخیر جایگاه خاص خود
در این شهر را به دست آورده است.
اثر حاضر بر آن است تا دورنمایی از
وضعیت تشیع و شیعیان ساکن در
شهر استانبول و نمادها و نشانه‌هایی
از آنان به خواننده عرضه کند.

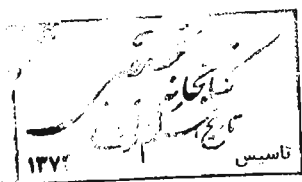
ADYAN PUBLICATION



۹۶A۱۶۸۲۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ح
✓



بهلولی، داود، ۱۳۵۷ -

تا استانبول در جست‌وجوی تشیع / مؤلف: داود بهلولی. - قم: نشر ادیان، ۱۳۹۱.

۲۴۲ ص - (نشر ادیان).

ISBN: 978-964-2908-66-0

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
نمایه.

۱. شیعه - ترکیه. ۲. شیعه - ترکیه - تاریخ. الف. نشر ادیان. ب. عنوان.

۲۹۷/۵۳

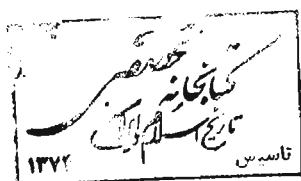
BP ۲۳۹ / ۲ ت ۹۲ پ

۱۳۹۱

۲۸۶۴۷۱۷

کتابخانه ملی ایران

تا استانبول در جستجوی تشیع



داود بهلولی





تا استانبول در جست‌وجوی تشیع

- مؤلف: داود بهلولی
- ناشر: نشر ادیان
- نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۱
- چاپ: نگارش
- شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
- قیمت: ۶۶۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۸-۶۶-۰
- حق چاپ و نشر محفوظ است.

● مراکز پخش:

تهران، خ حافظ، نرسیده به چهارراه کالج، نبش کوچه بامشاد، شماره ۴۰۹،
پکنا (پخش کتب اسلامی و انسانی) تلفن: ۵ - ۸۸۹۴۰۳۰۳ (۰۲۱)
قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (ع)، دانشگاه ادیان و مذاهب.
تلفن: ۱۳ - ۲۸۰۲۶۱۰ (۰۲۵۱)، نمابر: ۲۸۰۳۱۷۱ (۰۲۵۱)

www.urd.ac.ir press@urd.ac.ir www.adyan-eshop.ir

سخن ناشر

ایران و ترکیه از دیرباز علی‌رغم رقابت‌هایی که میان پادشاهان دو امپراتوری ایران و عثمانی وجود داشته، ارتباط فرهنگی عمیقی با یکدیگر داشته‌اند. رفت‌وآمد ایرانیان به عثمانی و به‌خصوص پایتخت آنان، استانبول، نشانه‌های قابل توجهی از تشیع را در این شهر به جای گذاشته است.

از دیگر سو نیز با مهاجرت جمعیت قابل توجهی از شیعیان شرق ترکیه به استانبول، هم‌اکنون شیعیان جایگاه خاصی در این شهر یافته‌اند. اثر حاضر که در پی نمایاندن نشانه‌هایی از تشیع در شهر استانبول به سامان رسیده، کوشیده است تا با معرفی تشیع این شهر و سرزمین از زوایای مختلف، دریچه‌ای تازه به روی مخاطبان خود بگشاید.

نشر ادیان اثر تا استانبول در جست‌وجوی تشیع را به عنوان حاصل چهارمین همکاری خود با داود بهلولی نویسنده اثر، به همه پژوهشگران، نویسندگان و علاقه‌مندان این عرصه تقدیم می‌کند.



فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۵	۱. نمادهای شیعی در استانبول
۱۵	شیعیان ترکیه
۲۶	مسجد ایرانیان استانبول (بویوک والده خان)
۳۲	دو مزار منسوب به دختران امام حسین (ع)
۳۷	هالکالی، حلقه عشاق امام حسین (ع)
۴۱	بررسی چند نماد تاریخی شیعی در تاریخ استانبول از زبان پروفسور حسین حاتمی
۴۴	مجمع البحرین کجاست؟
۴۷	جد مادری امام زمان (عج) کیست؟
۵۱	مزار ابویوب انصاری از صحابه پیامبر اسلام (ص)
۵۳	مزار شهید ثانی
۵۸	مسجد و گورستان تاریخی ایرانیان (سیداحمد درسی)
۶۹	۲. گروه‌های فعال شیعی
۶۹	شکل‌گیری هویت دینی شیعیان
۷۳	سازمان یافتن شیعیان
۷۵	انجمن زینبیه در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام صلاح‌الدین اوزگوندوز رهبر شیعیان ترکیه
۸۱	مؤسسه کوثر در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام قدیر اک‌آراس مدیر مؤسسه
۹۱	انجمن علمای اهل‌بیت (ع) ترکیه در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام حسن قناعتلی
۹۷	۳. علویان
۹۷	علویان کیستند؟

- عزا و روزه محرم در میان علویان ۱۰۲
- چند مرثیه از شاعران علوی ۱۰۳
۴. در تاریخ عثمانی ۱۰۹
- شیعیان و عزاداری در تاریخ استانبول ۱۰۹
- برگ‌هایی از تاریخ کربلا و بقیع ۱۱۵
- صدور مجوز صرف نذر صدرالدوله ایران جهت تعمیر بقعه ائمه (ع) بقیع ۱۱۷
- انتقال جسد عقدالدوله از سران قاجار به کربلا ۱۲۰
- کربلا در ادبیات ترکی عثمانی ۱۲۲
- عشق به اهل بیت (ع) در میان صوفیان ترکیه در گفت‌وگو با دکتر فاضل آغیش ۱۲۸
۵. رسانه‌های شیعی ۱۳۳
- گفت‌وگو با جواد گوک مسئول بخش ترکی شبکه شیعی زهرا تی‌وی ۱۳۳
- گفت‌وگو با کاظم آلبان مشاور امور رسانه انجمن زینیه ۱۳۸
۶. تبلیغات دینی ایرانیان ۱۴۳
- نگاهی به تاریخ تبلیغات دینی ایرانیان در استانبول ۱۴۳
- گفت‌وگو با حجت‌الاسلام اسماعیل سابقی، روحانی مستقر ۱۵۴
- گفت‌وگو با حجت‌الاسلام میرعباس صفوی، امام جمعه و جماعت مسجد ایرانیان ۱۵۹
- گفت‌وگو با آقای محمود صدقی‌زاده، وابسته فرهنگی سابق ایران در استانبول ۱۶۶
- گفت‌وگو با سیدحسین شریانی، مداح پرسابقه ایرانی در استانبول ۱۷۳
۷. تکمله ۱۸۱
- گفت‌وگو با ابراهیم حکمت، از رزمندگان اهل ترکیه در دوران دفاع مقدس ۱۸۱
- کتابنامه ۱۹۱
- تشکر و سپاس ۱۹۵
- نمایه ۱۹۷
- تصاویر ۲۰۷

مقدمه

فرصتی پیش آمد تا با یکی از مداحان اهل بیت (ع) که سال‌ها است به ترکیه و به خصوص استانبول می‌رود و دل شیعیان آن دیار را مملو از عشق حسینی می‌کند، همسفر شوم و پا به پای او تا استانبول در جست‌وجوی تشیع بروم. گرچه در دل، علاقه خاصی به این شهر باستانی داشتم و از دور چیزهایی درباره آن آموخته بودم اما با اطلاعاتی نه‌چندان فراوان رهسپار شدم و آنچه دیدم و شنیدم، بسیار فراتر از آن چیزی بود که در ذهن داشتم.

دریغ که با وجود سال‌ها ارتباط میان دو کشور ایران و ترکیه و سفرهای بسیاری که به آنجا می‌شود، تاکنون، هیچ معرفی درخور شأنی از تشیع این کشور و به خصوص استانبول - به عنوان پایتخت فرهنگی ترکیه و پایتخت چندصدساله امپراتوری اسلامی عثمانی - انجام نگرفته است.

استانبول شهری استثنائی و برای ما بکر و ناشناخته است. از ۶۶۰ سال پیش از میلاد که با نام بیزانس بنا نهاده شد، تا زمانی که پایتخت امپراتوری روم شد، و دورانی که بارها مسلمانان برای فتح آن تلاش کردند و به روایتی هفده صحابه پیامبر اکرم (ص) از جمله «ابویوب انصاری»^۱ در خلال محاصره استانبول وفات کرد و اکنون مزارش تبدیل به زیارتگاهی برای مردمان این شهر شده، و تا امروز که از مهم‌ترین شهرهای اسلامی و نزدیک‌ترین شهر مهم اسلامی به اروپا است.

۱. درباره آرامگاه ابویوب انصاری در استانبول به یادداشت پروفیسور حسین حاتمی در همین کتاب مراجعه کنید.

استانبول زادگاه ملیکا دختر ایگناسیوس مادر دوازدهمین امام شیعیان است، و داستان معروف اسیر شدن ایشان و ازدواج با امام حسن عسکری (ع) بخشی از آن چیزی است که بسیاری از ما درباره استانبول نمی دانیم.



سلطان محمد فاتح

این شهر باستانی در سال ۸۷۵ قمری برای آخرین بار با فرماندهی «محمد» ۲۱ ساله، پادشاه سلجوقیان ترک - که بعدها به خاطر این فتح بزرگ او را «سلطان محمد فاتح» نامیدند - فتح شد. مصداق این بیت عربی که چند سال پیش در کتابی خوانده بودم:

الله اکبر ذلک دولة الصلیب و عزّ بالترک دین المصطفی العربی^۱
از همان زمان استانبول بخشی از جهان اسلام است، این را می توان از کوچه و خیابان های شهر، پانصد مسجد^۲ تاریخی بزرگ و باشکوهش و

۱. شگفتا که دین محمد عربی (ص) به وسیله ترکان عزت یافت و دولت صلیبی خوار شد.
۲. در زبان ترکی استانبولی به مسجد، «جامع» (cami) گفته می شود. لفظ «مسجد» (mescit) نیز معادل واژه «نمازخانه» در زبان فارسی به کار می رود.

کتابخانه‌های بزرگ و نسخه‌های خطی اسلامی بی‌شمارش^۱ دریافت. درهای مساجد استانبول از اذان صبح تا اذان عشاء که تقریباً ساعت ده شب گفته می‌شود، به روی مردم باز است. هر روز پنج‌بار ندای اذان در شهر شنیده می‌شود و مردم به مساجد می‌روند و نماز می‌گزارند.

مردم ترکیه و استانبول به مسائل جهان اسلام بسیار حساسند. نمونه آن برگزاری سالانه روز جهانی قدس، و واکنش‌های مردمی به مظلومیت شیعیان قره‌باغ آذربایجان است.

از نمادهای دیگر فرهنگ و تمدن اسلامی و آموزه‌های دینی، وجود سقاخانه‌ها و چاه‌های وقفی بی‌شماری است که به ترکی بدان «چشمه»^۲ می‌گویند. شاید الان از بسیاری از آنها آبی جاری نباشد اما به عنوان نمونه‌ای از تأثیرات آموزه‌های اسلامی، با معماری خاصی در گوشه و کنار شهر استانبول به چشم می‌خورد.



شعری بر فراز سقاخانه‌ای قدیمی با ذکر از امام حسن (ع) و امام حسین (ع)
مربوط به ۲۵۰ سال پیش

۱. ترکیه هم‌اکنون به عنوان نخستین کشور دارای نسخ خطی و پایتخت نسخ خطی، در جهان مطرح است.

بر سردر هر بنای تاریخی، مسجد، سقاخانه، آرامگاه و هر مرکز دینی و اسلامی کهن، اشعاری به ترکی با الفبای عربی و خطی خوش به چشم می‌خورد که پس از مقدمه‌ای کوتاه درباره علت ساخت بنا، تاریخ احداث بنا به حساب ابجد آورده شده است. اینجا است که ارتباط پیچیده میان دین، زبان، سنت و هنر به ظهور می‌رسد. به عنوان نمونه بر سردر مدرسه «چورلولو علی پاشا»، این شعر درباره تاریخ بنای مدرسه حک شده است:

هنگام ختامینده بیر کامل روشن دل تاریخی ایچون گورموش بیر واقعه غراً
ابن عم پیغمبر یعنی علی حیدر ائتمیش اولار رؤیاده بو قولی آنا انها
کیم غایته یتدیکده بو مدرسه عالی تاریخینی ائتسونلر بو مصرع ایله انشا
زیرا عددی آنین بو ساله موافق دور واقعه گوزل دوشدی یکباره و مستنا
گویا که کرامت دیر درّی آنا بو تاریخ مَن عَلمَنی حَرفاً قَدْ صَیَّرَنی عَبدُا
که با حساب ابجد، تاریخ ساخت بنا، سال ۱۱۲۰ق برابر با حدیث
معروف مولا علی(ع) «مَن عَلمَنی حَرفاً قَدْ صَیَّرَنی عَبدُا» می‌باشد. گویا عارفی
روشن دل در خواب، مولا علی(ع) را می‌بیند که به وی امر می‌کند تا تاریخ
اتمام بنا را براساس حدیث فوق انشاء کند. از این نمونه‌ها فراوان است و
آمیزه‌ای از هنر، سنت، ادبیات، معماری عثمانی و معماری نوین را می‌توان در
جای جای این شهر به‌خصوص در بخش اروپایی آن دید.



شعر سردر مدرسه «چورلولو علی پاشا»

در گوشه و کنار این شهر تاریخی مزارها و مزارستان‌هایی وجود دارد که با سنگ قبرهای عثمانی و طراحی‌های خاص خود، انسان را متوجه نکات جالبی می‌کنند. در مزارستانی در مرکز استانبول به مزار یکی از سادات دارای سمت سیاسی برخوردیم که بیش از یکصد سال پیش درگذشته بود. بر سنگ قبر آن نوشته شده بود:

سبحان الخلاق الباری

هذا ضريح قدوة آل رسول و سلاله فاطمه الزهرا البتول العالم العامل والولی
الکامل السید الشهیر والامیر الخطیر امیر ظفار مولا فضل پاشا العلوی الحسینی
رحمه الله تعالی و تقدس



مزار یکی از سادات دارای منصب سیاسی مربوط به یکصد سال پیش

کوتاه سخن آنکه در این اثر، نه می‌خواهم کاری پژوهشی و آکادمیک^۱ عرضه کنم و نه می‌خواهم سفرنامه‌نویسی کنم. چه، هر کدام جایگاه و فضای خاص خود را می‌طلبد. اثر، تنها در پی آن است تا کلیدواژه‌هایی در اختیار پژوهشگران، مشتاقان و تشنگان تشیع و اهل بیت (ع) قرار دهد. چرا که هر کدام از مطالب و سرفصل‌های اثر، قابلیت تبدیل شدن به کتابی مستقل را دارند.

کوشیده‌ام تا به همه ابعاد تشیع در این شهر توجه شود و نشانی و ردّ پای از آن، در اثر یافت شود. آثار تاریخی، تبلیغ در خارج از کشور، شخصیت‌های دانشگاهی، شخصیت‌های فرهنگی ایران، نهادهای شیعی فعال، کتب و اسناد تاریخی، رسانه، اهل سنت و دفاع مقدس، زوایایی است که از آنها به تشیع نگریسته شده است.

آنچه در پی می‌آید، شامل دو بخش است. بخشی رهاورد دو سفر هفت‌روزه به استانبول و بخشی دیگر یافته‌هایم از کنکاش و جست‌وجو درباره تشیع در ترکیه و استانبول است تا با قرار گرفتن در کنار رهاورد سفر، مجموعه حاضر را فراهم آورد.

تشکر از حجج اسلام علی اکبر مهدی‌پور، باب‌الله ثقة‌الاسلامی، میرعباس صفوی و سیدحسین شریانی مداح اهل بیت (ع) و شیعیان و دل‌باختگان مکتب اهل بیت (ع) در استانبول، دینی است بر گردن اینجانب. نیز تشکر ویژه از مدیریت محترم نشر ادیان را به خاطر همراهی در چاپ و نشر این اثر، وظیفه خود می‌دانم.

۱. محققینی همچون پیتر چلکوفسکی، الین هگلند، ییتزاک ناکاش، محمود ایوب، ریچارد نورتن و لارا دیب و... درباره شیعیان جهان و سنن دینی آنان و علی یامان، متین آند، عبدالباقی گلپینارلی، الیاس اوزوم، احمد تاشقین، مارتین ون بروئینسن، عبدالقادر یتلر، فیلیز دمیرجی، اسرا دوغان، علی آل‌بایراک و... درباره شیعیان و علویان ترکیه و سنن و اعتقادات‌شان تحقیقاتی انجام داده‌اند.



نمادهای شیعی در استانبول

شیعیان ترکیه

تشیع در ترکیه حکایتی دیگر دارد. با آنکه بعد از دهه ۱۹۸۰م و آزادی‌هایی که برای مذاهب و گروه‌های مختلف در ترکیه فراهم شد و تحقیقات فراوانی درباره فرق و مذاهب موجود در ترکیه همچون علویان، نصیری‌ها و یزیدی‌ها صورت گرفت اما درباره شیعیان دوازده‌امامی کار چندانی انجام نشده است. همین میزان تحقیقات هم بیشتر روی عقاید مذهبی و نمودهای اجتماعی آن صورت گرفته است.^۱

موجن مومن نویسنده کتاب چند جلدی تاریخ و اصول شیعه ضمن یکسان انگاشتن شیعیان و علویان، آنان را تحت عنوان شیعیان ترکیه به چهار طبقه تقسیم می‌کند: علویان عرب‌زبان (نصیری‌ها)؛ ترکمن‌هایی که با عناوینی همچون بکتاشی و قزلباش شناخته می‌شوند؛ کردهای اهل حق و مهاجران ترک آذری آذربایجان شوروی. موجن گروه اول و دوم را شیعیان

۱. نمونه‌هایی از این تحقیقات عبارت‌اند از:

İlyas üzümlü, "Türkiyede İnanç Esasları Açısından Caferilik" (Ph.D. Dissertation, Marmara University, 1993). Ali Albayrak, *Caferilerde Dini ve Sosyal Hayat, Ankara Keçiören örneği* (Ph.D. Dissertation, Ankara University, 2006). Abdulkadir Yeler, *Türk Toplumunda Caferiler, İstanbul halkalı örneği* (Master thesis, Marmara University, 2006). Filiz Demirci, *Caferilerin Dini örf ve Adetleri, Iğdır örneği* (Master thesis, Erciyes University, 2006).

بدعتگذار، گروه سوم را افراتیون بدعتگذار و تنها گروه چهارم را شیعیان دوازده امامی راستین به شمار می آورد.^۱

الیاس اوزوم جعفری های آذری را براساس سه شاخص مکان سکونت؛ نقطه ثقل جمعیت و اجتهاد تقسیم می کند. اوزوم همچنین طبقه اول را با توجه به زندگی در زادگاه اصلی و یا زندگی در مناطق پس از مهاجرت به دو گروه تقسیم می کند.

علی آل بایراک نیز شیعیان جعفری را به سه دسته تقسیم می کند:

— کسانی که پدر و مادرشان جعفری بوده اند.

— کسانی که پیش تر علوی و اکنون جعفری هستند.

— کسانی که پیش تر سنی و اکنون جعفری هستند.^۲

پتر آلفرد آندرو با بررسی قومیت های موجود در ترکیه، ترک های آذری را به دو گروه شیعه و قره باغی تقسیم می کند. او آذری های قره باغی را سنی می داند.

این دو گروه از قفقاز، آذربایجان ایران و شوروی به ترکیه مهاجرت کرده اند.^۳

می توان شیعیان آذری شمال شرق ترکیه را شامل ترکان آذری بومی و ترکان مهاجر از شوروی سابق، ایران و قفقاز دانست. این مهاجرت ها بر اثر جنگ های عثمانی و روسیه، انقلاب بلشویکی روسیه و جنگ های جهانی روی داده اند.^۴

طبق محاسبات مومن، از جمعیت ۴۵ میلیونی ترکیه در سال ۱۹۸۰م، یک و نیم میلیون نفر شیعه جعفری هستند. مارتین کرامر نیز آماری مشابه ارائه می دهد.^۵ با این حساب حدود دو الی سه میلیون نفر از جمعیت

1. Moojen, momen. *An Introductation to Shii Islam the History and Dectrines of Tüelver Shiism* (new haven and London: yale university press, 1985).

2. Albayrak, Ali, *Caferilerde Dini ve Sosyal Hayat, Ankara Keçiören örneği* (p.h.D dissertation, ankara university, 2006).

3. Peter Alford Andrew, *Ethnic Groups in the Republic of Turkey (Türkiyede Etnik Gruplar)*.

4. Baylak, Ayşen, *Visibility Through Ritual; Caferi.Shiite Community in Turkey*.

5. Martin Kramer, introduction in *shiism, resistance and revolution*.

۷۵ میلیون ترکیه را شیعیان دوازده امامی تشکیل می‌دهند که با نام «جعفری»^۱ مشهور هستند. قریب به یک الی دو میلیون نفر از آنان در شهرهای غربی ترکیه، همچون ایغدیر،^۲ کارس^۳ و آغری،^۴ در نقطه تلاقی چهار کشور ایران، آذربایجان، ارمنستان و ترکیه و به صورت پراکنده در دیگر شهرها مانند آنکارا به عنوان پایتخت،^۵ بورسا، ازمیر، مانيسا، یالووا، ایزمیت، چوروم، کوجائلی و کرک قلعه زندگی می‌کنند. شیعیان مناطق غربی ترکیه همگی از شمال شرق ترکیه مهاجرت کرده‌اند.^۶ این مهاجرت‌ها به دلایل اقتصادی - اجتماعی به‌ویژه بعد از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ م به سمت مناطق غربی آغاز شد.^۷



مسجد زینیه از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مساجد شیعیان استانبول
واقع در خیابانی به همین نام در منطقه هالکالی

۱. Caferi

۲. Iğdır

۳. Kars

۴. Ağrı

۵. شیعیان آنکارا عمدتاً در مناطق یایلا و کنجی‌اوزن زندگی می‌کنند.

۶. Albayrak, Ali, *Caferilerde Dini ve Sosyal Hayat*, Ankara, keçören örneği.

۷. بایلاک، آیشن، مقاله «تاریخ و زندگی شیعیان امامی ترکیه»، نشریه پیام بهارستان، ش ۱۳، ص ۶۱۷.

اما از میان جمعیت ده میلیونی استانبول، سهم شیعیان دوازده امامی حدود یک میلیون نفر است. این جمعیت در نقاط مختلف استانبول اما به صورت مجتمع زندگی می کنند. از محلات معروف شیعیان می توان به محله زینیه واقع در منطقه هالکالی اشاره کرد. در هالکالی ده الی پانزده هزار شیعه زندگی می کنند. این منطقه در سال ۱۹۷۸م شکل گرفته است. آلتین شهیر و اسن یورت از محلات نزدیک به هالکالی، باغچه لی ائولر، گونشلی، باغجیلار، زیتون بورنو، کایش داغی و گون گورن نیز از دیگر مناطق شیعه نشین استانبول هستند.

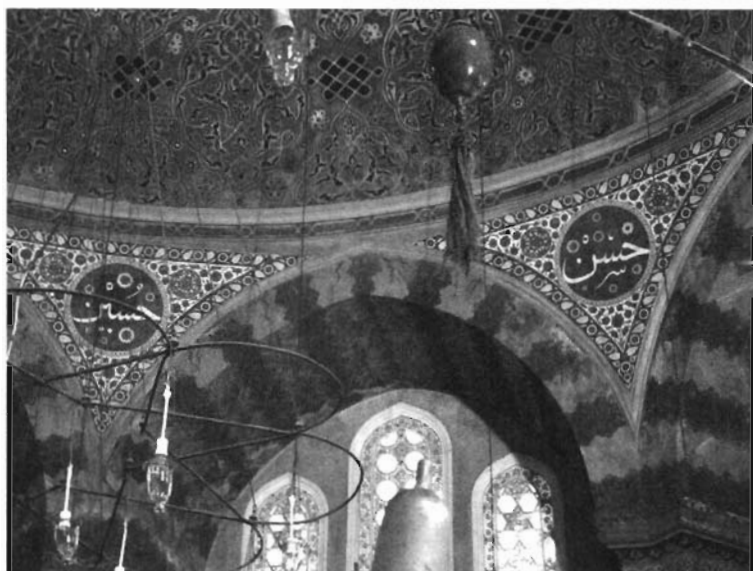
هم اکنون سیصد مسجد در سراسر ترکیه و حدود سی مسجد در استانبول متعلق به شیعیان است. اغلب شیعیان استانبول را همان شیعیان آذری مهاجر از مناطق شیعه نشین نزدیک مرز ایران تشکیل می دهند. مابقی هم مستبصرین اهل سنت و علویانی هستند که به تشیع گرویده اند.



مسجد مرکزی مهدیه در باغچه لی ائولر

شاید بعضی همین میزان جمعیت شیعی را هم غنیمت بدانند و شاید بعضی بگویند از میان جمعیت ۷۵ میلیونی ترکیه، دو الی سه میلیون، بسیار

اندک است و ناچیز؛ اما این گونه نیست. در ترکیه جمعیتی بیست میلیونی از مسلمانان زندگی می کنند که با نام «علوی» مشهور شده اند. سخن درباره این که تاریخ علویان از کجا آغاز می شود و به کدام یک از مذاهب اسلامی نزدیک ترند بسیار است اما ذکر همین نکته بس که علویان از عاشقان راستین اهل بیت (ع) هستند و عشق و ارادتی مثال زدنی به خاندان پیامبر (ص) دارند.



نقش نام امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در آرامگاه سلطان سلیمان قانونی

علویان بخش قابل توجهی از جمعیت استانبول را به خود اختصاص داده اند. هم اکنون آنان به عنوان دومین گروه دینی - مذهبی در استانبول بعد از حنفی ها مطرح می باشند.

حنفیان خلافت چهار خلیفه اول، یعنی همان تفکر عمومی رایج در میان اهل سنت را قبول دارند اما آنان می گویند، پیامبر (ص) اهل بیته داشته است که شامل امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و حضرت فاطمه (س) می شود. روایات فراوانی نیز در کتاب هایشان در مورد محبت به اهل بیت (ع) وجود دارد و به همین دلیل ارادت خاصی به ایشان دارند.

باری، عشق به اهل بیت پیامبر (ص) یکی از تفاوت‌های بارز عموم سنیان ترکیه و دیگر کشورهای اسلامی و به خصوص عربی است. هیچ مسجدی در استانبول نمی‌توان یافت که بر در و دیوار آن نام امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در کنار نام خلفا نقش نبسته باشد.

از یکی از امامان جماعت مساجد سنیان درباره محبت اهل بیت (ع) سؤال کردم. گفت: «سؤال شما برای من شگفت‌آور است. حسن و حسین (ع) نوادگان پیامبرند. ما عاشق اهل بیت (ع) و دوازده امام هستیم». از دیگری که او نیز دوره‌های امام خطیب^۱ را گذرانده بود، درباره اهل بیت (ع) سؤال کردم. گفت: «امام حسین (ع) جان و جگر ما است. او که این‌گونه در خون خود غلتید. ما عاشق اهل بیت (ع) هستیم. اصلاً مذهب ما منسوب به ابوحنیفه است. ابوحنیفه شاگرد امام صادق (ع) بوده است. فرقی بین ما و شما نیست. اسم من علی عثمان است. هم علی و هم عثمان».

عشق به اهل بیت (ع) و به خصوص امام حسین (ع) در میان خلفای عثمانی نیز وجود داشته است. مانند شعر زیر که سروده سلطان عبدالعزیز عثمانی است:

قدرتلی آیینی رسول شاه و سروره

قتل قصدیه جمع اولدولار بیر یثره

ناسیل دالایق گوردولر جسم پاکی خنجره

امت اولماق بؤیله می‌دیر حضرت پیغمبره

هم جگر پاره فاطمه نور چشم حیدره

بیعت واجب ایکن ایمان ائمه‌دی اول لعین

قوردولار دینه فساد اولدولار دینه خائن

حسینه قصد فتنه ائتدیلر حیاسیز بی‌دین

امت اولماق بؤیله می‌دیر حضرت پیغمبره

هم جگر پاره فاطمه نور چشم حیدره

۱. دوره‌های چهارساله دبیرستان که در آنها تعالیم اهل سنت آموزش داده می‌شود و از فارغ‌التحصیلان آنها جهت خدمت در مساجد به عنوان امام جماعت و خطیب استفاده می‌شود.

اینجیتدیلر اولاد رسولو حقینده قولو
 وئرمه دیلر کربلادا مظلوما بیر قطره سو
 ای حیاسیز ظالم، سنین یوزونه پو
 امت اولماق بؤیله می دیر حضرت پیغمبره
 هم جگر پاره فاطمه نور چشم حیدره
 حسینین قتلینین هئچ قالیرمی یانینه
 شمر ملعون خنجر چالیدی اول شاهین گردنینه
 ای منافق ناسیل گیردین شاه حسینین قانینه
 امت اولماق بؤیله می دیر حضرت پیغمبره
 هم جگر پاره فاطمه نور چشم حیدره
 قرآنی، دین اسلامی متاع گیبی ساتدیلار
 اهل بیت عریان بریان شاما اسیر ائتدیلار
 انسانلیغا روا اولماز بؤیله بیر ایش توتدولار
 امت اولماق بؤیله می دیر حضرت پیغمبره
 هم جگر پاره فاطمه نور چشم حیدره
 ای مسلمانلار دینله دینیز فریاد فغان ائتدینیز
 دین اسلام اولموشوز رسولا ایمان ائتدینیز
 یا بونا ناسیل دایانسنین سلطان خلیفه عبدالعزیز
 امت اولماق بؤیله می دیر حضرت پیغمبره
 هم جگر پاره فاطمه نور چشم حیدره

ترجمه فارسی

بر علیه دین پرتوان رسول اکرم
 به قصد قتال در یکجا جمع شدند
 چگونه جسم پاک او را لایق خنجر دیدند
 آیا این گونه امتی برای پیامبر اکرم بودید؟
 و بر پاره جگر فاطمه و نور چشم حیدر؟

در حالی که بیعت واجب است، آن لعین بیعت نکرد
 در دین فساد کردند و بدان خیانت ورزیدند
 آن بی دینان و بی شرمان علیه حسین (ع) فتنه کردند
 آیا این گونه امتی برای پیامبر اکرم بودید؟
 و بر پاره جگر فاطمه و نور چشم حیدر؟
 اولاد رسول را آزدند و سخش را در حق او به جای نیاوردند
 بدان مظلوم در کربلا یک قطره آب ندادند
 ای ظالم بی شرم، اف بر تو باد
 آیا این گونه امتی برای پیامبر اکرم بودید؟
 و بر پاره جگر فاطمه و نور چشم حیدر؟
 آیا قتل حسین را می پذیرد؟
 شمر ملعون برگردن آن شاه خنجر کشید
 ای منافق! چگونه خون حسین را ریختی؟
 آیا این گونه امتی برای پیامبر اکرم بودید؟
 و بر پاره جگر فاطمه و نور چشم حیدر؟
 قرآن و دین اسلام را مانند متاعی فروختند
 اهل بیت را غارت شده به سوی شام به اسیری بردند
 عملی دور از انسانیت در پیش گرفتند
 آیا این گونه امتی برای پیامبر اکرم بودید؟
 و بر پاره جگر فاطمه و نور چشم حیدر؟
 ای مسلمانان! شنیدید و فریاد و فغان سر دادید
 در حالی که به دین اسلام و رسولش ایمان آورده اید
 چگونه سلطان خلیفه عبدالعزیز بر این مصیبت صبر کند
 آیا این گونه امتی برای پیامبر اکرم بودید؟
 و بر پاره جگر فاطمه و نور چشم حیدر؟

شک نیست که این تفکر حاکم در میان اهل سنت ترکیه، در سراسر کشورهای اسلامی رایج و ساری بوده و نمونه آن را هم اکنون علاوه بر ترکیه، در مصر، لبنان و عراق شاهد هستیم.



سلطان عبدالعزیز عثمانی

به هر حال مهر و محبت اهل سنت ترکیه به خاندان عصمت و طهارت (ع) در حالت های گوناگون نمود پیدا می کند. همچون شرکت آنان در مناسبت های مذهبی مرتبط، نام گذاری فرزندان به اسامی اهل بیت (ع)، نقش نام اهل بیت (ع) در نمازهای مساجد و ...

این مهر و محبت باعث شده تا اصطکاکی میان اهل سنت و شیعیان به وجود نیاید، چرا که این عشق و محبت، نقطه اشتراک و اتحاد این دو گروه محسوب می شود. همانند گرامیداشت روز عاشورا که عموم

مردم به آن توجه می‌کنند و همین مسئله باعث شده که حتی شبکه‌های تلویزیونی نیز سعی می‌کنند به احترام شهادت سیدالشهداء (ع) از پخش برنامه‌های شاد خودداری کنند و به پخش برنامه‌هایی متناسب با این ایام پردازند. در مساجد نیز از سوی امامان اهمیت این روز یادآوری می‌شود.

درحقیقت می‌توان گفت هر کس روز عاشورا مراسمی در بزرگداشت این واقعه برگزار کند، عموم مردم از آن استقبال می‌کنند، و این مسئله شامل اهل سنت نیز می‌شود، مخصوصاً اگر این گونه مراسم در مکان‌هایی برگزار شود که به عنوان مراکز تجمع شیعیان مطرح نیست، با استقبال بیشتری از سوی اهل سنت مواجه می‌شود.

هم‌اکنون شیعیان آزادانه به فعالیت می‌پردازند و مراکز علمی و تحقیقاتی بسیاری راه‌اندازی کرده‌اند.

یکی از مشهورترین گروه‌های شیعی فعال در استانبول متعلق به مسجد زینیه در منطقه هالکالی استانبول است و ریاست آن را «صلاح‌الدین اوزگوندوز» به عهده دارد. فعالیت‌های بی‌شائبه اوزگوندوز در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انجمن زینیه، وجهه خاصی به تشیع در ترکیه بخشیده است. انجمن زینیه هم‌اکنون نماد تشیع و صلاح‌الدین اوزگوندوز به عنوان رهبر شیعیان ترکیه در میان نهادها و گروه‌های اجتماعی و سیاسی این کشور مطرح است.

مؤسسه کوثر نیز یکی از قطب‌های فعالیت دینی شیعیان در استانبول است که فعالیت‌های بسیاری به‌خصوص در زمینه چاپ کتب شیعی داشته و تأثیری انکارناشدنی در تغذیه فکری شیعیان دارد. مسئول این مؤسسه «قدیر آک‌آراس» از طلاب تحصیل کرده در حوزه علمیه قم است.

ناشرانی هم مانند «انتشارات عصر» کتب شیعی را از فارسی و عربی به ترکی استانبولی ترجمه می‌کنند. نمایندگی‌های برخی مراجع و نهادهای

علمی همچون مرکز تحقیقاتی وابسته به دفتر آیت‌الله سیستانی و نمایندگی دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه نیز فعالند و بدون توجه به مسائل سیاسی، به کار رسیدگی به مسائل فقهی و دینی شیعیان می‌پردازند. در هر حال، شیعیان هم‌اکنون از حکومت راضی‌اند و این چیزی است که خود به زبان می‌آورند.

مسجد ایرانیان استانبول (بویوک والده خان)

کهن ترین مسجد شیعیان استانبول، مسجد بویوک والده خان (مسجد ایرانیان) است. برای رسیدن به مسجد والده خان باید به منطقه «امین اؤنو»^۱ رفت. در کوچه پس کوچه های بازاری سنتی که منتهی به کاپالی چارشی^۲ (بازار تاریخی و کهن استانبول) می شود، و در میانه کوچه کم عرض و پرشیب چاکماکچیلار^۳ که به بناهای متعدد، زیبا و تاریخی دانشگاه استانبول منتهی می گردد، کویی با سردری سنگی قرار دارد که بر بالای آن چنین حک شده است: BÜYÜK VALİDE HAN. کمی که داخل کوچه پیش بروید، ناگهان با محوطه ای باز مواجه می شوید که در اطراف آن مغازه هایی در دو طبقه به صورتی سنتی خودنمایی می کند. این مغازه ها در سده های پیشین، حجره های کاروانسرای بوده است که ایرانیان اغلب کالاهای خود را بدانجا آورده و به تجار استانبول عرضه می کرده اند. در این حجره ها کالاهایی همچون فرش و برنج عرضه می شده است. همچنین در این محل چندین چاپخانه و کتاب فروشی از سوی ایرانیان دایر بوده است. در گذشته این کاروانسرا میزبان کارگاه های چرم سازی، صندوق سازی، پارچه بافی، پارچه فروشی و گونی بافی نیز بوده است. در حقیقت این کاروانسرا در طول دوران فعالیت خود محل زندگی حداقل چهار هزار و حداکثر پانزده تا بیست هزار ایرانی بوده است.^۴

1. Eminönü

2. Kapalı çarşı

3. Çakmakçılar yokuşu

۴. زین العابدین مراغه ای نویسنده کتاب سیاحت نامه، میرزا آقا تاجر اصفهانی معروف به مجاهد و میرزا صادق بروجردی از نویسندگان و انقلابیون معروف دوره مشروطه در این محل ساکن و به اقدامات سیاسی و فرهنگی دست می زده اند.

مجموعه کاروانسرا و مسجد ایرانیان در دوره مشروطه میزبان تبعیدشدگان و گریختگان از وضعیت سیاسی ایران بوده است. این مسجد یکی از مراکز اصلی فعالیت‌های «انجمن سعادت ایران»^۱ بود. این انجمن از سوی مبارزان دوره مشروطه در استانبول تأسیس شده بود.



مسجد تاریخی ایرانیان (بویوک والدخان)

گفته می‌شود تنها افراد مجوز سکونت در این کاروانسرا را داشته‌اند. سکونت در این کاروانسرا از سال ۱۹۱۳م ممنوع شد و از آن زمان تاکنون تنها فعالیت‌های تجاری در آن رونق دارد.^۲

مجموعه این کاروانسرا به عنوان بزرگ‌ترین کاروانسرای استانبول، به دستور «کؤسم سلطان»^۳ (ماه‌پیکر ملقب به شکرپاره‌خاتون) مادر سلطان مراد

۱. این انجمن در سال ۱۹۰۷م به عنوان رابط میان رهبران مشروطه‌خواه داخل کشور با شهرهای نجف و شهرها و پارلمان‌های اروپایی و با هدف کمک و اطلاع‌رسانی در والدخان تأسیس شد.

۲. در سال ۲۰۰۹م نمایشگاهی تحت عنوان «بویوک والدخان از تأسیس تا امروز» با هدف آشنایی بیشتر مردم با این اثر تاریخی از سوی دانشگاه‌های استانبول و ییلدیز در محل کاروانسرا برگزار شد.

3. Kösem Sultan

چهارم (ح ۱۶۳۲-۱۶۴۰م) در سال ۱۶۵۰م ساخته شده است و هدف از ساخت آن تأمین هزینه‌های مسجد چینی‌لی واقع در اسکودار بوده است. از همان زمان بیشتر ایرانیان که اغلب آذری و شیعه بودند، از این کاروانسرا استفاده می‌کردند.

در میانه این مجموعه، مسجدی تاریخی قرار دارد که بنای آن در ابتدا از چوب بوده ولی اکنون با استفاده از مصالح جدید به شکل مربع و بدون گنبد و مناره روی سقف چند مغازه برپا شده است. مسجد رواقی کوچک و شبستانی وسیع دارد. کاشی‌کاری محراب و دیوارهای مسجد یادآور سبک‌های عثمانی و ایرانی و توسط مصطفی کایهان در سال ۱۹۵۳م به انجام رسیده است. هشت باب مغازه در اطراف مسجد جزء موقوفات مسجد به شمار می‌رود.

این مسجد که به نام بویوک والده‌خان یا مسجد ایرانیان معروف است، بیش از سیصد سال قدمت دارد. مسجد در سال ۱۹۴۷م (۱۳۲۸ش) طعمه حریق می‌شود و سپس در سال ۱۹۵۲م توسط یک ایرانی به نام «محمدنقی شفیع‌زاده» مجدداً احیا می‌گردد.

هم‌اکنون مسجد در میان یک مرکز تجاری وسیع قرار گرفته و با توجه به وسعت یافتن شهر استانبول و فاصله نسبتاً زیاد محل سکونت ایرانیان و شیعیان تا این مسجد، معمولاً نماز جماعت روزانه با حضور جمعیت اندکی اقامه می‌شود اما در مناسبت‌های دینی جمعیت قابل توجهی در مسجد حضور می‌یابند و مراسم عزاداری یا جشن همراه با صرف نهار یا شام برگزار می‌شود. این افراد شامل ایرانیان مقیم، کارکنان شرکت‌ها و مراکز سیاسی مقیم استانبول و برخی شیعیان ترک‌تبار است. در نماز جمعه هر هفته نیز جمعیت قابل توجهی در مسجد حضور می‌یابند.^۱

۱. نیمه شعبان سال ۱۳۹۰ش همایشی تحت عنوان «تجلیل از خادمان مسجد ایرانیان استانبول» در همین مسجد برگزار و از کسانی که از گذشته‌های دور تاکنون در این مسجد خدمت کرده‌اند از جمله امامان جماعت پیشین مسجد تجلیل شد. جهت آشنایی با امامان جماعت پیشین مسجد والده‌خان به مطلب «تبلیغات دینی ایرانیان» در همین کتاب مراجعه کنید.



نماز جماعت در مسجد ایرانیان (بویوک والده خان)

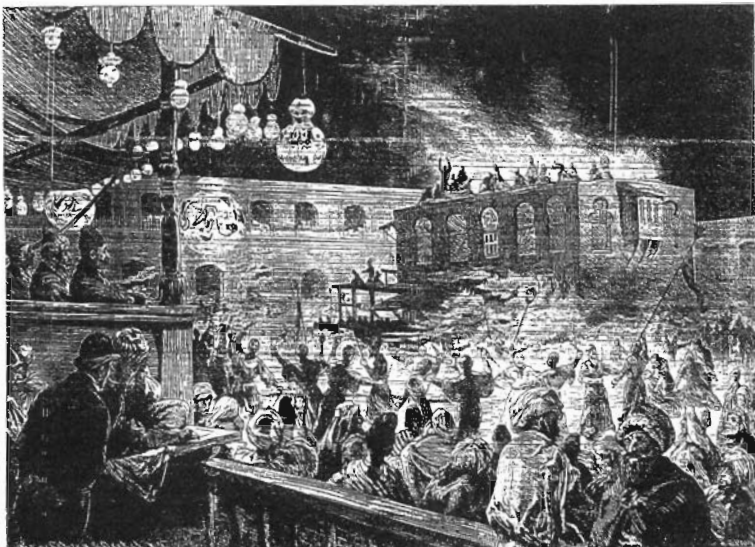
گذشته از برگزاری مراسم، امور مربوط به ایرانیان همچون ازدواج و طلاق و رسیدگی به مسائل شرعی نیز در این مسجد انجام می‌شود و نیز کتابخانه نسبتاً مفصلی در طبقه دوم آن واقع شده است.^۱

مسجد بویوک والده خان از گذشته‌های دور محل رفت و آمد شیعیان ایرانی تبار بوده و در دهه محرم در این مکان مراسم عزاداری برگزار و مردم عزادار اطعام می‌شدند.^۲

جهانگردی آلمانی بیش از یکصد سال پیش با حضور در مسجد والده خان با عزاداری ایرانیان به مناسبت روز عاشورا مواجه می‌شود و به نقاشی مسجد و مردم عزادار اطراف آن می‌پردازد. وی همچنین با حضور در عزاداری شیعیان استانبول در مسجد اسکودار (واقع در بخش آسیایی استانبول) نقاشی‌هایی نیز از عزاداری آنان ترسیم کرده و توضیحاتی درباره عزاداری ایرانیان در روز عاشورا می‌دهد.

۱. این کتابخانه با اهدای کتب شخصی مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالمجید واعظی از علمای سال‌های دور ساکن استانبول با نام کتابخانه اهل بیت (ع) بنیان نهاده شد و بعدها وسعت یافت.

۲. جهت آشنایی بیشتر با تاریخ عزاداری در این مسجد تاریخی به مطلب «شیعیان و عزاداری در تاریخ استانبول» در همین کتاب مراجعه کنید.



نقاشی مربوط به قبل از آتش سوزی مسجد بویوک والده خان

در نقاشی، مسجد بویوک والده خان (مسجد ایرانیان) قبل از آتش سوزی مشاهده می شود که عده ای روی بام آن مشغول تماشای عزاداری هستند. در مقابل مسجد نیز ایرانیان مقیم استانبول که اغلب اهل منطقه آذربایجان ایران بوده اند، در حال برگزاری مراسم قمه زنی هستند. در میانه دسته عزاداری عده ای چراغدان و بیرق حمل می کنند. گرداگرد مسجد، کاروانسرای در دو طبقه قرار دارد و مردم از بام و ایوان های آن مراسم عزاداری را تماشا می کنند. اثر را جهانگردی آلمانی حدود یکصد سال پیش در روز عاشورا در مسجد بویوک والده خان (مسجد ایرانیان) نقاشی کرده است.



عکسی قدیمی با حضور شیعیان و عالمان دینی در مسجد بویوک والده خان

نفر دوم نشسته از راست، مرحوم حجت الاسلام حاج
میرزا محمد صابری تبریزی است. نفر سوم نشسته از
راست، مرحوم پروفسور عبدالباقی گلپینارلی اسلام شناس
نامی ترکیه است. نفر اول نشسته از چپ، مرحوم حاج
محمد زرگری است. وی در ورود احمدشاه قاجار به
تبریز، به اعتراض در برابر شخص شاه پرداخت و به ترکیه
متواری و در استانبول ساکن شد. وی امور مربوط به اداره
مسجد و گورستان سیداحمد درسی را به عهده داشت.

دو مزار منسوب به دختران امام حسین (ع)

در انتهای خیابان جراح پاشا در قلب منطقه تاریخی استانبول مجموعه‌ای شامل یک مسجد و چند آرامگاه قرار دارد که با نام مسجد «قوجا مصطفی سنبل افندی»^۱ مشهور است. بنای اصلی این مجموعه کلیسا بوده که بعدها با تعمیرات متعدد تبدیل به مسجد می‌شود.



مزار منسوب به دختران امام حسین (ع)

در صحن مسجد دو مزار در کنار درخت سروی قدیمی قرار گرفته است. این دو مزار در زبان عثمانی با نام «کریمتین محترمتین» شناخته می‌شدند و در

1. Koca Mustafa Sümbül Efendi Camii.

دوره معاصر «چیفته سلطانلار» نامیده می‌شوند و از آن‌ها با عنوان مزار سکینه و فاطمه دو دختر امام حسین (ع) یاد می‌شود. گویا همین سنبل افندی محل مزارها را شناسایی و مشخص نموده است. بنای مزارها که به دستور سلطان محمود ثانی به انجام رسیده، یک و نیم متر بالاتر از سطح زمین و با سنگ ساخته شده و اطراف آن را نرده‌ای از جنس برنج به ارتفاع سه متر دربر گرفته است. نرده‌ها در انتها به صورت گنبد به یکدیگر متصل می‌شوند.

بر روی این شبکه برنجی اشعاری به خط «مصطفی عزت افندی یساری‌زاده» به صورت مذهب نگاشته شده است:

بو مشهد کیم زیارتگاه ارباب محبت دور
غبار عنبرینی کحل ارباب بصیرت دور
قفس یا هو تهی دور سمنه اطرافینده بو جایون
مشبک آشیان طوطیان باغ جنت دور
و ثرن فیض و شرف بو گلستان جنت‌آسایه
ایکی گل غنچه گل نخل گلزار رسالت دور
شهید کربلا سلطان حسینون دخترانیندن
دلیل یمن و توفیق و سعادت دور کرامت دور
بو جایه احترامی غازی خان محمود عدلینون
ایکی سلطان مدفون اولدوغی بونده روایت دور
بو جای پاکی تزئین انتمه دن اول قطب دورانون
مرادی خاندان مفخر کونینه حرمت دور
او خاقان کرامت شأن و عارف شاه آگاهون
بو خدمتده موفق اولدوغی بی‌ریب و منت دور
اولا صد سال معمور و معمر تخت عالی‌ده
وجود لازم‌الموجودی مولایه امانت دور
(اثر کلک داعی دولت یساری‌زاده مصطفی عزت ۱۲۲۸)

نزدیک این دو مزار، دو مزار دیگر قرار دارد که یکی منسوب است به دایه‌خاتون (به روایتی همسر جابر بن عبدالله انصاری و غسل‌دهنده آن دو پس از وفاتشان) و دیگری کاترینا دختر امپراتور بیزانس که به اسلام گروید و با عنوان «ساری صدیقه» معروف شد.



مزار منسوب به دختران امام حسین (ع)

گرچه به نظر می‌رسد حضور دختران امام حسین (ع) در این شهر و منسوب شدن دو مزار به آنان برخاسته از عشق و علاقه مردم به اهل بیت (ع) و نیز اشتباهات تاریخی است،^۱ اما در افواه مردم دو روایت در این باره وجود دارد؛ یکی اینکه این دو از دست ظلم و جور اموی گریخته و همراه لشکر اسلام که در میان آنان بسیاری از صحابه حضور داشته‌اند به سمت استانبول حرکت می‌کنند. امپراتور روم از آن دو برای پسران خود خواستگاری می‌کند.

۱. برخی محققین عقیده دارند حضور دو دختر امام حسین (ع) در استانبول، از نظر تاریخی مردود است. اما این امکان وجود دارد که با توجه به نام‌گذاری این محل، مزار، مربوط به دو تن از نوادگان آن حضرت باشد.

آنان چهل روز مهلت می‌خواهند. در این مدت از خداوند طلب خلاصی می‌کنند و در پایان مهلت چهل‌روزه از دنیا می‌روند.

بنا به روایتی دیگر، آن دو پس از اسارت در کربلا به بیزانس فروخته و در صومعه‌ای ساکن می‌شوند و دختر امپراتور به واسطه آنان به اسلام می‌گردد. بعضی بر این عقیده‌اند که جابر بن عبدالله انصاری این دو دردانه سیدالشهداء(ع) یعنی سکینه و فاطمه را در این مکان دفن و بر سر مزار آنان سروی کاشته است و کتیبه و شبکه‌ای برنجی بر سر مزار آن دو نصب کرده است.

همه‌ساله در روز عاشورا مراسم عزاداری سیدالشهداء(ع) از سوی علویان در این محل برگزار می‌شود.



مزار منسوب به دختران امام حسین(ع)

آنان از ابتدای صبح در این محل حاضر می‌شوند و به قرائت قرآن و اشعار آیینی شامل «الاهی»، «مولود» و «قصیده» می‌پردازند و نذری مخصوص روز عاشورا یعنی «عاشوره» را میان مردم توزیع می‌کنند.

هالکالی، حلقه عشاق امام حسین (ع)

عاشورا، ترکیه، استانبول، میدان هالکالی، جایی که همه ساله در روز عاشورا پذیرای صدها هزار عاشق امام حسین (ع) است.

هالکالی، محله شیعه نشین استانبول است. از سال ۱۹۸۲م بود که به دست حجت الاسلام صلاح الدین اوزگوندوز و حجت الاسلام حمید توران سنگ بنای برگزاری مراسم عاشورای حسینی در میدان هالکالی نهاده شد. مراسم، اندک اندک پا گرفت و سال ۱۹۹۱م برای نخستین بار خبر برگزاری چنین مراسمی در مطبوعات ترکیه منعکس شد. مراسم میدان هالکالی شامل سخنرانی چند شخصیت و صاحب نظر درباره امام حسین (ع) و عاشورا و اجرای یک تعزیه در روز عاشورا است.

میل و اشتیاق شیعیان و حتی غیر شیعیان برای برگزاری این مراسم سال به سال بیشتر شد و کار به آنجا کشید که در سال ۲۰۰۵م این مراسم در سه زمینه بیشترین تعداد تماشاگر یک نمایش (تعزیه) با سیصد هزار تماشاگر ثبت شده؛ بزرگ ترین کادر آماتور تئاتر (۸۴۰ نفر)؛ گسترده ترین صحنه اجرا در ۲۵۰۰ متر مربع صحنه خاکی و ماسه ای کاندیدای ثبت در کتاب رکوردهای گینس شد. ضمن اینکه از سوی سازمان یونسکو نیز به عنوان بهترین عزاداری در میان شیعیان انتخاب شد.

هالکالی اکنون به حلقه اتصال شیعیان، اهل تسنن و علویان ترکیه تبدیل شده است و همه حول محور عشق به اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) گرد هم می آیند. در هالکالی از قمه زنی خبری نیست و حتی از سال ۱۹۹۷م زنجیر هم نمی زنند، اما همه در صفی می ایستند و به واحدهای هلال احمر مستقر در میدان، خون اهدا می کنند. می گویند برای اولین بار در میان شیعیان جهان،

اهدای خون در روز عاشورا از همین مراسم باب شد. به طور کلی می توان گفت برگزاری هر ساله و پیوسته این مراسم و بازتاب آن در رسانه ها، باعث تسریع در روند معرفی و شناخته شدن شیعیان شده است.



مراسم عزاداری عاشورای هالکالی

گرچه چندصد نفر در برگزاری این مراسم فعالیت دارند اما وظایف همه مشخص و برنامه ریزی شده است و هر کس به مسئولیت خود احاطه کامل دارد و آن را به بهترین صورت از مدیریت مراسم تا کوچک ترین مسئولیت ها انجام می دهد.

همه ساله بعضی نمایندگان مجلس، نهادهای مردمی، میهمانان خارجی، سرکنسول های کشورهای اسلامی مقیم استانبول، سرکنسول های کشورهای ترک زبان در استانبول، نمایندگان مطبوعات و هنرمندان، انجمن های خانواده های شهدا و عموم مردم در این مراسم شرکت می کنند. رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس مجلس نیز برای حضور در مراسم دعوت می شوند. در سال ۲۰۰۶م رئیس مجلس ترکیه در این مراسم حاضر شد. در سال ۲۰۱۰م نیز رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه در این مراسم شرکت و سخنرانی کرد.

خبرنگاران بیش از پنجاه آژانس خبری ترکیه و دیگر کشورها هم، این مراسم را پوشش خبری می‌دهند. هر ساله حجت‌الاسلام اوزگوندوز رئیس انجمن زینیه و رهبر شیعیان این کشور در ویژه‌برنامه‌های عاشورایی شبکه‌های مختلف رادیو و تلویزیونی ترکیه حاضر می‌شود و به‌طور زنده درباره امام حسین (ع) و عاشورا به گفت‌وگو می‌نشیند.



حضور رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه در مراسم عزاداری عاشورای هالکالی

جذاب‌ترین بخش این مراسم، تعزیه است. متن تعزیه را معمولاً صلاح‌الدین اوزگوندوز بدون دخل و تصرف، ساده، بی‌آلایش و مستند می‌نویسد. در نگارش متن آن از منابع مشهور و مورد اتفاق اکثر مورخان و مقتل‌نویسان شیعه و سنی استفاده می‌شود. متن نمایشنامه تعزیه هر سال تغییر می‌کند و هر بار بخشی از واقعه عاشورا اجرا می‌شود. گاه حوادث روی داده در مدینه، گاه کربلا، شام و یا کوفه به میان آورده می‌شود. در این میان به دیگر قهرمانان کربلا همچون حضرت ابوالفضل (ع)، حضرت زینب (ع)، حضرت علی اکبر (ع) و نیز صحابه امام (ع) هم تأکید می‌شود. کارگردانی تعزیه را هم معمولاً «هلال محموداوغلو» کارگردان اهل جمهوری آذربایجان با همکاری کاظم آلبان، مشاور امور رسانه انجمن زینیه و کارگردان گروه تئاتر جوانان زینیه به عهده دارد.

برگزاری این مراسم، عاشورا و شهادت امام حسین(ع) را به موضوعی آشنا تبدیل کرده است، گرچه در گذشته بازتاب کمتری در میان مردم به‌خصوص اهل سنت داشت.

مراسم هالکالی که با عنوان «مراسم عزاداری جهانی عاشورا»^۱ برگزار می‌شود، اکنون دیگر شهرت جهانی دارد و به بخشی از هویت شهر استانبول و کشور ترکیه تبدیل شده است، چرا که هر ساله صدها هزار نفر در این مراسم شرکت می‌کنند.

مراسم، دفتر یادبودی دارد که شخصیت‌های گوناگون حاضر در مراسم، نظرات خود را در آن ثبت می‌کنند. قرار است این دفتر پس از تکمیل به صورت کتاب منتشر شود. یک شبکه تلویزیونی هم اجاره می‌شود و مراسم، مستقیم از آن شبکه پخش می‌شود. بعضی شبکه‌ها هم درخواست می‌دهند و این مراسم را رایگان پخش می‌کنند.

مراسم به صورت دوسه‌دی، شامل سخنرانی و اجرای تعزیه تهیه می‌شود و در بین حاضران توزیع می‌گردد. این سه‌دی‌ها نه تنها در ترکیه بلکه در کشورهای دیگر مثل روسیه و آمریکا هم توزیع می‌شود. قرار است در آینده این سه‌دی‌ها به زبان‌های عربی و فارسی هم ترجمه و منتشر شود. البته در برخی کشورهای عربی سه‌دی تعزیه این مراسم به عربی دوبله و منتشر شده است.

با بعضی از حاضران در مراسم هم مصاحبه شده و احساس و نظر آنان، در مورد این مراسم مکتوب شده و به صورت مجموعه کتاب‌هایی با عنوان برگ‌هایی از حزن عاشورا توزیع شده است. این مصاحبه‌ها به صورت تصویری نیز تهیه و منتشر شده است.

بررسی چند نماد تاریخی شیعی در تاریخ استانبول از زبان پروفیسور حسین حاتمی

تشیع در ترکیه گرچه سابقه‌ای دیرینه دارد و حتی پایه‌گذاران تشیع سیاسی یعنی صفویان با استفاده از قدرت ترکان شیعه یا به قولی علوی مسلک پراکنده در ترکیه در کنار ترکان ایران توانستند خودی نشان دهند و مسیر تاریخ ایران را تغییر دهند، اما تسلط چندصدساله عثمانیان سنی‌مذهب^۱ و اختلاف دیرینه آنان با صفویان شیعه‌مذهب باعث شد تا این دوستان و محبان اهل بیت (ع) دو قسمت شوند و اکنون جدا از همه تحلیل‌ها و نظریه‌های صاحب‌نظران، جمعیتی دو تا سه میلیونی شیعه و بیست میلیونی علوی در ترکیه نوین به سر ببرند.

پیروزی انقلاب اسلامی و تأثیرات غیر قابل انکار آن بر مسلمانان جهان و ترکیه، بارقه‌امیدی در دل شیعیان ترکیه ایجاد کرد و شیعیان اندک‌اندک توانستند با پشت سر گذاشتن تجربه تلخ دین و مذهب‌ستیزی در دوران جمهوریت، قامت راست کرده و حرکتی دیگر آغاز کنند.

گرچه این حرکت را باید به فال نیک گرفت اما این هنوز آغاز راه است. چنین است که هم‌اکنون شیعیان ترکیه از نبود استادان و دانشوران توانمند شیعی رنج می‌برند؛ کسانی که بتوانند به عنوان یک بومی با نیازهای مردم خود آشنا شوند و برای دردهایشان مرهمی فراهم کنند.

۱. به عقیده برخی محققین از جمله مرحوم پروفیسور عبدالباقی گلپینارلی، سلاطین نخستین عثمانی، شیعه‌مذهب بوده و همگی در بورسا مدفون شده‌اند. نام پنج تن آل‌عبا (ع) نیز بر فراز قبور آنان نقش بسته است. جد اعلا و اولین پادشاه عثمانی، «اطمان» نام داشت که پس از گرایش سلاطین عثمانی به تسنن، سلسله خود را به جای «اطمانی»، «عثمانی» نام نهادند.

از میان استادان توانمند و معتبر شیعه ترکیه می‌توان به پروفیسور «حسین حاتمی» اشاره کرد. گرچه او اصالتاً ایرانی است اما از کودکی در ترکیه به سر برده و اینک به عنوان یک شخصیت دانشگاهی دارای درجه و جایگاه خاص خود در میان شیعیان ترکیه است.

حاتمی در سال ۱۹۳۸م در استانبول زاده شد. پدرش از اهالی سلماس از شهرهای مرزی ایران در استان آذربایجان غربی بود.

وی تحصیلات خود را در استانبول آغاز کرد و در سال ۱۹۶۰م از دانشکده حقوق دانشگاه استانبول فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۹۶۸ در رشته حقوق دکترا گرفت و در سال ۱۹۸۱ به سمت پروفیسوری نائل شد و در نهایت در سال ۲۰۰۵ بازنشسته شد.



پروفیسور حسین حاتمی

حاتمی در کنار مشغله‌های فکری و کاری خود، اهل سرودن شعر هم هست. از وی اشعار بسیاری در نشریه اسلام به چاپ رسیده است.

نوشته‌های او در روزنامه‌هایی همچون ملی گازته، زمان، یئنی گوندیم، ماورا، شهر، یئنی عصر و یئنی شفق به‌طور مستمر به چاپ می‌رسید.

او با زبان‌های عربی، فارسی، انگلیسی و فرانسوی آشنا است. از وی ترجمه‌هایی به ترکی استانبولی مانند دولت در فقه اسلامی اثر امام خمینی، چهار زندان بشر اثر دکتر شریعتی، جلد نخست تاریخ فلسفه اسلام اثر هانری کربن به چاپ رسیده است.

از پروفسور حاتمی علاوه بر کتاب‌های درسی در موضوعاتی همچون حقوق، حقوق مدنی و حقوق انتقادی، کتاب‌هایی در موضوعاتی مانند اسلام و حقوق اسلامی به چاپ رسیده است:

— بررسی حقوق دولتی

— غربی‌شدگی

— مسئله امروزی شدن و جامعه

— درس‌هایی از حقوق اسلام

— اسلام، دین انسانیت و عشق

— زن در حکمت الهی

— نوشته‌های مه‌آلود

— اندیشه‌های مدینه

— حقوق بشر

در مجموع استاد دارای بیش از ۴۰ تألیف و ترجمه در زمینه حقوق و نیز اندیشه اسلامی است

استاد علی‌رغم این، در دانشگاه‌های مختلف استانبول تدریس می‌کند و در نشریه یئنی شفق نیز به نویسندگی مشغول است.

پروفسور حاتمی با شَم علمی خود در پی یافتن گم‌شده‌هایی از فرهنگ شیعی در ترکیه برآمده و به نتایج جالب توجهی نیز دست یافته است. آنچه در ذیل می‌خوانید یادداشتی از ایشان درباره چند نشانه و نماد شیعی در تاریخ استانبول می‌باشد.

مجمع البحرین کجاست؟

در ساحل آسیایی تنگه بسفر، در کنار سواحل دریای سیاه منطقه‌ای به نام «بی‌کوز»^۱ وجود دارد که در آن تپه‌ای به نام یوشع قرار دارد. یوشع نبی(ع)^۲ نام خواهرزاده حضرت موسی(ع) است.

در سوره مبارکه کهف به منطقه‌ای تحت عنوان مجمع البحرین اشاره شده است. همین‌طور از همراهی حضرت موسی(ع) و یوشع در راه مجمع البحرین سخن به میان آمده است؛ گرچه به صراحت نام یوشع ذکر نمی‌شود بلکه با تعبیر «جوان» از ایشان یاد می‌شود؛ که البته بعدها به مقام پیامبری می‌رسد.

مجمع البحرین به معنی محل تلاقی دو دریا می‌باشد. در آیه ۶۰ سوره کهف آمده است که «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا». حضرت موسی(ع) به رفیق جوانش (جوانمردش) می‌گوید من همچنان خواهم رفت تا به مجمع البحرین برسم یا عمر در طلب آن بگذارم. لذا با یوشع نبی(ع) همراه می‌شود و با هم به مجمع البحرین می‌روند.

به نظر حقیر تنها نقطه در خاورمیانه که اولاً در اطراف محل زندگی حضرت موسی(ع) و در ثانی محل تلاقی دو دریا باشد، همین شهر باستانی «بسفر» است که اکنون بخشی از استانبول می‌باشد. یعنی شهر کنونی استانبول، دو دریای بزرگ مدیترانه و سیاه را به هم وصل می‌کند که محل تلاقی این دو دریا، دریای اژه است.^۳

وقتی آن دو به مجمع البحرین می‌رسند، با خضر نبی(ع) مواجه می‌شوند

1. beykoz

۲. یوشع نبی(ع) از انبیای بنی اسرائیل است و پس از حضرت موسی(ع) رهبری قوم بنی اسرائیل را به عهده گرفت. یوشع نبی(ع) پس از ۲۸ سال رسالت، درگذشت. مزاری در گورستان تخت فولاد اصفهان، محلی در لبنان و نیز محلی در اردن فعلی از مزارهای منسوب به یوشع نبی(ع) به شمار می‌روند.

۳. درباره محل جغرافیایی «مجمع البحرین» نظریات مختلفی ارائه شده است. از جمله آلوسی و طبری عقیده دارند مجمع البحرین منطقه مابین خلیج فارس و دریای مدیترانه است. محمد بن کعب القرظی، مجمع البحرین را تنگه جبل الطارق یعنی محل اتصال اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه می‌داند. بعضی نیز حد فاصل دو رود کر و ارس در آذربایجان، و نیز محل اتصال دریای سرخ و دریای مدیترانه و تنگه هرمز را به عنوان موقعیت جغرافیایی مجمع البحرین معرفی کرده‌اند. م.

که البته نام ایشان هم در این ماجرا در قرآن ذکر نشده است. گویا حضرت موسی(ع) به قصد رودرو شدن با حضرت خضر(ع) عزم سفر می‌کند و به مجمع‌البحرین می‌آید. حضرت موسی(ع) با خدا مناجات می‌کند که آیا در روی زمین پیامبر دیگری در علم و درجه من هست یا نه؟ خداوند هم می‌فرماید که در مجمع‌البحرین بنده‌ای دارم که در علم لدنی از تو بالاتر است. به همین خاطر حضرت موسی(ع) علاقه‌مند می‌شود که برای دیدن حضرت خضر(ع) به مجمع‌البحرین برود.

حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد در منطقه فعلی بی‌کوز یعنی در غرب تنگه بسفر شهری وجود داشته است به نام «الن» یا «هلن». عرب‌ها نام مجمع‌البحرین را بر روی این منطقه می‌گذارند. حدود پانصد تا ششصد سال قبل از میلاد، الن‌ها بر این سوی شهر هم غالب شدند و این سوی شهر هم به دست آن‌ها افتاد. در این سو فنیقی‌ها که از نژاد سامی بودند، زندگی می‌کردند. در این منطقه تپه‌ای قرار داشته که الان به آن تپه یوشع گفته می‌شود. روی این تپه معابدی متعلق به یگانه‌پرستان وجود داشته است و حضرت خضر(ع) هم در این معابد ساکن بوده است.

بعد از آن که این شهر به دست بیزانسی‌ها افتاد، آنها هم به این تپه اهمیت دادند و یک معبد مسیحیت بر فراز آن ساختند. اعتبار این محل در دوره مسیحیت ادامه پیدا کرد.

بدین ترتیب حضرت موسی(ع) و یوشع(ع) به مجمع‌البحرین آمدند و با حضرت خضر(ع) در همین مکان دیدار کردند.

بعد از آن، سه رؤیتی که در آیات ۶۵ تا ۸۲ سوره کهف به آن اشاره شده، از سوی حضرت خضر(ع) به حضرت موسی(ع) نمایانده شد. منظوم از رؤیت این است که این طور می‌توان گفت که حضرت خضر(ع) در عالم واقع هیچ کشتی‌ای را سوراخ نکرد و هیچ کودکی را به قتل نرساند بلکه اینها رؤیت و مکاشفه‌ای بود که حضرت خضر(ع) به حضرت موسی(ع) نمایاند. نخستین رؤیت، سوراخ کردن کشتی بود.

در بحارالانوار حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که حضرت می فرماید: «و کان مثل السفینه فیکم و فینا ترک الحسین البیعہ لمعاویہ و کان مثل الغلام. فیکم قول الحسن بن علی لعبدالله بن علی لعنک الله من کافر فقال له قد قتلته یا ابا محمد و کان مثل الجدار فیکم علی والحسن والحسین».^۱ (مثل داستان کشتی بین ما و شما مثل بیعت نکردن امام حسین (ع) با معاویہ می باشد. و مثل آن نوجوان در بین شما، سخن امام حسن (ع) به عیبدالله بن عباس که فرمود لعنت بر تو ای کافر! که به او گفتند «ای ابا محمد! او را به قتل رساندی». و مثل دیوار در بین شما نیز حضرت علی (ع) و حسن و حسین (ع) هستند که آنها دو یتیم بودند که حق شان غضب شد.

این آیه، اشاره به حادثه کربلا تا ظهور حضرت مهدی (عج) دارد. یعنی خداوند متعال در کشتی اهل بیت (ع) که مصداق بارز آن سیدالشهداء (ع) است، شکست ایجاد کرد تا آن حضرات، و رسالتی که بر دوش داشتند تا زمان ظهور قائم آل محمد (عج) از شر ظالمان و جباران در امان بماند. حوادثی مانند کربلا روی خواهد داد و آنان از اهل بیت (ع) غافل خواهند ماند و نخواهند توانست کشتی نجات را به دست گیرند.

آن دو در ادامه سفرشان وارد قسمت غربی استانبول یا بیزانس شدند؛ یعنی محل کنونی ایاصوفیه که مرکز بیزانس بود. در آنجا یک شهر کوچک هلنی وجود داشت. دومین رؤیت یا مکاشفه در آنجا روی می دهد و حضرت خضر یک کودک را می کشد. «فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا»^۲ باز اینجا رؤیت صورت گرفته و در عالم واقع قتلی روی نداده است.

پدر و مادر این پسر، انسان های صالحی بودند اما چون این پسر در آینده فرد فاسقی می شد، خداوند خواست تا بهتر از این را بدانان بدهد تا آن پسر، آنان را به خوی کفر و طغیان خود درنیاورد. به همین خاطر او را کشت.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۰۷. ۲. کشف، ۷۴.

بعد از آن وارد آن شهر شدند. حضرت خضر(ع) بدون اینکه طلب پولی کند، دیوار خانه دو کودک یتیم را محکم نمود. «فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَبَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُصَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا».^۱ گنجی متعلق به دو کودک یتیم در پایین دیوار یکی از خانه‌های شهر پنهان بود.

چنین است که گرچه به ظاهر شکستی در کشتی رسالت و امامت ایجاد شد اما به زودی زنی از نژاد حواریون عیسی مسیح در همین شهر به دنیا آمده و در همین شهر رشد خواهد کرد و با امام حسن عسکری(ع) ازدواج خواهد کرد و فرزند او حضرت مهدی(عج) گنج متعلق به آن دو را آشکار خواهد کرد و دین محمدی(ص) عالم گیر خواهد شد.

جد مادری امام زمان(عج) کیست؟

اما جد مادری امام زمان(عج) کیست؟ در روایتی از پیامبر اکرم(ص) آمده است: «مهدی از فرزندان من است. صورتش مانند ماه منیر می درخشد. رنگ چهره‌اش عربی و قامتش اسرائیلی است».^۲ همان گونه که از اشاره حدیث برمی آید، حضرت مهدی(عج) نشانه‌هایی از نژاد اسرائیلی دارد. و این نشان می‌دهد که مادر آن حضرت نسب به یکی از حواریون عیسی مسیح(ع) می‌برد. ضمن اینکه در کمال‌الدین شیخ صدوق و الغیبه شیخ طوسی، و چندین منبع دیگر داستان معروف اسارت مادر آن حضرت در نبرد میان مسلمانان و رومیان آمده است.

جد مادری امام زمان(عج)، یوشع یا یشوعا نام دارد. یوشع نام یک شخصیت در پادشاهی بیزانس است. برای رسیدن به این شخص باید تاریخ روم را بررسی کنیم. قرن نهم میلادی مصادف با دوران ولادت امام زمان(عج) است. تنها شخصیت تاریخی دربار بیزانس که از نظر اخلاقی و دینی فردی مورد توجه بوده، همین یوشع است.

۱. کشف، ۷۷.

۲. گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۱۱۸.

میهاییل (میکائیل)^۱ طی یک کودتا در سال ۸۰۸م از سلطنت خلع می‌گردد و به تبع آن همه فرزندان و نزدیکانش دستگیر و به صومعه‌ها فرستاده می‌شوند. ایگناسیوس^۲ یکی از پسران میهاییل نیز به یکی از صومعه‌ها سپرده می‌شود و او در آنجا به مقام پاتریکی می‌رسد. یعنی رئیس روحانیان بیزانس یا همان استانبول فعلی.

مادریزرگ مادری و عمه‌های نرگس خاتون (س) نیز به یک صومعه ویژه زنان فرستاده شدند که اکنون محل آن، با نام مزار دو دختر امام حسین (ع) در محله «قوجا مصطفی پاشا»^۳ قرار دارد. اینجا یک صومعه قدیمی بیزانسی ویژه زنان بوده است و بعدها پس از فتح استانبول با نام مزار دختران امام حسین (ع) شناخته شد. دلیل این مسئله هم آن بود که در زمان یاووز سلطان سلیم که از دشمنان تشیع به شمار می‌رفت، امکان مطرح نمودن چنین مسائلی به عنوان نشانه‌هایی از امام دوازدهم شیعیان وجود نداشت. به همین خاطر از طرف پادشاه، مزار یوشع^۴ با نام مزار یوشع نبی (ع) شناسانده شد. یوشع نبی (ع) نیز همان طور که در بحث قبلی اشاره کردم، به همراه حضرت موسی (ع) به همین منطقه بیزانس آمده بود. و لذا در نظر عامه مردم هم وجود مزار ایشان در این منطقه ممکن به نظر می‌رسید.

یوشع از نظر علم و اخلاق در مقام والایی قرار داشت. او به مقام پاتریکی رسید. اما تلاش بسیاری شد تا او را از این مقام برکنار کنند و به همین دلیل

1. Mihael

2. Ignatius

۳. درباره این دو مزار به مطلب «دو مزار منسوب به دختران امام حسین (ع)» در همین کتاب مراجعه کنید.
 ۴. تپه یوشع در منطقه beykoz واقع شده و بلندترین و نزدیک‌ترین تپه استانبول به دریا محسوب می‌شود. ارتفاع این تپه دویست متر از سطح دریا می‌باشد. ساختمان‌ها و مسجد مستقر بر روی تپه به دستور چلبی زاده محمد سعید از صدراعظم‌های دوران عثمانی ساخته شد اما در طول زمان آسیب‌های فراوانی دید. بناهای فعلی، در سال ۱۸۶۳م به دستور سلطان عبدالعزیز عثمانی به صورت اساسی تعمیر و بازسازی شده است. مزار منتسب به یوشع، هفده متر طول دارد. مزارهایی با این ویژگی و منتسب به پیامبران الهی در کشورهایی همچون عراق، سوریه، اردن و لبنان وجود دارد. گرچه صاحب‌نظران انتساب این مزار به یوشع نبی (ع) را بعید می‌دانند اما عموم مردم این مزار را به عنوان مزار یوشع نبی (ع) پذیرفته‌اند و همواره زائران بسیاری به زیارت این مکان می‌روند. م.

شکنجه‌ها و آزار بسیاری دید ولی از سمت خود کناره‌گیری نکرد و در نهایت در همان‌جا درگذشت و همان‌جا نیز دفن شد.

برخی می‌گویند بارداس جد امام زمان (عج) بوده است در حالی که این‌طور نیست، چرا که بارداس دایی می‌هائیل و انسانی بدخو و سردار بسیار ظالمی بوده است و ما می‌دانیم که مادر امامان شیعه نیز، دارای نسبی پاک و اصیل بوده‌اند. اما ایگناسیوس یک پاتریک و مورد احترام مسیحیان بوده است. ایگناسیوس و پدر و مادرش به عنوان انسان‌های نیک‌سیرت مشهور بوده‌اند و جدشان شمعون ثانی از حواریون عیسی مسیح بوده است.

ایگناسیوس شخصیتی شناخته‌شده در تاریخ روم است اما در کتب تاریخ روم طبیعتاً اشاره‌ای به اینکه ایشان جد مادری امام زمان (عج) هستند نشده است. همان‌طور که تولد امام زمان (عج) مخفی نگه داشته شد و بارداری نرگس خاتون (س) هم بر کسی معلوم نگشت، دفن ایگناسیوس در تپه یوشع نیز مخفی نگه داشته شد.

بعدها برادر شیری «سلطان سلیمان قانونی» که یک عارف به شمار می‌رفت مدت مدیدی در این تپه تاریخی زندگی کرد و این مزار را به عنوان مزار یوشع نبی (ع) معرفی کرد.

هم‌اکنون این مزار در محلی به نام تپه یوشع نبی (ع) قرار دارد و در میان مردم نیز به عنوان مزار یوشع نبی (ع) مطرح است.

کلیسایی که در دوران بیزانس‌ها به دست ایگناسیوس روی تپه یوشع ساخته شده بود، آیا می‌هائیل^۱ نام داشت. این منطقه در زبان سامی فینیقی‌ها، "beyteniye" بود. این کلمه در زبان بیزانس‌ها به "bythinia" تغییر یافت که کلمه بیزانس از این کلمه گرفته شده است. البته قبل از بیزانسی‌ها، معبدی توحیدی متعلق به دین ابراهیم (ع) در همان‌جا وجود داشته که حضرت خضر (ع) هم در آنجا می‌زیسته است. بعدها همان‌طور که کعبه از بت‌ها پر

شد، در زمان پولیتیسم و بت پرستی الن ها، در آن مکان بت قرار داده شد. اما در دوره مسیحیت در سال ۳۳۰م، استانبول تبدیل به پایتخت مسیحیت شد. بیزانس ها سپس بت ها را از آن معبد برداشتند و به جای آن «ایکانو» یعنی تمثال ها و تصاویر حضرت عیسی (ع) و حضرت مریم (س) را قرار دادند. یوستینگانوس صومعه ای در کنار این معبد بنا کرد. ایگناسیوس نیز در دوره خود در آنجا یک کلیسا ساخت.



مزار منسوب به یوشع نبی (ع)

شعری در وصف مزار یوشع حک شده بر دیوار مزار

هم مفرح هم مقدس دور بو کهسار بلند	باغ جنت دور مقام یوشع ابن النون دور
ذاتنی انتمیش نبوتله مسجل کبریا	قبر حضرت دور مقام یوشع ابن النون دور
واصل مقصود اولور البت توسل انیلان	جای وصلت دور مقام یوشع ابن النون دور
بو محل اقدسی قابل می توصیف انیلمک	عین نعمت دور مقام یوشع ابن النون دور
سعدیا تعظیم ایله زیارت دائماً	محض رحمت دور مقام یوشع ابن النون دور

در تاریخ بیزانس آمده که ایگناسیوس در ۸۷۶م یعنی هفت سال پس از تولد امام زمان (عج) وفات می‌کند و ابتدا در ایاصوفیه دفن می‌شود اما بعدها رقیب او که یک پاتریک بود، جسد او را به بوتینگا در کلیسای میهائیل که خود ساخته بود، منتقل کرد. اما چون آن کلیسا از بین رفت و در آنجا یک مسجد از سوی عثمانی‌ها ساخته شد، آن مزار به نام مزار یوشع نبی (ع) معروف شد. بیزانس‌ها و روم‌ها محل آن کلیسا را فراموش کردند. الان چند نقطه را به عنوان کلیسای میهائیل معرفی می‌کنند. مانند محلی در منطقه مال‌تپه در بخش آسیایی استانبول. اما معروف‌ترین محل، همان تپه یوشع است.

مزار ابویوب انصاری از صحابه پیامبر اسلام (ص)

یکی از مزارهای مشهور استانبول، مزار ابویوب انصاری است که در ترکیه با نام «ایوب‌سلطان» معروف شده است. ابویوب انصاری از صحابه پیامبر (ص) بود. پیامبر اکرم (ص) پس از ورود به شهر مدینه ابتدا در منزل ایشان ساکن شدند. پس از رحلت پیامبر (ص) نیز جزء صحابه حضرت امیر (ع) درآمد و در جنگ‌ها نیز در رکاب آن حضرت جنگید.

در شهر استانبول مزارهای بسیاری به نام مزار صحابه پیامبر (ص) مطرح هستند اما تنها مزار ایوب‌سلطان را می‌توان به‌طور قطع تأیید کرد.^۱

در تاریخ آمده است که در سال ۴۸ ق/ ۶۸۸م مسلمانان تا قاضی‌کوی فعلی پیشروی کردند و در سال بعد با رسیدن نیروهای تقویتی از تنگه بسفر گذشتند و قسطنطنیه را محاصره کردند. در همین جنگ بود که گفته شده هفده صحابه پیامبر اکرم (ص) در سال ۵۲ق به شهادت رسیدند و نزدیک

۱. گفته می‌شود حدود دو هزار تن از صحابه پیامبر (ص) که در جنگ‌های فتح روم شرکت داشته‌اند، در استانبول مدفون هستند اما تنها مزار ۲۴ تن مشخص است. از این میان نیز تنها مزار ابویوب انصاری از نظر تاریخی صحیح است. اسامی صحابه‌ای که مزار مشخصی در استانبول دارند عبارت‌اند از: ابویوب انصاری، کعب بن مالک، عبدالله الانصاری، حسام بن عبدالله الانصاری، ابوالدرهم الشامی، جابر بن عبدالله انصاری، جابر بن محمد الانصاری، جابر بن سموره، جعفر بن عبدالله الانصاری، دایه‌خاتون، ابودراء، ابوسعید الخدری، ابوشیبه الخدری، حماد بن الانصاری، ابوذر غفاری، ادهم، خافر، عمرو بن عباده، محمد الانصاری، شعبه، عمرو عاص، سفیان بن عینه، وهب بن قشیره. م.

باروهای شهر دفن گردیدند. ابویوب انصاری نیز در خلال همین جنگ‌ها به علت بیماری و کهولت سن درگذشت.^۱

متأسفانه در برابر مزار ایشان لوحی از سوی مسئولین نصب شده که در آن به این نکته اشاره شده که ابویوب انصاری در زمان معاویه به عنوان یکی از فرماندهان سپاه یزید برای فتح استانبول آمده و در همین شهر وفات کرده است. این در حالی است که ابویوب انصاری در جنگ صفین در لشکر امام علی(ع) بود و حتی به چادر معاویه هم حمله کرد و نزدیک بود او را به هلاکت برساند که معاویه از برابر او گریخت. حال چگونه ممکن است که در لشکر یزید به فتح استانبول آمده باشد. صحیح آن است که ابویوب انصاری مردی کهنسال بود که او را به عنوان تبرک و یادگار پیامبر اکرم(ص) با خود بردند. این دلیل بر تأیید یزید از سوی وی نیست.



مسجد و مزار ابویوب انصاری

۱. ابویوب انصاری وصیت کرد پس از وفاتش تا هرجا که توانستند، پیکرش را با خود به سوی قسطنطنیه پیش ببرند و سپس در آن نقطه به خاک سپارند. لذا مزار ایشان هم‌اکنون در پشت حصار تاریخی استانبول قرار دارد. م.

جهت کسب اطلاع بیشتر ر.ک: احمد بن محمد اندلسی، العقد الفرید، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۱۱۶، ۱۹۸۳ و یا ر.ک: ابن سعد، طبقات الکبری، بیروت: دار بیروت لطباعه والنشر، ج ۳، ص ۴۸۴ و ۴۸۵، ۱۹۸۵ م.

مسجد ایوب سلطان در سمت شمال خلیج و در منطقه ایوب استانبول قرار دارد. ابویوب انصاری از اصحاب پیامبر (ص) و امام علی (ع) که در دوران فتح استانبول با لشکر اسلام به این منطقه آمده بود در این مسجد مدفون شده است.

به دستور سلطان محمد فاتح آرامگاهی بر مزار وی بنا کردند و در کنار آن نیز مسجدی بنا گردید. بنای کنونی مسجد در زمان سلطان سلیم سوم یعنی در سالهای ۱۷۹۸-۱۸۰۰م به دست اوزون حسین افندی معمار، ساخته شده است. اولیا چلبی سیاح معروف درباره کشف مزار ابویوب انصاری می گوید: «آغ شمس الدین محل این مزار را در رؤیای خود دیده و آن را برای دیگران بازگو می کند. سپس محل مذکور را حفاری کرده و جسد دست نخورده «ابویوب انصاری» را می یابند».

به هر حال حضور ابویوب انصاری در استانبول و رحلتش در این شهر به عنوان مهر و نشانی از اسلام و تشیع در این شهر است. شهری که زادگاه مادر امام زمان (عج) است و همان گونه که ایشان در مدینه میزبان پیامبر اسلام (ص) بودند، در استانبول میزبانی برای نواده آن حضرت یعنی امام زمان (عج) هستند و خواهند بود.

مزار شهید ثانی

مزار شهید ثانی در استانبول است اما این مزار نیز به فراموشی سپرده شده است. شیخ زین الدین بن نورالدین شیخ علی بن احمد عاملی جبعی در سال ۹۱۱ق در یک خانواده سرشناس شیعی در جبل عامل لبنان به دنیا آمد. او از فقهای بزرگ شیعه در قرن دهم و صاحب ۷۹ رساله و کتاب علمی بود. شهید ثانی به فقه مذاهب دیگر هم آشنا بود و حتی در دوره ای فقه مذاهب دیگر را تدریس هم می کرد. شهید ثانی حدود سال ۱۵۴۶م (۹۶۵ق) در زمان سلطان سلیمان قانونی شهید شد.^۱ در تاریخ آمده است که شخصی به نام

۱. در کتاب جواهر الاخبار نوشته بوداق منشی قزوینی به شهادت شهید ثانی در مملکت روم اشاره شده است. کتاب جواهر الاخبار در سال ۹۸۴ق نوشته شده است.

رستم که فرستاده پادشاه بوده، وی را در نزدیکی محله بایزید به شهادت رسانده است. در حالی که چنین نیست، بلکه شخصی به نام رستم پاشا که صدراعظم بوده، او را به شهادت رسانده است.

رستم پاشا به عنوان صدراعظم عثمانی، گروهی را به صیدا می‌فرستد تا شهید ثانی را دستگیر کنند و برای محاکمه به استانبول بیاورند. دلیل دستگیری وی هم این بوده که شهر صیدا در لبنان کنونی دارای جمعیتی غالباً شیعه بوده است. لذا مردم برای رفع اختلافات خود نزد حاکم عثمانی‌ها حاضر نمی‌شدند بلکه به شهید ثانی رجوع می‌کردند. بنابراین قاضی صیدا به رستم پاشا می‌نویسد که یک رافضی در اینجا فتوا می‌دهد و مردم در امور خود به او مراجعه می‌کنند.

رستم پاشا نیز دستور انتقال شهید ثانی به استانبول را صادر می‌کند. او را به استانبول آوردند. اما قبل از اینکه به خدمت رستم پاشا برسند، نزدیک محله بایزید از طرف رستم پاشا فرمان رسید که او را در همان جا گردن بزنید.^۱ به این دلیل که این شخص، عالم بزرگی است و در میان علمای سنی استانبول نیز دوستانی دارد و او را نجات می‌دهند و ما نمی‌توانیم او را بکشیم.

نزدیک منطقه بایزید، مسجدی به نام شهزاده هست. در باغ این مسجد، مزاری هست به نام حلواجی بابا که در سال ۱۹۶۰م از طرف حکومت نظامی وقت به عنوان اینکه در اینجا محلی برای زیارت وجود ندارد، تخریب شد.

۱. از شیخ بهایی نقل شده است که روزی شهید ثانی و شاگردش (شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی، پدر شیخ بهایی) از کنار ساحل مدیترانه در استانبول می‌گذشتند. وقتی به مکانی رسیدند که بعدها قتلگاه شهید ثانی شد، ناگهان رنگ چهره شهید ثانی تغییر کرد و مانند کسی که در برابر رویدادی بزرگ و ناگهانی قرار گرفته باشد، حالتی خاص به او دست داد. وقتی از علت آن سؤال شد، گفت: «در این مکان مرد بزرگی کشته می‌شود». پس از مدتی خود ایشان در همان جا به شهادت رسید (جبل عاملی، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۴۳).



مزار شهید ثانی در صحن مسجد شهزاده

که به اشتباه با عنوان مزار علی طبلی مشهور شده است

الان در آن محل یعنی محوطه مسجد شهزاده درخت بزرگی هست که زنان پای آن درخت را زیارت می‌کنند. این مکان به نام مزار حلواجی بابا معروف است. این در حالی است که مزار دیگری به نام حلواجی بابا^۱ در محله قلندر، خیابان بوزدوغان کمری، نزدیک دانشگاه استانبول قرار دارد. چرا به هر دو حلواجی بابا می‌گویند؟ نام حلواجی بابایی که مزارش نزدیک دانشگاه استانبول قرار دارد، یعقوب است، اما حلواجی بابایی که در حیاط مسجد شهزاده است، درواقع شهید ثانی است.

یعقوب، شوهرخواهر اسماعیل معشوقی است. خاندان اسماعیل معشوقی محب اهل بیت (ع) بودند و سلسله‌شان به درگاه اردبیل وابسته بود.

۱. شیخ یعقوب افندی معروف به «حلواجی بابا» در سال ۱۵۱۰م به دنیا آمد. او به پیرعلی آق سرائی پیر طریقت ملامتیه از شاخه بایرامیه انتساب پیدا کرد و خلیفه وی شد. حلواجی بابا پس از اعدام اسماعیل معشوقی، پسر پیرعلی آق سرائی در سال ۱۵۲۹م، به مقام شیخیت طریقت خود رسید. طریقت بایرامیه منتسب به علاءالدین اردبیلی از پیران درگاه تصوف اردبیل می‌باشد. م.

حکومت وقت در سال ۱۵۳۸م اسماعیل معشوقی و یعقوب حلواجی را دستگیر می‌کند. اسماعیل معشوقی در میدان سلطان احمد اعدام می‌شود اما یعقوب تبعید می‌شود و در سال ۱۵۴۶م از تبعید به استانبول بازمی‌گردد.



مزار حلواجی بابا، عارفی که هر شب جمعه به مزار شهید ثانی حلوا می‌فرستاده است

او خانه‌ای در محل دفن فعلی‌اش داشت. من گمان می‌کنم که یعقوب، اعدام شهید ثانی را دیده است. به جهت اینکه در امتداد مقابل منزل او و مزار فعلی‌اش در نزدیکی منطقه بایزید، سقاخانه‌ای قرار دارد.

عثمانیان طبق عادت خود، سر متهمان و اعدامی‌ها را در کنار چشمه‌ها یعنی همان سقاخانه‌ها می‌بریدند و سر را در چشمه می‌شستند و می‌بردند. چون یعقوب، اعدام شهید ثانی را دیده بود، هر شب جمعه بر سر مزار شهید ثانی حلوا می‌فرستاد و در بین فقیران توزیع می‌کرد. به همین خاطر هم به یعقوب که حلوا می‌پخته و هم به محلی که حلواها توزیع می‌شده، حلواجی بابا گفته شده است.

سال ۱۹۶۰م در پی یک کودتا، نظامیان بر سر کار آمدند و مزار شهید ثانی در محوطه مسجد شهزاده را تخریب کردند. اما هنوز از خاطره مردم محو نشده و آن را زیارت می‌کنند.

بنابراین رستم، که صدراعظم و داماد خلیفه عثمانی بوده، همان کسی است که دستور کشتن شهید ثانی را صادر کرده است نه کسی که شخصاً ایشان را شهید نموده است. اتفاقاً مزار همین رستم پاشا، نزدیک مزار شهید ثانی است. سلطان سلیمان قانونی پس از اینکه متوجه شد بدون محاکمه و بدون اجازه وی، شهید ثانی را کشته‌اند، دستور دفن شهید ثانی را صادر کرد و قاتل شهید ثانی را هم کشت.^۱

ابتدا به مردم می‌گفتند که در این مکان مزاری نیست و اینجا را زیارت نکنید اما الان بر سر آن مزار یک لوحه که هیچ اساس تاریخی ندارد، نصب نموده‌اند که بر روی آن نوشته شده که اینجا مزار یکی از صحابه به نام علی طبلی است که در فتح استانبول شرکت داشته است. در حالی که چنین صحابه‌ای وجود ندارد و این منطقه، داخل بی‌زانس قدیم بوده و مسلمانان نمی‌توانستند داخل شهر بی‌زانس یا استانبول شوند.

همین‌طور بسیاری مزارها که منسوب به صحابه هستند مانند جابر و عمرو بن عباد که در محلی تاریخی در کاراکوی قرار دارد، همه ساختگی است و احتمالاً مزار یکی از اسقف‌های شهر بوده است.

۱. نظریه‌های دیگری درباره چگونگی شهادت و محل دفن شهید ثانی مطرح است. از جمله اینکه شهید ثانی را پس از دستگیری در ساحل استانبول سر بریدند و بدن مطهرش را به دریا افکندند. شبانگاهان گروهی از مردم نوری در سمت دریا مشاهده کردند و به ساحل رفته و با پیکر بی‌سر شهید ثانی مواجه شدند. آنگاه پیکر وی را در پشت مسجد سلطان احمد دفن کردند. این محل هم‌اکنون با نام «کوم تپه‌سی» موجود و مزاری با عنوان «زین الدین ولی» در آنجا واقع شده است. م. جهت کسب اطلاع بیشتر ر.ک: مهدی پور، علی اکبر، ترجمه اسرار الصلوة شهید ثانی، مقدمه، قم: رسالت، ۱۳۸۲.

مسجد و گورستان تاریخی ایرانیان (سیداحمد درسی)

روزگاری اسکودار به عنوان آخرین شهر سرزمین آناتولی، محل اقامت و زندگی ایرانیان بسیاری بوده است. اما اکنون این شهر به استانبول متصل و تبدیل به یکی از مناطق شهر شده است. مسجد و گورستان ایرانیان استانبول در انتهای خیابان سیداحمد درسی متصل به گورستان قاراجا احمد قرار دارد. گویا این دو گورستان در گذشته به یکدیگر متصل بوده‌اند و بعدها بر اثر خیابان‌کشی بخشی از گورستان ایرانیان داخل خیابان قرار می‌گیرد.



ورودی مجموعه تاریخی مسجد و گورستان ایرانیان (سیداحمد درسی)

مزار سیداحمد درسی که عارفی ایرانی بوده، در منتهی‌الیه سمت چپ گورستان قرار دارد. شیعه یا صوفی بودن او چندان مشخص نیست؛ گرچه

صوفی‌گری ریشه‌ای دیرینه در ترکیه دارد و آرامگاه‌های بسیاری متعلق به این صوفیان و عارفان در جای‌جای شهر استانبول به چشم می‌خورد که محل رفت و آمد مؤمنین اهل سنت و نیز علویان است.



نمایی از گورستان تاریخی ایرانیان

مجموعه سیداحمد درسی شامل یک مسجد، گورستان، غسلخانه و کتابخانه‌ای کوچک است که کل مجموعه را هیئت امنای انجمن خیریه ایرانیان مقیم استانبول اداره می‌کنند.

پس از گذشتن از در فلزی و بزرگ مجموعه، اولین چیزی که به چشم می‌خورد، بنای زیبا و دلنواز مسجد می‌باشد که در گوشه‌ای از گورستان بر فراز یک بلندی بنا شده است. بنای مسجد شبیه مساجد عثمانی نیست. ساختمانی مستطیل شکل که در یک سوی آن گورستان و در سوی دیگر غسلخانه گورستان قرار دارد.^۱ گویا این مسجد نیز مانند مسجد والده‌خان بعد از یک آتش‌سوزی در سال ۱۹۳۳م تجدید بنا شده است. تزئینات و

۱. بنای غسلخانه مربوط به سال ۱۲۷۱ق و بانی آن حاج حسین‌علی تاجر خوبی است.

معماری داخلی مسجد نیز مطابق با هنر کاشی کاری و خوش نویسی ایرانی است. ساخت محراب مسجد در سال ۱۳۵۰ ش، در مدت دو ماه توسط استاد مصطفوی به انجام رسید. این مسجد با نام «تکیه ایرانیان» و «تکیه عجم‌ها» نیز معروف بوده است. به دلیل بُعد مسافت، نمازهای یومیه در مسجد برگزار نمی‌شود و تنها در مناسبت‌های مختلف همچون مراسم ختم یا عزاداری در ماه‌های محرم و صفر و ماه مبارک رمضان استفاده می‌شود.



مسجد تاریخی سید احمد درسی

تاریخ بنای مسجد، طبق کتیبه موجود در آن، به سال ۱۱۹۶ ش بازمی‌گردد. ماده تاریخ بنا در شعری که به صورت کتیبه‌ای سنگی بر دیوار مسجد نصب شده، آمده است:

در جهان از نام نیک آمد بقا	«لیس للانسان الا ما سعی»
لاجرم سرکار رفعت جایگاه	قدوه ارباب و احسان و سخا
حاجی حسینعلی آقای خویی	این بنا را کرد در اینجا بنا
گفت دانش بهر تاریخش بلی	نیست احسان را مگر احسان جزا ^۱

۱. به حساب ابجد سال احداث بنا ۱۲۳۲ ق مطابق با ۱۱۹۶ ش می‌باشد.

در سال ۱۳۴۹ش، حجت الاسلام ثقة الاسلامی امام جماعت ایرانی مسجد والده خان، در خلال سفر مهندس عبدالله ریاضی رئیس مجلس شاهنشاهی به استانبول، از وی جهت بازدید از مجموعه مسجد و گورستان سیداحمد درسی دعوت و پیشنهاد می‌کند تا بنای مسجد تخریب و به شکلی مدرن با معماری جدید تجدید بنا شود. پس از مدتی، نمایندگانی از سوی انجمن آثار ملی ایران به استانبول اعزام می‌شوند و اعلام می‌کنند که انجام این کار فعلاً مقدور نیست. لذا به حصارکشی اطراف مجموعه با هزینه ۴۰ هزار لیر ترک و ساخت محراب مسجد از سوی انجمن آثار ملی ایران اکتفا شد.

قدمت خود گورستان البته بیشتر از مسجد و متعلق به اوایل قرن یازدهم قمری است و شبیهی تقریباً ملایم به سمت مسجد و ورودی گورستان دارد. سنگ قبرهای قدیمی به صورت عمودی بر بالای هر قبر و با تراش‌های متفاوت برای زنان و مردان قرار دارد. البته برای افراد صاحب جایگاه و اعتبار، علاوه بر سنگ قبر عمودی، سنگ افقی نیز روی قبر قرار می‌گرفته است. این سبک در همه مزارهای دوران عثمانی دیده می‌شود. قبرهای جدید نیز مطابق با سنت ترکیه به صورت افقی و با استحکام است. البته اطراف مزار اشخاص نامدار و یا شاخص، با نرده‌هایی خاص^۱ محصور شده است. سرتاسر گورستان پوشیده از درخت و گل و گیاه است. به گونه‌ای که می‌توان از آن با عنوان یک باغ مزار یاد کرد. از حجم سنگ مزار می‌توان به میزان اهمیت فرد مرحوم پی برد. قدیمی‌ترین مزار شناخته‌شده و دارای سنگ مزار، متعلق به سال ۱۶۹۰م (۱۰۶۸ش) و مزار دیگری متعلق به سال ۱۷۴۸م (۱۱۲۶ش) مربوط به شاه‌دخت حوری سلطان دختر شاه حسین می‌باشد. بزرگی سنگ این دو مزار نشان دهنده اعتبار و جایگاه صاحبان مزار می‌باشد. از معروف‌ترین افرادی که در این گورستان دفن شده‌اند می‌توان به مرحوم پروفیسور عبدالباقی گلپینارلی اسلام‌شناس و مولوی پژوه نامی ترکیه

اشاره کرد. مرحوم حجت الاسلام موسی دانشگر که بیش از سی سال امامت مسجد بویوک والده خان را به عهده داشته و نیز استاد دکتر عباس افعالی از ایرانیان صاحب قلم و محقق در این گورستان به خاک سپرده شده‌اند. همچنین مزار تعدادی از خیرین و اعضای انجمن خیریه ایرانیان از جمله، محمد نقی شفیع زاده - تجدید بناکننده مسجد والده خان - معلمان و استادان ایرانی دانشگاه، مانند دکتر علی میلانی در این گورستان مدفونند.



مزار مرحوم پروفیسور عبدالباقی گلپینارلی از اسلام شناسان معروف ترکیه

اشعار و نوشته‌های سنگ مزارها جالب توجه و قابل تحقیق و بررسی است. اشعار به دو زبان ترکی و فارسی دیده می‌شود. نوشته‌های سنگ مزارهای قدیمی به صورت برجسته و مزارهای جدید به صورت کنده کاری شده است.

نمونه شعر ترکی مزار

نه یامان حاله سالوب چرخ ستمکار منی

چاره سیز درده عجب ایتدی گرفتار منی

گلشن حسنده من بیر گل نورسته ایدیم
سولدوروب صرصر جانسوز شرریار منی
حیرتیم گوزده قالبوب کامه یتیشمز اولدوم
عاقبت قویدی فلک حسرت دیدار منی

نمونه‌ای از اشعار فارسی مزار
دنیا مثال کشتی دریای پرخطر
با این خطر چگونه دلی وا کند کسی
خوش کشتی است حیف که گلچین روزگار
فرصت نمی‌دهد که تماشا کند کسی
هم‌اکنون تنها ایرانیان اجازه دفن در این گورستان را دارند. البته آذری‌های
شیعه ترکیه از این امر مستثنا هستند.

اهمیت دیگر گورستان سیداحمد درسی به استفاده‌های دیگر ایرانیان از این
گورستان برمی‌گردد. برگزاری مراسم‌های محرم از جمله آنها است. سندی که
به اجرای اولین مراسم محرم در این گورستان اشاره کند، فعلاً وجود ندارد،
احتمالاً پس از بنای ساختمان غسل‌خانه و مسجد یعنی نیمه دوم قرن ۱۹م
(۱۳ق)، این محل به اجرای مراسم محرم اختصاص یافته است.
با وجود این، برخی اسناد موجود از سال ۱۸۹۰م به برگزاری مراسم‌های
محرم در اسکودار اشاره دارد.

بنابراین سال ۱۸۹۰م می‌تواند آغازی برای برگزاری مراسم‌های محرم در
سیداحمد درسی باشد. البته این تاریخ دقیق نیست و به بررسی‌های بیشتری
نیاز دارد، ولی می‌توان احتمال داد که پس از سختگیری دولت عثمانی نسبت
به برگزاری مراسم محرم در بایزید و اطراف آن، برای برگزاری مراسم در
سیداحمد درسی سختگیری نمی‌شده است. نکته دیگر اینکه تبدیل
غسل‌خانه به مسجد احتمالاً به دنبال برگزاری مراسم محرم در این محل
بوده است.

البته احتمال دیگری نیز وجود دارد مبنی بر آن که بسیار زودتر از این سال (۱۸۹۰) نیز مراسم محرم در این گورستان اجرا می شده است. به طور مثال وزارت ضبطیه و سرعسکری قبل از آغاز مراسم محرم سال ۱۸۹۴م، در این زمینه اعلام آمادگی کرد و هشدارهایی نیز صادر شد. در این هشدار چنین قید شده است که:

به خاطر جمع شدن جعفری ها و اهالی در اجرای مراسم محرم در سیداحمد درسی (که عادت شده) باید دقت و مواظبت شود و تدابیر لازمه در خط سیر این مراسم افزایش یابد.

نمونه — سند

قوماندان مرکز در سعادت و فرقه همایون اول

مورخ ۱۳۲۲ قمری

چون شب شنبه آینده به دهم محرم ختم و عزاداری اجرا می شود، جهت نظم و ترتیب این مراسم که هر ساله تکرار می شود، همراه با مردم عادی، مأمور ارسال شود. همین طور روز دهم محرم در درگاه شریف سنبل سینان واقع در محله مصطفی پاشا، بین مردم آش پخش می شود و بدین روی محل مذکور بسیار شلوغ می شود. بنابراین تقیدات انضباطیه این مراسم تأیید شود و سه دسته سرباز در جوار درگاه مذکور گشت و گذار کنند و دربارہ خصوصیات امر و اشعار، گزارش تهیه کنند. تقدیم.

در ادامه می خوانیم که سرعسکر رضا پاشا در راپورت خود متعاقب روز پایانی مراسم های محرم نوشته است:

مراسم امسال بدون هیچ حادثه ای به پایان می رسید. او می نویسد:

در حوالی ساعت ۴ در سیداحمد درسی از اماکن اسکودار، جمعیت عزادار همراه با مرثیه خواندن به طرف اسکله اسکودار رفتند و در جلو اسکله ایستادند و به جمعیت آنها افزوده شد. سپس جمعیت همه با هم برای ازدیاد عمر و اجلال جناب خلافت پناهی دعا و تذکار لسان کردند و در سایه شاهانه هیچ حادثه ای واقع نشد. این

گزارش از اسکودار به تذکره قوماندان (سرعسکر بزرگ) وارد و خوانده شد. سرعسکر رضا.^۱

براساس این گزارش‌ها، مسیر حرکت عزاداران چنین بود: مراسم از کاروانسرای والده‌خان آغاز می‌شد و به سیداحمد درسی می‌رسید. جمعیت از سرکه‌جی به میدان اسکودار می‌رفتند و در آنجا همراه با جمعیت منتظر به خیابان قراجه احمد و بعد به میدان احمدیه، میدان دوغانجیلار و از آنجا نیز به خیابان پاشا قاپوسی وارد می‌شدند. سپس از کوچه سلطانیه می‌گذشتند و به جلوی گنبد قراجه احمد می‌رسیدند. آنها سرانجام پس از خواندن فاتحه به طرف سیداحمد درسی می‌رفتند و آنگاه عزاداری تمام می‌شد.^۲

این مراسم بهترین فرصت بود تا شیعیان درخواست‌هایی که از دولت داشتند مطرح کنند. به‌طور مثال سال ۱۹۰۴م در اثنای مراسم، از سلطان عبدالحمید دوم تأسیس یک زاویه را درخواست کردند. پیش از این شخصی ایرانی به نام سیدحسن بن فضل‌الله از طرف سفارت ایران، این درخواست را تقدیم کرده، ولی موافقت نشده بود. به این سبب در اثنای بازگشت از مراسم محرم به تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۰۴م، این درخواست با حضور ۱۵۰ نفر جلوی باب عالی و بعد از اجرای مرثیه خوانده و سپس نوشته و امضا شد.^۳

در سال‌های پیش از مطرح شدن مراسم عاشورای هالکالی، عزاداری روز عاشورا در مسجد سیداحمد درسی با حضور نزدیک به ۶۰ هزار نفر از شیعیان برگزار می‌شد. به گونه‌ای که پلیس ناچار به مسدود کردن خیابان‌های اطراف می‌شد. عزاداران نیز نذورات خود را به مسجد تحویل می‌دادند. غالب نذورات به صورت قند بود به‌طوری که هر ساله حدود ۴۰۰۰ کیلو قند به

1. BOA Y. PRK.ZB 13/40

2. C. Bildikten, naklen, Yüzyıllar Boyunca Üsküdar, İstanbul 2001, c II, M. Nermin Haskan a. g. e. II s 222.

۳. پیام بهارستان، اسرا دوغان، قبرستان و مدارس ایرانیان در استانبول در قرن ۱۹م (۱۳قمری).

عنوان نذر تقدیم مسجد می‌شد. در این میان بسیاری از نذرکنندگان را اهل سنت و حتی مسیحیان تشکیل می‌دادند.

در حال حاضر نیز این محل در روز عاشورا مورد توجه ایرانیان و اهل تشیع و تسنن ترکیه قرار می‌گیرد. حدود پنج تا هفت هزار نفر از طلوع روز عاشورا تا غروب آفتاب به تناوب به این محل می‌آیند و باز می‌گردند. متأسفانه برنامه دینی و فرهنگی خاصی برای حاضرین در این مجموعه وجود ندارد و مردم عموماً به زیارت قبور و پخش نذورات خود می‌پردازند. عید قربان و عید فطر نیز از ایامی است که رفت و آمد به این محل را افزایش می‌دهد. یکشنبه نیز به دلیل تعطیلی، از روزهایی است که تعداد زیادی از مردم به این مکان مراجعه می‌کنند.



نقاشی عده‌ای از ایرانیان در کنار آرامگاه سید احمد درسی.

در این نقاشی عده‌ای از ایرانیان مقیم استانبول در کنار آرامگاه سید احمد درسی از عارفان ایرانی در محله اسکودار (بخش آسیایی استانبول) با لباس‌های سیاه و حمل چراغدان و بیرق مشغول سینه‌زنی هستند.

در نقاشی دیگر، ایرانیان در حال زنجیرزنی به تصویر کشیده شده‌اند.

این دواثر را جهانگردی آلمانی حدود یکصد سال پیش در روز عاشورا نقاشی کرده است.

امام حضرت شهید یاری
احمد اقتصد

رحمة الله

دعاگونه اکا درویش لیلیا سولای تاریخ
اوله احمد انتدیک مقامی رحمت وادی
۱۵۲۰

حقیق والده سلطان حضرتی جامی
و کلبفر جی الحاج خلیل روحنه

الفاتحه

مرحوم امیر قاسم حضرتی رحیم چون

فاتیحه

امیرت رالیه امیر احمد حضرتی محمد دوم عباس
اولوب سید احمد درسته نایله باد اولان
محل و جاری نام عالیله بنده مضاف اولان
و تبره لری و قیله بنده جین اولان سیدی
اینه غراب بوش بوش بوش بوش بوش بوش بوش
اندر دین همایون خود جسته
حکم و غزنیه همایون حافظ کتبی خواجه
احمد اقتصد

رحمة الله

اندر دین همایون خواجه سید مدینه
کرآمدن ادرنوی سید مصطفی اقتدی

رحمة الله
۱۷

مرحوم استاد حاذق کامل الوجود
حامل القرآن العظیم سکا دی جنبی
جامع شریفی خطیبی قرا احسن
رحمة الله تبارک

۱۷۷۰

خطاط دوشین علی قولنه
رحمت الیه

۱۷۷۱

سما علی اغا رحمة الله
۱۷۷۲
مرحوم قاسم اغا بنده در
مرحوم احمد اغا بنده در
مرحوم احمد اغا بنده در

مرحوم قورد محمد اقتصد

رحمة الله

امیرت رالیه امیر احمد حضرتی محمد دوم عباس
اولوب سید احمد درسته نایله باد اولان
محل و جاری نام عالیله بنده مضاف اولان
و تبره لری و قیله بنده جین اولان سیدی
اینه غراب بوش بوش بوش بوش بوش بوش بوش
اندر دین همایون خود جسته
حکم و غزنیه همایون حافظ کتبی خواجه
احمد اقتصد

حاجی ابراهیم قولنه
رحمت الیه

۱۷۷۳

گروه‌های فعال شیعی

شکل‌گیری هویت دینی شیعیان

هویت دیرپای شیعه همواره در طول تاریخ با اتکا به ستارگان بی‌شمار فقاقت و علم شکل گرفته، قوام و دوام یافته است. در ترکیه نیز می‌توان نشانی از این ستارگان بی‌افول یافت، گرچه سلاطین عثمانی همواره با این عالمان (تحت عنوان علوی یا شیعه) مقابله می‌کردند.^۱

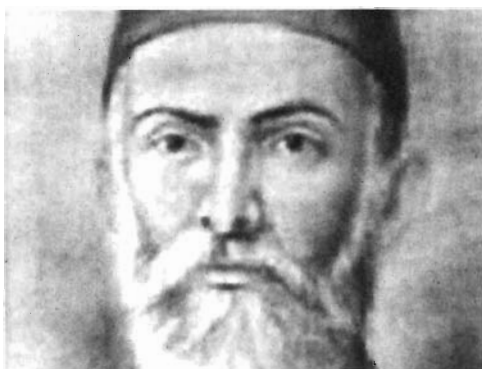
بزرگانی همچون شمس‌الدین سامی افندی، آخوند ملا محمد مالک و مرحوم پرفسور عبدالباقی گلپینارلی از این شمارند. این بزرگان پیش‌قراولان شکل‌گیری هویت شیعی ترکیه بودند. هویتی که رفته‌رفته به صورت انجمن‌ها و مراکز نظام‌یافته امروزی بروز و ظهور یافت.

شمس‌الدین سامی افندی در سال ۱۸۵۰ میلادی در فراشر از سرزمین‌های عثمانی (واقع در آلبانی فعلی) به دنیا آمد. او محقق رجالی، تاریخ‌نویس و صاحب تألیفات بسیار بود. سامی افندی ۵۴ کتاب نوشت که ۴۲ کتاب به چاپ رسید و مابقی به صورت دست‌نویس باقی مانده است. مهم‌ترین کتاب وی قاموس الاعلام به ترکی عثمانی است و در شش جلد شامل اعلام تاریخ و

۱. در نزدیکی کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه استانبول، ساختمان کهنه‌ای قرار دارد که نقل می‌شود مرحوم پرفسور عبدالباقی گلپینارلی هر روز در کنار این ساختمان ایستاده و فاتحه‌ای قرائت می‌کرد. وی عقیده داشت در دوران عثمانی، چهل تن از علمای شیعه را گردن زدند و در این مکان به خاک سپردند.

جغرافیا فراهم آمده است. سامی افندی این کتاب را در ده سال نوشت. علامه دهخدا در نگارش لغتنامه خود جابه‌جا از این اثر استفاده کرده است.

فرهنگ ترکی، فرهنگ ترکی — فرانسوی، تمدن اسلامی، اسطوره‌ها، اصول نقد، درباره انسان، درباره زبان، اشعار برگزیده فارسی، تصریف ترکی، گزیده دیوان امام علی (ع)، گزیده دیوان باقی و خلاصه تاریخ فرانسه برخی از آثار او است. وی به ترکی، عربی، فارسی، ایتالیایی، فرانسوی و یونانی مسلط بود.



مرحوم شمس‌الدین سامی افندی

شمس‌الدین سامی افندی در سال ۱۹۰۴ میلادی درگذشت و در کنار مسجد ارن‌کوی در استانبول به خاک سپرده شد.

یکی دیگر از عالمان بزرگ شیعی ترکیه، آخوند ملا مالک از مهاجرین قفقاز بود که بعد از جنگ جهانی اول در شهر کارس ساکن شد. وی چندبار در ابتدای جمهوریت دستگیر و زندانی شد. آخوند مالک در خلال یکی از محاکمه‌ها، به مناقشه با قاضی برخاست و در بحثی عقیدتی او را مغلوب کرد. پس از این محاکمه، فعالیت شیعه در ترکیه آزاد شد. کتاب دوغرو یول معروف‌ترین اثر وی است. آخوند ملا محمد مالک فعالیت‌های خیریه بسیاری همچون ساخت مسجد، مدرسه و مراکز خیریه در کارس به انجام رسانید. او شاگردان بسیاری تربیت کرد که هم‌اکنون نیز در ترکیه مشغول به فعالیت

هستند. از میان شاگردان وی می‌توان به «شیخ عزیز اوتاری» و «آخوند سیدجواد میری» اشاره کرد. آخوند ملامحمد مالک در سال ۱۴۰۰ قمری درگذشت.



مرحوم آخوند ملامحمد مالک

دیگر چهره بی‌بدیل این عرصه، پروفیسور عبدالباقی گلپینارلی بود. او در سال ۱۹۰۰ میلادی در استانبول به دنیا آمد. نام اصلی‌اش «مصطفی عزت باقی» و پدرش از مهاجرین قفقاز به شهر کارس بود. پس از اتمام تحصیلاتش مدتی به تدریس ادبیات در دبیرستان‌های شهرهای مختلف پرداخت. وی با دریافت مدرک دکترا، به تدریس تاریخ تصوف ترکی — اسلامی در دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول مشغول شد و در سال ۱۹۴۹ میلادی به خواست خود بازنشسته شد.

گلپینارلی مولوی شناس، تاریخ‌نویس و استاد تصوف بود. او گرچه بسیار در وادی تصوف قدم زد و به پژوهش پرداخت اما شیعه‌ای مخلص و پاک‌اعتقاد بود.



مرحوم پروفیسور عبدالباقی گلپینارلی

از او قریب به یکصد اثر به جای مانده است. از آن جمله می توان به تفسیر قرآن کریم، ترجمه نهج البلاغه، حضرت محمد (ص) و احادیثش، گلزار حسنین، دوازده امام، حضرت محمد (ص) و اسلام، حضرت علی؛ امیر مؤمنان (ع)، تاریخ اسلام از دیدگاه جامعه شناسی، ترجمه مثنوی معنوی به ترکی، تصحیح دیوان یونس امره، درباره ادبیات دیوانی، دیوان فضولی، دیوان ندیم، مولویه بعد از مولانا، ادب و ارکان مولوی، شرح مثنوی، نفس های علوی - بکتاشی، ولایت نامه حاجی بکتاش ولی، در ۱۰۰ سؤال، مذاهب و طریقت ها در ترکیه، تصوف در ۱۰۰ سؤال، گزیده شعر تصوفی ترکی، ملامتیه و ملامتیان، علاء الدین ریزه لی قایغوسوز، اصطلاحات و ضرب المثل های تصوفی در ترکی، اشاره کرد.

گلپینارلی مدخل «اثنی عشری» در دائرة المعارف اسلام را در ۸۰ صفحه نوشت. وی با باز نویسی این مدخل در ۷۰۰ صفحه، کتابی با عنوان مذاهب اسلامی و تشیع در طول تاریخ نوشت و به همه اعتراضاتی که در ۱۴ قرن تاریخ اسلام به تشیع شده بود، پاسخ گفت. همچنین دیوان تعدادی از شعرا و بزرگان علویان را تصحیح و منتشر کرد.

وی در دیداری که با مرحوم علامه جعفری در استانبول داشت، با هفت دلیل از مثنوی معنوی، تشیع مولانا را اثبات کرد که با اقبال مرحوم علامه جعفری مواجه شد.

گلپینارلی سرانجام در سال ۱۹۸۲م در استانبول از دنیا رفت و در گورستان سیداحمددرسی به خاک سپرده شد.

سازمان یافتن شیعیان

گرچه در سال ۱۹۲۵م و همزمان با تأسیس جمهوری در ترکیه، آیین‌های دینی و نمایش نمادهای کلیه فرقه‌ها و مذاهب ممنوع شد و از سال ۱۹۲۴م نیز فعالیت‌های مذهبی را سازمان دولتی دیانت کنترل می‌کرد ولی پس از دهه ۱۹۸۰م و آزادی‌هایی که به پیروان اقلیت‌های دینی و مذهبی مختلف داده شد، در کنار فضای اجتماعی - اقتصادی که نظام حاکم بر ترکیه فراهم کرده بود، شیعیان نیز توانستند از شرایط جدید استفاده کنند و به بازسازی ساختار هویتی خود و معرفی مبانی شیعه پردازند.

این امر زمانی جدی‌تر و نظام‌مندتر شد که مهاجرت‌های گسترده‌ای از سوی شیعیان شمال شرق به سوی مراکز صنعتی و شهرهای بزرگ غرب ترکیه به خصوص استانبول صورت گرفت. شیعیان با ساخت مسجد و راه‌اندازی انجمن‌های گوناگون برای بازیابی جایگاه واقعی خود تلاش کردند.

اکنون برخلاف مساجد سنی که زیر نظر سازمان دیانت قرار دارد، بنای مساجد شیعه با هزینه اهالی محل احداث و اداره می‌شود. حتی نیازهای مساجد همانند انتصاب امام جماعت، اداره مسجد، فعالیت‌های جانبی و بسیاری از فعالیت‌های دیگر را شوراهای انجمن‌های شیعی به عهده می‌گیرند.^۱ برخلاف استفاده سنتی از مسجد به عنوان مکان عبادت، مساجد شیعه علاوه

۱. شیعیان مایل نیستند مساجد آنان تحت اداره سازمان دیانت درآید. به عقیده آنان امام جماعت نباید از سوی دولت تعیین شود. آنان می‌گویند ما پشت سر امام منصوب از جانب سازمان دیانت نماز نمی‌خوانیم. مسئله اداره مساجد توسط سازمان دیانت از چالش‌های میان شیعیان و دولت است.

بر محل انجام آداب مذهبی، مرکز امور فرهنگی و اجتماعی شیعیان نیز به شمار می‌روند. می‌توان این مساجد را محل گردهمایی، انجام آیین‌های مذهبی از جمله نماز جمعه، تعزیه‌خوانی و راه‌اندازی هیئت نیز محسوب کرد. زنان شیعی نیز پایه‌های مردان در تمامی فعالیت‌ها شرکت می‌کنند.^۱

شیعیان رفته‌رفته با اتکا به مساجد اقدام به راه‌اندازی انجمن‌های گوناگون نمودند. مهم‌ترین این انجمن‌ها، «انجمن زینبیه» و «مؤسسه کوثر» است. هر کدام از این دو مرکز به زمینه‌های خاصی توجه بیشتری نشان می‌دهند. به عبارت دیگر هر یک گوشه‌ای از امر سازمان‌دهی امور شیعیان را به عهده گرفته‌اند. انجمن زینبیه با مدیریت حجت‌الاسلام صلاح‌الدین اوزگوندوز به عنوان رهبر شیعیان این کشور توانسته است در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حضور فعال داشته باشد. علی‌اوزگوندوز از نزدیکان صلاح‌الدین اوزگوندوز هم‌اکنون به عنوان نماینده حزب جمهوری خواه خلق در مجلس ترکیه حضور دارد. وی به تازگی خواهان تعطیل اعلام شدن روز عاشورا در تقویم ترکیه شده بود. مؤسسه کوثر نیز با مدیریت حجت‌الاسلام قدیر آک‌آراس سال‌ها است گرایشی فرهنگی و علمی در پیش گرفته و با ترجمه و تألیف و نشر کتب گوناگون مرتبط با شیعه، دوبله فیلم‌ها و سریال‌ها و برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و دینی سعی در ارائه چهره واقعی تشیع دارد.

یکی دیگر از تشکل‌های شیعی که به تازگی پا به عرصه نهاده، انجمن علمای اهل‌بیت (ع) ترکیه است. اعضای این انجمن نوپا را علمای شیعه ترکیه تشکیل می‌دهند. گرچه چند سالی است تلاش‌هایی برای راه‌اندازی این تشکل انجام می‌گرفت اما در نهایت در سال ۲۰۱۱م با برگزاری نخستین نشست خود، اعلام موجودیت کرد. ریاست این انجمن به عهده حجت‌الاسلام حسن قناعتلی است.

1. Baylak, Ayşen, Visibility Through Ritual; Caferi. Shiite Community in Turkey.

انجمن زینیه

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام صلاح‌الدین اوزگوندوز رهبر شیعیان ترکیه

*** لطفاً مختصری درباره وضعیت شیعه و شیعیان در ترکیه صحبت کنید.**

تاریخ شیعیان ترکیه با مهاجرت ترکان از آسیای میانه به سرزمین فعلی ترکیه و گرویدن بخش مهمی از ترکان به تشیع آغاز می‌شود. بخش اعظم شیعیان ترکیه را ترکان آذری تشکیل می‌دهند. محل اصلی سکونت ترکان آذری استان‌های کارس، ایغدیر و آغری است. این استان‌ها با توجه به اینکه در همسایگی کشورهای گرجستان، ارمنستان، آذربایجان و ایران قرار دارند، از اهمیت استراتژیکی برخوردارند. بخش زیادی از آذری‌ها که همگی شیعه هستند، به صورت گسترده رفته‌رفته به شهرهای بزرگ مهاجرت کردند. می‌توان گفت ترکان آذری نقش مهمی در گرایش دیگر قومیت‌های ساکن ترکیه به تشیع داشته‌اند. هم‌اکنون هم طبق گزارش مجلس ملی ترکیه، جمعیت شیعیان ترکیه بالغ بر سه میلیون نفر است و البته ما نیز این آمار را تأیید می‌کنیم. شیعیان در همه سطوح جامعه حضور فعال دارند. صدها عالم دینی داریم. سیصد مسجد بزرگ و کوچک در نقاط مختلف کشور فعالند. در مجلس نیز چند نماینده شیعه حضور دارند و در مسئولیت‌هایی چون ریاست شهرداری بعضی شهرها نیز، شیعیان حضور دارند. تعداد پزشکان، مهندسان، صاحبان شرکت، معلمان و رؤسای محلات نیز قابل توجه است و این نشانگر حضور پررنگ شیعیان در جامعه ترکیه است. به‌طور کلی می‌توان گفت شیعیان اکنون دوران طلایی خود را در زمینه آزادی مذهب و انجام اعمال دینی و ایفای نقش‌های اجتماعی پشت سر می‌گذارند.

* با توجه به اینکه بخش اعظم جمعیت ترکیه را اهل سنت تشکیل می‌دهند، ارتباط

شما با اهل سنت و پیروان مذاهب دیگر چگونه است؟

شیعیان به گفت‌وگو با پیروان مذاهب دیگر اهمیت فراوانی می‌دهند. تاکنون چند سمپوزیوم بین‌المللی با موضوع گفت‌وگوی ادیان از سوی شیعیان برگزار شده است. در دیگر کشورهای اسلامی و حتی کشورهای اروپایی و آمریکا نیز شیعیان به عنوان موضوعات تحقیقاتی مطرح شده‌اند. مسجد زینبیه هم‌اکنون برای اهل سنت تبدیل به مرکزی برای تحقیق در مورد تشیع شده است.



حجت‌الاسلام صلاح‌الدین اوزگوندوز رهبر شیعیان ترکیه

* در مورد مسجد زینبیه و فعالیت‌های آن توضیح دهید.

با افزایش تعداد شیعیان مهاجر به استانبول، در سال ۱۹۷۹م به فکر ساخت یک مسجد مختص شیعیان افتادیم. بنده با همکاری حجت‌الاسلام حمید توران شروع به کار کردیم و کم‌کم مسجد زینبیه احداث و تبدیل به یک مرکز فعال فرهنگی و اجتماعی شد. البته رفته‌رفته در دیگر مناطق کشور نیز مساجدی ساخته شده است. تنها در استانبول نزدیک به سی مسجد متعلق به شیعیان وجود دارد. برای آنکه بتوانیم شیعیان را زیر یک سقف جمع کنیم،

انجمن معرفی، تحقیقات و آموزش مذهب جعفری^۱ تأسیس شد. ارگان رسمی این انجمن نشریه جعفری‌یول^۲ است. البته نخستین نشریه اختصاصی شیعیان، در سال ۱۹۹۳م با نام علمدار و با هدف معرفی مذهب شیعه شروع به نشر کرد. یک شبکه رادیویی نیز تأسیس شد که به علت بعضی مسائل سیاسی از سوی حکومت تعطیل شد.

همچنین مسجد دارای یک کتابخانه بزرگ است که موقعیتی بین‌المللی دارد و به‌طور پیوسته در حال خدمت‌رسانی به همه گروه‌های مختلف سنی می‌باشد. زینبیه به جز ایام مذهبی در دیگر مناسبت‌ها مانند عید نوروز نیز فعالیت دارد. دیدار با شخصیت‌های بزرگ بین‌المللی و برگزاری مجالس دعا از دیگر فعالیت‌های این مرکز است. همچنین فعالیت‌ها و برنامه‌های مسجد زینبیه به‌طور پیوسته از طریق پیامک به اطلاع عالمان و شخصیت‌های مهم کشور می‌رسد.



نشسته از راست حجت‌الاسلام صلاح‌الدین اوزگوندوز و حجت‌الاسلام علی‌اکبر مهدی‌پور در مراسم کلنگ‌زنی مسجد امام صادق (زینبیه فعلی) در استانبول، ۱۳۵۶ش.

1. Caferilik İnancını Tanıtma Araştırma ve Eğitim Derneği.

2. Caferiyol

مسجد زینبیه به طور اخص به شیعیان و به طور اعم به اتحاد همه مسلمانان اهمیت فوق العاده‌ای قائل است. اتحاد، ضرورت این حرکت است. شناساندن دین و مذهب با نگرشی صحیح، اولویت اصلی مسجد است. حفظ اصالت مذهب نیز موضوع حیاتی زینبیه است، همچنان که تک تک شیعیان ترکیه در حفظ مذهب و فرهنگ خود کوشا هستند.

* برای آینده چه فعالیت‌هایی در نظر دارید؟

مهم‌ترین طرح و فعالیت زینبیه، یک پروژه تاریخی خواهد بود. مجموعه‌ای دینی - فرهنگی در حال ساخت است که در درون آن مسجدی با گنجایش ده هزار نفر در حال احداث است. در این مجموعه علاوه بر مسجد، مراکزی همچون ساختمان رادیو و تلویزیون، سالن کنفرانس، سالن تئاتر، مرکز تحقیقاتی، خوابگاه دانشجویی، دارالقرآن، مدرسه، سلف سرویس، سالن ویژه برگزاری مراسم و تفریح و مرکز خرید ساخته خواهد شد.

* کمی در مورد حال و هوای عاشورا و محرم در ترکیه توضیح دهید.

اکنون مردم اهمیت ندادن به واقعه عاشورا و زنده نگاه نداشتن یاد آن را نوعی بی‌وفایی به پیامبر (ص) قلمداد می‌کنند. همین گرامیداشت روز عاشورا، توجه اهل تسنن را نیز جلب کرده و آنها مایلند هرچه بیشتر در مورد امام حسین (ع) و عاشورا بدانند. در نتیجه مسئله عاشورا و محرم از سوی ریاست سازمان دیانت کشور به عنوان مسئله روز و رویداد دینی در خطبه‌های نماز جمعه هفته‌ای که روز عاشورا در آن قرار دارد، در کلیه شهرها مطرح و در مورد آن بحث می‌شود. در کنار این، روز عاشورا در تلویزیون نیز تبدیل به موضوع برنامه‌ها می‌شود و در روزنامه‌ها و نشریات و نیز اینترنت درباره عاشورا مطلب‌ها نوشته می‌شود و در این باب کتاب‌های بسیاری نیز منتشر می‌شود. گذشته از این با شروع ماه محرم ده‌ها مراسم و سوگواره عاشورایی با موضوعاتی همچون بهترین عکس و پوستر عاشورایی و سوگواره شعر عاشورایی در سراسر ترکیه برگزار می‌شود.

برای بالا بردن کیفیت فعالیت‌ها، با پایان یافتن برنامه‌های عاشورای هر سال، برنامه‌ریزی برای مراسم سال آینده آغاز می‌شود. با نزدیک شدن روز

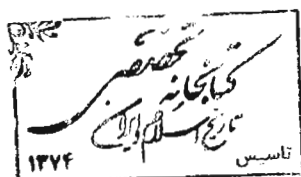
عاشورا با توزیع بروشور در میان مردم و نصب بنر و آگهی در سطح شهر و اماکن عمومی، مردم را از نزدیک شدن این روز و برگزاری مراسم‌های مختلف همچون مراسم ویژه میدان هالکالی آگاه می‌کنیم. هر سال نیز درخواست خود را مبنی بر تعطیل اعلام شدن روز عاشورا به مسئولین حکومتی اعلام می‌کنیم و خواهان آن هستیم تا حداقل نیمی از روز عاشورا تعطیل رسمی اعلام شود. سعی داریم با دعوت از مسئولین، ارتباط خود را با آنان قوی‌تر سازیم که نتیجه آن را نیز شاهد هستیم و هر ساله این‌گونه مراسم‌ها باشکوه‌تر از سال‌های گذشته برگزار می‌شود و در فعالیت‌هایمان با هیچ‌گونه محدودیتی از جانب حکومت مواجه نیستیم.

برنامه‌های عزاداری محرم همزمان و همانند شیعیان دیگر کشورها آغاز می‌شود. مساجد سیاه‌پوش می‌شوند، جشن‌های ازدواج و سنت‌های مرتبط با آن موقتاً تعطیل می‌شود. همچنین فعالیت‌هایی مثل شروع کار جدید، انتقال به خانه جدید، خرید لباس نو و موضوعات شادی‌آور در ماه‌های محرم و صفر تعطیل می‌شود. از نخستین روز محرم جلسات سخنرانی و عزاداری و سینه‌زنی در مساجد شیعیان آغاز می‌شود و از سویی دیگر تکاپو و تلاش برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم عاشورا پیگیری می‌شود. کوچه‌ها و خیابان‌ها سیاه‌پوش می‌شوند. شبکه‌های تلویزیونی زیادی به این ماه و روز عاشورا می‌پردازند و مطبوعات به ارائه مطالب گوناگون در این مورد می‌پردازند. نذورات زیادی از سوی مردم اهدا می‌شود. به‌خصوص در روز عاشورا درها به روی میهمانانی که به مناسبت روز عاشورا به منطقه می‌آیند باز می‌شود و از آنان با غذاهای نذری پذیرایی می‌شود.

*** ارتباط دینی شیعیان ترکیه با ایرانیان و مراکز علمی و مذهبی شیعی ایران در چه سطحی است؟**

ارتباطات خوبی وجود دارد. هم‌اکنون تعداد زیادی طلبه علوم دینی از ترکیه به ایران آمده و مشغول به تحصیل هستند. مراجع تقلید ما در ایران و شهر قم به سر می‌برند. اخبار شیعی ایران در این سو پیگیری می‌شود. با متخصصان

علوم دینی نیز همکاری داریم و از بعضی از آنها برای امور تحقیقی و شرکت در مراسم ها و مناسبت های گوناگون دعوت می کنیم. همه ساله تورهای زیارتی به شهرهای مقدس مشهد و قم اعزام می کنیم که این نیز در برقراری ارتباط بیشتر میان شیعیان ایران و ترکیه مؤثر است، به خصوص اینکه ترک زبانان نیز جمعیت قابل توجهی را در ایران تشکیل می دهند و این در بالا بردن سطح تماس ما با ایرانیان بسیار مؤثر است.



مؤسسه کوثر

در گفت و گو با حجت الاسلام قدیر آکا آراس مدیر مؤسسه

* ابتدا مختصری درباره مؤسسه و فعالیت‌های آن توضیح دهید.

عنوان مرکز ما «مؤسسه کوثر» است که به همین نام به صورت رسمی ثبت شده است. مؤسسه حدود بیست سال پیش یعنی سال ۱۹۹۰م به همت ده شخصیت حوزوی و یک شخصیت دانشگاهی به نام دکتر ضیاء تورک ییلماز تأسیس شد.

عمده فعالیت‌های مؤسسه کوثر را در سه بخش می‌توانیم خلاصه کنیم. یکی از واحدهای فعال مؤسسه، واحد انتشارات و نشریات است. تاکنون حدود دویست عنوان کتاب از سوی این بخش ترجمه و منتشر شده است. حدود سی عنوان نیز کتب تألیفی می‌باشد. فصلنامه قبله هم هر سه ماه یکبار منتشر می‌شود. در کنار اینها یک انتشارات با نام «نهاد» وابسته به انتشارات کوثر راه‌اندازی کرده‌ایم تا کتاب‌های دینی ویژه کودکان را منتشر کنیم.

از بخش‌های دیگر مؤسسه، واحد تبلیغات دینی است. در این بخش، کار اعزام و هماهنگی مبلغ برای مساجد، حسینیه‌ها و انجمن‌های فرهنگی انجام می‌گیرد. مؤسسه حدود پنجاه تن از علما و فضلا را تحت پوشش دارد. یعنی هر کدام در بخش‌های مختلف از قبیل انتشارات یا مساجد فعال هستند. تعدادی از آنها هم در کشورهای مختلف اروپایی مشغول فعالیت هستند.

حدود بیست انجمن فرهنگی در شهرهای مختلف وابسته به مؤسسه کوثر فعال هستند. دو انجمن هم با نام‌های «تایدر»^۱ و «انجمن جوانان آناتولی» در استانبول مستقر هستند.

انجمن تاید ر یک انجمن دانشجویی است و وظیفه آن شناخت و معرفی دانشجویان شیعه در دانشگاه‌های مختلف ترکیه است. انجمن جوانان آناتولی هم در بخش جوانان در سطح ترکیه فعالیت می‌کند.



حجت الاسلام قدیر آک آراس

بخش دیگر مؤسسه، واحد سمعی و بصری است. تاکنون اغلب فیلم‌ها و سریال‌های مذهبی که در ایران تولید شده، دوبلاژ و از شبکه‌های مختلف تلویزیونی پخش و به صورت سی دی توزیع کرده‌ایم. مانند سریال امام علی (ع)، امام حسن (ع)، امام رضا (ع) و فیلم‌های سینمایی راجع به معارف اسلامی. البته درصدد هستیم یک شبکه ماهواره‌ای تحلیلی - خبری راه‌اندازی کنیم که مقدمات و زیربنای آن مثل استودیوها آماده است و ان شاء الله به زودی راه‌اندازی می‌شود.

* درباره واحد انتشارات توضیح دهید؟

البته اگر بیست سال به عقب برگردیم، شیعه در ترکیه به جز دو - سه جزوه، یک منبع ترجمه یا تألیف شده به عنوان کتاب و منبع شیعه وجود نداشت. مؤسسه با هدف معرفی معارف اهل بیت (ع) و شیعه و ایجاد وحدت بین

شیعه و سنی پایه‌گذاری شد و تاکنون همه منابع اصلی شیعه ترجمه شده و مؤسسه کوثر تقریباً به جایگاهی رسیده که تبدیل به یکی از منابع شناخت شیعه و مرجع سؤالات و ارائه پاسخ در ترکیه شده و با مجامع علمی دانشگاهی و مؤسسات دیگر در ارتباط است.

*** آیا در انتشارات به مرحله تألیف هم رسیده‌اید؟**

حدود سی تألیف منتشر کرده‌ایم. البته ما هیچ‌گاه از ترجمه بی‌نیاز نیستیم. چون منابع شیعه یا باید از عربی ترجمه شود یا فارسی. یعنی بیشتر منابع شیعه به این دو زبان است. ما کار ترجمه را ادامه خواهیم داد و سعی می‌کنیم دوسوم آثارمان ترجمه و الباقی تألیف باشد.

*** آیا تألیفات‌تان به مرحله رقابت با آثار محققان ایران رسیده است؟**

بالاخره مرکز علم و فقهت، حوزه‌های علمیه است. روحانیان ترکیه در درجه اجتهاد و فوق اجتهاد نیستند تا توان رقابت داشته باشند اما بالاخره درباره موضوعاتی که در جامعه ترکیه مطرح است، کسانی هستند که بتوانند پاسخگو باشند. شاید به آن صورتی که در حوزه برخی موشکافانه روی مسائل کار می‌کنند نباشند ولی در حدی که نیازها را رفع کند، تحقیقات و تألیفاتی انجام می‌شود.

*** درباره نخبگان شیعی ترکیه مختصری توضیح دهید.**

افرادی مثل دکتر فاضل آغیش و پروفیسور حسین حاتمی و صالح اوچان هستند که از محضرشان استفاده می‌کنیم. از شخصیت‌های معروف ترکیه وحیدالدین اینجه است. ایشان در بین اهل سنت یک شخصیت شناخته شده هستند و چند تفسیر از تفاسیر اهل سنت را از عربی به ترکی ترجمه کرده‌اند. ما با ایشان ارتباط گرفتیم و ترجمه المیزان را به ایشان سپردیم. ایشان ترجمه تفسیر المیزان را به ترکی استانبولی انجام دادند و بعد از اتمام ترجمه به مذهب تشیع گرویدند. یا مثلاً راجع به نکاح متعه که در ترکیه به عنوان موضوعی بر علیه شیعه مطرح است و خیلی روی آن مانور می‌دهند، شخصی به نام عبدالقادر سوهاچی اوغلو

از اهالی آماسیا یک کار تحقیقاتی انجام داده که فکر می‌کنم در ایران چنین کتاب جامعی که پاسخگوی شبهات باشد، نوشته نشده است.

مؤلفان مان همه تحصیل کرده ترکیه هستند و هیچ ارتباط علمی با حوزه‌های ایران یا عراق ندارند و از شخصیت‌های علمی دانشگاه‌های ترکیه به شمار می‌روند.

*** احساس می‌کنید از بیست سال پیش تاکنون چقدر پیش رفته‌اید و نیازها را برطرف کرده‌اید؟**

همان‌گونه که گفتم در ابتدا هیچ منبعی به زبان ترکی وجود نداشت. لذا تصمیم گرفتیم در هر موضوعی حداقل یک عنوان کتاب منتشر کنیم تا اگر کسی بخواهد راجع به هر موضوع تحقیقی انجام دهد، به یک منبع دسترسی داشته باشد. لذا در موضوعات مختلف مانند عرفان، فلسفه، کلام، فقه و تاریخ، حتی آموزش الفبای قرآن و تجوید و موضوعات دیگر یک عنوان کتاب ترجمه و منتشر کردیم. از چند سال پیش بدین‌سو شروع به ترجمه آثار تخصصی نمودیم یعنی مباحث عمیق‌تری انتخاب شد. الان تقریباً به حدی رسیده‌ایم که سعی می‌کنیم بیشتر مسائل تخصصی را مطرح کنیم. الان اگر یک ترک‌زبان بخواهد در هر بخش از معارف شیعه کار تحقیقی انجام دهد، بالاخره به چند منبع دسترسی دارد.

*** آیا احساس می‌کنید مخاطبان تان در سطحی هستند که انتظار آثار قوی‌تری داشته باشند؟**

بله. به چند جهت: اول اینکه سطح کلی ترکیه به‌طور اخص و جهان اسلام به‌طور اعم از نظر علمی بالا آمده است. دوم اینکه مخاطبان ما تنها شیعیان نیستند و هم‌اکنون، بیشتر مخاطبان آثارمان اهل سنت و علویان هستند. یعنی فروش این کتاب‌ها در بین اهل سنت بیشتر از جامعه شیعه است. از طرف دیگر هم مراکز فرهنگی و مساجد شیعه بیشتر شده است. اینها همه عواملی است که دست به دست هم داده و سطح علمی و آگاهی جامعه را بالا برده است. البته نمی‌گوییم کارهایی که ما انجام داده‌ایم به تنهایی سطح توقعات

جامعه را بالا برده است، عوامل مختلفی دخیل هستند و یکی از آن عوامل همین منابع ترجمه یا تألیف شده مؤسسه کوثر است.

*** ناشران و مراکز دیگر چقدر در این زمینه فعال هستند؟**

به جز مؤسسه کوثر، چند ناشر دیگر مانند عصر، قرآن و اهل بیت و آل طه فعال شده‌اند که سابقه سه - چهارساله دارند. اینها هم فعالیت‌های خوبی داشته‌اند. در مجموع تا به حال حدود صد عنوان کتاب از طرف ناشران دیگر ترجمه شده است. ناشران اهل سنت هم چیزی بالغ بر پانصد عنوان کتاب شیعی در موضوعات مختلف منتشر کرده‌اند. البته آنها بیشتر کتاب‌هایی مانند آثار دکتر شریعتی یا شهید مطهری را - که دوسوم آن تا به حال ترجمه شده است - منتشر کرده‌اند. همین‌طور آثار عرفانی کسانی مانند دکتر یحیی یرسی، سیدحسین صدر و کتب ادبی ایران مثل دیوان حافظ، دیوان عطار نیشابوری، نظامی گنجوی، شهریار. یعنی کتاب‌هایی که جنبه عمومی دارند و مستقیماً به مسائل مذهبی مرتبط نیستند.

شاید بتوان گفت حدود هزار عنوان کتاب شیعی یا مرتبط با شیعه در ترکیه منتشر شده است.

*** با توجه به کمی جمعیت شیعیان در ترکیه، کتاب‌های شما از نظر تیراژ توان رقابت با آثار ناشران دیگر را دارند یا خیر؟**

البته در ترکیه کتاب‌های علمی، مذهبی و دینی در تیراژی بین سه هزار تا پنج هزار نسخه چاپ می‌شود که بعضاً به چاپ‌های دوم و سوم و بالاتر هم می‌رسند. تقریباً می‌توان گفت کتاب‌های شیعه هم با همین تیراژ منتشر می‌شوند. اما چاپ‌های بعدی در میان آثار اهل سنت بیشتر از آثار ماست. البته بعضی از کتاب‌هایمان به چاپ سی‌ام هم رسیده است. مثل کتاب شیعه در اسلام علامه طباطبایی که تاکنون هشت بار تجدید چاپ و به تعداد سی هزار نسخه منتشر شده است.

این نکته را هم عرض کنم که تنها حدود ده تا پانزده ناشر اسلامی در ترکیه هستند که مانند انتشارات کوثر توانسته‌اند بیست سال دوام بیاورند.

* آیا مشخصاً نتیجه و تأثیر آثار منتشرشده از سوی انتشارات کوثر را می‌توان در

شیعیان ترکیه مشاهده کرد؟

انقلاب اسلامی تأثیر زیادی در بیداری و آگاهی مردم شیعه و سنی و علوی نسبت به تشیع داشته است و در کنار آن، آشنایی با تشیع به واسطه آثار انتشارات کوثر صورت گرفته است. در برخی شهرها تعداد شیعیان به صدها نفر رسیده است که همه می‌گویند ما به واسطه کتاب‌های کوثر شیعه شده‌ایم، در حالی که در آن شهرها اصلاً شیعه‌ای وجود نداشته است. شهرهایی مثل ملاطیه، الازیغ، آدانا، دیاربکر و باتمان از این قبیل هستند.

* درباره اهداف و برنامه‌های شبکه‌ای که قرار است به زودی راه‌اندازی شود،

توضیح دهید.

فعالیت شبکه، بیشتر خبری - تحلیلی خواهد بود. چون همان‌طور که می‌دانید رسانه‌ها بیشتر در دست استکبار جهانی است و افکار عمومی را عاقدانه منحرف می‌کنند. الان شبکه‌های عرب‌زبانی مانند العالم و المنار با هدف روشنگری در میان مسلمانان فعال شده‌اند. همین کار را می‌خواهیم در ترکیه انجام دهیم. البته در کنار آن، معارف دینی هم مطرح خواهد بود ولی بخش اعظم کار، خبری و خصوصاً اخبار خاورمیانه خواهد بود.

قرار است این شبکه به صورت شبانه‌روزی و چند زبانه با اولویت ترکی استانبولی فعالیت کند. به زبان‌های کردی، آذری و عربی هم برنامه خواهیم داشت.

* برای فعالیت‌های شما از طرف دولت مانعی ایجاد نمی‌شود؟

هیچ مانعی از طرف دولت وجود ندارد. یعنی اگر فعالیت‌ها در چارچوب قانون باشد، توجهی به دینی و مذهبی بودن فعالیت‌ها ندارند. تنها شرط فعالیت، قانونی بودن کار است. دولت ترکیه کاری به مذهب و دین مردم ندارد. یعنی مردم در انتخاب دین و مذهب آزادند. هستند کسانی که به هر دلیل از تشیع به تسنن گرویده‌اند. این مسائل در یک جامعه طبیعی است.

*** درباره فعالیت‌های واحد تبلیغ توضیح دهید.**

ما دو گونه مبلغ داریم. مبلغان مقیم در ترکیه و مبلغان شاغل به تحصیل در حوزه علمیه. در ایام تبلیغ مانند تابستان، ماه مبارک رمضان و ماه محرم، علاوه بر اینکه فعالیت دوستان مقیم ترکیه را هماهنگ می‌کنیم، دوستانی را هم از قم جذب می‌کنیم و به‌طور موقت به شهرهایی که روحانی ندارند، اعزام می‌کنیم تا آنجا کار تبلیغی کنند و بعد به محل تحصیل خود برگردند. در حدود بیست شهر از شهرهای ترکیه شیعیان اندکی زندگی می‌کنند که حتی مسجد هم ندارند. فعالیت این شهرها به صورت انجمن‌های فرهنگی است. یعنی یک انجمن فرهنگی - علمی راه‌اندازی می‌شود و محلی اجاره یا خریداری می‌کنند و به صورت حسینه در آنجا فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی انجام می‌دهند.

اما شهرهایی که دارای مسجد هستند، شامل شهرهایی مثل ایغدیر، کارس، بورسا، ازمیر و آنکارا هستند. این شرایط حتی شامل شهر ایغدیر که اکثریت آن شیعه هست نیز می‌شود و تغذیه علمی آنها مانند ارسال نشریه از استانبول انجام می‌شود.

یکی دیگر از فعالیت‌های این واحد در گذشته، شناسایی و معرفی علاقه‌مندان به تحصیلات دینی در حوزه علمیه بود. اما از زمانی که دانشگاه جامعه المصطفی نمایندگی خود را در ترکیه فعال کرده، این وظیفه از دوش ما برداشته شده است.

*** در خارج از کشور چه فعالیت‌هایی دارید؟**

در آلمان، هلند، بلژیک و اتریش مساجدی داریم که مؤسسين آنها از روحانیان کوثر یا وابسته به کوثر هستند. حدود دوازده نفر از روحانیانی که در شهرهای مختلف اروپا فعال هستند، از مؤسسه کوثر تغذیه فکری و هماهنگی تبلیغی می‌شوند و کتاب و نشریه برای آنها ارسال و در آن کشورها توزیع می‌شود.

به‌علاوه در گرجستان، نخجوان و جمهوری آذربایجان فعال هستیم. معمولاً کنفرانس‌ها و میزگردهایی حول موضوعات مذهبی در این کشورها

با مشارکت مؤسسه کوثر یا رأساً از طرف مؤسسه کوثر و روحانیان مستقر برگزار می شود.

در کل ترکیه پنجاه مسجد وابسته به مؤسسه است و با بقیه مساجد هم از طریق انجمن علمای اهل بیت ترکیه در ارتباط هستیم. ما با تمام مساجد مانند مسجد زینبیه در ارتباط هستیم و مراسم های مشترک برگزار و در برنامه های یکدیگر شرکت می کنیم. ولی مساجدی که وابستگی سازمانی دارند، شامل پنجاه مسجد می باشند.

*** فعالیت شما در فضای مجازی چگونه است؟**

مؤسسه دارای سایت های مختلفی است. سایت rasthaber.com تنها سایت خبری شیعیان در ترکیه است که فقط کار خبری انجام می دهد و به طور میانگین روزانه چهل تا پنجاه هزار بازدیدکننده دارد. سایت kevser.net به معرفی فعالیت های مؤسسه می پردازد و سایت انتشارات کوثر هم کار فروش آنلاین محصولات و معرفی نشریات کوثر را به عهده دارد. انجمن ها و مؤسسات وابسته هم دارای سایت های مخصوص به خود هستند که در آن فعالیت های خود را معرفی می کنند.

*** ارتباطتان با مؤسسات شیعی دیگر کشورها چگونه است؟**

مؤسسه با مراکز شیعی کشورهای عراق، ایران و سوریه ارتباط نزدیکی دارد. همکاری هایی هم با مجمع تقریب مذاهب اسلامی، مجمع اهل البیت (ع)، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و بعضی مؤسسات کشور عراق داریم. مخصوصاً در ترجمه و نشر منابع شیعه قراردادهای متقابل داریم. با صدا و سیما و بنیاد فارابی و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی هم ارتباط و همکاری داریم.

*** به جز فعالیت هایی که اشاره کردید، آیا برنامه های خاصی در ایام مناسبتی برگزار**

می کنید یا نه؟

یک مسابقه فرهنگی داریم که از یازده سال پیش تاکنون در روز بزرگداشت ولادت حضرت فاطمه (س) و روز زن برگزار می شود. ابتدا فراخوان مسابقات

فرهنگی ویژه نوجوانان و جوانان اعلام می‌شود و نزدیک به هزار نفر به عنوان برگزیدگان فراخوان از شهرهای مختلف در یک منطقه بیلاقی جمع می‌شوند و مسابقات مقاله‌نویسی، شعر و مسابقات ورزشی نهایی از صبح تا شب برگزار می‌شود و به برگزیدگان، هدایایی اهدا می‌شود. همین‌طور سخنرانی‌هایی انجام و زمینه آشنایی شیعیان شهرهای مختلف فراهم می‌شود و هم یک برنامه تفریحی و علمی است.

در ماه رمضان و ایام محرم در شهرهای مختلف کشور کنفرانس‌هایی برگزار می‌کنیم و از شخصیت‌های مختلف مهمانانی را دعوت می‌کنیم. این کنفرانس‌ها در شهرهای آنکارا و استانبول به صورت بین‌المللی برگزار می‌شود. کنفرانس‌ها شامل سخنرانی، شعرخوانی، مداحی، سینه‌زنی و برنامه‌های دیگر است.

با توجه به اینکه مردم ترکیه اعم از سنی و علوی، ارادت خاصی به اهل بیت (ع) دارند، معمولاً کمترین شرکت‌کننده در این کنفرانس‌ها هزار نفر است یعنی علویان و اهل سنت هم شرکت می‌کنند. در کنفرانس‌های مهم‌تر هم تعداد شرکت‌کنندگان حتی به ده هزار نفر هم می‌رسد.

مؤسسه در روز عاشورا در استانبول برنامه واحد و یکپارچه‌ای برگزار نمی‌کند. دلیل آن هم این است که از سال‌ها پیش مراسم هالکالی از سوی انجمن زینبیه برگزار می‌شود و ما به احترام آنان و به دلیل پرشورتر شدن این مراسم، موازی‌کاری نمی‌کنیم. بلکه تا ساعت ده صبح مراسم عزاداری را در مساجد مختلف برگزار و سپس همگی در مراسم عاشورا در منطقه هالکالی شرکت می‌کنیم.

البته در شهرهایی مانند ایغدیر و کارس که شیعیان در اکثریت هستند، مراسمی شبیه همین مراسم هالکالی از سوی مؤسسه برگزار می‌کنیم. یعنی تا ساعت ده صبح مراسم عزاداری در مساجد مختلف برگزار می‌شود و بعد همه مردم در یک منطقه خاص گرد هم می‌آیند و مراسم عزاداری برگزار می‌شود. اما مراسم در شهرهایی که جمعیت شیعه کمتری دارند به صورت کنفرانس برگزار می‌شود.

* آینده مؤسسه را چگونه پیش‌بینی می‌کنید و چه اهدافی در نظر دارید؟

در تلاشیم اهداف‌مان را به صورت گسترده‌تر دنبال کنیم. زمینی را خریداری کرده‌ایم که به‌زودی کار ساخت آن را شروع خواهیم کرد و ساختمانی در هفت طبقه به مساحت هشتصد متر مربع احداث و تمام انجمن‌ها و مؤسسات وابسته به کوثر را در آنجا متمرکز خواهیم کرد. مساجدی هم که در مناطق مختلف هستند، فعالیت‌های خود را ادامه می‌دهند.

انجمن علمای اهل بیت (ع) ترکیه در گفت وگو با حجت الاسلام حسن قناعتی رئیس انجمن

انجمن علمای اهل بیت (ع) ترکیه با هدف آگاه ساختن جامعه درباره عقاید مذهب شیعه، پرداختن به اصول اخلاقی و عبادی شیعه؛ حمایت از اماکن عبادی شیعیان؛ پاسخگویی به سؤالات دینی جامعه؛ حمایت از پژوهش در ابعاد مختلف مذهب شیعه و شیعیان؛ فراهم ساختن زمینه توسعه میراث فرهنگی شیعی؛ افزایش روحیه همبستگی، محبت، برادری، برابری و اتحاد در کشور؛ و عمل نمودن به عنوان پلی میان نهادهای رسمی و مردمی تشکیل شده است.

این تشکل با عضویت اکثریت قریب به اتفاق عالمان شیعی ترکیه ساکن سراسر ترکیه و اروپا، شکل گرفت. اساسنامه آن تصویب شد و اعضای هیئت رئیسه نیز انتخاب شدند. از میان ۲۱۰ عالم شیعی ترکیه، ۱۸۵ نفر به عضویت این انجمن درآمدند. اعضای هیئت مدیره این انجمن عبارت‌اند از: قدیر آکاراس، زکی توم‌آی، زین‌العابدین سولهان، قاسم اردم، حسن قناعتی، اکبر یورت‌سئون، متین آتام، رحمان کارانلیک، دوغان آکبولوت، کاظم سیختاش، میکائیل گورل. حجت‌الاسلام حسن قناعتی نیز به عنوان رئیس هیئت مدیره انتخاب شد. با حجت‌الاسلام قناعتی در مورد انجمن و اهداف آن به گفت‌وگو نشستیم.

• ابتدا درباره فکر اولیه شکل‌گیری انجمن توضیح دهید.

همان‌طور که می‌دانید مسئله وحدت یک مسئله تکوینی، تشریعی، عقلی و فطری است. در باورها و ایدئولوژی‌ها درباره هیچ‌چیز به اندازه وحدت تأکید نشده است. می‌توان گفت وحدت ستون عالم هستی است. به عبارت دیگر، هیچ‌چیز بدون وحدت نمی‌تواند هویت خود را حفظ کند. در مورد انجمن علمای اهل بیت (ع) هم باید بگویم خارج از دلایل دینی باید دو گام اساسی نیز برداشت: برادری و اخوت؛ و مسئولیت مشترک. یعنی عالمان باید در کنار

وحدت در اعتقادات و دیگر احکام دینی، بر روی این دو ستون نیز استوار باشند. گرچه ممکن است برداشت‌ها نسبت به این مسئله، از شخصی به شخص دیگر متفاوت باشد، و از نظرگاه دین «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۱ مؤمنان همه با هم برادرند»، یا شرایط مختلف اجتماعی تفاوت‌هایی دیده شود، اما آنچه که جامعه در دوران حاضر فراتر از تفاوت‌ها از عالمان دینی انتظار دارد، چیزی جز وحدت نیست.



حجت‌الاسلام حسن فناعلی

منظور از مسئولیت مشترک نیز این است که طبق فرموده قرآن کریم، همه باید تبدیل به امت واحد شویم. بدین ترتیب که وقتی گروهی صاحب یک دین و باور مشترک هستند، هر یک از اعضای این امت واحد نسبت به اعضای دیگر آن مسئولیت خواهند داشت. اعضای انجمن علمای اهل بیت (ع) نیز به عنوان یک عالم، نسبت به مکتب اسلام، خادمان و منسوبان به آن مسئولیت دارند و بدان هم تأکید می‌کنند.

* چه تلاش‌هایی برای راه‌اندازی این انجمن صورت گرفت؟

یکی از مهم‌ترین اقدامات، امر مهم و دشوار نگارش و تصویب اساسنامه بود. برای رسیدن به یک اساسنامه ایده‌آل و بی‌نقص، اساسنامه با اساسنامه مراکز دیگر مقایسه شد. با حقوق‌دانان هم مشورت‌هایی صورت گرفت؛ چرا که اساسنامه در واقع برای هویت‌بخشی و شناساندن و سامان‌دهی حقوقی یک مذهب و منسوبان به آن در ترکیه بود که قرن‌ها به عنوان یک حقیقت نادیده گرفته می‌شد. به این خاطر نیاز به توجه و حمایت زیادی داشت. از مهم‌ترین ماده‌های این اساسنامه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نام تشکل، «انجمن علمای اهل بیت (ع)» است. این عنوان، همه منسوبان به مذاهب گوناگون را دربر می‌گیرد. اگر عناوینی مانند شیعه و جعفری به کار می‌رفت، هم حساسیت دیگر مذاهب و هم حساسیت دولت را برمی‌انگیخت.
۲. دومین ماده اساسی عبارت است از عدم انتساب به هیچ حزب سیاسی، نهاد و تشکل رسمی. این مسئله هم با اصول اساسی مکتب شیعه و هم با سنت تاریخی علما انطباق دارد.
۳. تأکید بر دفاع از برخی حقوق در ارتباط با مساجد و مذهب شیعه. همچنین تأسیس مراکزی برای تربیت نسل آینده.

* درباره اهداف انجمن توضیح دهید؟

اهداف این انجمن را این‌گونه می‌توان خلاصه کرد:

۱. گرد آوردن عالمان دینی به عنوان رهبران جامعه شیعی در یک مرکز و وحدت بخشیدن به آنان برای نخستین بار در ترکیه.
۲. پس از وحدت بین علما، نوبت وحدت در میان آحاد جامعه شیعی است. بدین ترتیب که روشنفکران، سیاستمداران، دانشگاهیان، تجار، اصناف و همه گروه‌های اجتماعی را در یکجا گرد آورده و یک گروه مشورتی تشکیل دهد.

۳. حفظ و حراست از حقوق فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، قانونی و تاریخی این خانواده سه میلیون نفری. به عبارت دیگر این کار، مطالبه یک‌سری

حقوق جدید نیست بلکه منظور، دفاع و محافظت از حقوق از دست رفته، حقوق فعلی و حقوق طبیعی و شهروندی هر فرد است.

۴. براساس بیانیه حقوق بشر سازمان ملل متحد، «آسیمیلاسیون، یک جرم انسانی است». یکی از اهداف مهم انجمن، جلوگیری از سیاست آسیمیلاسیون از سوی سازمان دیانت به عنوان یکی از نهادهای مهم دولتی است که جامعه شیعه را هدف گرفته است. سازمان دیانت سعی در جذب علمای شیعه در سازمان دارد که انجمن می‌کوشد با این مسئله مقابله کند.
۵. یکی دیگر از اهداف مهم انجمن، تربیت نسلی است که بتواند به واسطه برادری دینی با مذاهب، مشرب‌ها، نژاد و طریقت‌های مختلف، رشته‌های برادری را نیرومندتر سازد و دوستدار ملت و وطن خود و دارای بصیرت بالا باشد. نسلی که بتواند به باورهای دینی خود عمق ببخشد و از وحدت و یکپارچگی و همبستگی کشور و امت خود دفاع کند و حضور فعال داشته باشد.

*** به نظر شما برای تداوم بخشیدن به این مسیر و برداشتن گام‌های مثبت باید به چه نکاتی توجه کرد؟**

۱. جدیت در امور دینی باید بیش از جدیت در دیگر امور باشد، چرا که دین یک نظام الاهی است. همان‌گونه که در یک نظام تکوینی همه چیز کاملاً جدی حرکت و براساس یک نظام خطاناپذیر عمل می‌کنند، در امور تشریعی (دین) نیز عیناً همین وضعیت جریان دارد. دین یک نظام کاملاً جدی است بنابراین منسوبان به آن و به‌ویژه کسانی که می‌خواهند رهبری آن را به عهده بگیرند، باید انسان‌هایی جدی باشند.
۲. عالمان و رهبران دینی باید در دین‌مداری خود دقت افزون‌تری داشته باشند؛ چرا که مسئولیت سنگینی به عهده دارند. به عبارتی باید به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا»^۱ ای اهل ایمان! ایمان بیاورید» عمل کنند و همواره در حال خودسازی باشند.

۳. باید خود را از هر گونه جانبداری، تعصب، آلودگی و اشتباه، آقامنشی و تحکم و درنهایت از هر گونه قول و عملی که ممکن است بر وحدت سایه بیاندازد خودداری کنند. به حول و قوه الهی، جامعه شیعی هم‌اکنون به مرتبه‌ای از بیداری و آگاهی رسیده است که به نیت پشت پرده هر سخنی که مطرح می‌شود، واقفند. به همین خاطر وسیله فریب، پشتیبانی و آلت دست هیچ گروهی بر علیه گروهی دیگر قرار نمی‌گیرد چرا که این مسئله مانع وحدت است و به آن ضربه می‌زند.

۴. باید انرژی و توان خود را نه بر علیه یکدیگر بلکه در راه وحدت صرف کنیم.

۵. در شرایط حساس کنونی نباید سخن هر کسی را پذیرفت و باید راه فتنه را سد کرد. فراموش نکنیم که در دوره آخرالزمان یعنی دوره فتنه‌ها هستیم.

۶. هر قول و عملی که در راستای اختلاف‌افکنی گفته یا نوشته شود، خدمت به دشمنان مشترک‌مان محسوب می‌شود و باید از آن اجتناب کرد.

*** ارتباط عالمانی که عضو این انجمن هستند با مردم و به‌ویژه روشنفکران چگونه خواهد بود؟ به عبارت دیگر چرا این انجمن فقط عالمان شیعی را دربر می‌گیرد؟ چرا عالمان و روشنفکران غیر شیعی را دربر نمی‌گیرد؟ آیا در این صورت تأثیرگذارتر نبود؟**

این انجمن با وجود آنکه متشکل از علما است اما در آینده می‌تواند پیشرو دیگر تشکلات به عنوان یک تشکل مرکزی باشد. یعنی اگر بتوانیم این خانواده (انجمن علمای اهل بیت (ع)) را شکل دهیم، در آینده خواهد توانست سیاسیون، روشنفکران، دانشگاهیان و همه دیگر گروه‌های اجتماعی را دربر بگیرد و نیز وسیله‌ای برای شکل‌گیری بعضی تشکلات بزرگ‌تر شود. انجمن خواهد توانست در آینده به وسیله تعامل با مردم و استفاده از تجارب کسب‌شده، از جمله تشکلات موفق باشد. البته باید در این راه صبور بود.

* به عنوان ریاست انجمن، چه انتظاری از جامعه و دوستداران اهل بیت (ع) دارید و چه توصیه ای می کنید؟

انتظارمان از دوستداران اهل بیت (ع)، حمایت فکری و معنوی از مرکز است. ما از نقدها و پیشنهادهای آنها استقبال می کنیم. هرچه این نقد و نظارت از آن سو بیشتر باشد، به نسبت ما نیز ترغیب به کار و تلاش بیشتر خواهیم شد. فراموش نکنیم که مکتب اهل بیت (ع)، تنها مکتب علما نیست، بلکه مکتب همه انسانیت و مکتب هر کسی است که احساس مسئولیت دارد.



علویان

علویان کیستند؟

علویان با عناوینی همچون بکتاشی، نصیری، قزلباش، تخته‌چی و غیره شناخته می‌شوند. به عقیده الیاس اوزوم ظاهراً علویان جدای از شیعیان هستند گرچه ریشه‌های آنان را باید در تاریخ شیعیان جست‌وجو کرد.^۱ مارتین ون بروئینسن علویان ترکیه را براساس زبان مادری‌شان به چهار گروه تقسیم می‌کند. این دسته‌بندی، علی‌رغم اعتراف وی به تفاوت بسیار در اعتقادات و آیین‌های گروه‌های مورد تحقیقش انجام گرفته است. وی می‌گوید:

در استان‌های شرقی کارس و ایغدیر گروه‌هایی از این فرقه به سر می‌برند که به زبان ترکی آذری صحبت می‌کنند. علویان این منطقه تفاوت چندانی با شیعیان اثنی‌عشری ایران ندارند. علویان عرب‌زبان جنوب ترکیه در شهرهای هاتای و آدانا، نصیری هستند و هیچ پیوند تاریخی با دیگر گروه‌های علوی ندارند. تعداد آنها کم و نقش ناچیزی در کشور دارند. گروه‌های مهم فرقه علوی، ترک و کرد زبان هستند. این گروه‌ها ظاهراً بازماندگان قبایل شورش‌گرو به لحاظ مذهبی وام‌دار دولت صفوی هستند.^۲

1. İlyas Üzümlü, Türkiye'de İnanç Esasları Açısından Caferilik.

2. Martin Van Bruinessen, Kurds, Turks and the Alavi Revival in Turkey.

دیوید شانکلند^۱ نگاه معتدل‌تری در مقایسه علویان و شیعیان دارد. وی می‌گوید:

غالباً این پرسش مطرح می‌شود که آیا علویان همان شیعیان هستند؟ خود علوی‌ها از عنوان شیعه برای معرفی خود استفاده نمی‌کنند. آنها این عنوان را مناسب شیعیان ایران می‌دانند. علوی‌ها هیچ پیوند اجتماعی یا معنوی با ایران ندارند اما نوادگان پیامبر(ص) دارای جایگاه ویژه‌ای در اصول آنها هستند. آنان شدیداً متأثر از فهم شیعی از توسعه اسلام در تاریخ هستند. حتی ظاهراً از نظر جهان‌بینی جزء غلات محسوب می‌شوند. گروهی که در ستایش علی(ع) به شدت اغراق می‌کنند و بعید است که این زیاده‌روی مورد پذیرش شیعیان باشد.^۲

درحقیقت گرچه می‌توان علویان را پاره‌ای جدا افتاده از شیعیان دانست و اشتراکاتی همچون اعتقاد به دوازده امام را به میان کشید اما باید اقرار کرد که تفاوت‌های مهمی از نظر اعتقادی و آیین‌های دینی میان این دو گروه مذهبی وجود دارد. اختلافاتی همچون عدم به پا داشتن نماز از سوی برخی علویان، نگاه غلوگونه علویان به امام علی(ع)، گرایش‌های صوفیانه در میان آنان و....

گرچه علویان ترکیه هم‌اکنون حس همدلی خاصی با ایرانیان به عنوان شیعیان ندارند، اما محبت به اهل‌بیت(ع) به‌ویژه قرار گرفتن بارگاه امام رضا(ع) و در مرتبه بعد مزار و بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در ایران و اینکه زادگاه و خاستگاه حاجی بکتاش ولی از بزرگان علوی، نیشابور ایران بوده است، می‌تواند به عنوان وجوه اشتراک ایران و علویان مطرح شود. از دیگر سو نیز ارادت علویان به شاه اسماعیل صفوی، عمادالدین نسیمی و ملا محمد

1. David Shankland

2. David Shankland, *Islam and Society in Turkey*, Cambridheshire: The Eothen Press, 1999.

فضولی به عنوان سه شاعر از هفت شاعر مورد احترام علویان، از دیگر وجوه اشتراک ایران و علویان است. در عین حال علویان توجه خاصی به سرزمین «خراسان» به عنوان خاستگاه خود و اندیشه‌وران علوی دارند.

علویان هیچ‌گاه خود را به عنوان شیعه معرفی نمی‌کنند. بلکه حتی گروهی، شیعیان را علویان سنی شده می‌دانند. آنان قائل به چهارده معصوم و دوازده امام هستند. از میان ائمه (ع) بیش از همه به امام علی (ع)، امام صادق (ع) و امام حسین (ع) توجه نشان می‌دهند. حاجی بکتاش ولی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی از بزرگان دینی این گروه به شمار می‌روند. آنان هفت شاعر بزرگ دارند که اشعار آنان در نظرشان منزلت والایی دارد. علویان به شعر این شاعران استناد و استدلال می‌کنند. این شاعران عبارت‌اند از: شاه اسماعیل ختایی،^۱ پیرسلطان ابدال،^۲ ملا محمد فضولی،^۳ عمادالدین نسیمی،^۴ ویرانی،^۵ یمینی،^۶ قول همت.^۷

۱. شاه اسماعیل صفوی نواده شیخ صفی‌الدین اردبیلی و بنیانگذار سلسله صفویه است. وی پیروان بسیاری از میان طوایف ترک ایران و ترکیه گرد خود جمع کرد و حکومت صفویان را تشکیل داد. وی تشیع را مذهب رسمی ایران اعلام کرد. خلفای عثمانی همواره به دلیل گرایش علویان به شاه اسماعیل با آنان به شدت برخورد می‌کردند. دیوان ختایی بارها در ایران، ترکیه و آذربایجان به چاپ رسیده است.

۲. پیرسلطان ابدال در زمان شاه طهماسب پسر شاه اسماعیل می‌زیست. وی اهل شهر سیواس بود. وی در پی قیامی علیه عثمانی‌ها اسیر و اعدام شد.

۳. ملا محمد فضولی در سال ۹۱۰ق در خانواده‌ای شیعه و آذربایجانی در شهر کریم‌آباد به دنیا آمد. وی نام‌آورترین شاعر ترکی‌گوی است. از وی هفده اثر به ترکی، عربی و فارسی به یادگار مانده است. حدیقه السعدا در بیان حوادث روز عاشورا که به ترکی در قالب نظم و نثر تصنیف شده، معروف‌ترین اثر وی است.

۴. نسیمی شاعر قرن نهم هجری، شیعه و پیرو مکتب حروفیه بود. وی را در شهر حلب به جرم «انا الحق» گویی محاکمه و زنده‌زنده پوست از تنش برکنندند.

۵. ویرانی شاعر قرن دهم بود. وی مسافرت‌های بسیاری به شهرهای مختلف آناتولی کرد. از وی رساله‌ای در باب حروفیه باقی مانده است.

۶. یمینی در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم قمری می‌زیست. از وی اثری منظوم به نام فضیلت‌نامه درباره کرامات و جنگ‌های حضرت علی (ع) باقی مانده است.

۷. قول همت معاصر شاه طهماسب و شاه عباس، و از مریدان پیرسلطان ابدال بود.



نقشه پراکندگی علویان ترکیه

برخی علویان نماز و روزه به جای می‌آورند و برخی چنین اعتقادی ندارند. همچنین دوازده روز اول ماه محرم را روزه می‌دارند. عموم علویان به مسجد نمی‌روند و به جای آن در «جمع‌خانه»^۱ گرد می‌آیند و آیین‌های خاصی همچون سماع به جای می‌آورند.

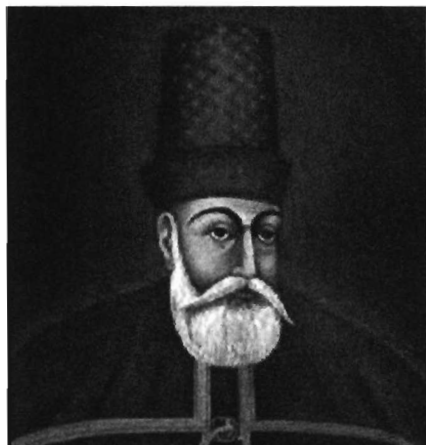
مهم‌ترین مسئله‌ای که از سوی علویان در قبال جامعه ترکیه مطرح می‌شود، مظلومیت تاریخی آنان است. آنان عقیده دارند در طول تاریخ عثمانی مورد ظلم و ستم حاکمان قرار گرفته از حقوق مادی و معنوی خود محروم مانده‌اند.^۲ لذا بسیاری از آنان به آتاتورک به عنوان یک منجی می‌نگرند. چرا که علویان را

۱. cemevi

۲. شروع این وضعیت را می‌توان پس از شکست شاه اسماعیل صفوی از سلطان سلیم یاووز دانست. گفته می‌شود به فتوای «شیخ نوح» مفتی عثمانی، مبنی بر اینکه هر کس یک نفر شیعه را بکشد، به بهشت می‌رود، هشتاد هزار شیعه در یک روز گردن زده شدند. طبق همین فتوا، چهل هزار تن نیز در شهر حلب کشته شدند. در فتوای شیخ نوح آمده بود: «هر کس در کفر شیعیان متوقف باشد، و در وجوب قتل آنان متوقف باشد و در جواز قتل آنان متوقف باشد، او هم مثل آنان کافر است». در بخش دیگری از فتوا آمده بود: «کشتن این کافران اشرار، واجب است، توبه نکنند یا نکنند». وی به کنیز گرفتن زنان و اسیری کودکان شیعیان نیز جواز داده بود. در دوره جمهوریت نیز علویان به کشتارها و قتل عام‌هایی که در شهرهای درسیم، چوروم، ملاطیه، قهرمان مرعش و سیواس روی داد، تأکید دارند.

جهت اطلاع از متن فتوای «شیخ نوح»، رک: تنقیه الفتاوا الحامدیه، پاکستان: مکتبه الحبیبیه، ج ۱، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

از زیر یوغ ظلم و ستم عثمانی‌ها نجات داد. هم‌اکنون گروه‌هایی از علویان که گرایش‌های سیاسی دارند، می‌کوشند با استفاده از راه کارهای گوناگون، اولاً به گرفتن حقوق قانونی مورد حمایت مجامع بین‌المللی بپردازند و ثانیاً تلاش می‌کنند در نظام حکومتی ترکیه برای خود جایگاهی به دست آورند و به عنوان یک اهرم قدرت عمل کنند. هم‌اکنون مهم‌ترین رقیب حزب حاکم عدالت و توسعه، حزب جمهوری خلق به رهبری کمال قیلیچ‌داراوغلو از علویان شهر درسیم است. البته اعضای رده پایین‌تر این حزب علوی نیستند. حزب جمهوری خلق را آتاتورک بنیان نهاده بود.



حاجی بکناش ولی

شیعیان ترکیه البته علویان را پاره‌ای جدا شده از پیکر تشیع می‌دانند که اعتقادات‌شان در طول تاریخ اندکی دچار انحراف شده است. آنان معتقدند علویان در حقیقت شیعیانی هستند که از فقه دور افتاده قدری رنگ و بوی تصوف به خود گرفته‌اند. شیعیان به علویان نگاه منفی ندارند و مشتقانه منتظر بازگشت آنان به آغوش مادر حقیقی خود هستند.

اما اهل سنت علویان را، دور افتادگان از اسلام حقیقی - تسنن به زعم خود - می‌دانند. در گذشته بیشتر و اکنون کمتر، نسبت‌هایی به علویان داده

می‌شد که همواره با واکنش آنان مواجه می‌شد. علی‌رغم اینکه بزرگان علویان در کارگروه‌های طرح گشایش امور علویان^۱ که از سوی دولت مطرح و اجرایی می‌شود، عقاید خود را برگرفته از معارف اهل‌بیت (ع) اعلام کرده‌اند، اما باز هم برخی از اهل سنت تحصیل کرده و محققان، باورهای علویان را آمیخته‌ای از ادیان پیشین ترکان همچون شمنیسم، و تصوف اسلامی به همراه تأثیراتی از تشیع صفوی و حتی مسیحیت می‌دانند.^۲

عزا و روزه محرم در میان علویان

علویان صدها سال است که به یاد شهادت امام حسین (ع) در دشت کربلا یکم تا دوازدهم ماه محرم را به عزا و روزه‌داری می‌پردازند. آن‌گونه که علویان اعتقاد دارند، به این روزه در قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم (ص) اشاره شده است.

در ماه محرم ازدواج و شادی انجام نمی‌شود. گوسفند قربانی نمی‌شود. آب تا حد امکان کمتر مصرف می‌شود. دلی شکسته نمی‌شود. مردم در جمع‌خانه‌ها گرد می‌آیند و کتاب‌هایی که به یاد کربلا نوشته شده است، همچون حدیقه‌السعداء^۳ گلزار حسنین^۴ و دیوان قمری^۵ می‌خوانند.

نیت روزه دوازده روزه علویان چنین است:

بسم شاه ... الله الله ...

برس به عشق مردان حق محمد و علی، به نیت روزه تشنگی سرورمان

1. Alevi Açılımı

۲. دکتر محمدعلی بویوک‌کارا استاد رشته الهیات دانشگاه مرمره در مصاحبه با مؤلف.

۳. حدیقه‌السعداء اثری است از ملا محمد فضولی پیرامون حادثه عاشورا که در یازده باب به نظم و نثر تصنیف شده است. اثر از سال ۱۲۵۲ ق بدین سو، بارها در ایران، آذربایجان، عراق، مصر و ترکیه به چاپ رسیده است.

4. Gülzar-i Haseneyn

۵. قمری دریندی در سال ۱۳۵۰ ق در دریند داغستان - که اکنون جزء روسیه است - به دنیا آمد. وی مقتلی هشت جلدی به نظم و نثر درباره واقعه کربلا دارد که بارها در ایران، آذربایجان و ترکیه به چاپ رسیده است.

امام حسین (ع)، به روح پاک شهیدان کربلا، به شفاعت مادرمان فاطمه (ع)، به عشق دوازده امام، نیت روزه کنیم، درگاه بزرگ قبول کند... .

علویان در روز عاشورا غذایی با نام «عاشوره»^۱ طبخ و در میان مردم توزیع می‌کنند. آنان پس از پایین نهادن عاشوره این دعا را می‌خوانند:
بسم شاه... الله الله ...

الله، محمد، علی، روح و روان سرورانمان دوازده امام شاد و خندان باد. منکران و منافقان مرده باد، مؤمنان شاد باد. لقمه‌هایمان بر دردهایمان درمان باد.

ماتم حسن (ع) و حسین (ع) است. برای نصیب شدن قسمت حق و خیر... .
بر نور نبی، کرم علی، و بر نفس پیرمان خنکار حاجی بکتاش هو... .
پس از صرف عاشوره نیز این ورد خوانده می‌شود:
بسم شاه ... الله الله ...

بارک الله. برای شادی روح بلند سرورمان شاه شهیدان امام حسین (ع) و شهیدان دشت کربلا بارک الله. به روح جمیع واصلان بارک الله. برای سربلندی سرزمین و ملت‌مان و جمهوری‌مان بارک الله، برای توانمندی ارتش‌مان بارک الله، برای درگذشتگان‌مان و بازماندگان‌مان بارک الله، برای خیر و رحمت از آسمان و برکت از زمین بارک الله، محمد مصطفی، علی المرتضی، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، شهیدان کربلا، و به حق خنکار حاجی بکتاش ولی، الفاتحه والصلوات.^۲

چند مرثیه از شاعران علوی

همان‌گونه که گفته شد علویان هفت شاعر آیینی دارند که بسیاری از آموزه‌های دینی در اشعار آنان آمده است. آنان اشعار بسیاری درباره واقعه کربلا سروده‌اند.

1. Aşure

2. Yaman, Mehmet, *Alevilik, İnanç-Edeb-Erkân*, İstanbul, 1993.

از معروف ترین اشعار فضولی درباره روز عاشورا می توان به اشعار زیر اشاره کرد:

کربلا تشنه لرین یاد قیلوب اشک توکن
آتش روز جزادان الم و غم چکمز
شهدا حالین آنوب درد ایله یانوب یاخیلان
الم شعله نیران جهنم چکمز

✱

اهل بیتین ثنا و مرثیه سی احسن افعال فضایل دور
کیم کی بیر بیت اول خصوصدا دئیر اول داخی اهل بیته داخل دور
ایباتی دیگر از شاعر:

جهانین صاحبیندن بیر ایچیم سو قیسقانیلمیش آه
فرا ت آغلار، مراد آغلار، زمین و آسمان آغلار
ایاق باستی او ملعون قلبگاه سر قرآنه
علی و فاطمه، پیغمبر آخر زمان آغلار

ختایی، مرثیه ای دارد که در جمع خانه های ترکیه بسیار خوانده می شود:

بوگون ماتم گونو گلدی
آه حسین شاه حسین
سنین دردین باغیریم دلدی
آه حسین، شاه حسین^۱

✱

کربلانی اؤنسوی یازی
یورگیمدن چیخم از سیزی

۱. علویان هنگام خواندن این شعر، بعد از هر بند عبارت زیر را تکرار می کنند:

الی الله شاه الی الله شاه
الی الله، الی الله شاهیم ایوالله

یزیدلر می قیوردی سیزی
آه حسین، شاه حسین



بیزیمله گلنلر گلسون
سرینی میدانا قویسون
حسین ایله شهید اولسون
آه حسین، شاه حسین



کربلانیں یازیلاری
شهید دوشدو غازیلاری
فاطمه نین قوزولاری
آه حسین، شاه حسین



کربلانیں اؤندو دوزدور
کئجه لر بانا گوندوزدور
شاه کربلاده یالغوزدور
آه حسین، شاه حسین



حر شهید آتیندان دوشدی
کافرلر باشینا اوچدی
مؤمنلره ماتم دوشدی
آه حسین، شاه حسین



ایشته گلدی بهار یازلار
یازی یازلار، گوزو گؤزلر
فاطمه یولون گؤزلر
آه حسین، شاه حسین



کـر بلانین اؤنـو چـاغلـی
منـیم جـگـریم داغلـی
حضرت علیـنـین اوغلـی
آه حسین، شاه حسین

✱

آتان علی، آنان فاطمه
درد اوستونه درد لر قاتمه
دیدارینـدان محروم ائتمه
آه حسین، شاه حسین

✱

فاطمه زلفونـو چـوـزـر
آغلایـی آغلایـی گـزـر
مـؤنلرین بـاغلرین ازر
آه حسین، شاه حسین

✱

خزل اولدی باغچه باغلار
دومانلی دیر یوجه داغلار
جان خطایی یانار آغلار
آه حسین، شاه حسین

✱

ختایی، در شعری دیگر چنین می گوید:

اول باشندان محمده صلوات
قالخ گؤنول گنده لیم حسین دوغرو
اجل گلمیش پروانه لر دؤنمه یه
قالخ گؤنول گنده لیم حسین دوغرو
حسن له حسین، علی نین اوغلی
شهیدلر یولونا گئدرلر دوغری
امام زینل، امام حسین اوغلی
قالخ گؤنول گنده لیم حسین دوغرو

محمد باقرین آلدیق کرمین
 جعفر صادقین سورالیم دمین
 موسی کاظم آلسون گۆنلوموز غمین
 قالخ گۆنول گئده لیم حسینیه دوغرو
 امام رضا دان اولای عنایت
 تقی دن، نقی دن اره هدایت
 حسن العسکری شاه ولایت
 قالخ گۆنول گئده لیم حسینیه دوغرو
 شاه خطاییم دنر بری گل آمان
 مؤمنین قلبیندن چیخماسین ایمان
 آخر زمان دا مهدی زمان
 قالخ گۆنول گئده لیم حسینیه دوغرو

شاعر بزرگ «پیرسلطان ابدال» نیز مرثیه‌هایی دارد، از جمله:

تربیتین اوستونه نقش ائیله دیلر
 عاشق اولان جانی شاد ائیله دیلر
 سنی دؤرد کؤشه یه باش ائیله دیلر
 گل دینیم ایمانیم، امام حسین
 آخار سولار گییی آخاسوم گلمز
 شهرینه گیر رسم، چیخاسوم گلمز
 یزیدین یوزونه باخاسوم گلمز
 گل دینیم ایمانیم امام حسین
 سنین آبدالارین یانار یاخیلور
 قطاریمیز اون ایاکی اماما قاتیلور
 بوندا یزیدلره لعنت اوخونور
 گل دینیم ایمانیم امام حسین

امام حسینین یوللاری باغلی
عاشق اولانلارین جگری داغلی
حضرت علی نین سئوگیلی اوغلی
گل دینیم ایمانیم امام حسین
سنین عاشقلارین سمائی توتار
قدر گنجه لری شمعلر یانار
مذهمیم امام جعفره اویار
گل دینیم ایمانیم امام حسین

پیرسلطان ابدال در شعری دیگر چنین می گوید:
دده سی حسینی وئردی خوجه یه
الف با دئمه دن چیخدی هجه یه
گونه بیر کافر قیردی گنجه یه
سو ایچمه ییب شهید اولان حسین
حسینین ده یاپیلی دور اوداسی
دائم حق دن گلیر اونون غذاسی
دال بویونجا نظر قیلیمیش دده سی
سو ایچمه ییب شهید اولان حسین

حسینی ده گؤتوردولر اسمایه
یزیدلر اولاشدی باشین کسمه یه
علی اوغلو دگول کی مروت باسمایه
سو ایچمه ییب شهید اولان حسین
پیر سلطان ابدالیم اللریم باغلی
یزیدین الیندن جگریم داغلی
محمد تورونو علی نین اوغلی
سو ایچمه ییب شهید اولان حسین

در تاریخ عثمانی

شیعیان و عزاداری در تاریخ استانبول

برخی نویسندگان، جغرافی‌دانان، شرق‌شناسان، میسیونرها، دیپلمات‌ها و جهانگردان اروپایی در قرن‌های هجدهم و نوزدهم میلادی (دوران امپراتوری عثمانی) به شیعیان و به‌ویژه عزاداری‌های آنان در استانبول که عموماً در مسجد بویوک‌والده‌خان و مسجد سیداحمد درسی انجام می‌شده اشاره کرده‌اند.

متین آند، اولین نشانه‌های مراسم محرم در استانبول را مربوط به قرن نوزدهم و حضور شیعیان ایرانی در این شهر می‌داند.^۱

ناکاش، مومن و کول، به ممانعت امپراتوری عثمانی از برگزاری مراسم محرم و تعزیه و ممنوعیت زیارت آرامگاه امامان شیعه در قرن نوزدهم اشاره می‌کنند.^۲

نورتن نیز به ممنوع شدن عزاداری محرم در لبنان به دستور حکومت عثمانی می‌پردازد. این ممنوعیت تا سال ۱۹۱۸م ادامه داشته است. او مدعی می‌شود که از دهه ۱۹۲۰م به بعد مراسم محرم به صورت پرشور و همراه با قمه‌زنی برگزار می‌شد.^۳

1. And, Metin, *Ritüelden Drama, Kerbela-Muharrem-Taziye*, İstanbul, 2002. P.57.

2. Juan R.I.cole and Moojen Momen, *Mafia, Mob and Shiism in Iraq: the Rebellion of Ottoman Karbala 1824-1843, Past and Present*, no.112 (August 1986), pp.112-143.

3. Richard Augustus Norton, *Ritual, Blood and Shiite Identity: Ashura in Nabatiyya Lebanon*, the *Drama Review* 49, no.4 (2005), pp.140-155, p.141.

آنژا پیستور هاتام هم از مراسم عاشورای ایرانیان مقیم استانبول در اواخر قرن نوزدهم خبر می‌دهد.^۱ اساس کار او گزارش‌های دیپلمات‌ها و جهانگردان اروپایی از مراسم عاشورا در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیز مقالات روزنامه اختر است که بین سال‌های ۱۸۷۵-۱۸۹۶م در استانبول منتشر می‌شد.

طبق تحقیقات پیستور، شیعیان ساکن امپراتوری عثمانی با وجود وضع قانون تنظیمات و اصلاحات که ضامن آزادی مذهبی اقلیت‌ها در امپراتوری عثمانی بود، مراسم مذهبی خود را با سختی انجام می‌دادند. او ضمن اشاره به عدم اجازه رسمی سلطان برای انجام مراسم محرم به صورت علنی، اشاره می‌کند که این وضعیت بعد از دهه ۱۸۶۰م تغییر کرد و به اعتبار روابط دیپلماتیک مطلوبی که میان میرزا حسین‌خان و حاجی میرزا صفا، با امپراتوری عثمانی برقرار شده بود، فضا بازتر شد.

پیستور می‌گوید که در قرن نوزدهم تقریباً شانزده هزار شیعه ایرانی در استانبول زندگی می‌کردند. این افراد عموماً دیپلمات، روشنفکر و بازرگان بودند. پیستور به گزارش‌های روزنامه اختر در مورد مراسم محرم در سال‌های ۱۸۷۹ و ۱۸۸۰م اشاره می‌کند که به صورت روضه‌خوانی و سینه‌زنی در مناطقی همچون مسجد والده‌خان، کاخ سنبل و مسجد سیداحمد درسی برگزار می‌شده است.

پیستور همچنین گزارش می‌دهد که «هر ساله مقامات رسمی امپراتوری عثمانی، پلیس استانبول، روحانیان، دیپلمات‌ها و کنسول‌های کشورهای اروپایی و همسران آنها و برخی از مسافران به تماشای مراسم عزاداری شیعیان می‌پرداختند». از جمله سلطان عبدالحمید عثمانی، همه‌ساله در روز عاشورا به سرای والده‌خان می‌رفت و مراسم عزاداری را تماشا می‌کرد.^۲

1. Anja pistor hatam, *The Religious Celebration as an Eexpression of Persian-Shiite Sselfundrestanding Towards the end of 19th Century*, die welt des islams 38, no.1 (march 1998), pp.95-119.

۲. گلپینارلی، عبدالباقی، دائرةالمعارف اسلام، مدخل اثنی عشر، ج ۲۲، چاپ ترکیه.

ارنست همبری، در اثر خود به نام راهنمای استانبول که در سال ۱۹۲۵م نگاشته شده، چنین می‌نویسد:

«ایرانیان در ماه محرم مراسم خود را در صحن اول این کاروانسرا برگزار می‌کردند که به آن مراسم عاشورا می‌گفتند. هر سال خواندن مناقب امام حسین (ع) و حوادث خونین آن در این مسجد و کاروانسرا برگزار می‌شد. در ایران، قفقاز و هندوستان نیز برگزاری چنین مراسمی مرسوم است.

احمد بهادر که ۲۷ سال اتاق‌دار کاروانسرای والده‌خان بوده، چنین نقل می‌کند که: "در روز عاشورا چهل تا پنجاه نفر در این مکان قمه می‌زدند. قبل از روز عاشورا یعنی تاسوعا، پانزده تا بیست نفر سوهان‌کش، به تیز کردن کارد و چاقو برای عزاداران می‌پرداختند. کسانی که در این مراسم شرکت می‌کردند، چاقوها و کارد را به سر و صورت خود می‌زدند و خون جاری می‌کردند و در این بین شرکت‌کنندگان در مراسم، زنجیرهایی که از یک دسته چوب آویزان بود، بر کتف و شانه خود می‌زدند. همچنین عزاداران جامه سیاه به تن می‌کردند. زنجیر زنان هم پشت لباس خود را به صورت مربع قیچی می‌کردند و از چپ و راست، زنجیرها را بر شانه‌های خود می‌زدند."

از احمد بهادر پرسیدم: "چرا همه ایرانیان در این مراسم شرکت نمی‌کنند و فقط چهل تا پنجاه نفر به صورت خودجوش شرکت می‌کنند؟" گفت: "شرکت دادن پسر بچه‌ها در مراسم زنجیرزنی نوعی نذر پدر و مادر است. چون همه پدر و مادران ایرانی مقیم استانبول این نذر را نکرده‌اند، فقط چهل تا پنجاه نفر در این مراسم شرکت می‌کنند." پرسیدم: "آیا در مراسم قمه‌زنی، کسی هم جانش را از دست می‌دهد؟" جواب داد: "بعد از مراسم قمه‌زنی، افراد دسته در حالی که سر و صورت و پشت آنها خونین است، از والده‌خان بیرون می‌آیند و به طرف بایزید حرکت می‌کنند و در وزیرخان که در چمبرلی‌تاش است، مدتی کوتاه توقف می‌کنند و بعد از آن مستقیم به سمت پل حرکت می‌کنند و با کشتی به طرف اسکودار می‌روند. صدها ایرانی هم آنها را همراهی می‌کنند. در اسکودار افراد دوباره به این دسته می‌پیوندند و در حالی که افراد قمه‌زن در جلوی دسته

هستند، به سمت مزار سیداحمد درسی می‌روند و مراسم محرم در آن مسجد به پایان می‌رسد. من هر سال در این مراسم حضور داشته‌ام و تنها یک بار یک نفر فوت کرد. در اثنای مراسم طیبیانی هستند که در همان مزار سید احمد درسی، قمه‌زنان را مداوا می‌کنند».

به گفته همبری، در استانبول به این مراسم «ایرانلیلار دؤوونمه‌سی» می‌گفتند. جمال‌الدین بیلگین، از نویسندگان معروف ترکیه درباره عزاداری روز عاشورای ایرانیان در استانبول می‌نویسد:

«در دوران کودکی من (یکصد سال پیش) سال نو با اول محرم مصادف شد. مردم به‌طور غیر رسمی مراسم عید را برگزار کردند و به یکدیگر تبریک گفتند و به دیدار هم رفتند. در کنار مزار سیداحمد درسی در اسکودار کاروانسرای وجود داشت که مراسم یازدهم محرم در آن برگزار می‌شد. همه‌ساله از مدعوین با چای‌های معطر پذیرایی می‌شد. بعد از مراسم عزاداری در کاروانسرا، مردم گروه‌های ده‌نفره‌ای که به آنها «دسته» می‌گفتند تشکیل می‌دادند.

آنان در یک صف طولانی و زنجیروار، از کاروانسرای سیداحمد درسی حرکت می‌کردند و از راه نوح کویوسو به اسکله اسکودار رفته و از آنجا با کشتی به سمت استانبول می‌رفتند. سپس به سمت والده‌خان حرکت می‌کردند و در آنجا مراسم به پایان می‌رسید. این‌طور به یاد می‌آورم که این گروه‌های عزاداری، بر روی یک اسب، یک گهواره، یک کبوتر و شمشیری خونین می‌گذاشتند و اسب را با خود حرکت می‌دادند. دسته به صورت دوطرفه حرکت می‌کرد و من هر سال این سوگواری را مقابل بیمارستان توپ‌تاش مشاهده می‌کردم. نیروهای نظمیه عثمانی وظیفه حفظ امنیت را به عهده داشتند اما گاه ناخواسته اتفاقاتی رخ می‌داد. در یکی از این عزاداری‌ها زد و خوردی روی داد. دلیلش این بود که یک آلبانیایی در مقابل کاخ ییلدیز قصد عبور از سد مأموران را داشت. اما مأموران اجازه عبور به او نمی‌دهند و آن شخص با چاقو به مأموران حمله و سپس فرار می‌کند».

در نامه‌ای که ثریا پاشا از بانوان دربار عثمانی به مقامات دربار در سال ۱۸۸۷م نوشته و امروز نیز موجود است، چنین گفته شده که: «ایرانیان ساکن در کاروانسراها دور هم گرد آمده و مراسم دهه محرم را برگزار می‌کنند. ایرانیان، هنگام برگزاری مراسم سوگواری و سینه‌زنی، گروه گروه به کاروانسراهای یکدیگر می‌رفتند و این عزاداری‌ها با سر و صدای زیادی انجام می‌شد. این دسته‌ها طی دهه محرم در اولین حرکت، با پوشیدن پیراهن‌های سفید و قمه‌زنی به کاروانسرای والده‌خان می‌رفتند و دوباره از همین مسیر بازمی‌گشتند. حرکت این گروه‌ها را سیاحان خارجی و اهالی شهر نظاره می‌کردند. حتی زنان عثمانی در طول روز برای دیدن این مراسم تجمع می‌کردند».

همچنین براساس این نامه اگر یک خارجی یا یکی از اهالی که برای دیدن این مراسم می‌آمد، عزاداری آنان را مسخره می‌کرد، احتمال داشت حادثه‌ای خطرناک به وجود آید.

در ادامه این نامه به این مسئله اشاره می‌شود که: «این مراسم هر ساله برگزار می‌شود. ولی طی انجام آن در شب، سر و صدا و ازدحام زیادی در کوچه‌ها و خیابان‌ها ایجاد می‌شود. این مسئله قابل قبول نیست. به‌ویژه در شب دهم که آنان در کاروانسرای والده‌خان جمع می‌شوند و به قمه‌زنی و ریختن خون می‌پردازند که بر مردم تأثیر بدی دارد».

این نامه نکته‌ای را مطرح می‌کند و آن اینکه طی دیدار سفیر ایران با صدراعظم عثمانی، درباره عزاداری ایرانیان تذکر داده می‌شود اما باز این مسئله مانع از خارج شدن عزاداران از کاروانسرای والده‌خان نمی‌شود.

نویسنده نامه تأکید می‌کند که نباید زنان عثمانی به تماشای این مراسم بروند اما باز هم زنان عثمانی مانعی را بر سر راه خود نمی‌بینند و به تماشای عزاداری ایرانیان می‌روند.

با همه این تفصیلات، دولت عثمانی چندان مانع عزاداری ماه محرم ایرانیان نمی‌شد. بلکه مراسم عزاداری ایرانیان در محرم به سنتی سخت، تبدیل شده بود و کسی نمی‌توانست مانع آن شود. اما تمهیداتی نیز فراهم می‌کردند، همچون اعزام نیروی امنیه و حساسیت در زمان تداخل عزاداری

محرم با جشن ارمنیان که ممکن بود باعث درگیری شود (در سال ۱۸۹۰م و به دستور سلطان عبدالحمید)؛ و نیز اخطار به محسن‌خان (سفیر ایران) مبنی بر عدم خروج ایرانیان عزادار از کاروانسرای والده‌خان (سال ۱۸۸۸م). در سند دیگر مربوط به سال ۱۸۸۷م آمده است که صد طالب علم ایرانی در حالی که در دستان‌شان مشعل و فانوس بود، از مدرسه آکارچشمه در گنبدیک‌باشی بیرون آمدند و با خواندن مرثیه و زدن قمه به کاروانسرای ییلدیز خان رفتند. به این گروه‌ها «دسته» گفته می‌شد.

سرانجام برگزاری مراسم محرم در دوران سلطنت سلطان عبدالحمید دوم ممنوع شد. با تأسیس جمهوری در ترکیه نیز تمامی آیین‌های مذهبی جمعی ممنوع اعلام شد. شیعیان عزاداری خود را به صورت محدود و در مناطق دورافتاده و منازل خود برگزار می‌کردند. در خلال سفر رضاخان به ترکیه، آتاتورک از رضاخان خواست مانع قمه‌زنی ایرانیان در استانبول شود. لذا قمه‌زنی در مسجد والده‌خان ممنوع شد. اما مردم در روز عاشورا درهای سرای والده‌خان را بسته و در داخل محوطه به قمه‌زنی می‌پرداختند. این وضعیت تا دهه ۱۹۸۰م ادامه داشت. در این دهه همزمان با پیشرفت‌های اجتماعی - سیاسی در ترکیه، گفتمان و اقدامات فرقه جعفری همچون دیگر گروه‌های قومی و مذهبی صورت عمومی‌تری به خود گرفت و عزاداری‌ها نیز کم‌کم به مساجد منتقل شد. این وضعیت تا دهه ۱۹۹۰م ادامه یافت. ولی از آن به بعد با تغییر و تحولات در فضای اجتماعی و سیاسی و همزمان با تحولاتی مثل احیای فرقه علوی، شیعیان دوباره با عزاداری‌های خود در فضای عمومی ظاهر شدند.^۱ اندک‌اندک در شهرهایی مثل استانبول شیوه‌های عزاداری جدیدی براساس اصلاح سنت‌هایی که دیگر در ابعاد جهانی جایگاهی ندارند، و نیز استفاده از تکنولوژی‌های نوین، به اعتبار و جایگاه شیعیان افزوده و بازتاب‌های بین‌المللی فراوانی به همراه آورده است. نمود بارز آن منسوخ شدن قمه‌زنی و جایگزینی آن با اهدای خون در روز عاشورا است.

1. Baylak, Ayşen, Visibility Through Ritual; Caferi-Shiite Community in Turkey.

برگ‌هایی از تاریخ کربلا و بقیع

عتبات عالیات و مشاهد شریف واقع در سرزمین عراق و نیز مکه مکرمه و مدینه منوره به دلیل در آغوش گرفتن پیامبر گرامی اسلام و چهار تن از ائمه شیعه، همواره مورد توجه شیعیان بوده و هستند. در طول تاریخ ارتباط تنگاتنگی میان ایرانیان با این اماکن مقدس به‌خصوص مشاهد واقع در عراق وجود داشته است؛ از خیل علما و مجتهدینی که قرن‌ها در حوزه‌های علمیه نجف به سر می‌بردند گرفته تا ایرانیانی که به عنوان زائر یا مجاور به این شهرها رفت و آمد یا اقامت داشته‌اند. اگر این مسئله را در کنار حاکمیت چند سده‌ای ترکان عثمانی بر این مناطق قرار دهیم، سوزهای ناب به دست می‌آید و آن عبارت است از اماکن مقدس شیعی در امپراتوری عثمانی که خود موضوعات متنوع و گیرایی را دربر می‌گیرد. متأسفانه در این زمینه هیچ کار قابل توجهی انجام نشده است.^۱

با بررسی اسناد تاریخ عثمانی متوجه می‌شویم که شیعیان و مسئله زیارت از مسائل حساس و مبتلا به ایران و عثمانی بوده است. موارد ذیل از جمله مسائلی است که موجب نامه‌نگاری میان ایران و عثمانی و نیز حاکمان و والیان مناطق مختلف عثمانی شده است:^۲

۱. در این زمینه، اثر فاخر «Arşiv Belgelerinde OSMANLI-İRAN İlişkileri» (روابط عثمانی و ایران در اسناد آرشیوی) با محوریت عصر قاجار به همراه تصاویر اسناد، متن اسناد و ترجمه ترکی استانبولی در ۶۶۳ صفحه از سوی انتشارات نخست‌وزیری ترکیه منتشر شده است. همچنین اثر اسناد عثمانی: آرشیو عثمانی درباره ایران شامل ترجمه فهرستی از اسناد عثمانی مربوط به ایران از اواخر دوران سلطنت «شاه سلطان حسین صفوی» تا پایان عصر قاجاریه (۱۳۴۴ق/ ۱۹۲۵م) در دو جلد از سوی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی منتشر شده است.

۲. این قبیل اسناد در بخش ریاست دایره آرشیو اسناد عثمانی وابسته به نخست‌وزیری ترکیه نگهداری می‌شوند. شایسته است در اسناد تاریخی دوران صفوی (در صورت وجود) تا دوران قاجار و پهلوی در ایران نیز پژوهش‌هایی صورت پذیرد.

- عدم دریافت مالیات از ایرانیانی که برای دفن جنازه در کربلا از بغداد می‌گذرند.
- کسب اطلاع از والی‌گری بغداد درباره تعمیر پل جاده عبور زائران ایرانی در مسیر ولایت بغداد.
- عدم ممانعت از فروش اراضی مورد استفاده اتباع ایران در بغداد، کربلا، نجف و کاظمین.
- صدور مجوز جهت صرف مبلغی که از سوی صدرالدوله ایران برای تعمیر گورستان بقیع در مدینه منوره نذر شده است.
- صدور مجوز خرید و فروش اراضی وقف‌شده توسط سرمایه‌داران ایرانی و هندی برای مناطق مقدس شیعیان در ولایت بغداد.
- صدور مجوز صرف وجه اعطایی شاه ایران جهت تعمیر حرم امام موسی کاظم (ع) در ولایت بغداد.
- تلگراف در خصوص دعا به جان پادشاه عثمانی در مراسم عزاداری دهه آخر ماه محرم در ایران.
- تحریرات ضبطیه درباره اینکه عزاداران ایرانی در اسکودار در روز عاشورا پس از پایان مراسم با امنیت کامل پراکنده شدند.
- صدور فرمان انجام تحقیقات درباره دلایل تیراندازی سربازان عثمانی به شیعیان عزادار در شهر نجف.
- پیشنهاد صرف مبلغی که از سوی شاه ایران بابت تعمیر قبه‌های حرم ائمه سامرا منظور شده است.
- حمایت خزانه از درخواست اسدالله خان شاه‌زاده ایران جهت ساخت مسافرخانه ویژه زائران در کربلا.
- درباره شمشیرهای اعطایی میرزا یحیی‌خان که از سوی شاه ایران مأمور به تعویض ضریح امام حسن (ع) در مدینه است.
- تحریرات والی بغداد درباره شیعه شدن برخی مردم سنّی منطقه عراق تحت تأثیر مجتهدین و علمای ایرانی.

— تحریرات والی بغداد درباره مواجب دادن انگلیسی‌ها به برخی علمای ایرانی مقیم نجف و کربلا به واسطه کنسول‌گری انگلیس در بغداد.

— نظر وزارت صحنیه درباره عدم منع انتقال جنازه مادر بزرگ شاه ایران به کربلا جهت دفن.

— تصمیم مجلس وکلا در خصوص ساخت بیمارستان در منطقه از محل هدایایی که از سوی ایرانیان به مشاهد مشرفه نجف و کربلا تقدیم می‌شود.

— تلگراف محرمانه به ولایت بغداد در خصوص ضرورت مشارکت شیعیان در جهاد برای آزادی مسلمانان از اسارت.

و صدها نمونه دیگر. در ذیل دو نمونه از این مکاتبات به همراه ترجمه فارسی آن آمده است.

*** سند نخست: صدور مجوز صرف نذر صدرالدوله ایران جهت تعمیر**

بقعه ائمه (ع) بقیع

عظوفتلو افندیم حضرتلری

گئچن سنه ایران جانینده ظهورا گلن کلرا خسته‌لیگی بلیه عظیمه‌سینین اندفاعی تمنیاتی ایله مدینه منوره جانب شرفینده انواربخش ریاض عالیّه اولان ائمه حضراتینین بقعه شریفه‌لری تعمیرات و تزئیناتینا صرف اولونماق اوزره صدر ایران طرفیندن نذر اولونموش اولان مین کسه آقچه بو سنه مبارکه‌ده ارسال قیلیناجاغیندان اول بابدا مساعده سنیه ارزان بویورولماسیلا برابر مأمورین دولت عالیّه طرفلرینه اجرای وصایا اولونماسی استدعاسینی شامل ایران مصلحت‌گذاری طرفیندن اعطا اولونان بیر قطعه تقریر مشمول لحاظ مال افزای جناب شهنشاهی بویورولماق اوزره عرض و تقدیم قیلیندی.

محل مبارکه مذکوره‌نین اجرای تعمیرات کلیه‌سی ضمت سلطنت سنیه عائد شیء اولارق بو شرف و افتخاردا هئچ بیر طرفله مشارکتی قبول بویورامایاجاغیندان، بوراسی کندولریندن لدی السؤل تقریر مذکوره مندرج

تعمیرات، یال نیز بعضی ترمیمات جزئیة ایلہ تزئیناتاً منحصر اولاجاغی و بو داخلی اورادا بولونان مأمورین دولتِ علیّه نین رأی و موافقتلریله اجرا اولوناجاغی بیان اولونماسی اوزرینه تقریر مذکور بالمناسبه ذات والای فتواپناهیه داخلی ارائه و رأی لری استفسار قیلیندیکدا جهتِ جامعه اسلامیت و بین الدولتین جاری اولان سلیم و مسافات و مهادنت اقتضاسینجا محل مبارکه مذکوره ده صدر مشارالیه طرفیندن مجرد اثر تعظیم و حرمت اولماق اوزره اول صورتله تعمیرات خفیفه و جزئیه و بعضی تزئینات اجرا ائتدیریلمه سینه بشس اولمادیغی افاده بویورولموش و احوال معلومه دن دولایی شو آرائیق ایرانلولارین خوشجا تولولماسی اقتضاء حالدان اولوندوغو مثللو بوندا بیر گونه محذور اولمادیغی و خصوصیلہ بویور دولتجه شیء اولمایوب شخص واحد طرفیندن اولماسی جهتیلہ بونون اهمیتی اولامایاجاغی داخلی آنلاشیلیمیش ایسه ده اول بابدا هر نه وجهله امر و فرمان حضرت شهنشاهی متعلق و شرف صدور بویورولور ایسه منطق عالیہ سی اجرا اولوناجاغی بیانی له تذکره ثنآوری ترقیم قیلیندی، افندیم.

فی ۲۴ رجب سنه ۱۲۷۱ ق

پاسخ پادشاه عثمانی به نامه

معروض چاکرِ کمینہ لری دیر کی

خامه پیرای ابحال اولان ایشبو تذکره سامیه اصفانه لریله ذکر اولونان تقریر، مشمولِ مذکوره ده اول صورتله تعمیرات خفیفه و جزئیه و بعضی تزئینات اجرا ائتدیریلمه سینده بشس و محذور اولمادیغی آنلاشیلیمیش اولماسیلا اول وجهله اقتضاسینین اجرایی متعلق و شرف صدور بویورولان امر و فرمانِ همایون جناب خلیفت پناهی اقتضاء عالیہ سیندن اولراق مسار البیان تقریر یئنه صواب سامیه اصفیلرینه اعاده و تسیر قیلینمیش اولماقلا اول بابدا امر و فرمان حضرت ولی الامرین دیر.

فی ۲۶ رجب سنه ۱۲۷۱ ق

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

ترجمہ فارسی

حضور سرور پر عطاوتم

از سوی مصلحت‌گذار ایران مرقومه‌ای در این باب تقدیم جناب شاهنشاهی شد مبنی بر اینکه سال گذشته در پی بیماری ویا که در صفحه ایران ظاهر شد، از جانب حضرت صدرالدوله ایران به مقدار هزار کیسه آقچه جهت هزینه بابت هر گونه تعمیرات و تزئینات لازمه و مقتضی در محل بقعه شریفه ائمه هدی در گورستان بقیع مدینه منوره نذر شده و امسال در معیت مأموران دولت علیه جهت اجرای سفارش ایشان ارسال خواهد شد.

با توجه به اینکه اجرای تعمیرات کلیه بر ضمت سلطنت است و شاهنشاه در این افتخار و شرف هیچ مشارکتی را قبول نمی‌کنند، لذا مرقومه حاضر بابت امر همایونی مبنی بر منحصر شدن امر به تعمیرات خفیف و جزئی و برخی تزئینات با رأی و موافقت مأمورین دولت حاضر در آن مکان از باب روابط سلیم در جامعه اسلامی و بین دو دولت تقدیم می‌گردد.

از آنجا که این مسئله امر دولتی نیست و از سوی شخص درخواست شده و اهمیتی ندارد و از جانب همایونی هم عدم منع در تعمیرات جزئیة مستفاد می‌گردد، در این باب امر و فرمان متعلق به حضرت همایونی است.

فی ۲۴ رجب سنه ۱۲۷۱ ق

پاسخ پادشاه عثمانی به نامه

معروض چاکر کمینه است که

مطابق آنچه در این تقریر مذکور شده است، از باب اجرای تعمیرات خفیف و جزئی و بعضی تزئینات مانع و محذوری نیست و فرمان همایونی بر اجرای آن به اقتضای همان وجه است و در این باب امر و فرمان از آن حضرت ولی‌الامر است.

فی ۲۶ رجب سنه ۱۲۷۱ ق

* سند دوم: انتقال جسد عقدالدوله از سران قاجار به کریلا

باب عالی

دایره خارجیہ

مکتوب قلمی

عدد ۸۳۵

حضور سمیع حضرت صدارت پناهیہ

معروض چاکر کمینه‌لرینده‌دیر کی

شهامتلی ایران شاهی حضرتلرینین عمّی عقدالدوله‌نین جنازه‌سینین صورت استثنائیه‌ده اولاراق امثال وجهله عتبات عالیاته نقل و دفنینه بالاستیذان مساعده حضرت خلیفه پناهی شایان بویورولدوغونو متضمن جواباً رسیده دست تعظیم اولان ۲۴ رمضان سنه ۱۳۱۹ تاریخلی تذکره سامیه جناب صدارت پناهی‌لری مطالعه‌گذار عاجزی اولاراق کیفیت، ایران سفارتیله مجلس صحیه ریاست ثانیه‌سینه اشعار قیلینمیشدی. مرحوم

مشارالیهین جنازه سنین بو کره اون نفر مأمورا تودیعاً تهران دان عتباتا نقل
اندیلمکده اولدوغوندان بحثله حقیقنده احترامات لایقه و مأمورین معمالیهین
حققرینده داخلی معاونت لازمه ایفاسی و اوزرلرینده بولونان سلاحلارینا
ایلیشیلمه مه سی ضمیمه بغداد ولایت جلیله سینه تلگرافلا اوامر لازمه
اعطاسی التماسینی شامل سفارت مشارالیه دن آیینان تقریرین صورتی لفاً امر و
فرمان حضرتی من له الامرینده دیر.

فی ۹ صفر سنه ۱۳۲۰

خارجیه ناظری

توفیق (احمد توفیق پاشا)

ترجمه فارسی

باب عالی

دایره خارجیه

مکتوب قلمی

شماره ۸۳۵

حضور حضرت صدارت پناه

معروض است که

در باب تأیید حضرت پادشاه (پادشاه عثمانی) در مورد انتقال جنازه
عقدالدوله عموی پادشاه ایران به صورت استثنائی همچون موارد مشابه آن
به عتبات عالیات و دفن آن در این مکان، پس از رسیدن تذکره عبور به دست
بنده، کیفیت امر به اطلاع صدارت و ریاست مجلس صحیه رسید.

درباره انتقال جنازه عموی پادشاه ایران به همراه ده مأمور از تهران به
عتبات عالیات بحث شد و در باب فراهم نمودن همه گونه امکانات جهت
مأموران و عدم اخذ سلاح آنان، به ولایت بغداد از طریق تلگراف امر شده و
نامه ارسالی از سوی سفارت ایران به ضمیمه تقدیم شده است.

۹ صفر ۱۳۲۰

وزیر امور خارجه

توفیق (احمد توفیق پاشا)

کربلا در ادبیات ترکی عثمانی^۱

نام کربلا در ادبیات ترکی به دلیل آثار و مرثیه‌هایی که به نظم و نثر در یادکرد شهادت امام حسین (ع) خلق شده است، به عنوان یک درون‌مایه پرکاربرد مطرح است.

کربلا در فکر و ذهن ترکان، فراتر از معنای عام آن - شهادت امام حسین (ع) و خانواده و نزدیکانش در مکانی بدین نام - از سوی بسیاری از ادبا و شاعران به عنوان یک مضمون ادبی با عناوینی همچون «واقعۀ دلسوز کربلا» و «خبر کربلا» نماد و یادآور یک حادثه جان‌گداز است.

کربلا به عنوان محل دفن پیکر بی‌سر امام حسین (ع) که بعدها بر روی قبر شریف حضرت، قبه و بارگاه ساخته و تبدیل به واحه‌ای آباد در میانه صحرا شد، در طول تاریخ عثمانی به یکی از گذرگاه‌های حاجیان ترک در راه اعزام به حج تبدیل گشت که باعث تازه شدن عشق به آل‌عباس (ع) شد و به‌طور اخص فرهنگ صوفیانه ترکی را تحت تأثیرات عمیق خود قرار داد.

کربلا که فراتر از تفاوت‌های مذهبی، باعث همگرایی همه مسلمانان می‌شد و به گونه‌ای تقدس دست یافته بود، رفته‌رفته یک فرهنگ خاص زیارت نیز شکل داد. به‌خصوص در فرهنگ شیعی سنت نگارش کتاب‌هایی همچون «فضل زیارة الحسین» و ترجمه‌هایی همچون «زیارت‌نامه امام حسین» شکل گرفت و با کتاب‌هایی نظیر «کامل الزیارات»، آداب زیارت توسعه یافت. از زاویه فرهنگ عامه و فولکلور نیز فرهنگ کربلا که پررنگ‌تر شده بود، تبدیل به مفهومی رایج در ادبیات شد.

1. Uzun, Mustafa, "Kerbela", Türk Edebiyatında Kerbela, İslam Ansiklopedisi.

علاوه بر آن، واژه کربلا در بخش‌هایی از جهان اسلام که فرهنگ ترکی، فارسی و عربی حاکم بود، برای شاعران و نویسندگان مذاهب پیرامون اهل سنت، همچون تشیع، جعفری،^۱ زیدیه، و فرهنگ‌هایی مانند قزلباشی، علوی‌گری و بکتاشی‌گری، تبدیل به یک منبع الهام شد.^۲

از همان دوران ظهور واقعه کربلا، حیات امام حسین (ع) هویتی افسانه‌ای و منقبتی یافته است. به‌خصوص درباره ماجرای شهادت امام حسین (ع) که به دلیل تعصب مذهبی مؤلفان شیعه بسیار برجسته شد، در پی قرن‌ها کتاب‌ها نوشته و خوانده و از آن واقعه یاد می‌شد و در کنار نام آن، یک دسته باورهای جدید وسعت یافت و منتشر شد. این توسعه رفته‌رفته باب جست‌وجوی بعضی رموز و حکمت‌های چنین رویدادی و تفسیرهای باطنی بر آن را گشود. بدین سبب بعضاً احادیثی ساخته و پرداخته شد. حتی کوشیدند با تحلیل‌هایی نزول آیات ۳۳ سوره احزاب و ۲۳ سوره شوری را در شأن اهل‌بیت (ع) قلمداد کنند.^۳

بدین ترتیب کربلا تبدیل به یک فرهنگ شده و عزاداری برای شهادت امام حسین (ع) و نگارش اثر در این باره به عنوان یکی از راه‌های کسب ثواب پذیرفته شد.

در مناطق شیعه‌نشین برگزاری مراسم عزیه یا شبیه‌خوانی در دهه اول محرم - که باشکوه‌ترین آن دهمین روز محرم (یوم قتل، یوم عاشورا) است^۴ - به‌خصوص از دوره صفویه بدین سو در حد وارد شدن در برنامه‌های دولتی اهمیت یافت.

۱. نویسنده در اینجا به غلط از تشیع و جعفری به عنوان دو مذهب متفاوت یاد کرده است. - م.

۲. رک: موجب المصری، کربلا بین شعراء الشعوب الاسلامیه، قاهره، ۲۰۰۰.

۳. «ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَصَلُّوا الصَّلَاةَ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ فَخُورٌ شَكُورٌ» (شوری، ۲۳). «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب، ۳۳). گرچه این بخش از سخنان مؤلف با مبانی مذهب شیعه منافات دارد اما جهت آشنا شدن خوانندگان با برداشت‌ها و نگرش‌های برخی نویسندگان غیر شیعی نسبت به مبانی تشیع، از حذف آن خودداری گردید. - م.

۴. جهت اطلاعات بیشتر، رک:

در دامنه‌ای وسیع از سرزمین‌های ترکان - که مدت‌ها پس از این وقایع، اسلام را پذیرفتند - تا اندونزی از یک سو و جامائیکا از سوی دیگر، اشعار، مرثیه‌ها و مقتل‌های فراوانی در این باره نوشته و سروده شد. به همین سبب کربلا از موضوعات مورد توجه در ادبیات ترکی قرار گرفت و گذشته از مرثیه‌های مستقل، وارد بسیاری از صناعات ادبی همچون مجاز و تشبیه شد.

به طور اعم در ادبیات دینی - تصوفی ترکی و به ویژه در ادبیات دیوانی علوی - بکتاشی و نیز ادبیات دیوانی، عامه و آشیقی، در خصوص حادثه کربلا آثار مستقل، مرثیه و منظومه‌هایی تألیف شد.^۱ علاوه بر آن، نام کربلا در شکل‌گیری دنیای حس و خیال هنرمندان، آشیق‌ها و در رأس آنان، شاعران دیوانی، تبدیل به مضمونی مهم شد.

در کنار آثار تغزلی ادبیات ترکی که بسیاری از آنها از مضمون کربلا بهره برده‌اند، آثاری منظوم - مثنوی و یا مثنور صرف نیز نوشته شده‌اند. در میان آنها اشعاری در قالب‌های عروضی همچون مثنوی، قصیده، غزل، ترجیع‌بند،

۱. به عنوان نمونه برخی آثار مرتبط با امام حسین(ع) و کربلا در کتابخانه سلیمانیه استانبول عبارت‌اند از: مصایب کربلا اثر «قاسم پاشا» (۱۹۰۹م)، وقوعات کربلا اثر «حسین بن مرتضی» (۱۲۷۷ق)، کربلا اثر «ناظم» (۱۳۲۷ق)، اوایل اثر «کاظم پاشا» (۱۳۷۲ق)، واقعه کربلا اثر «حسن حاسب» (۱۲۵۶ق)، واقعه کربلا، اثر ادهم (۱۲۹۱ق)، وقایع کربلا، اثر «نورالدین» (۱۲۸۵ق)، حدیث کربلا اثر «علی رضا» (۱۲۹۴ق)، دفتر واردات و مصارف کربلا (۹۸۶ق)، مقتل الحسین (۷۳۶ق)، ریاض الاصفیاء اثر «کاظم پاشا فریق» (۱۸۷ق)، مرثیه امام حسین(ع)، اثر «محرم افندی» (۱۲۳۴ق)، وقعه کربلا، وقایع کربلا، مجمع مرثی حضرت امام حسین(ع)، اثر «عبدالحق سیف‌الدین دهلوی»، مقتل امام حسین(ع)، اثر «شاذی کاستامونوی» (۷۶۳ق)، غزوات امام حسین(ع)، فاجعه کربلا، رساله فی بیان شهادت امام حسین(ع)، تواریخ اولاد امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و امام محمد باقر(ع)، شرح قصیده امام حسین بن علی(ع)، مرثیه امام حسین(ع) اثر «محرم افندی».

کتابخانه سلیمانیه در سال ۱۶۵ق توسط سلطان محمود اول ساخته شد. این مجموعه به عنوان بزرگ‌ترین کتابخانه نسخ خطی جهان با حدود ۱۰۰ هزار نسخه در بیش از ۳۰۰ هزار عنوان به ترکی، عربی و فارسی، دارای آثار ارزشمندی در زمینه تشیع، عاشورا و امام حسین(ع) است. حجت‌الاسلام حسین متقی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با بررسی ۱۰ مجموعه از ۷۳ مجموعه محفوظ در کتابخانه سلیمانیه، ۲۵۰ اثر شیعی (امامیه، علویان، حروفیه) از ۱۶۰ مؤلف را شناسایی و فهرست‌نویسی کرده‌اند. - م.

ترکیب‌بند، رباعی، تویوغ، الاهی و قوشما، در وزن‌هایی مانند «فاعلاتن فاعلاتن» که در ذهن توده مردم جای گرفته، دیده می‌شود.

چه در سنت شعر دیوانی و چه در سنت شعر تکیه‌ای و سازی - که دریافتی تغزلی و تراژیک از ماجرای کربلا دارند - یاد کردن از کربلا به عنوان یک سرزمین مقدس و نیز تلاش برای ایجاد یگانگی بین کربلا و اهل بیت (ع) به عنوان دو ویژگی مشترک همه این آثار مطرح است.

احساس و اندیشه شاعران درباره این واقعه، بافضیلت بودن کربلا در نظر مردمان را پرورش داد و باعث شکل‌گیری روایاتی افسانه‌ای و مناقبی درباره آن شد. شاعرانی که وقایع کربلا را در قالب مرثیه بیان می‌کنند، از دعایی درباره کربلا بلافاصله پس از پایان منظومه خود کوتاهی نمی‌کنند. در این اشعار جا به جا در کنار عباراتی همچون دشت، صحرا و بیابان که مضامینی همچون محرومیت را به ذهن متبادر می‌کند، از خاک کربلا به خاطر اینکه خون اهل بیت (ع) در آن جاری شده با عنوان سرمه چشم هم یاد می‌شود.

در میان آثاری که در ادبیات ترکی براساس کربلا نوشته شده و در مراسم‌های دهه اول ماه محرم بسیار خوانده می‌شود، مقتل منظوم «شاذی کاستامونویی»^۱ با نام مقتل امام حسین (ع) جایگاه ویژه‌ای دارد که به ترکی ساده در ذی‌الحجه ۷۶۳ ق سروده شده و ۳۰۳۴ بیت دارد.

اسماعیل حکمت ارتایلان از شاعری به نام «یوسف مداح» یاد می‌کند که یک سال قبل از شاذی کاستامونویی مقتلی سه هزار بیتی به «بایزید»، حکمران منطقه جانداراوغلو تقدیم نموده است.

مقتل حسین اثر «یحیی بن بخشی» هم که در شعبان ۹۰۵ ق به اتمام رسیده، ۹۷۶ بیت دارد و در سال ۹۳۸ ق استنساخ شده و در آنکارا نگهداری می‌شود.^۲

1. Kastamonulu Şazi

2. DTCF Ktp, Muzaffer Ozak, nr. 1, 248.

اثر کتاب آذر رسول سروده لامعی نیز مقتلی در ۹۸۹ بیت است. واقعه کربلا اثر «حاجی نورالدین افندی» نیز که در ۹۴۰ ق به ترکی ساده سروده شده، علی‌رغم اینکه از نظر شعری ضعیف است اما به دلیل ابیات فراوان حماسی و استقبال مردم از آن، بیش از هفت بار تجدید چاپ شده است.

سعادت‌نامه اثر «گلیبولولو جامع‌رومی» که با اسلوبی هنرمندانه سروده شده و نیز مقتل^۱ عاشق چلبی، هر دو ترجمه‌ای از روضه‌الشهدا اثر «واعظ کاشفی» هستند.

کامل‌ترین اثر در میان این آثار از هر نظر، حدیقه‌السعدا اثر «ملا محمد فضولی» است. از این اثر که به عنوان پایان‌نامه خانم «شیما گون‌گور» نیز در سال ۱۹۸۷ م در آنکارا منتشر شده است، بیش از ۲۲۵ نسخه خطی در کتابخانه‌های سراسر جهان نگهداری می‌شود. گذشته از این بارها به چاپ رسیده و اشعار آن در نغمه‌های گوناگون خوانده شده است.

گذشته از اینها، آثار بسیاری با مضمون کربلا به صورت داستان و رمان برای استفاده عموم مردم نوشته و منتشر شده است. واقعه کربلا (استانبول، ۱۲۹۱ ق) اثر «ادهم افندی» کربلا‌نامه^۲ اثر «صافی» واقعه کربلا^۳ اثر «خالص افندی»، کربلا (پاریس، ۱۳۰۵ ق) اثر «ابن‌الرشید»، واقعه دلسوز کربلای حضرت حسین (استانبول، ۱۳۲۶ ق) اثر «حلمی‌زاده ابراهیم رفعت»، کربلا اثر «محمد ناظر» (استانبول، ۱۳۲۷ ق) آتش کربلا اثر «میرجعفرزاده میرمحمد کریم» (باکو، ۱۳۲۹ ق)، کربلا: نفاق در تاریخ اسلام، حسن، حسین، معاویه، یزید اثر «کمال‌الدین شکری» (استانبول، ۱۹۲۸ م)، واقعه کربلا و انتقام کربلا هر دو اثر «ضیاء شاکر» (استانبول، ۱۹۴۲ م)، شهیدان کربلا اثر «رمزی کوروک» (استانبول، ۱۹۶۷ م)، آه کربلا اثر «کمال پیل‌او‌اوغلو» (آنکارا، ۱۹۶۷ م)، کربلای خونین اثر «نجمی

1. Beyazıt Devlet Ktp, nr. 5329.

2. Türk Dil Kurumu Ktp, nr. 84.

3. İÜ Ktp, TY, nr. 2445.

اونور» (استانبول، ۱۹۶۸م)، کربلا اثر «مراد سرت اوغلو» (استانبول، ۱۹۷۰م) و فاجعه کربلا اثر «منیر یورداتاپ» (استانبول، ۱۹۷۰م) از این قبیل آثار است.^۱ این مجموعه گرانقدر که با محوریت حادثه کربلا پیش رفته، به فولکلور و موسیقی نیز منتقل شده است. در موسیقی دینی ترکان که در ماه محرم و در مراسم‌هایی که به‌ویژه در تکیه‌ها برگزار می‌شود، اشعار و مرثیه‌های مرتبط با محرم خوانده می‌شود.

۱. به تازگی نیز رمان شهید عشق (Aşkın Şehidi) در ترکیه منتشر شده است که با استقبال بسیار مخاطبان مواجه شده و انتقاداتی را نیز برانگیخته است - م.

عشق به اهل بیت (ع) در میان صوفیان ترکیه

در گفت و گو با دکتر فاضل آغیش از اساتید شیعی دانشگاه های ترکیه

دکتر فاضل آغیش متولد ۱۹۴۷م و اصالتاً تاتار و اهل تاتارستان روسیه و متولد توکیوی ژاپن است. وی گرچه در خانواده ای مسلمان زاده شد و پدر و مادرش محب اهل بیت (ع) بودند، اما محیط کمونیستی حاکم بر روسیه باعث دوری مردم از مذهب شده بود. همان عشق به اهل بیت (ع) و دیدن تفاوت های میان ادیان مختلف موجب شد تا در نوجوانی به دنبال دانستن نکات بیشتری درباره مذهب باشد. وی پس از مهاجرت به ترکیه با اسلام و قرآن بیشتر آشنا شد. در چهل سالگی وارد حوزه علمیه قم شد، مذهب تشیع را برگزید و چهار سال به تحصیل پرداخت.

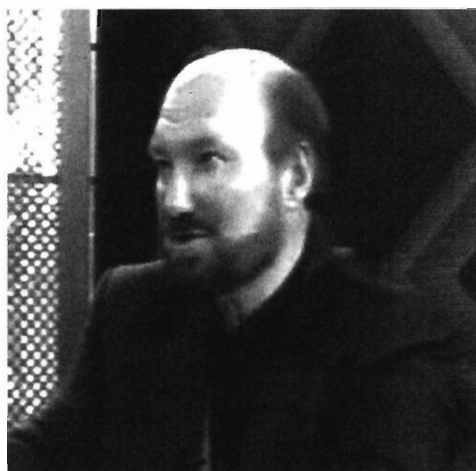
وی سال ها در دانشگاه های قونیه و الازیغ به تدریس ترکیات پرداخته است. آغیش هم اکنون بازنشسته و مشغول تحقیق و نگارش درباره معارف اهل بیت (ع) است. از وی مقالات متعدد و یک کتاب با نام «لانیسم و حقوق بشر در اسلام» در دست است.

* محبت اهل بیت (ع) از چه زمانی وارد فرهنگ ترکان شده است؟

این مسئله در محدوده علم ترکیات بحث می شود. لازم است کمی درباره این رشته توضیح دهم. ترکیات شامل تاریخ، ادبیات، لهجه ها و زبان ها و زندگی اجتماعی همه ترک زبانان از ترکان آسیای میانه تا آناتولی را دربر می گیرد که شامل آذری ها، تاتارها، ازبک ها، قرقیزها، قزاق ها و دیگر ترکانی است که در سراسر آسیا و اروپا زندگی می کنند. تاریخ ترکیات از زمان هون ها آغاز و تا دوران معاصر ادامه دارد. هون ها تقریباً سه هزار سال پیش زندگی می کردند.

ابتدا این را بگویم که در کربلا شخصی به نام اسلم بن عمرو به عنوان غلام امام زین العابدین (ع) حضور داشت. او ترک و اهل منطقه دیلم در اطراف قزوین بود. از این قبیل موارد که بگذریم، باید به سراغ آسیای میانه و ترکان کوچ رو برویم. اصولاً ترکان اغلب کوچ رو بودند و به دلیل دور بودن از

مراکز علمی که طبیعتاً در شهرها هستند، رهبری دینی و معنوی مردم به عهده درویش و نوازندگان محلی بود که «اوزان» نام داشتند. اوزان‌ها که با سواد بودند - البته نه سواد مدرسه‌ای - تحت تأثیر تفکرات صوفیانه و باطنی بودند. همان‌طور که می‌دانید تقریباً همه صوفیان، سلسله طریقت خود را به امام علی(ع) می‌رسانند. بنابراین این محبت از همین رهبران معنوی قبایل کوچ‌رو به عموم مردم منتقل می‌شد. از سوی دیگر ترکانی که در شهرها زندگی می‌کردند و در پی آن عالمان‌شان، فقه حنفی را از طریق مدارس دینی می‌آموختند و به مخاطبان خود عرضه می‌کردند. این گونه است که می‌بینید ترکانی که از آسیای میانه به آناتولی آمدند، محب اهل‌بیت(ع) هستند و در عین حال فقه‌شان حنفی است.



دکتر فاضل آغیش

*** اوزان‌ها چگونه محب اهل‌بیت(ع) شدند؟**

باید به این نکته توجه کنیم که ترکان ارتباط زیادی با ایرانیان داشتند. بعضی اصطلاحات دینی مانند نماز و روزه از فارسی وارد ترکی شده است. البته این بعد از مسلمان شدن ترکان است. یعنی اسلام آوردن ترکان ابتدا از طریق همین لشکرکشی‌های خلفای عباسی بود. اما پس از اینکه ترکان مسلمان

شده و توانستند وارد سرزمین های اسلامی شوند، اولین اقوام مسلمانی که با آنان در کسوت یک مسلمان ارتباط برقرار کردند، همین ایرانیان بودند. بنابراین هم از نظر بعضی اعتقادات دینی و هم از نظر ادبیات تأثیراتی از زبان فارسی پذیرفته شد. اوزان ها این مدل از اسلام را متأثر از ایرانیان که اعتقادات باطنی داشتند اخذ و به مخاطبان خود که عموم ترک زبانان کوچ رو بودند منتقل می کردند.

باطنیان هم، عقاید خود را از اسماعیلیان گرفته اند که شیعه مذهب بودند. از طریقت های دیگر مؤثر، می توان به واقفیان اشاره کرد که آنان هم به حلول اعتقاد داشتند و هم محب اهل بیت (ع) بودند. اعتقاد به حلول الان در میان گروه هایی از علویان در کنار محبت به اهل بیت (ع) وجود دارد.

* ریشه محبت اهل بیت (ع) در میان اهل سنت به کجا برمی گردد؟

اهل سنت هم تحت تأثیر مرجئه بودند. مرجئیان صحابه و اهل بیت را هم ردیف یک دیگر می دانند. به همین سبب هم دوستدار صحابه و هم دوستدار اهل بیت (ع) هستند.

گروهی دیگر از اهل سنت نیز پیرو طریقت های مختلفی هستند. همان طور که گفتم غالب طریقت ها به جز یک طریقت، سلسله خود را به حضرت علی (ع) می رسانند. بنابراین این محبت در میان اهل سنت صوفی نیز وجود دارد. روایتی هست که حضرت رسول (ص) به امام علی (ع) ذکر جهر و به ابوبکر ذکر خفی را آموخت. این حدیث البته صحیح نیست. بدین سبب اکثر طریقت ها معتقد به ذکر جهر هستند. اما ذکر خفی در طریقت نقشبندی رایج است. البته نقشبندی ها هم این اعتقاد را از ملامتیانی که الان در روم ملی هستند، گرفته اند. ملامتیان البته با نقشبندی ها فرق می کنند اما محبت آنان از نقشبندی های استانبول و آناتولی بیشتر است. مرکز نقشبندی ها بخارا بود که این عقیده تا تاتارستان هم آمد.

پیش از نقشبندی ها در آسیای میانه طریقت خواجه احمد یسوی رایج بود. یسوی ها معتقدند نسل خواجه احمد یسوی به محمد حنفیه پسر امام

علی (ع) می‌رسد. نقشبندی‌ها و بکتاشی‌ها دو شاخه از طریقت یسوی هستند اما با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارند.

* در حال حاضر چه طریقت‌هایی با عقاید نزدیک به شیعه در ترکیه حضور دارند؟
نقشبندی‌ها و بکتاشی‌ها متشیع هستند. یعنی عقایدشان بیشتر متمایل به شیعه است. آنان معتقد به تولی و تبری هستند. در حالی که در طریقت‌های دیگر تبری وجود ندارد. قادیان هم معتقدند نسل پیر طریقت‌شان یعنی عبدالقادر گیلانی به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌رسد. البته عبدالقادر گیلانی حنبلی مذهب بود و هرگز شیعه نشد. بایرامیان هم که از طریقت صفوی منشعب شده‌اند. شمسیان هم متشیع و معتقد به تولی و تبری هستند. شمسیان بیشتر ساکن استانبول هستند. مولویان هم همین‌طور، که معروف‌ترین مولوی‌شناس معاصر مرحوم پروفیسور عبدالباقی گلپینارلی از تبحری خاص در آرای مولویان برخوردار بود. الان پسر او یوکسل گلپینارلی رهبر این طریقت شده است. دده افندی از موسیقی‌دانان معروف ترکیه هم مولوی مسلک بود.

* آیا پیروان این طریق، مقید به فرائض دینی هم هستند؟
غالباً نماز را به شکل اهل سنت می‌خوانند چرا که فقه‌شان حنفی است. البته در مناطق شرق ترکیه که مردم غالباً کرد و زازا هستند، مذهب شافعی غالب است. حتی بخشی از علویان هم نماز را به شکل اهل سنت می‌خوانند. البته این بدان دلیل است که کمتر با معارف اهل بیت (ع) آشنا هستند. ولی گروهی از علویان هم نماز را طبق فقه شیعه می‌خوانند. البته علویان زیادی هستند که اعتقادی به نماز ندارند. بعضی می‌گویند چرا باید نماز بخوانیم؟ امام علی (ع) را در مسجد شهید کرده‌اند، به همین خاطر به مسجد نمی‌رویم. بعضی هم می‌گویند چون امویان در مسجد به اهل بیت (ع) ناسزا می‌گفتند، ما به مسجد نمی‌رویم. اگر قلب پاک باشد، مشکلی نیست. یعنی به گونه‌ای به سمت اباحه‌گری رفته‌اند. بسیاری از اهل تصوف به اباحه‌گری روی آوردند. اکثر صوفیان در نماز ضعیف هستند.

رسانه‌های شیعی

گفت‌وگو با جواد گۆک مسئول بخش ترکی شبکه شیعی زهرا تی‌وی

جواد گۆک، شیعه، اهل ترکیه و متولد ۱۳۴۹ش است. او ده سال در مدرسه حجتیه قم درس حوزه خوانده است. جواد گۆک بیشتر با طلاب عراقی نشست و برخاست داشته و به همین خاطر علاوه بر ترکی - زبان مادری اش - به فارسی و عربی نیز تسلط دارد. جواد گۆک پس از بازگشت به کشور خود در استانبول ساکن شده و با توجه به علاقه‌اش به امور رسانه‌ای، علی‌رغم همه سختی‌ها و دشواری‌ها، نمایندگی دو شبکه ماهواره‌ای اسلامی زهراتی‌وی و الفرات را به عهده گرفته است.

گۆک، مغازه بزرگی را در یکی از محلات شیعه‌نشین استانبول اجاره کرده و نمای داخلی آن را به‌طور کلی تغییر داده و آن را تبدیل به استودیو کرده است. گۆک از خیلی‌ها گلایه داشت اما همه حرف‌هایش را به حساب درد دل گذاشت. گۆک عاشق اهل‌بیت(ع) است و تمام هم‌وغمش این است که آنچه از دستش برمی‌آید برای اهل‌بیت(ع) انجام دهد.

* درباره فعالیت‌هایتان کمی توضیح دهید.

من نماینده شبکه زهرا تی‌وی و مسئول بخش ترکی این شبکه هستم. این شبکه چند سال است که از سوی دو تن از مقلدان کوییتی آیت‌الله شیرازی که مالک شبکه هستند در لبنان راه‌اندازی شده است. زبان اصلی شبکه، عربی است اما روزانه چهار ساعت - دو ساعت صبح و دو ساعت بعدازظهر - برنامه به ترکی پخش می‌کند که بنده مسئول تأمین این برنامه‌ها هستم. علاوه بر این بنده به عنوان گزارشگر شبکه الفرات نیز به فعالیت مشغول هستم.

* در مورد سیاست‌های شبکه زهرا تی‌وی توضیح دهید.

سیاست شبکه زهرا تی‌وی نشان دادن چهره واقعی اهل بیت (ع) به مخاطبان، بدون هیچ‌گونه وابستگی سیاسی است. موضوعات این شبکه کلاً در مورد اهل بیت (ع) است و هر کدام از علما که حرفی برای گفتن داشته باشند، از سوی ما دعوت می‌شوند و ما با آنها گفت‌وگو می‌کنیم. بخش دیگر برنامه‌های مان هم پخش مرثیه و مداحی اهل بیت (ع) است. در مورد تبری هم به هیچ عنوان باج نمی‌دهیم و سعی می‌کنیم به دور از سیاست، مواضع اهل بیت (ع) را مطرح کنیم. اصولاً می‌خواهیم معارف آن حضرات را به مردم برسانیم.



جواد گوک مسئول بخش شیعی شبکه شیعی زهرا تی‌وی

برنامه‌ها معمولاً با قرآن شروع می‌شود. بعد سخنرانی و میزگرد چهل یا پنجاه دقیقه‌ای و بعد هم دعا و کلیپ‌های عربی و ترکی و فارسی. از خانم‌ها هم کسانی هستند که صحبت می‌کنند. از حرم مطهر ائمه هم برنامه‌هایی پخش می‌کنیم. گاهی انتقاد می‌کنند که چرا از سیاست صحبت نمی‌کنید. می‌گوییم همه شبکه‌ها درباره سیاست صحبت می‌کنند، ولی برنامه‌هایی مانند برنامه‌های ما ندارند. مثلاً کسی می‌گفت که چرا شما در مورد فضایل ابوبکر، عمر و عثمان

صحبت نمی‌کنید؟ گفتیم آنها اهل بیت (ع) نیستند و ما فقط در مورد اهل بیت (ع) برنامه داریم. و یا شخص دیگری می‌گفت: «وقتی نمی‌توانیم مانند امیرالمؤمنین (ع) باشیم، چرا این قدر از امیرالمؤمنین (ع) صحبت می‌کنید؟» گفتیم «به خاطر اینکه معاویه نشویم، از امیرالمؤمنین (ع) صحبت می‌کنیم. اگر نمی‌توانیم امام حسین (ع) باشیم، اقلاً یزید نباشیم». اصولاً هدف ما این نیست که مردم را شیعه کنیم. می‌خواهیم اهل بیت (ع) را معرفی کنیم.

الان در برخی جاها که نمی‌خواهم اسم ببرم، دین را در خدمت سیاست درآورده‌اند. کنفرانس برای اهل بیت (ع) برگزار می‌کنند اما بیشتر از خودشان تعریف می‌کنند تا اهل بیت (ع). یا مسئله قره‌باغ شیعه‌نشین که به دلیل سیاست‌بازی به فراموشی سپرده شده است.

*** مخاطبان شما چه کسانی هستند و در مورد میزان تأثیر این شبکه بر روی مخاطبان توضیح دهید.**

متأسفانه به زبان ترکی، تنها شبکه زهرا تی‌وی است که درباره اهل بیت (ع) فعالیت می‌کند. بعضی مواقع که پخش زنده داریم، از سوئد تا بحرین و از اسپانیا تا روسیه و آذربایجان مخاطب داریم. اما تأثیر اصلی و درحقیقت مخاطبان اصلی‌مان در ترکیه و به‌خصوص در آذربایجان هستند. از آنجا هم برنامه‌هایی برای ما ارسال می‌شود که پخش می‌کنیم. از سوی هیچ مرکز و نهاد خاصی حمایت نشده‌ایم و خلاصه به قول شما بسیجی‌وار کار را شروع کرده‌ایم. البته زمان‌هایی که پخش زنده داشته‌ایم مردم از کشورهای مختلف تماس می‌گرفتند و کمک مالی می‌کردند اما وقتی پخش زنده نداشته باشیم، قاعدتاً ارتباط‌مان هم با مردم کمتر می‌شود.

چند سال است که این شبکه را راه‌اندازی کرده‌ام، اگر دویست سال زندگی می‌کردم، نمی‌توانستم به اندازه این دو سال تبلیغ کنم. کجا امکان داشت که به اسپانیا بروم و با یک شخص بنشینم و صحبت کنم؟ یک بنده خدا از اهالی جمهوری آذربایجان می‌گفت، مادر من پیر و فلج است. شما هر روز یک عالم پیش او می‌آورید.

یک مثال دیگر در مورد تأثیر شبکه بزنم. شخصی هست به نام پروفیسور دکتر حیدر باش که رئیس یکی از احزاب است. یک روز دیدم در تلویزیون عین صحبت‌هایی را که ما از شبکه زهرا تی‌وی پخش می‌کنیم، به زبان می‌آورد. می‌گفت «من از روح علی ابن ابی طالب (ع) معذرت می‌خواهم که به ایشان می‌گفتم مشرک». دیدم آیه‌هایی را که می‌آورد، دقیقاً آیه‌هایی بود که ما در شبکه می‌گفتیم. الان یک کتاب به اسم حضرت علی (ع) و یک کتاب هم به اسم حضرت زهرا (ع) نوشته و منتشر کرده است. همچنین می‌گفت من از شیعیان هم معذرت می‌خواهم.

الان شیعیان در شهرهای مختلف ترکیه پراکنده‌اند و در برخی شهرها فقط چند خانواده شیعی هست و تنها راه ارتباطی‌شان همین شبکه است. در آذربایجان دیدم در بعضی روستاها فقط یک ماهواره هست و همه جمع می‌شوند و آنجا این شبکه را تماشا می‌کنند. الان در آذربایجان بحث شیعه و سنی تند است و هم سنی‌ها کار می‌کنند و هم وهابی‌ها.

البته سحر تی‌وی هم هست، اما سیاسی کار می‌کند و مداخله در سیاست داخلی همه چیز را خراب کرده است. مثلاً در سن پترزبورگ هم که شش ماه روز و شش ماه شب است، بحث انقلابی و ضد انقلابی انداخته شده است. ما گفتیم این بحث‌ها همه به کنار و به جز اهل بیت (ع) از هیچ چیز صحبت نمی‌کنیم.

دو سه ماه پیش یک کنفرانس در اینجا برگزار شد و ۲۵۰ هزار دلار در یک روز هزینه شد. من با این پول می‌توانم یک سال اجاره ماهواره ترک‌ست را بدهم. یعنی یک سال می‌توانستیم حرف همه علما را به مردم برسانیم. اما این گونه کنفرانس‌ها تشریفاتی است و نتیجه خاصی ندارد. ما اینجا داریم هر روز به همه دنیا برنامه پخش می‌کنیم. ولی تا به حال نتوانسته‌ام به کسی این حرف را بگویم. من نباشم، کسی دیگر. باید یک شبکه در ترک‌ست باشد. این کار بعد از انقلاب اسلامی می‌تواند بهترین خدمت به مردم شیعه باشد.

یکی از گروه‌هایی که نسبت به آنها اهمال و بی‌توجهی شده، علویان هستند. ما دنبال شیعه کردن سنی‌ها نیستیم. تأثیر کلام ما روی علوی‌ها بیشتر

است. چون آنها محب اهل بیت (ع) هستند. نمی‌خواهیم آنها را به عنوان سرباز فلان کشور مطرح کنیم. می‌خواهیم امام زمان (عج) و حضرت علی (ع) را به آنها معرفی کنیم. بالاخره شیعه یک جهان‌بینی دارد.

*** در مورد برنامه‌هایی که تولید و پخش می‌کنید صحبت کنید.**

در اینجا به روی همه افراد باز است، به شرطی که موالی اهل بیت (ع) باشند. الحمد لله با همه گروه‌ها رابطه‌مان خوب است. برنامه‌هایی که در ترکیه درباره اهل بیت (ع) برگزار می‌شود، ضبط و پخش می‌کنیم. در میزگردهایی که داریم، از همه علمای ترکیه دعوت کرده‌ایم و برنامه تولید کرده‌ایم. از ایران آقای وحید خراسانی فرزند آیت‌الله وحید خراسانی در میزگردهای ما شرکت داشته‌اند. از علمای عرب‌زبان هم دعوت کرده‌ایم.

برنامه‌هایی در جهت معرفی حرم‌های امامان داشته‌ایم. مایلیم به ایران پیام و از حرم امام رضا (ع) و حضرت معصومه (ع) برنامه تهیه کنیم. عاشورای ترکیه در هالکالی را هم هر سال به صورت مستقیم پخش می‌کنیم. الحمد لله در ترکیه آزادی هست و کسی نمی‌گوید از کجا فیلم می‌گیرید یا برای چه کسی فیلمبرداری می‌کنید. با رئیس سازمان کنفرانس اسلامی و برخی وزرا مصاحبه داشته‌ایم. مصاحبه با آذری‌های ایران را در برنامه داریم. از مداحان هم با سیدحسین شریانی به عنوان اولین مداح در شبکه چهار ساعت برنامه مداحی ضبط کرده‌ایم. از بعضی مداحان آذربایجان هم برنامه تهیه کرده‌ایم. از مجالس ایران هم مجلس آقایان حاج جواد رسولی و سلیم مؤذن‌زاده و حاج محمدباقر منصوری را پخش کرده‌ایم. جلسات مرثیه‌خوانی و عزاداری‌های ترک‌زبانان قم را که هر سال در دهه سوم محرم برگزار می‌شود، پخش کرده‌ایم که از نظر حرفه‌ای هم در سطح بالایی تهیه می‌شوند. خلاصه هر کس برنامه برای ما فرستاده است، اگر مناسب بوده پخش کرده‌ایم.

گفت‌وگو با کاظم آلجان مشاور امور رسانه انجمن زینبیه

کاظم آلجان اهل کارس در شرق ترکیه و نزدیک مرز ایران است. او مثل بسیاری از شیعیان این مناطق به امید یافتن فضای مناسب‌تر برای فعالیت، راهی استانبول شد. وی هم‌اکنون مشاور امور رسانه انجمن زینبیه است.

*** کمی در مورد فعالیت‌های رسانه‌ای شیعیان ترکیه در گذشته و حال توضیح دهید.**
قبل از انقلاب اسلامی ایران، ما در منطقه کارس زندگی می‌کردیم و رسانه‌های مختلف مربوط به شیعیان در این سطح وجود نداشت و تنها کانال‌های دولتی فعال بود. بعد از اینکه به استانبول مهاجرت کردیم، برای شناساندن و معرفی خود، برای اولین بار هفته‌نامه علمدار راه‌اندازی شد که در حقیقت اولین نشریه مستقل شیعیان در ترکیه است. این نشریه در سال ۱۹۹۱م شروع به فعالیت کرد و ۲۹۲ شماره از آن منتشر شد و در سال ۱۹۹۷م از سوی دولت وقت تعطیل شد. یک کانال رادیویی هم به نام ART به معنی رادیو و تلویزیون علمدار راه‌اندازی کرده بودیم که آن را هم دولت وقت به دلیل بعضی مسائل سیاسی تعطیل کرد.

قبل از علمدار، نشریه مستقلی برای شیعیان وجود نداشته است. بعد از آن نشریه‌های مختلفی منتشر شده و می‌شود که یکی از آنها نشریه جعفری‌یول است که به عنوان ارگان انجمن زینبیه، فعالیت‌های این مرکز را منعکس می‌کند و تاکنون ۳۲ شماره از آن منتشر شده است.

پس از اینکه برای اطلاع‌رسانی و شناساندن خود دچار خلأ رسانه‌ای شدیم، به فکر برگزاری مراسم عاشورا به صورتی باشکوه افتادیم. این فعالیت کم‌کم به رسانه‌های مختلف ترکیه راه پیدا کرد و معرفی شد. با شبکه‌های

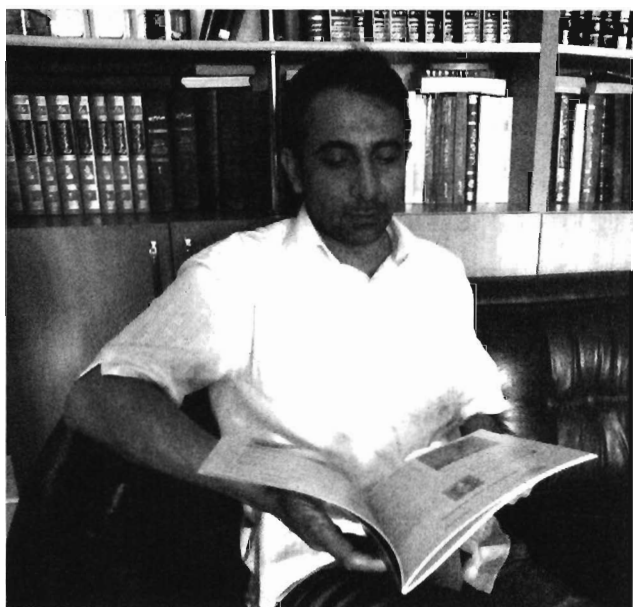
مختلف وارد مذاکره شدیم و سعی نمودیم با مطبوعات ارتباط خوب و مؤثری برقرار کنیم.

*** هم‌اکنون ارتباط شما با مردم و رسانه‌ها چگونه است؟**

الان به‌طور کلی ارتباط‌مان با همه از قبیل احزاب، گروه‌ها، فرقه‌ها و طریقت‌ها دوستانه و انسانی است و خواهد بود. ما راه میانه را در پیش گرفته‌ایم و در پی وحدت و یگانگی با همه هستیم. در ترکیه بیش از پنجاه شبکه تلویزیونی فعال است اما ما فعلاً شبکه مستقل نداریم؛ ولی اگر به یکی از همین شبکه‌ها زنگ بزنیم و بگوییم مثلاً می‌خواهیم در مورد حضرت زهرا(ع) برنامه داشته باشیم، هیچ‌کس نه نمی‌گوید. گو اینکه شبکه خود ما است. ما این را حاصل تلاش خود در راه عمل به دستورات و تعالیم ائمه(ع) می‌دانیم. یعنی اخلاق اسلامی و آن شیوه ارتباطی که مکتب اسلام و شیعه به ما آموخته است. حضرت علی(ع) می‌فرمایند که «شیعه ما در هر جا باشد، باعث صلح و دوستی در آنجا خواهد بود». ما هم بر روی آن حرف ایستاده‌ایم. به همین خاطر هم‌اکنون هم در برنامه‌های گوناگونی که برگزار می‌کنیم، از همه اقشار از شیعه، سنی، علوی و سیاسی و غیر سیاسی حضور پیدا می‌کنند. ما همه زیر یک پرچم هستیم. حضرت زهرا(ع) تنها حضرت زهرا(ع) شیعیان نیست بلکه وجه مشترک میان همه مسلمانان بلکه همه انسان‌ها است. ما در هر کاری به این مسئله اهمیت می‌دهیم. عاشورا هم همین‌طور است. سنی، شیعه، علوی و مسیحی همه و همه می‌آیند.

در سال ۱۹۹۱م پول می‌دادیم و می‌گفتم در فلان روز برنامه ویژه عاشورا برگزار می‌شود و شما زیرنویس کنید، ولی این کار را انجام نمی‌دادند. اما الان آنها به سراغ ما می‌آیند و می‌خواهند مطلب و گزارش تهیه کنند. این بار ما می‌گوییم که وقت داریم یا نه. به طوری که الان برای پوشش برنامه‌های ما از خارج از کشور حتی از چین و ژاپن هم می‌آیند. این یک دلیل دارد و آن هم اعتبار و اعتمادی است که نسبت به این مجموعه و صداقت آن و مدیریت توانمند مجموعه زینبیه ایجاد شده است. ما اینجا آرشیوی از انعکاس

فعالیت‌ها و پروژه‌های مان در میان رسانه‌های ترکیه تهیه کرده‌ایم. البته این را هم بگویم که رسانه‌ها عاشق چشم و ابروی ما نیستند بلکه امروزه فعالیت‌های شیعیان طوری شکل گرفته و پیش رفته و جایگاه خود را در میان مردم و رسانه‌ها یافته که رسانه‌های مختلف به سراغ ما می‌آیند تا برای شبکه‌های خود برنامه و گزارش تهیه کنند.



کاظم آلجان مشاور امور رسانه انجمن زینبیه

* تعامل شیعیان با اهل سنت و علویان چگونه است؟

ما حرفی داریم که می‌گوییم برادران اهل سنت ما، نسبت به اهل سنت کشورهای دیگر، شیعه‌ترین سنیان هستند. ملت ترک از گذشته‌های دور شخصیت مولا علی(ع) را الگو خود قرار داده و همواره سعی می‌کند مانند آن حضرت باشد. این هم شامل اهل سنت و هم شامل شیعیان می‌شود. محبت اهل بیت(ع) از زمان عثمانی‌ها در شخصیت و وجود ملت ترک وجود دارد. یعنی این چیزی نیست که بعدها به وجود آمده باشد. آنها در کنار امام علی و

امام حسین (ع)، و در برابر معاویه ایستاده‌اند. ولی اگر بعدها بعضی چیزها کمی تغییر پیدا کرده، نتیجه برخی فعالیت‌های موزیانه وهابیت است. این باور در ملت ترک وجود دارد که اگر شخصی کمونیست باشد، کمونیست ترکیه است نه روسیه. اگر مسلمانم، مسلمان ترکیه هستم نه عربستان. اگر این تفاهم وجود داشته باشد، هیچ‌کس با دیگری مشکلی پیدا نمی‌کند مگر اینکه از بیرون مداخله‌ای صورت بگیرد.

به همین دلیل ما با برادران اهل سنت خود در ترکیه هیچ مشکلی نداریم. با آنها دوستی داریم. ما با اهل سنت کنفرانس‌های وحدت برگزار می‌کنیم. مناسبت‌هایی مثل روز زن، روز قدس و روز شهیدان را اولین بار ما شیعیان در ترکیه برگزار کرده‌ایم، ولی می‌بینید سنی‌ها هم به ما پیوسته‌اند. اهل سنت ترکیه را نباید با اهل سنت کشورهای مثل عربستان مقایسه کرد.

برادران علوی هم، جان و جگر ما و بخشی از وجود ما هستند. آنها هم پیرو مذهب جعفری هستند و دوازده امام را دوست دارند. یعنی اعتقاد آنان از امثال ما هم بیشتر است.

*** چرا شاهد این میزان محبت به اهل بیت (ع) در میان اهل سنت ترکیه هستیم؟**

نمی‌توان گفت این از تأثیر شیعیان است. بلکه پیش از این هم وجود داشته است. اگر به مساجد ترکیه سری بزنید، نام امام حسن و امام حسین (ع) در همه آنها نقش بسته است. یعنی محبت اهل بیت (ع) در شخصیت ملت ترک وجود دارد. یک مسئله در جهان اسلام به نام مهدویت وجود دارد که شخصی به نام مهدی خواهد آمد. در این باره بین ما و اهل سنت هیچ اختلافی نیست اما در اینکه آن شخص، کدام شخص خواهد بود، اختلاف وجود دارد. مثلاً می‌گویند اگر بدانیم آن مهدی که خواهد آمد، فرزند یازدهمین امام شیعیان است، ما هم پشت سر او می‌ایستیم. ولی متأسفانه برخی سلفی‌ها و وهابی‌ها سعی می‌کنند ریشه این باورها در میان مردم ترکیه را از میان ببرند. اما این تعصب‌ورزی و اینکه همه باید به یک گونه بیندیشند، در میان ما وجود ندارد و ما چنین عقیده‌ای نداریم. به

هیچ‌کس نمی‌توان با زور عقیده‌ای را باوراند. به هر حال ملت ترک اهل بیت (ع) را دوست می‌دارند.

اینجا شافعی‌ها هم زندگی می‌کنند. اگر در نماز، صلوات بر آل محمد (ص) فرستاده نشود، نماز باطل است. کسانی که پیرو شافعی هستند طبیعتاً چیزی غیر از این را باور نخواهند داشت. ابوحنیفه که بسیاری از مردم ترکیه پیرو او هستند، شاگرد امام صادق (ع) بوده است. به همین خاطر است که ما می‌گوییم همه سنی‌ها شیعه هستند. چرا این حرف را می‌زنیم؟ به این خاطر که هر حنفی، هر عملی که انجام می‌دهد، به دستور ابوحنیفه است و ابوحنیفه هم شاگرد امام صادق (ع) بوده است. یعنی علمش را از امام صادق (ع) گرفته است. پس امام صادق (ع) پدر فقهی ابوحنیفه است. حال بگذریم از تحریفاتی که بعدها به وجود آمده است. ابوحنیفه دو سال در مکتب امام صادق (ع) درس خوانده و خودش می‌گوید که اگر آن دو سال نبود، من در جهالتم هلاک می‌شدم.

یک زمان ابوحنیفه شاگرد امام صادق (ع) بوده است و ما هم اکنون شاگردان چندمین نسل از شاگردان امام صادق (ع) هستیم و از آنها پیروی می‌کنیم، یعنی مجتهدین این روزگار مثل آیت‌الله وحید خراسانی یا آیت‌الله سیستانی. ما در این خصوص اختلافی نداریم و به همین دلیل، این اعتقاد که چون فلان گروه از پیروان اسلام فلان عمل را انجام می‌دهند یا چنان عقیده‌ای دارند، پس دشمن ما هستند، در میان ما وجود ندارد. کتاب‌های اهل سنت و تشیع میراث اسلام است و به ما رسیده و ما اگر چیزی از دین داریم، از درون همین کتاب‌ها بیرون آمده است. اگر اینها نبود، چه می‌خواستیم بگوییم؟ آن وقت هر کس از خودش حرفی می‌زد، به همین خاطر خدا را شکر می‌کنیم که هیچ مشکلی نداریم و الان دوران بسیار خوبی را می‌گذرانیم و با هم کفرانس‌ها و نشست‌ها و برنامه‌های متعددی برگزار می‌کنیم.



تبلیغات دینی ایرانیان

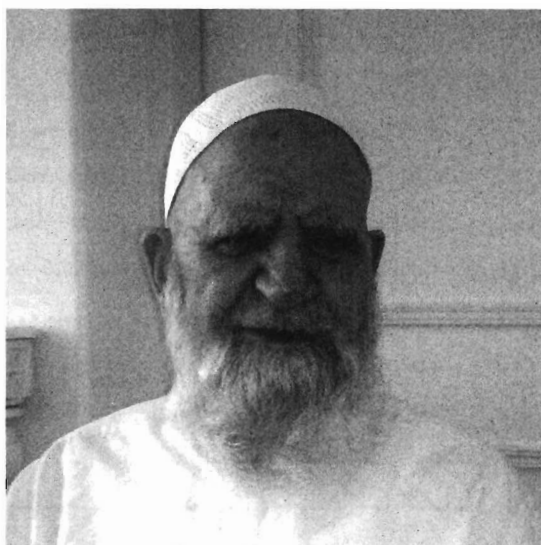
نگاهی به تاریخ تبلیغات دینی ایرانیان در استانبول

گذشته از مجاهد بزرگ سید جمال‌الدین اسدآبادی که سعی کرد با برقراری ارتباط با سلطان عثمانی، اندیشه‌های خود در راه اتحاد و پیشرفت جهان اسلام را اجرا کند، شیخ اسدالله مامقانی از معروف‌ترین و قدیمی‌ترین عالمان دینی است که مدتی را در شهر استانبول به رتق و فتق امور دینی ایرانیان گذراند. وی که از روحانیون آزادی‌خواه ایرانی در نجف و طرفدار اندیشه مشروطه بود، ابتدا برای تحصیل به استانبول رفت و عضو «انجمن سعادت» شد. سپس به دستور آیت‌الله آخوند محمد کاظم خراسانی مرجع و رهبر بزرگ مشروطه، جهت اداره امور دینی ایرانیان در استانبول در کاروانسرا و مسجد والده‌خان شروع به فعالیت نمود.^۱

از میان روحانیان مبلغ در استانبول از گذشته تاکنون می‌توان به آیت‌الله احمد صابری همدانی، مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالمجید واعظی و حجج اسلام مرحوم شیخ محمد، مرحوم شیخ علی خویی، علی‌اکبر مهدی‌پور، مرحوم میرزا محمد صابری تبریزی، مرحوم سیدخلیل، مرحوم موسی دانشگر، باب‌الله ثقة‌الاسلامی، اسماعیل سابقی و میرعباس صفوی اشاره کرد. مرحوم دکتر عباس افعالی شبستری نیز گرچه در کسوت روحانیت نبود، اما فعالیت‌های بسیاری در زمینه تشیع از وی به ظهور رسید.

۱. از وی کتاب دین و شئون در سال ۱۳۳۴ق در استانبول به چاپ رسید.

— آیت الله احمد صابری همدانی در سال ۱۳۰۲ در روستای بؤیوک آباد همدان به دنیا آمد. وی از سال ۱۳۴۳-۱۳۵۱ش در مسجد والده خان به عنوان امام جمعه و جماعت مشغول به خدمت بود. وی به دلیل مخالفت دولت ایران، مجبور به بازگشت شد و به تناوب بین سال های ۱۳۶۲-۱۳۶۸ش در استانبول حضور یافت و در نهایت در سال ۱۳۶۸ش از سوی دولت ترکیه



آیت الله احمد صابری همدانی در دوران کهنسالی

اخراج و به کشور بازگشت. صابری همدانی علاوه بر نگارش و ترجمه کتاب های مختلف، نشریه حق یولو را نیز منتشر می کرد. از وی ۳۱ عنوان کتاب از جمله تاریخ مفصل همدان در سه جلد به چاپ رسیده است. صابری در دوره های سوم و چهارم، نماینده استان همدان در مجلس خبرگان رهبری بود. از فعالیت های مهم وی در استانبول، سامان دهی به وضعیت عزاداری روز عاشورا در مسجد سید احمد درسی و پالودن آن از انحرافات بود.

وی هم اکنون ساکن قم است و به علت کهنسالی، در بستر بیماری

به سر می برد.



مرحوم آیت الله حاج میرزا عبدالمجید واعظی

— مرحوم آیت الله میرزا عبدالمجید واعظی، از سال ۱۳۳۲-۱۳۴۲ ش به مدت ده سال امامت مسجد والده خان را به عهده داشت. او با اهدای کتاب های خود به مسجد والده خان، کتابخانه اهل بیت (ع) را بنیان نهاد که بعدها این کتابخانه توسعه یافت. کتاب خاطرات سفر از وی به یادگار مانده است. وی رابطه ای گرم و صمیمی با شیعیان برقرار کرد و در رفع مشکلات و مسائل دینی آنان کوشید. واعظی در سال ۱۴۱۴ ق در تبریز درگذشت.

— مرحوم شیخ محمد از علمایی بود که در سال های پیش از ۱۳۴۲ ش در سیداحمد درسی به امور مسجد و اموات مسلمانان رسیدگی می کرد.

— مرحوم شیخ علی خوبی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود و مرحوم دکتر عبدالباقی گلپینارلی نزد وی درس علوم دینی خوانده بود.

— حجت الاسلام علی اکبر مهدی پور در سال ۱۳۲۴ ش در تبریز به دنیا آمد. وی در یازده سالگی وارد حوزه علمیه شد و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام سبحانی، مکارم شیرازی، شیخ مرتضی حائری، شبیری زنجانی در حوزه علمیه قم بهره گرفت. وی از سال ۱۳۵۴-۱۳۵۹ در استانبول به تبلیغ امور دینی پرداخت. مهدی پور با افتتاح انتشارات زمان، ۶۰ عنوان کتاب شیعی در تیراژ ۲۰ هزار نسخه در هر اثر منتشر کرد. از آن جمله می توان به

ترجمه آثار زیر اشاره کرد: اقتصادنا، فلسفتنا، البنك اللارویه، هر سه نوشته شهید صدر، شهید و داستان راستان اثر شهید مرتضی مطهری، عبدالله بن سبا اثر علامه عسکری، اعتقادات شیعه اثر مرحوم آیت الله شرف الدین، اصل الشیعه و اصولها اثر کاشف الغطا، عقاید الاسلامیه اثر علامه مظفر، نظام حکومت اسلامی اثر آیت الله روحانی، سیرتنا و سنتنا اثر علامه امینی.



حجت الاسلام علی اکبر مهدی پور در دوران حضور در استانبول

نگارش و نشر کتاب راهنمای قبله با هدف تعیین زاویه قبله ۵۰۰ شهر و شهرک ترکیه از ابتکارات ایشان بود، به طوری که با استقبال رئیس وقت سازمان دیانت ترکیه مواجه شد. وی آثاری همچون رابطه اسلامی و حضرت مهدی (عج)، مقالات دینی، تاریخچه عاشورا، رهبری در اسلام، عاشورا چه روزی است و قرآن، معجزه جاوید را تألیف و در استانبول منتشر کرد.

از دیگر فعالیت های وی می توان به تأسیس چهار مسجد با نام امام صادق (ع) در استانبول (زینبیه فعلی)، آنکارا، ازمیر و برلین آلمان (زینبیه

فعلی) اشاره کرد. این در حالی بود که در آن زمان در سراسر استانبول تنها دو مسجد والده‌خان و سیداحمد درسی به عنوان مساجد شیعی مطرح بودند. وی همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در ۲۲ بهمن ۵۷ با حضور در کنسولگری ایران در استانبول ضمن در اختیار گرفتن کنسولگری، به تبیین اهداف انقلاب اسلامی برای خبرنگاران و عموم مردم حاضر پرداخت که بازتاب وسیعی در ترکیه داشت.

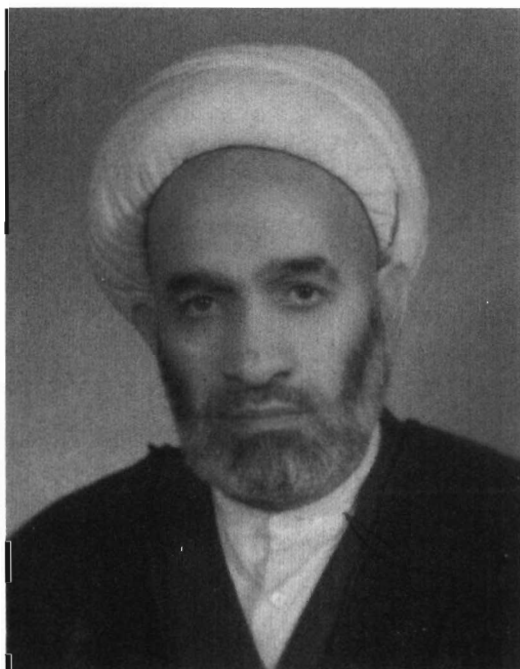


حجت‌الاسلام مهدی پور در کنار مرحوم پروفسور گلپینارلی

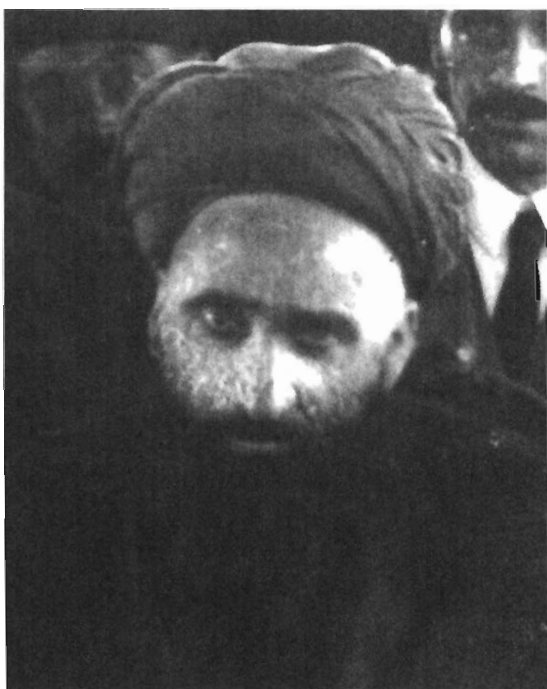
مهدی پور در سال ۱۳۵۸، کنگره اقتصادنا را در شهر استانبول با حضور ۳۳ نفر از اساتید کمونیست برگزار کرد که انعکاس زیادی در سراسر ترکیه داشت. وی همچنین با حضور در شهرهای مختلف در مراسم‌های گوناگون شرکت و به ایراد سخنرانی می‌پرداخت که با استقبال مردم مواجه می‌شد. با

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، بیش از ۸۴ روزنامه و نشریه با ایشان درباره انقلاب اسلامی مصاحبه مطبوعاتی به انجام رساندند. مهدی پور هم اکنون در شهر قم مشغول به تحقیق و تألیف کتاب در حوزه علوم دینی است و تاکنون بیش از یکصد اثر از ایشان منتشر شده است.

— مرحوم میرزا محمد صابری تبریزی دوبار قبل و بعد از انقلاب به استانبول آمد و هر بار در مسافرخانه‌ای به مدت چندماه ساکن و به نگارش کتاب مشغول شد. در نخستین سفر، کتاب پایه‌های دین را به نگارش درآورد و منتشر نمود. در سفر دوم نیز کتاب اعمال دین را تألیف و منتشر کرد. هر یک از این دو اثر بعدها در تیراژ یکصد هزار نسخه توسط حجت الاسلام علی اکبر مهدی پور تجدید چاپ و منتشر شد. صابری تبریزی در تهران درگذشت و در تبریز به خاک سپرده شد.



مرحوم میرزا محمد صابری تبریزی



مرحوم سیدخلیل

— سید خلیل اهل آذربایجان ایران، در دوره رضاخان، به امامت مسجد والده خان مشغول شد. وی روضه خوان توانمندی بود. در دوره امامت او، دولت در تبعید مرحوم سیدحسن مدرس در استانبول تشکیل شد. مسجد والده خان برای مدتی بعد از سیدخلیل، بی امام ماند و مرحوم پروفسور عبدالباقی گلپینارلی موقتاً سرپرستی مسجد را عهده دار شد.

— مرحوم موسی دانشگر از اهالی خوی و در زمان خود به تقوا و خلوص نیت معروف بود. پیران مسجد والده خان از وی به نیکی یاد می کنند. وی به مدت سی سال امامت مسجد والده خان را عهده دار بود. مرحوم دانشگر نزدیک به پنجاه سال پیش در استانبول درگذشت و در گورستان سیداحمد درسی به خاک سپرده شد.



حجت الاسلام مرحوم موسی دانشگر

— حجت الاسلام باب الله ثقة الاسلامی نیز از سال ۱۳۴۹-۱۳۵۴ ش در استانبول به تبلیغ مشغول بود. به همت وی رساله توضیح المسائل سه تن از مراجع عظام تقلید ترجمه شد که یکی از آنها به مرحله چاپ و انتشار رسید. جلسات آموزش قرآن (با استفاده از قرآن با الفبای لاتین) جهت فرزندان

ایرانیان مقیم که عموماً قادر به خواندن الفبای عربی نبودند، از سوی ایشان پایه‌گذاری شد.



حجت الاسلام باب الله ثقة الاسلامی در حال وعظ در مسجد والده خان

از دیگر فعالیت‌های وی می‌توان به مفروش نمودن مسجد والده خان، محصور نمودن مجموعه مسجد و گورستان سیداحمد درسی و ساخت محراب مسجد با دعوت از مهندس ریاضی رئیس مجلس شاهنشاهی (در سفر وی به استانبول) اشاره کرد.

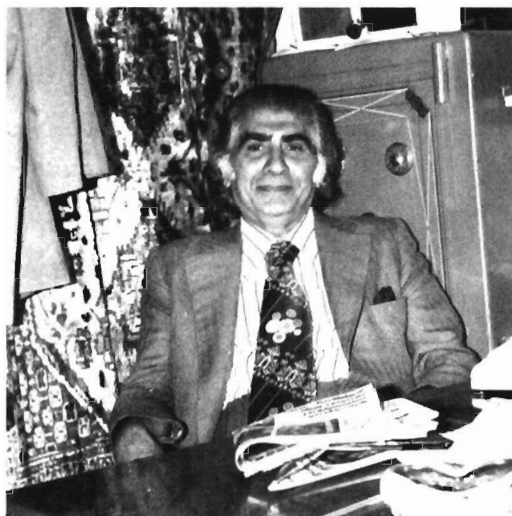
ثقة الاسلامی با نامه‌نگاری به نهادها و شخصیت‌های مختلف جهان اسلام از جمله آیت الله العظمی امام خمینی، آیت الله العظمی شریعتمداری، آیت الله العظمی خویی، رابطہ العالم الاسلامی، مجمع علمای لبنان، جامعه اسلامی آفریقا، مجامع اسلامی هندوستان، الازهر مصر، مفتی کل ترکیه، مفتی کل پاکستان، مفتی کل عراق، مفتی کل سوریه، محمدرضاشاه پهلوی و... برای نجات ۸۸ تن از علمای شیعه عراق که به دستور حسن البکر رئیس جمهور

اسبق عراق به اعدام محکوم شده بودند، تلاش های بسزایی به انجام رساند که در جراید مختلف از جمله مردم، کیهان و روزنامه های ترکیه بازتاب قابل توجهی داشت. وی همچنین تلاش هایی جهت دعوت سلیمان آتش رئیس وقت سازمان دیانت ترکیه به ایران از طریق وزارت امور خارجه صورت داد. ثقة الاسلامی هم اکنون ساکن شهر تهران است.

— حجت الاسلام میرعباس صفوی از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ به عنوان امام جمعه و جماعت مسجد والده خان فعالیت می کرد. وی هم اکنون ساکن شهر تهران است.

— حجج اسلام اسماعیل سابقی و طباطبایی نیز هم اکنون در شهر استانبول به فعالیت در میان ایرانیان مشغول هستند.

— مرحوم دکتر عباس افعالی شبستری نیز گرچه در کسوت روحانیت نبود، اما دانشمندی ادیب و منتقد بود. وی در سال ۱۹۱۷م در شبستر به دنیا آمد و در پنج سالگی به همراه خانواده به استانبول مهاجرت کرد. افعالی که در جزیره «هیبه لی» ساکن بود، هر روز سه ساعت از وقت خود را در کشتی صرف رفت و آمد به استانبول می کرد و در این مدت به تألیف مشغول می شد.



مرحوم دکتر عباس افعالی

وی به زبان‌های ترکی، آذری، فارسی، عربی، آلمانی، انگلیسی، فرانسوی و ارمنی مسلط بود. تسلط او به زبان ارمنی باعث شد تا تعدادی از ارامنه از طریق وی به دین اسلام مشرف شوند. او کتابخانه بزرگی داشت که آن را وقف کتابخانه اهل بیت (ع) مسجد والده خان نمود. از آثار وی می‌توان به تاریخ یهود، درباره فراماسونری و ترجمه حلقه‌های یک زنجیر درباره اثبات همکاری بهاییان و صهیونیسم و نیز ترجمه کتاب روزه در اسلام اشاره کرد. افعالی در سال ۱۳۹۸ق در استانبول درگذشت و در گورستان سیداحمد درسی به خاک سپرده شد.



آنچه در پی می‌آید گفت‌وگو با حجج اسلام میرعباس صفوی و اسماعیل سابقی، از مبلغان دینی ایران است که چند سالی است وظیفه تبلیغات دینی میان ایرانیان و اداره امور دینی آنان را به عهده داشته و دارند.

گفت‌وگوی سوم اختصاص به سخنان محمود صدقی‌زاده وابسته فرهنگی سابق ایران در استانبول دارد. گفت‌وگوی چهارم نیز حاصل نشستی صمیمی با سیدحسین شریانی، تنها مداح پرسابقه و پرتلاش ایرانی در استانبول است.

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام اسماعیل سابقی روحانی ایرانی مستقر در استانبول

حجت‌الاسلام اسماعیل سابقی ۲۷ سال است که در خارج از کشور و در راه خدمت به مذهب تشیع فعالیت می‌کند. با ایشان که هم‌اکنون به عنوان روحانی مستقر از سوی سازمان فرهنگ و ارتباطات در استانبول مشغول فعالیت است، در منزل مسکونی‌اش واقع در یکی از محلات استانبول به گفت‌وگو نشستیم. از او درباره تبلیغات دینی در خارج از کشور و فعالیت‌هایش پرسیدیم. ساده و صمیمانه جواب داد.



حجت‌الاسلام اسماعیل سابقی

*** لطفاً کمی در مورد سابقه تبلیغی خود صحبت کنید.**

بنده در سال ۱۳۶۱ ش به عنوان یکی از اولین مبلغان، به کشور ترکیه اعزام و مشغول فعالیت شدم. هشت سال در هر دو مسجد بویوک والده خان و نیز مسجد ایرانیان در اسکودار در خدمت شیعیان بودم. بعد از هشت سال از سوی دولت وقت ترکیه عذر بنده را خواستند و به ایران برگشتم. بعد از آن، مدتی در سازمان تبلیغات اسلامی فعالیت می کردم. سپس از آنجا به آلمان اعزام شدم و پانزده سال در آلمان ساکن بودم. در آنجا چند مؤسسه راه اندازی کردم از جمله مرکز اسلامی اهل بیت (ع) در فرانکفورت و نیز مرکز اسلامی زوریخ و مرکز اسلامی سلمان فارسی در شهر هانوفر آلمان. اخیراً هم مدیریت مرکز اسلامی فرانکفورت را به عهده داشتم که با جایگزینی چند تن از دوستان، حسب الامر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مجدداً به استانبول برگشتم و الان سه سال است که در خدمت مؤمنین اینجا هستم.

*** در مورد تفاوت تبلیغ در داخل کشور و خارج کشور توضیح بفرمایید.**

تبلیغ در همه جا برای همه انسان ها لازم و شاید هم واجب است. منتهی بستگی دارد به فرهنگ کشور مقصد و اینکه چه ابزاری را با چه شیوه ای برای تبلیغ به کار ببرد. البته الان ابزار تبلیغ فراوان و نسبت به مکان آن متفاوت است اما اصل تبلیغ در همه جا لازم است.

*** برنامه هایتان که در آلمان یا کشورهای دیگر چه بوده است؟**

برنامه های بنده فرهنگی و تبلیغی و مدیریت برخی از تشکیلات بود. مؤسساتی راه اندازی و سامان دهی کردم تا دوستان مشغول به فعالیت شوند. در تبلیغ خارج از کشور ابتدا یک تشکیلات لازم است. این تشکیلات باید به صورت رسمی به ثبت برسد تا مشکل ساز نشود و مبلغینی که می خواهند در آن بخش کار کنند، وجهه قانونی پیدا کنند. وقتی به ثبت رسید و در آن کشور وجهه قانونی پیدا کرد آنگاه باید براساس اساسنامه خود فعالیت کنند. بنده چندین اساسنامه به ثبت رساندم و عمده ترین اساسنامه ای که توانستم در اروپا به ثبت برسانم، فدراسیون اهل بیت (ع) بود. یعنی هفده انجمن و تشکل را تحت

پوشش یک فدراسیون درآوردم و به ثبت رساندم و فعالیت‌هایش را از حالت متفرقه به شکل واحد درآوردم. هم‌اکنون این فدراسیون پنج - شش هزار نفر عضو رسمی دارد. در ترکیه هم به همین شکل است، منتهی مسجد ایرانیان از آنجایی که سابقه‌ای طولانی دارد، به شکلی دیگر فعالیت می‌کند. در خارج از مسجد فعالیت‌ها به گونه‌ای دیگر است که برای آنها هم به شکل قانونی از دولت مجوز گرفته شده و مشغول خدمت هستیم.

*** آزادترین کشور برای فعالیت در کشورهایی که فعالیت داشته‌اید، کدام کشور بوده و محدودترین کدام؟**

آزادترین کشور، سوئیس بود. در شهر زوریخ هیچ‌گونه محدودیتی برای فعالیت وجود ندارد و بستگی به توان خود شخص دارد که چقدر بتواند از این فضا استفاده کند. بعد از آن آلمان است که چندین سال کار کردم و هیچ مانعی در مقابل بنده ایجاد نکردند و یا شاید در برخی موارد از قبیل راه‌اندازی فعالیت‌های فرهنگی، راهگشا هم بودند. اینها برای ما خیلی جالب بود که در کشوری غیر اسلامی این قدر برای مسلمان‌ها اجازه فعالیت می‌دادند و می‌دهند. راهپیمایی روز جهانی قدس، راهپیمایی به مناسبت اتفاقاتی که در جهان اسلام روی می‌داد و خیلی فعالیت‌های دیگر را در بسیاری از کشورهای اسلامی نمی‌توان انجام داد. از جمله در همین ترکیه قبلاً امکان برگزاری روز جهانی قدس وجود نداشت. البته الان در ترکیه اوضاع بسیار مساعد شده است. در خیلی از کشورهای اسلامی محدودیت‌هایی هست ولی در کشورهای اروپایی این طور نیست و بستگی به توانایی خود و توان تشکیلاتی است که بتوانند واقعاً فعالیت کنند و چهره نورانی اسلام را به آن جامعه بشناسانند.

در دوره فعالیت بنده در آلمان قریب به ۱۷۰۰ نفر اسلام را پذیرفتند که پرونده و آدرس و شماره تلفن همه آنها را ثبت کرده‌ام. این نشانگر آن است که مردم واقعاً اسلام را دوست دارند. خصوصاً بعد از حادثه یازده سپتامبر در آمریکا گرایش به اسلام و منابع اسلامی در میان غیر مسلمانان بیشتر شد. در

سالی که حادثه یازدهم سپتامبر روی داد، در نمایشگاه فرانکفورت آلمان که بنده هر ساله در آنجا غرفه‌ای دارم، کمیاب‌ترین و پرفروش‌ترین کتاب‌ها، طبق آماری که خود مؤسسه برگزارکننده نمایشگاه اعلام کرد، کتاب‌های اسلامی و به‌ویژه قرآن کریم بود. مردم چیز دیگری را می‌خواستند. مردم چیزی را می‌خواستند که حکومت‌ها و سران مانع آن بودند. فعالیت‌های مسلمانان هم زیاد بود و این نشانگر آن بود که مردم واقعاً اسلام را دوست دارند و دنبال آن هستند. این حوادث در خود کشورهای اسلامی متأسفانه خیلی کم اتفاق می‌افتد و مسلمانان خیلی کم به آن توجه می‌کنند.

اما سخت‌ترین کشور که ما توانستیم در آن کار انجام دهیم، یکی ترکیه بود و یکی هم آذربایجان. بنده مدت کوتاهی هم در آذربایجان فعالیت کرده‌ام. واقعاً موانع سختی ایجاد می‌کردند. البته الان وضعیت قابل مقایسه با قبل نیست. وضعیت ترکیه نیز نسبت به قبل بهتر شده ولی هنوز به وضعیت استاندارد اروپا نرسیده است.

*** مخاطبین شما در فعالیت‌هایتان فقط ایرانی‌ها بودند یا اتباع دیگر کشورها؟**
من مبلغی هستم که مسئله ملیت اصلاً از قاموس بنده و زندگی‌ام حذف شده است. مخاطب من مسلمان است. حال این مسلمان افغانی، ایرانی، ترک یا عرب فرقی نمی‌کند. ولی عمده مخاطبین ما ترک‌ها و ایرانی‌ها بودند و در کنار آن ملیت‌های دیگر هم مانند عراقی‌ها و سعودی‌ها و کشورهای مختلف مراجعه می‌کردند.

*** شیوه‌های تبلیغی که الان وجود دارد، با اینکه سی سال از انقلاب گذشته است، می‌پسندید یا نظر و طرح خاصی دارید؟**

من از داخل کشور اطلاعی ندارم ولی برای خارج از کشور به عنوان فردی که بیش از ۲۷ سال است در خارج از کشور هستم، متأسفانه نیازهای جامعه را نتوانسته‌ام برآورده کنم. هنوز خیلی راه داریم. درست است که کارهای زیادی انجام شده اما به صورت ارگانیزه و منظم نبوده و هر کس به صورت سلیقه‌ای کار کرده است. به شکل سلیقه‌ای هم فرد تا مدتی که آنجا است، می‌تواند

کار کند و بعد شخص دیگری با سلیقه‌ای دیگر می‌آید. کار در خارج از کشور باید ارگانیزه و منظم باشد تا وقتی مبلغی جایگزین دیگری می‌شود، به همان شیوه ادامه دهد و سلیقه‌ای کار نکند. ولی پیشنهاد می‌کنم مبلغین امروز مسلح شوند به ابزار تبلیغ روز. باید به زبان تبلیغ روز آشنا شوند، و به زبان روز با مردم صحبت کنند. اگر چنین نکنند، قطعاً شکست می‌خورند و موفق نمی‌شوند. مخالفین اسلام ناب از این ابزارها خوب استفاده می‌کنند و موفق هم شده‌اند و همه سران فرهنگی ما در خارج از کشور این را می‌دانند. متأسفانه به همین خاطر هم نمی‌توانند آن‌طور که باید و شاید فعالیت کنند.

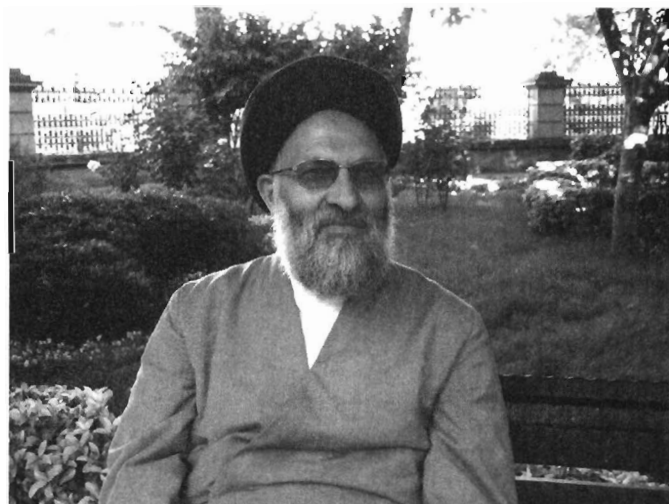
این نکته را هم به عنوان فردی که ۲۷ سال در خارج از کشور به تبلیغ مشغول بوده عرض کنم که یکی از موانع تبلیغ در خارج از کشور، خصوصاً برای مبلغان ایرانی، وزارت امور خارجه، سفارتخانه‌ها و سفرای ما هستند. البته همه این‌طور نیستند ولی اکثریت، مانع بزرگ مبلغین هستند. مردم مبلغین را دوست دارند ولی سیاست عدم دخالت در خارج از کشور را بهانه قرار می‌دهند و مانع تراشی می‌کنند. الان در هزاره سوم هستیم. تمام میسیونرهای دنیا در قالب‌های مختلف دارند مردم را جذب می‌کنند. در خود استانبول می‌توانم صدها نفر را به شما نشان دهم که انجیل به دست گرفته‌اند و به زبان فارسی ایرانیان را به مسیحیت دعوت می‌کنند. رایگان هم دعوت می‌کنند و ما نمی‌توانیم به فردی که واقعاً احتیاج دارد، قرآن هدیه دهیم. آنها نشسته‌اند و برای خود حرف می‌زنند، ولی اینجا وضعیت به شکل دیگری است. مانع بزرگ ما سیاست خارجی ما است. البته این وضعیت را بنده وقتی در استانبول مستقر شدم، به مسئولین به صورت مفصل گزارش کردم و امیدوارم ترتیب اثر داده شود.

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام میرعباس صفوی امام جمعه و جماعت سابق مسجد ایرانیان استانبول

حجت‌الاسلام میرعباس صفوی سال‌ها است که در عرصه تبلیغ دینی در خارج از کشور فعالیت می‌کند. او مدت‌ها در مجارستان، آلمان، اتریش و ترکیه تبلیغ کرده و کوله‌باری از تجربه درباره تبلیغ در خارج از کشور دارد.

ایشان از سوی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و به منظور خدمات دینی در میان ایرانیان مقیم استانبول به ترکیه اعزام شد. دفتر کار وی در مسجد بویوک‌والده‌خان، مسجد تاریخی ایرانیان مقیم استانبول در منطقه مرجان بود.

با توجه به اینکه تبلیغ در خارج از کشور از موضوعاتی است که کمتر بدان پرداخته شده، با ایشان درباره این مهم و فرصت‌ها و تهدیدهای آن به گفت‌وگو نشستیم.



حجت‌الاسلام میرعباس صفوی

*** رسالت دینی و فرهنگی یک مبلغ به عنوان یک نماینده در خارج از کشور چیست؟**
در مورد فرصت‌ها و تهدیدهای تبلیغ در خارج از کشور صحبت کنید.

فرهنگ یک معنای عام دارد. آنچه وظیفه ما است، بخش فرهنگ دینی است. فرهنگ دینی هم در کشورهای مختلف متفاوت است. خارج از کشور فضای خاصی است. نوع ارتباطات، نوع فرهنگ حاکم و نوع آداب و رسوم، شرایطی را فراهم می‌کند که ابتدا انسان باید آن فضا را بشناسد، آنگاه ابزار لازم را فراهم کند و بعد با زبان همان مردم تبلیغ کند. نوع نگرش شما در شهر قم در مورد تبلیغ یک نوع است و در اروپا نوعی دیگر. اگر بخواهید در قم با خانمی کم حجاب ارتباط برقرار کنید، اصلاً با او صحبت نمی‌کنید. ولی در اروپا وقتی می‌خواهید تبلیغ کنید، ناگزیر هستید، حتی با یک خانم بی حجاب هم صحبت کنید. اصلاً آن شخص با فرهنگی رشد کرده که با فرهنگ رایج در ایران متفاوت است. خانواده، محیط و عوامل مختلف، شرایطی را فراهم آورده که شخص گرچه مسلمان و شیعه است اما این‌گونه رشد نموده است. مبلغ اگر بخواهد با نگرش داخل کشور با مخاطب برخورد کند، نمی‌تواند با آنها ارتباط برقرار کند. باید فضا را بشناسد و شرایط را درک کند و مطابق با این شرایط برخورد کند.

مثلاً در ترکیه زمانی اگر یک خانم می‌خواست به دانشگاه برود، یا شغلی داشته باشد، حجاب مهم‌ترین مانع وی بود، الان هم قانوناً ممنوع است. بنابراین برخی خانواده‌ها به هر دلیل فرزندشان را توجیه کرده بودند که اولویت شما رفتن به دانشگاه است، در عین حال، نماز را هم بخوان. الان خانم‌هایی هستند که حجاب ندارند ولی نماز هم می‌خوانند، روزه هم می‌گیرند و سعی می‌کنند خود را عقیف نگه دارند.

در کشورهای اروپایی هم یک جو سنگین و مسموم، علیه اسلام حاکم است. یعنی مردم اروپا دائم بمباران تبلیغاتی می‌شوند و نسبت به دین و مشخصاً دین اسلام و نهادهای اسلامی و روحانیت مورد سوء تبلیغات قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که واقعاً مردم از اسلام می‌ترسند. به خصوص بعد از

واقعہ یازدهم سپتامبر، این فضا چند برابر شد، به نحوی که حتی برخی واقعاً از اینکه همسایه‌شان مسلمان باشد ترس دارند.

مبلغ اگر در این جو سنگین کار مثبت انجام دهد، واقعاً هنر کرده است. باید آن فضای مسموم بشکند و خودش هم درست حرکت کند. یعنی با رفتارش مردم را به اسلام دعوت کند. «کُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا». از امام صادق (ع) هم روایت است که «کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السِّنِّتِکُمْ؛ مردم را با غیر زیان به دین دعوت کنید»، یعنی با عمل خود. مبلغ باید از نظر رفتاری و گفتاری به شدت مواظب عمل کرد خود باشد تا بتواند به آن جو مسموم غلبه کند. البته تا حدود زیادی این جواز بین رفته است اما رسانه‌ها دائم بمباران تبلیغاتی کرده خبرهای کذب منتشر می‌کنند. اشکال انسان قرن بیست و یکم این است که انسان آن قدر بمباران تبلیغاتی می‌شود که حتی فرصت فکر کردن هم ندارد. باید بتوانیم این فرصت را فراهم کنیم و بگوییم به سخن ما هم گوش کنید و ببینید ما چه می‌گوییم. من نیامده‌ام به تو بگویم که مسلمان شو؛ بلکه می‌خواهم بگویم اسلام هم هست. بین اسلام چه می‌گوید. اگر دیدید مناسب است، قبول کنید.

*** کدام کشورها برای تبلیغ دینی شرایط مناسب‌تری دارند و در کدام یک شرایط**

مناسب نیست و مشخصاً وضعیت ترکیه در این میان چگونه است؟

در برخی کشورها زمینه فعالیت‌های دینی بیشتر است. بعضی کشورها نیز محدود است و در بعضی کشورها اصلاً اجازه فعالیت داده نمی‌شود. بعضی کشورها هم فقط به ایران اجازه فعالیت نمی‌دهند. مثلاً در اروپا در بعضی کشورها مانند اتریش شرایط فراهم است. در برخی کشورها نیز محدودیت وجود دارد، مانند فرانسه. در انگلیس هم شرایط مناسب‌تر است. این بستگی به سیاست کلی و عمومی کشور هدف و دولت و نظام حاکم بر آن دارد. الان مشخصاً در ترکیه با توجه به اینکه نود درصد مردم مسلمانند و طبق آمار رسمی سه میلیون شیعه در ترکیه زندگی می‌کنند، کاملاً زمینه فراهم است. علاوه بر اینها ۲۰ میلیون نیز، علوی در ترکیه زندگی می‌کنند. مابقی هم عموماً

سنّی حنفی هستند. در ترکیه اکثر مسلمانان غیر علوی و غیر شیعه، نسبت به اهل بیت (ع) ارادت دارند. نشانه‌اش هم این است که در استانبول مسجدی نیست که نام امام حسن و امام حسین (ع) بر دیوار آن نقش نشده باشد. یعنی ابتدا الله، محمد، نام چهار خلیفه و نام امام حسن و امام حسین (ع) را نقش می‌کنند. در محرم هم مخصوصاً در تاسوعا و عاشورا فضای حاکم بر رسانه‌ها، فضای حزن‌انگیز است.

لذا فضا کاملاً آماده است. به جهت اینکه تشیع یک تاریخ طولانی در ترکیه دارد.

اینجا اختلاف بدان حد در میان شیعه و سنّی معنا ندارد. مثلاً در نماز جمعه جمعیت قابل توجهی از اهل سنّت شرکت می‌کنند. علویان مستبصر هم می‌آیند. مشکل ما در اینجا فقط مشکل برنامه‌ریزی است. نهادهای مختلف در بخش دینی فعالیت می‌کنند. اگر می‌خواهیم کارمان پیش برود و به آن نتیجه مورد نظر برسیم، باید کاملاً هماهنگی برقرار باشد. این هماهنگی را باید یک نهاد در ایران عهده‌دار باشد و شورایی تشکیل دهند و آن شورا هم تعیین‌کننده سیاست بلندمدت مثلاً در ترکیه یا در کشوری دیگر باشد. الان متأسفانه ناهماهنگی وجود دارد. مثلاً یک نهاد در بخش دینی نهاد دیگر را قبول ندارد. اینجا مجمع جهانی اهل بیت (ع) فعال است، جامعة المصطفی فعال است و بخش‌های مختلف. اگر بین همه اینها هماهنگی باشد و هر کدام وظیفه‌شان را بدانند، قطعاً ثمرات بالاتر از این خواهد بود.

* آیا شما می‌نشینید تا مردم به سوی شما بیایند یا اینکه شما به دل مردم می‌روید. مثلاً با یک توریست چطور ارتباط می‌گیرید؟ صبر می‌کنید توریست به شما احتیاج پیدا کند و به سمت شما بیاید یا خیر. اگر این‌گونه است، توریست چگونه متوجه شود که مرکزی هست تا بیاید و مشکلش را مطرح کند. و اگر قرار است شما به سمت آنها بروید، در این مورد چه کارهایی کرده‌اید یا خواهید کرد؟

اگر بخواهیم فضایی فراهم کنیم، قدم اول این است که مکان مناسبی وجود داشته باشد. ایرانیان مقیم که بعد از مدتی با این مراکز آشنا می‌شوند و تقریباً

ارتباطشان شکل گرفته و نوع برنامه‌ها را می‌دانند. حتی خیلی از آنها می‌پرسند که برنامه‌تان برای فلان مناسبت، در کجا است و چه می‌کنید. می‌ماند ایرانیان توریست که به نسبت فصول کم و زیاد می‌شوند. اینها معمولاً هدفشان گردش است ولی گاهی در مناسبت‌های خاصی مثل محرم و رمضان یا ولادت و شهادت برخی ائمه (ع) در اینجا حضور دارند. باید فضایی فراهم شود که بدانند شب‌هنگام یا ظهر، جایی هست که بروند و نمازشان را بخوانند. اولین قدم در بحث توریست‌ها، این است که بتوانیم فضای مناسب را فراهم کنیم و توریست که به کشور می‌آید، بداند یک فضای آماده و مستعد هست و حتی اگر سؤالی داشت، بتواند با تلفن سؤالش را مطرح کند یا بیاید و عبادتش را انجام دهد. اگر بتوانیم این مقدار فضا را آماده کنیم، جوابگو هست. اما در بخش‌های دیگر باید جلو برویم و طرح و برنامه بدهیم و کم‌کم اعتمادی که لازمه پیشبرد کار دینی است، ایجاد کنیم.

در اینجا مهم‌ترین مسئله اعتماد به روحانی و مبلغ امور دینی است. روحانی باید بداند که واقعاً به عنوان تبلیغ دین آمده نه برای کاسبی و وجهه اجتماعی. اگر مردم واقعاً این را بدانند، جلو می‌آیند و اعتماد متقابل به وجود می‌آید، منتهی باید از ابزار مدرن استفاده کرد، مانند تلفن همراه که بهترین وسیله برای ارتباط است. مثلاً از طریق پیامک حدیث هفته ارسال کنند یا مناسبت‌ها را اعلام کنند. همین‌طور اینترنت نیز وسیله مفیدی برای برقراری ارتباط است، خصوصاً برای کسانی که فرصت کافی ندارند، مانند پزشکان که در طول هفته درگیرند و دو روز برای آنها باقی می‌ماند که یک روز اختصاص به خانواده‌هایشان دارد و یک روز مختص استراحت است. اصلاً فرصتی ندارند. باید سیستم اطلاع‌رسانی مان قوی باشد. یک‌بار خانمی آمده بود و می‌گفت «من دو سال پیش آمده بودم و در مسجد ایرانیان عقدم را خوانده بودم. تا امروز نمی‌دانستم در این مسجد نماز جمعه برگزار می‌شود و در مناسبت‌های مختلف برنامه دارد». این جمعیت را دید و تعجب کرد. شماره تماس گرفت و گفت اگر می‌شود ما را هم مطلع کنید.

برخوردهای ظاهری، انسان‌ها را متحول می‌کند. مثلاً در اتریش یک‌بار خانمی به بنده زنگ زد و گفت برای مرکز اسلامی نذر جهت مراسم عزاداری داریم. وقتی آمد، خودش خواست که بسته‌های نذری را در انبار قرار دهد. من با ایشان خداحافظی کردم و برنامه محرم را در پاکتی قرار دادم و به ایشان دادم. متوجه شدم که در آن سوی خیابان هم خانمی کاملاً بی‌حجاب ایستاده و ظاهراً همراه این خانم است و او را کمک می‌کند. من یکی از آن برنامه‌ها را به او دادم و تشکر هم کردم و گفتم این مجموعه به هر حال متعلق به ایرانیان و شیعیان است. آنها رفتند و دیگر خبری از آنها نشد. بعد از چند ماه، خانم سفیر ایران در مجلسی به بنده گفت که آن خانم بی‌حجاب، محجبه شده است. می‌گفت من تا به حال به مراکز اسلامی نرفته بودم. دوستم نذری داشت و من هم به ایشان کمک کردم. از نزدیک هم یک روحانی و اهل علم ندیده بودم و اصلاً از آنها می‌ترسیدم. آن‌قدر تبلیغات سوء شده بود که اصلاً باور نمی‌کردم که آن روحانی از مسجد خارج شود و می‌گفتم شاید اگر مرا ببیند، به من فحش هم می‌دهد. اما دیدم که رفتار خیلی خوبی داشتند و بعد در برنامه شرکت کردم.

ما باید با برخوردهای صحیح عاطفی و الهی و انسانی، این فرصت را فراهم کنیم. خودمان هم عامل به اسلام باشیم. برخی مبلغین هنوز خودشان اسلام را نشناخته‌اند و به اسلام عمل نمی‌کنند. می‌گویند برنامه اسلام این است ولی عامل نیستند. عالم بی‌عمل اثر ندارد و یک جا کار را خراب می‌کند.

*** آیا یک نفر می‌تواند نیازهای خیل جمعیت ایرانیان مقیم استانبول و نیز شیعیان را برآورده کند؟**

قطعاً یک نفر کفایت نمی‌کند. باید تقسیم‌بندی کرد و برای هر بخش مسئولی در نظر گرفت، مانند بانوان، جوانان، کودکان و غیره. حداقل ده - پانزده نفر نیاز است تا برنامه‌ریزی کنند و هر بخش را فعال سازند. برنامه‌هایی مثل اردوی ایران در اینجا به شدت مورد نیاز است. چرا که باعث می‌شود ایرانیان از اصالت خود دور نمانند و ارتباطشان با کشور مادر، فرهنگ و هویتشان

حفظ شود. راهش این است که مرتب به عنوان زیارت و یا بازدید از شهرهایی مثل اصفهان، به ایران بروند. در اینجا بعضاً کسانی هستند که بیش از سی سال است که به ایران نرفته‌اند. در حالی که ایران همسایه ترکیه است و بُعد مسافت در اینجا معنا ندارد. ایرانیان مقیم استانبول هم عموماً آذربایجانی هستند اما رفت و آمد کم است؛ به این دلیل که نتوانسته‌ایم در آنان انگیزه ایجاد کنیم. خیلی‌ها می‌ترسند که اگر به ایران بروند، کجا بمانند و چه کنند و حتی بعضی تسلط کافی به زبان فارسی ندارند.

ان شاء الله تلاش می‌کنیم سیستم اطلاع‌رسانی و بخش فرهنگی را تقویت کنیم و جوانان را به میدان بکشیم و به مرور زمان، حضور جوانان را افزایش دهیم. اصلاً اصل هدف از راه‌اندازی کانون جوانان اهل بیت (ع) این است که این کانون بخش تبلیغی، رسانه‌ای و تبلیغات در داخل و خارج مسجد را عهده‌دار شود. جوانند و با انرژی، متاهی باید امکانات را فراهم کرد. اعتقادم این است که اگر امکانات را فراهم و از ابزار مدرن استفاده کنیم، و اصل مهم جلب اعتماد را فراهم کنیم، حداقل به شکل خطی می‌توان حضور مردم را مغتنم شمرد؛ مثل ماه‌های محرم و رمضان. باید مخاطبان احساس کنند که فضایی آماده و فراهم است و آنها می‌توانند نیازهای معنوی‌شان را تأمین کنند.

گفت‌وگو با آقای محمود صدقی‌زاده وابسته فرهنگی سابق ایران در استانبول

محمود صدقی‌زاده فعالیت خود را با ورود به مجمع جهانی اهل بیت (ع) آغاز کرد. سپس با ادغام تعدادی از مراکز فرهنگی کشور که متولی کار بین‌المللی بودند و تأسیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی وارد این مجموعه شد. وی از همان ابتدا به عنوان کارشناس حوزه آسیای مرکزی و قفقاز در کشورهای ترکمنستان، آذربایجان و تاجیکستان آغاز به کار کرد. او در سال‌های ۷۹ تا ۸۲ش در استانبول به عنوان کارشناس فرهنگی فعال بوده است. بعد از برگشت از استانبول مدتی به عنوان مشاور و نیز معاون اداره کل آسیا و اقیانوسیه به فعالیت پرداخته است. او سه سال به عنوان وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در استانبول مشغول به فعالیت بود.

*** لطفاً در مورد رسالت کلی رایزنی‌های فرهنگی ایران در کشورهای دیگر کمی صحبت کنید.**

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از تجمیع مجموعه‌های فرهنگی نظام که در زمینه بین‌الملل فعالیت داشته‌اند، تشکیل شده است. این سازمان متولی کار فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور است. با توجه به غنای فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی، قطعاً مسئولیت‌های سنگینی هم به دوش رایزنی‌های فرهنگی هست. تک‌تک رایزنی‌های فرهنگی در خارج از کشور نماینده فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی در خارج از کشور هستند و موظفند برای ترویج این فرهنگ تلاش کنند. در اساسنامه سازمان هم همین نکته ذکر شده که هدف رایزنی‌های فرهنگی، ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی و تبیین آموزه‌های اسلام ناب و رساندن پیام اسلام ناب و جمهوری اسلامی به جهان است.

* در مورد تفاوت کار فرهنگی در ایران و خارج از کشور صحبت کنید. آیا راهکار

خاصی تدوین شده است یا افراد باید از اندیشه و توان خود مایه بگذارند؟
می‌توان گفت تا مدتی پیش، فعالیت‌های خارج از کشور براساس شناخت
مسئول اعزامی بود. حال براساس شناختی که از مجموعه کشور محل
مأموریتش و ارتباط‌هایی که پیدا می‌کرد و تشخیصی که می‌داد، مسیری را
طی می‌کرد. خوشبختانه بعد از انتصاب آقای دکتر مصطفوی به عنوان رئیس
سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، اقدامات بسیار خوبی انجام شده که
ان شاء الله در حال نتیجه دادن است. بخش اعظمی از این کار انجام شده
است. تاکنون استراتژی و راهبرد فرهنگی در خارج از کشور چندان مشخص
نبوده و همان‌طور که عرض کردم، تصمیمات بنا به تشخیص مسئولین
نمایندگی‌ها و نهایتاً مشورتی که با مرکز می‌شده، بوده است. سازمان هم‌اکنون
مشغول تدوین راهبرد فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران در خارج از
کشور است و عنوان کنفرانس سالانه رایزنان فرهنگی کشور در اواخر سال
۸۸ نیز همین راهبرد فرهنگی بود.



محمود صدقی‌زاده وابسته فرهنگی سابق ایران در استانبول

دوستان از چند سال پیش ستادی به نام ستاد راهبرد فرهنگی در مرکز تشکیل داده‌اند و زحمات بسیار زیادی نیز کشیده‌اند. حتی خود بنده هم فکر نمی‌کردم این قدر زحمت کشیده باشند. وقتی به آنجا رفتم و ماهیت کار را دیدم، متوجه شدم که بسیار وقت و انرژی گذاشته‌اند و کار علمی خوبی در حال انجام است. این ستاد با کمک همه رایزنی‌ها یک سری سؤالاتی را طرح کردند و ما هم جواب دادیم، و بعد جمع‌بندی کردند و از فرصت‌ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شد و براساس آن، اولویت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تک تک کشورها را با نظرات کارشناسی تدوین کردند و کار اجرایی آن از سال ۸۹ آغاز شد و برنامه‌هایی که ارائه کرده‌ایم، براساس همین راهبرد فرهنگی است. این راهبرد، تنها راهبرد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نیست، بلکه راهبرد نظام جمهوری اسلامی ایران است.

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مسئول هماهنگی امور فرهنگی در خارج کشور است نه مباشر فعالیت‌های فرهنگی. سازمان، در بخش‌های مختلف فرهنگی مثل موسیقی، تئاتر و سینما، نه نیروی آموزش دیده به تعداد لازم و نه تخصص آن را دارد. لذا کار سازمان، انجام رایزنی و فراهم کردن فرصت و زمینه برای مجموعه فرهنگی نظام است. مثلاً اگر قرار است در کشوری در مورد تئاتر و سینمای ایران فعالیتی انجام شود، رایزنی‌ها باید زمینه‌اش را فراهم کنند. یعنی از معاونت سینمایی ارشاد و صدا و سیما استفاده کنند تا زمینه برای حضور این مراکز فرهنگی در کشور مبدأ فراهم شود.

*** مخاطبان شما در زمینه فرهنگی چه کسانی هستند؟ ایرانیان خارج از کشور یا**

اتباع آن کشور، یا معاندین و موافقین نظام؟

مقوله فرهنگ یک مقوله بسیار وسیع است و مخاطبین آن به تناسب کشورها متفاوت است. مثلاً رابطه با ترکیه برای ایران به لحاظ همسایگی، سابقه دیرینه تاریخی، اشتراکات دینی، فرهنگی و آداب و رسوم، یک رابطه استراتژیک است. مخاطبین ما در ترکیه همه این دسته‌هایی که نام بردید را شامل می‌شود.

از قریب به یکصد سال پیش عده‌ای از هموطنان عزیزمان به اینجا آمده‌اند و مانده‌اند و زندگی کرده‌اند و از این به بعد هم همین‌طور خواهد بود. ایرانیان به انگیزه‌های مختلف همچون تحصیل یا تجارت به اینجا آمده‌اند.

یکی از دلایل فراوانی ایرانیان در ترکیه و استانبول، اشتراکات زبانی بوده است. لذا زندگی کردن برای بسیاری از ایرانیان در اینجا آسان بوده است. بخشی از مخاطبین ما ایرانیان مقیم هستند که طبیعتاً یکی از اولویت‌های سیاست جمهوری اسلامی، رسیدگی به امور هموطنان خارج از کشور است. مقام معظم رهبری همواره در همایش‌های سالانه رایشان فرهنگی خارج از کشور روی این مسئله شدیداً تأکید می‌کنند که هر کس در خارج از کشور، عنوان ایرانی دارد، ایرانی محسوب شده و تبعه ایران است و لذا باید تحت پوشش قرار گیرد. طبیعتاً با این تأکیدها و سیاست‌های نظام، یکی از اولویت‌های ما، ایرانیان مقیم هستند. در ترکیه، عده زیادی از پیروان اهل بیت (ع) زندگی می‌کنند که از نظر فرهنگی با ما اشتراکاتی دارند. بخشی از مخاطبان ما این گروه هستند. گروه دیگر توده مردم و جامعه ترکیه اعم از فرهیختگان خود ترکیه و نیز عامه مردم هستند.

برای امسال هم همان راهبردی که پیش‌تر توضیح دادم ادامه می‌دهیم. حسن این راهبرد این است که سازمان به همان بودجه اندکش بسنده نمی‌کند و مراکز فرهنگی کل کشور را پشوانه خود قرار می‌دهد و مسیر را برای این مراکز باز می‌کند تا بیایند و فعالیت کنند. مثلاً اگر یک نمایندگی قرار بوده با امکانات و بودجه محدود خودش نمایشگاهی برگزار کند، این بار با بودجه چند مرکز دیگر یک کار بسیار بزرگ‌تر انجام می‌دهد. با مشارکت مراکز و سازمان‌های دیگر هم کار بهتر پیش می‌رود و هم تخصصی‌تر می‌شود.

حجم فعالیت‌ها هم نسبت به وقتی که خود سازمان متولی است، بسیار بیشتر می‌شود. اواخر سال ۸۸ با مشارکت موزه ملی ایران و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، و موزه توپکاپی استانبول، نمایشگاه ده هزار سال تمدن ایران و دو هزار سال تمدن مشترک را برگزار کردیم. برای اولین بار در

طی پنجاه سالی که با ترکیه موافقتنامه فرهنگی داریم چنین نمایشگاهی برپا شد. بودجه برگزاری این نمایشگاه ۷۵۰ هزار یورو بود. طبیعتاً سازمان توان چنین بودجه‌ای را ندارد. طی تعامل و ارتباطی که با موزه توپکاپی داشتیم، با استفاده از امکانات این موزه، بودجه نمایشگاه از طریق آژانس ۲۰۱۰م تأمین شد. آژانس ۲۰۱۰م به دلیل انتخاب استانبول به عنوان پایتخت فرهنگی اروپا در سال ۲۰۱۰م تأسیس شده است. بخشی از هزینه‌ها را هم خود سازمان میراث فرهنگی و موزه ملی ایران تقبل کردند. این کار به تنهایی از عهده سازمان خارج بود ولی با یک هماهنگی و زمینه‌سازی، چنین کار بزرگی به انجام رسید.

از کارهای دیگرمان ترجمه دیوان حضرت امام به ترکی به صورت منظوم با مشارکت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) می‌باشد. یک‌سری از اساتید دانشگاه استانبول کار ترجمه را به عهده داشتند. از کارهای دیگر، ترجمه تحریرالوسیله حضرت امام بود که باز با مشارکت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام انجام شد.

*** آیا رایزنی فرهنگی باید در پشت دیوارهای رایزنی نشسته و یک‌سری فعالیت‌های بخشنامه‌ای انجام دهد و با برخی مراکز خاص ارتباط‌گیری کند یا اینکه باید به دل جامعه برود و با توده مردم ارتباط صمیمی و نزدیک برقرار کند و مردم به شما اعتماد کنند و یک نگاه دیپلماتیک و خشک و اداری وجود نداشته باشد؟**

اصلاً در کار فرهنگی، عمل دیپلماتیک معنا ندارد. یعنی اگر در کار فرهنگی رفتار دیپلماتیک داشته باشید، کارتان قطعاً پیش نخواهد رفت. یعنی مثل کارمندی می‌شوید که صبح به سر کار می‌آید و ظهر هم برمی‌گردد. استانبول در طول تاریخ، یک شهر فرهنگی محسوب می‌شده و مؤسسات غیر دولتی بسیار زیادی در زمینه‌های دینی و فرهنگی در آن فعال هستند. مراکز رسانه‌های گروهی، دانشگاه‌های معتبر و بسیاری مراکز فرهنگی و تحقیقاتی دیگر در این شهر فعال هستند. اگر در اینجا رفتار دیپلماتیک داشته باشید، از همه اینها غافل می‌شوید. در ترکیه طیف‌های مختلفی از مخاطبین داریم.

یک‌سری فرهیختگان هستند که برای آنها برنامه‌های خاص خودشان را داریم. یک‌سری هم، توده مردم هستند. راه‌های ارتباطی ما با توده مردم، مؤسسات غیر دولتی، رسانه‌ها و دانشگاه‌ها هستند. مؤسسه خیریه IHH کار کمک‌رسانی به غزه را در دستور کارش داشته و کشتی‌های حامل کمک‌های انسان‌دوستانه‌اش که به غزه اعزام شده بود، اخیراً مورد حمله رژیم اسرائیل قرار گرفت و عده‌ای هم شهید شدند. ما با چنین مؤسساتی ارتباط داریم و در برنامه‌هایمان از آنها دعوت می‌کنیم و به برنامه‌هایشان هم می‌رویم. برای مثال در مراسم تشییع جنازه شهیدان حمله به کشتی حامل کمک‌های انسان‌دوستانه ترکیه، بنده به اتفاق آقای محمود حیدری سرکنسول محترم ایران در استانبول به تشییع جنازه رفتیم. بالاخره چنین فعالیت‌هایی باعث علاقه و محبت بیشتر می‌شود.

*** در ابتدای صحبت‌تان گفتید می‌خواهید فرهنگ ایرانی و اسلامی را معرفی کنید. آیا وقتی شما می‌خواهید با یک تشکل یا یک شخص به عنوان نماینده ترکیه یا هر کشور دیگر ارتباط بگیرید و ایران را معرفی کنید، فرهنگ کهن ایران را معرفی می‌کنید یا فرهنگی دینی ایران را. یعنی مثلاً دیوان حافظ هدیه می‌دهید یا کتاب‌هایی مانند قرآن کریم، نهج‌البلاغه یا صحیفه سجادیه که نماینده فرهنگ دینی ما به‌خصوص تشیع است؟**

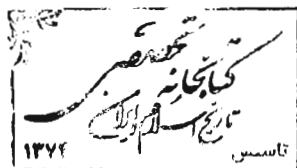
این نسبت به هر کشوری متفاوت است. در ترکیه برخلاف دیدی که در ایران نسبت به ترکیه هست، اسلام ریشه‌ای عمیق دارد. اگر کسی مدتی در ترکیه زندگی کند، این را کاملاً لمس خواهد کرد. عشق به اهل‌بیت (ع) در بین مردم ترکیه وجود دارد. یعنی از ائمه با احترام کامل یاد می‌کنند. اهل سنت ترکیه، نگاه متفاوتی به تشیع دارند. نسبت به اهل‌بیت (ع) بسیار علاقه نشان می‌دهند. همین فرصت را برای ما ایجاد کرده که همه اینها را با هم انجام می‌دهیم. یعنی هم فرهنگ و تمدن ایران قبل از اسلام و هم بعد از اسلام.

پارسال با کمک مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام و یکی از ناشران ترکیه، هشت عنوان از کتاب‌های امام را ترجمه و چاپ کردیم. در جایش

بزرگداشت حافظ را هم می‌گیریم. کما اینکه در دیوان حافظ هم فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی دیده می‌شود. خیلی از اشعار حافظ، عرفانی و اخلاقی است که ما به آن اعتقاد داریم. در ترکیه فرصت همه اینها با هم هست. ما هم هر جا امکان داشته، در همه زمینه‌ها فعالیت کرده‌ایم.

* فکر می‌کنم آنچه عرضه می‌کنیم هم باید حامل بخشی از فرهنگ ایرانی - اسلامی ما باشد و هم قابلیت جهانی شدن را دارا باشد. در مورد فرهنگ عاشورا که قیامی جهانی بوده و قابلیت جهانی شدن را دارد و نیز قیام حضرت مهدی (عج) که به عقیده ما یک قیام جهانی خواهد بود، مشخصاً چه فعالیت‌هایی داشته‌اید یا در برنامه‌هایتان دارید؟

بخشی از مخاطبان ما در اینجا پیروان اهل‌بیت (ع) هستند. حدود سه میلیون شیعه اثنی‌عشری در ترکیه زندگی می‌کنند. عده‌ای از این عزیزان علمایی هستند که در ایران تحصیل کرده‌اند و در اینجا مشغول خدمت در جهت ترویج مکتب اهل‌بیت (ع) هستند. در داخل استانبول حدود ۳۰ مسجد مربوط به شیعیان هست که همه هم فعالند و مراسم‌های مذهبی را برگزار می‌کنند که عمده‌ترینش هم در ماه محرم نمود پیدا می‌کند. الان در زینبیه که از مراکز بسیار قدیمی شیعیان در استانبول است، مراسم هالکالی برگزار می‌شود که اگر مصادف با تعطیلات باشد، حدود سیصد هزار نفر تجمع می‌کنند. اگر هم بین روزهای هفته باشد، هفتاد تا صد هزار نفر گرد هم می‌آیند. در این مراسم معمولاً افرادی را از ایران دعوت می‌کنند مانند حجج اسلام اختری و تسخیری. در دیگر مساجد شیعیان نیز برنامه‌هایی برپا می‌شود. هر یک از مساجد کتابخانه‌هایی دارند. یکی از کارهای ما تجهیز این کتابخانه‌ها است که طبیعتاً آن‌چه مطلوب نظر ما و شیعیان است، اهدا می‌کنیم.



گفت‌وگو با سیدحسین شریانی مداح پرسابقه ایرانی در استانبول

مداح فراوان است و مداح متعهد نیز فراوان. چه ترک‌زبان و چه فارس‌زبان، اما جنس کار سیدحسین شریانی گونه دیگری است. او یازده سال است که به خارج از کشور، خصوصاً ترکیه رفت و آمد می‌کند و برای ترک‌زبانان آن سوی مرز، سوغات عشق به اهل‌بیت (ع) خصوصاً امام حسین (ع) عرضه می‌کند. شاید شریانی را در خارج از کشور بهتر از ایران بشناسند. شیعیان ترکیه شریانی را دوست دارند و این را می‌توان از رفتارشان با او دریافت. به همین خاطر هم بالاتر از وظیفه‌ای که به عهده دارد فعالیت می‌کند و در برگزاری هرچه بهتر مراسم مذهبی در ترکیه به‌خصوص استانبول از خود مایه می‌گذارد.

سیدحسین شریانی متولد تبریز است. مثل اغلب مداحان، شرکت در مجالس نوحه و مرثیه‌خوانی و دیدن شور و عشق مداحان و اهل هیأت نسبت به امام حسین (ع)، آن هم در شهری مثل تبریز که مهد مداحان سرشناس و عاشق است، او را به وادی مداحی کشاند. وقتی که تنها هفده سال داشت و او را به علت کمی سن به خط مقدم جبهه‌های جنگ راه ندادند، در پادگان‌های اعزام به جبهه نوحه‌خوانی را با سبکی از آهنگران تجربه کرد:

بوللارین باغلی قالیب آی کربلا!
سینه‌لر داغلی قالیب آی کربلا!

سینه‌لر داغلی قالیب آی کربلا!

حسرتین دیللرده دیر

کاروان چوللرده دیر^۱

شریانی تنها نبود و دوستی داشت به نام غفاری که بعدها شهید و مفقودالجسد شد. این دو با هم در پادگان‌های اعزام به جبهه نوحه‌ها را دوره می‌کردند و می‌خواندند. شریانی بعد از جنگ به شهر و دیار خودش برگشت و در هیئت انصارالحسین تبریز که توسط

۱. ای کربلا! راهت بسته است سینه‌ها داغدار مانده است
حسرت تو بر زبان‌هاست و کاروان در بیابان‌ها
این نوحه از نوحه‌های قدیمی است که در زنجان خوانده می‌شده است.

بسیجی ها اداره می شد، و بعدها هم در هیئت سادات بنی فاطمه و چرنداب، پای درس استادانی همچون حاج مهدی خادم آذریان و حاج ابراهیم رهبر - همان مداحی که نوحه معروف «ای قلم» را خوانده است - زانو زد و درس گرفت و درس پس داد. شریانی البته الان هم بعد از بیست سال خودش را شاگرد می داند و از کسانی همچون حاج فیروز زیرک کار، حاج غلام رضا شیعیه خلص و حاج حمید طهباز با عنوان استاد یاد می کند.



سید حسین شریانی

*** چطور گذرتان به خارج از کشور و به خصوص ترکیه افتاد و تا به حال در چه کشورهایی مداحی کرده اید؟**

یازده سال پیش از سوی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در اتریش بنده را دعوت کردند تا برای یک هیئت زیارتی شامل شیعیان ترک تبار ساکن وین که راهی ایران بودند، مداحی کنم و آنها را در سفر به ایران همراهی کنم. خدا خواست و مداحی ما را پسندیدند. دوباره ما را دعوت کردند تا در خود وین بخوانم. ارتباط آنها با هموطنان شان در ترکیه و معرفی بنده به آنها باعث شد که برای مداحی به استانبول دعوت شوم. الان نه سال است که به طور پیوسته به ترکیه و کشورهایی مثل جمهوری آذربایجان دعوت می شوم و در شهرهای مختلفی که شیعیان در آن سکونت دارند، مداحی می کنم. البته اکثر جمعیت جمهوری آذربایجان شیعه هستند.

سال‌ها است که هر سال در شهادت‌ها و ولادت‌ها به استانبول می‌روم. تقریباً سالی چهار تا پنج بار. دیگر عادت کرده‌ام و وقتی نمی‌روم، انگار چیزی را گم کرده‌ام و آنجا را هیئت خودم می‌دانم. همین‌طور در مسجد ایرانیان استانبول نیز بارها خوانده‌ام. به شهر ایغدیر که یکی از شهرهای شیعه‌نشین ترکیه و نزدیک به مرز ایران است هم چندبار دعوت شده‌ام.

یک بار به آنکارا دعوت شدم و در آنجا در خانه فرهنگ جمهوری اسلامی، یک هیئت تشکیل دادیم به نام هیئت انصارالمهدی. اکثر اعضای آن، دانشجویان ایرانی بودند و می‌گفتند ما در اینجا دل‌مان می‌گیرد و دوست داریم هیئتی داشته باشیم. این شد که هیئت انصارالمهدی تشکیل شد. الان هم ایرانیان و شیعیان ترکیه‌ای ساکن آنکارا در این هیئت حضور پیدا می‌کنند. چندین بار هم به مناسبت اعیاد مذهبی از سوی ریزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان دعوت شدم. یک بار هم از بلژیک گروهی از شیعیان ترک‌زبان را در سفر زیارتی قم و مشهد همراهی کردم. یک سال هم دهه محرم را میهمان شیعیان جمهوری بلاروس بودم.

*** درباره فعالیت‌های شیعیان کشورهایی که در آنجا مداحی کرده‌اید صحبت کنید.**
اول از اتریش شروع کنم که شیعیان در شهر وین ساختمانی را اجاره کرده‌اند و از آن به عنوان حسینیه استفاده می‌کنند. هر کدام هم مبلغی را به عنوان سهم خودشان برای هزینه‌های آن مثل اجاره و امثال آن پرداخت می‌کنند. شیعیان در ایامی که حسینیه فعال است از شهرهای دور، خودشان را به حسینیه می‌رسانند و در مراسم شرکت می‌کنند.

در اتریش نوحه‌های سعدی زمان را به لهجه استانبولی دیدم که به صورت پرونده درآورده بودند و استفاده می‌کردند.

درباره شیعیان ترکیه هم باید بگویم که الحمدلله گروه‌های مختلف شیعی به خصوص مسئولین انجمن زینبیه یعنی آقایان «صلاح‌الدین اوزگوندوز» رئیس این انجمن و «حمید توران» امام جمعه مسجد زینبیه استانبول، همچنین آقای «قدیر آک‌آراس» مدیر مؤسسه کوثر، شیعه را در

ترکیه سربلند کرده‌اند. در ترکیه مراسم‌های عزاداری از شبکه‌های مختلف به‌خصوص زهرا تی‌وی^۱ پخش می‌شود که البته در جمهوری آذربایجان هم مخاطبان بسیاری دارد.

در ترکیه خیلی از سنی‌ها هم برای امام حسین (ع) گریه می‌کنند و در عزاداری‌ها شرکت می‌کنند. شخصی سنی بود که دو پسر دوقلو داشت و اسم‌شان را حسن و حسین گذاشته بود و می‌گفت من نام نوه‌های پیامبر را بر روی فرزندانم گذاشته‌ام؛ آنها را دوست دارم.

*** از نظر آشنایی با شیوه عزاداری در خارج از کشور، دشواری خاصی دارید؟**
باید بگویم که شیعیان ترکیه حتی گریه کردن را هم از ما آموخته‌اند. همه شیوه‌های مداحی را از ما یاد گرفته‌اند و یاد می‌گیرند. کوچک‌ترین حرکتی را زود می‌آموزند. گاهی در مداحی، کار خیلی مشکل می‌شود. مثلاً در سینه زدن، که میان‌دار ندارند و باید یک میان‌دار با خودمان ببریم، یا کسی را انتخاب کنیم و به او توضیح دهیم که چه وظیفه‌ای به عهده دارد. ولی در کل، الحمد لله فرهنگ عزاداری حسینی دیگر در آنجا ریشه دوانده است و جوانان آن هیئت‌ها خیلی در سینه‌زنی پیشرفت کرده‌اند، به گونه‌ای که الان در پانزده سبک، سینه‌زنی می‌کنند.

*** از نظر آموزش مداحی، آیا برنامه خاصی در ترکیه پیاده می‌شود یا خیر؟**
متأسفانه به جز خودم نشنیده‌ام کسی به عنوان مداح - و نه واعظ - ارتباط نزدیک و پیوسته با هیئات خارج از کشور داشته باشد. در حالی که با وجود این همه عشق و محبتی که آنها به اهل بیت (ع) دارند، باید کار جدی فرهنگی از سوی ایران انجام بگیرد. چون شیعیان ترک‌زبان در خارج از کشور، چشم‌شان به ایران است و عزاداری ترک‌زبانان در ایران الگوی آنان است. هر شعری را نمی‌توان در آنجا خواند و هر سبکی را نمی‌توان اجرا کرد. باید چیزی خواند که واقعاً آموزنده باشد. با توجه به اینکه ترکیه بالاخره ارتباط وسیع‌تری با غرب

دارد، کار بنده و واعظانی که به این کشور سفر می‌کنند دوچندان می‌شود. هم باید ریشه‌های عزاداری را در آنجا محکم کرد و هم باید مواظب بود که خدای ناکرده عزاداری‌ها به انحراف کشیده نشود. گاهی وقت‌ها سختی کار باعث می‌شود که تصمیم می‌گیرم دیگر به این کار ادامه ندهم.

بنده در همان فرصت‌های اندک، برای جوانان کلاس‌هایی را برگزار کرده و به آنها اصول مداحی را آموزش می‌دهم اما این کافی نیست و واقعاً یک‌تنه مگر چقدر می‌شود کار انجام داد. سعی می‌کنم کم‌کم کار را به خودشان تحویل دهم. به ده - بیست نفر آموزش داده‌ام و الان هم کم‌کم می‌خوانند. سعی هم می‌کنم به انحراف نروند. گرچه گروهی از جوانان دوست دارند به شیوه عزاداری‌هایی که تقریباً به نام عزاداری پاپ مطرح است، پردازند اما آنها را مطلع می‌کنم که این‌گونه عزاداری‌ها صحیح نیست. در اتریش هم با شخصی به نام اسماعیل سویوک اهل ترکیه و مقیم اتریش کار کرده‌ام و به او نوحه داده‌ام و او هم در اتریش می‌خواند.

* از نظر تفاوت لهجه ترکی ایران و ترکیه مشکلی ندارید؟

در آنجا برخی واژگان را عوض می‌کنم و با لهجه استانبولی می‌خوانم. مثلاً به جای «زینم منله دانیش»، می‌گویم «زینم بنله کونوش». البته آنها آن قدر این نوحه‌ها را خوانده‌اند و شنیده‌اند، که تقریباً با لهجه ترکی آذری ایران آشنا هستند و متوجه می‌شوند. و بسیاری از آنها هم اصولاً آذری‌های شهرهای اطراف مرز ایران و ترکیه هستند و آذری را به خوبی متوجه می‌شوند.

* اگر خاطره خاصی درباره شیعیان خارج از کشور به یاد دارید بفرمایید.

در همان سفرهای اولی که به ترکیه داشتم متوجه شدم که نواقص و مشکلات کار در ترکیه زیاد است. مثلاً نبود سیستم صوتی مناسب و یا ابزارهای تبلیغی مانند بنر و پرچم و امثال اینها. همین‌ها باعث می‌شد که جذب جوانان به مساجد، آن‌طور که باید و شاید نباشد. خلاصه تصمیم گرفتیم که صفایی به مساجد بدهیم. به همین خاطر به دوستان قول تهیه سیستم صوتی مناسب را دادم تا بتوانیم در نیمه شعبان آن سال یک مراسم

مناسب به سبک و سیاق ایران مانند نصب پرچم و طاق نصرت و امثال اینها برگزار کنیم.

به ایران برگشتم و مقداری امکانات فراهم کردم راهی مرز ترکیه شدم. آن زمان آزادی در ترکیه مانند زمان حاضر نبود. به طوری که وارد کردن قرآن و نوار و سی دی به ترکیه با مشکلات زیادی همراه و تقریباً ممنوع بود. خلاصه کلی وسایل شامل عکس هایی از امام، سیستم صوتی و قرآن، بنر و وسایل تزئینی تحویل یکی از اتوبوس های عازم به سوریه دادم تا در پوشش یک کاروان زیارتی از مرز بگذرانم و در آن سوی مرز تحویل بگیرم. در مرز مأمورین ترکیه به وسایل حساس شدند و به تفتیش آنها پرداختند و با دیدن تصاویری از حضرت امام مشکوک شدند. من ادعا داشتم که وسایل را به سوریه می برم. مأمور بلافاصله از من ویزا خواست و چون ویزای سوریه نداشتم بنده را با برخوردی نامناسب بازداشت کردند.

روز بعد از بنده بازجویی کردند و من هم صادقانه گفتم که به دعوت شیعیان برای مداحی به ترکیه می آیم. بازجویی تمام شد و بعد از ساعاتی فرماندهی کل مرزی به همراه چند محافظ و همراه وارد اتاق بازجویی شد.

این بار برخوردها ۱۸۰ درجه تغییر کرد و آن فرمانده با کمال احترام با من برخورد کرد و به من خوش آمد گفت و به خاطر رفتاری که با من داشتند معذرت خواهی کرد. گفت تو عاشق امام حسین (ع) هستی و من هم شیعه هستم. این برنامه ای که برای شما پیش آمد هم کار من بود تا مشکلی برای من و شما پیش نیاید. الان دستور می دهم تمام وسایلت را مرتب کنند و بعد خودت را راهی می کنم تا با احترام کامل شما را به مقصدت برسانند.

از خاطرات جالب توجه دیگرم اینکه هشت سال پیش یک گروه زن و مرد از اتباع ترکیه مقیم وین اتریش را برای زیارت به ایران آورده بودیم. بنده هم مداح بودم و هم مترجم. همه داخل حرم حضرت معصومه (ع) مشغول زیارت بودیم که ناگهان متوجه شدیم مرحوم آیت الله بهجت هم در حرم حضور دارند. همه دور ایشان حلقه زدند تا از صحبت هایش استفاده کنند.

چند دقیقه‌ای طول کشید تا نماز و دعایشان تمام شود. بعد به ایشان عرض کردم: «اینها از اروپا آمده‌اند. از شما موعظه و پیامی می‌خواهند». آقا مکثی کردند و بعد گفتند: «پرسید آیا آنها در اروپا ایام فاطمیه را برگزار می‌کنند یا نه؟» سؤال که کردم، جواب دادند: «بله، هر سال دوبار مراسم عزای حضرت فاطمه (س) را برگزار می‌کنیم». بعد آقا در حالی که چشمان‌شان اشکبار شده بود، دستی به محاسن‌شان کشیدند و گفتند: «من دیگر موعظه‌ای ندارم، کار اینها حل است. دیگر اینها مسئله‌ای ندارند در اروپا».



تکمله

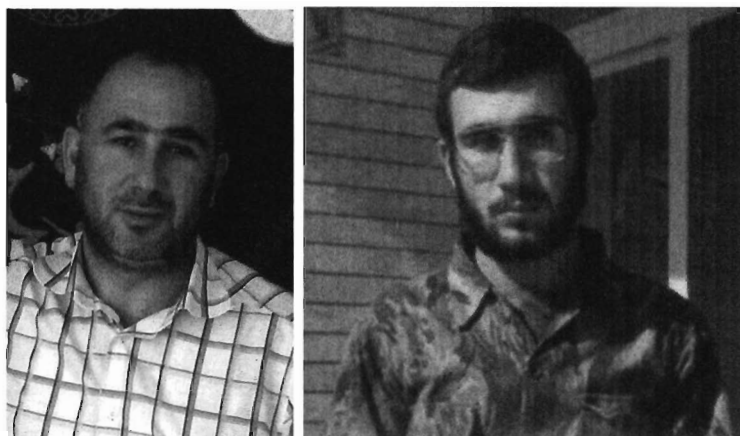
گفت وگو با ابراهیم حکمت از رزمندگان اهل ترکیه در دوران دفاع مقدس

دفاع مقدس وسعت بی‌نهایتی است که هنوز ناشناخته‌های بسیاری از آن در گوشه گوشه ذهن و دل اهل جبهه مانده و کسی را می‌خواهد که دل به این دریا بدهد، بکاود و بکاود و پیدا کند آنچه که باید پیدا کند.

دفاع مقدس هشت‌ساله، دفاع از ایران نبود، دفاع از اسلام بود، دفاع از تشیع و نام حسین (ع). همین است که بودند کسانی که گرچه اهل ایران نبودند اما به خاطر صیانت از تشیع و اهل‌بیت (ع) وارد جبهه‌های جنگ شدند و جانانه هم جنگیدند.

توفیقی دست داده بود که چند روزی را مهمان شیعیان مخلص اهل‌بیت (ع) در استانبول ترکیه باشم. اولین روز ورودم به استانبول بود و در کنار تعدادی از ایرانیان مقیم در کنار مسجد تاریخی بویوک‌والده‌خان (مسجد ایرانیان) ایستاده و منتظر شروع مراسم جشن میلاد حضرت فاطمه زهرا (س) بودم. در میان مهممه صحبت‌ها و گفت‌وگوها، لهجه خاص و زیبای استانبولی یکی از حاضرین که البته فارسی صحبت می‌کرد، توجهم را جلب کرد. نزدیک‌تر رفتم. چهره‌اش جوان بود اما پا به چهل سالگی و میانسالی گذاشته بود. با کت و شلوانی دارچینی رنگ، با شور و حرارت با چند نفر صحبت می‌کرد. انتظار شنیدن هر صحبتی را داشتم جز جبهه و جنگ. جبهه و جنگ کجا و استانبول کجا.

بعد از چند روز قرار شد به واسطه مداح سرشناس ایرانی سیدحسین شریانی سوار بر ماشین همین بسیجی خاک جبهه خورده شویم تا ما را به مراکز مذهبی شیعیان ببرد.



ابراهیم حکمت

ما هم فرصت را از دست ندادیم و مصاحبه‌ای با او داخل ماشین انجام دادیم. البته نگاهی هم به سایت زیبایش انداختیم. سایتی پر از خاطرات دفاع مقدس و عکس‌هایی که هر کدام حرف‌ها برای گفتن دارند. هنوز هم حال و هوای جبهه را داشت، گرم و صمیمی.

ابراهیم حکمت، طلبه، اهل ترکیه و رزمنده سابق جبهه‌های جنگ ایران علیه عراق، متولد ۱۹۶۵م آدانای ترکیه است. او یکی از چهار رزمنده اهل ترکیه است که هر کدام از طریقی خود را به این جبهه رسانده بودند. از این چهار تن دو نفر به شهادت رسیدند. حکمت، ابتدا مذهب علوی داشته اما اکنون به عنوان یک شیعه اثنی‌عشری در ترکیه مشغول به فعالیت‌های فرهنگی است.

در ترکیه

خانواده ما مذهبی علوی داشتند. انقلاب اسلامی ایران تازه به پیروزی رسیده بود و من دوران معادل راهنمایی را در ترکیه سپری می‌کردم. در کتاب‌های تاریخ مدارس، حکومت ایران را شاهنشاهی نوشته بودند. معلم‌مان گفت عبارت شاهنشاهی را خط بزنید و به جای آن بنویسید جمهوری اسلامی. برای ما جالب بود که بدانیم این جمهوری اسلامی یعنی چه. کم‌کم پیگیر شدم و چیزهایی متوجه شدم. این

مسئله همیشه در ذهنم بود و کم‌کم علاقه‌ای نسبت به جمهوری اسلامی در من ایجاد شد و از خدا همیشه می‌خواستم مرا با جمهوری اسلامی آشنا کند.

مدتی نگذشته بود که یکی از بچه‌های اهل کرکوک مرا با دو نفر از دانشجویان ایرانی آشنا کرد.

آن موقع دیگر در دوران دبیرستان بودم و از همان سال‌ها تصمیم قطعی گرفتم که به ایران بروم. بعد از تکمیل دوران دبیرستان به دلیل آزارهای دولت جدید ترکیه که با کودتا روی کار آمده بود، تصمیم به مهاجرت از شهرمان گرفتم. فضای آن سال‌ها بسیار سیاسی بود. من با دو دانشجوی ایرانی ارتباط گرفته بودم و با هم فعالیت داشتیم. یکی اهل مشهد بود و یکی اهل سلماس. بعد از مدتی آن دانشجویان را به خاطر فعالیت‌های سیاسی دستگیر و ۴۵ روز زندانی کردند و بعد از ترکیه اخراج کردند.

بعد از اخراج آنها به شهر ملاطیه رفتم. شش ماه با علویان آنجا فعالیت‌های دینی و سیاسی می‌کردم و به مردم از اهل‌بیت (ع) و چهارده معصوم و ولایت می‌گفتم و اینکه چرا آمده‌اند و چرا می‌خواهند ما را هدایت کنند و اصلاً چرا باید به آنها ارزش و احترام قائل شویم. ما هر قدر به اهل‌بیت (ع) عشق داشته باشیم، به همان نسبت ارزش پیدا می‌کنیم. آن موقع جنبه سیاسی خط امام در ترکیه حتی در اهل سنت هم زیاد بود و مردم به جمهوری اسلامی و انقلاب ایران علاقه نشان می‌دادند. بعد از گذشت شش ماه با خانواده به استانبول مهاجرت کردیم.

در ایران

در مسجد بویوک والده‌خان (مسجد ایرانیان استانبول) نامه‌ای به عنوان معرفی‌نامه گرفتم و برای وارد شدن به حوزه علمیه راهی ایران و شهر قم شدم. آن موقع سال ۶۱ ع‌ش بود. وقتی وارد قم شدم، به مدرسه حجتیه رفتم و بعد از ثبت نام برای آموزش زبان فارسی راهی نجف‌آباد شدم و پس از سپری کردن این دوره به قم برگشتم.

تصمیم قطعی داشتم که طلبه شوم اما بعد از این حرف حضرت امام، که فرمودند جبهه‌ها را پر کنید، با خودم گفتم ما مسئولیتی داریم و باید آن را به انجام برسانیم. پیش مسئولان امر رفتم و درخواست حضور در جبهه‌ها را دادم. گفتند شما خارجی هستید و نمی‌توانید در جبهه‌ها شرکت کنید. خلاصه هر روز ما را به جایی می‌فرستادند و بالاخره میسر نشد. بعد پیش یکی از آقایان مراجع رفتم و گفتم من می‌خواهم به جبهه بروم. گفتند ترکیه به شما بیشتر احتیاج دارد. گفتم اگر من جبهه بروم، اگر خواست خدا باشد، می‌توانم زنده بمانم. بالاخره یک نامه‌ای نوشتند و رفتیم به اداره جهاد سازندگی نجف‌آباد و از آنجا به قرارگاه کربلا رفتیم.

در جبهه

در قسمت رزمی - مهندسی پشتیبانی جنگ با بچه‌های رزمنده بودم و با طلبه‌های رزمنده دیگر در آبادان و اهواز درس می‌خواندیم. قبل از هر عملیات سنگر و راه درست می‌کردیم؛ در جاهایی مثل بزرگراه بدر و جزیره مجنون. بعد از مدتی به بچه‌های جهاد گفتم من می‌خواهم اسلحه به دست بگیرم. مرا به فرماندهی جهاد شوشتر فرستادند و از آنجا به گتوند رفتم. بالاخره سال ۶۴ از گتوند به لشکر هفت ولی عصر (عج) اندیمشک و از آنجا هم به گردان مالک اشتر اعزام شدم. بعد از مدتی هم فرمانده گروهان مسلم (ع) شدم.

بیشتر مأموریت‌های ما در کردستان بود. مدت‌ها با آقای عبدالله نوری مسئول جهاد سمنان که آن موقع نماینده امام در جهاد بود هم‌رزم بودم. بعد از مأموریت‌های کردستان با لشکر هفت ولی عصر در عملیات کربلای پنج در شلمچه شرکت کردم. در عملیات والفجر هشت فاو هم حضور داشتم. بعد از عملیات فاو و شلمچه، بیشتر در مأموریت‌های جزیره مجنون شرکت داشتم. و این دورانی بود که آقای هاشمی رفسنجانی به این نتیجه رسیدند که در جنوب نمی‌توانیم با دشمن مقابله کنیم، به دلیل اینکه آنجا زمین‌ها هموار است و آنها هم تکنولوژی پیشرفته و ماهواره و امثال اینها دارند.

البته زمستان‌ها مشکل چندانی نبود به دلیل اینکه هوا ابری می‌شد و از دید دشمن کاسته می‌شد اما در فصل گرما، کمترین تحرکات ما از طرف دشمن شناسایی می‌شد.

خلاصه راهی کردستان شدیم و شروع به عملیات‌های چریکی کردیم. بعد از آن به قروه رفتیم و آموزش ویژه جنگ در کوهستان دیدیم و برای مرحله دوم عملیات والفجر ده اعزام شدیم.

برای شروع عملیات والفجر ده ما را با کامیون به مریوان بردند. بعد از هجده ساعت پیاده‌روی از شیار زلم گذشتیم و قرار بود قله شلم را بگیریم. روز بعد نیز زمان شروع اولین مرحله عملیات والفجر ده بود. اما به ما خبر دادند که امشب باید عمل کنید چون ممکن است نیروهای تازه‌نفس عراقی بیایند و برای شما در دسر آفرین شوند. شب ولادت امام رضا(ع) بود که شروع کردیم به بالا رفتن از قله شلم. وقتی به قله رسیدیم، ده متر با عراقی‌ها فاصله داشتیم. بچه‌ها روی زمین خوابیدند تا در منور دیده نشوند. کسانی مثل آقایان علی‌پناه و الله‌بخشی و جلال کرمی جلو من بودند. یکی از بچه‌های ما خوابیده بود و صدای خرخرش می‌آمد. بچه‌های پشت سر گفتند بیدارش کنید ممکن است دشمن متوجه ما شود. یعنی این قدر بچه‌ها خسته بودند. دستم را بلند کردم تا بیدارش کنم اما در همان حین من هم خوابم برد اما اصلاً متوجه نشدم که چقدر خوابیدم. بعد که بیدار شدم گفتند از سیم خاردارها رد شوید.

در آن خواب دیدم که به ترکیه پیش پدر، مادرم و خواهرانم برگشته‌ام و آنها همراه من هستند. آن قدر این خواب برای من واقعی بود که وقتی ما را تکان دادند که حرکت کنید و من بیدار شدم، با خودم می‌گفتم من کجا هستم و اینجا کجا است. شاید این وسوسه شیطان بود که به من بگوید چرا خودت را این طور گرفتار کرده‌ای، برگرد برو پیش خانواده‌ات.

الغرض، رمز عملیات ما «یا زهرا» بود. شروع به حرکت کردیم. عراقی‌ها ما را دیدند و ایست دادند. ما نارنجک انداختیم. بیشتر بچه‌ها زیر گلوله

ماندند. چون شیب زیاد بود، هرچه نارنجک می انداختیم، برمی گشت به سمت خودمان. شهر حلبچه هم پایین کوه بود. دیگر خشاب هایمان تمام شده بود. من سه تا خشاب داشتم که دو تایش را به بچه ها دادم. آن شب از ساعت دو شروع کردیم و تا ساعت پنج صبح درگیر بودیم. در این مدت من یک خشاب داشتم. صبح که اسلحه ام را نگاه کردم، دیدم با وجود این همه درگیری، خشابم خالی نشده بود؛ چون هر تیری که می زدم، یا زهرا می گفتم. آن موقع بود که با تمام وجود فهمیدم در زمان جنگ، اهل بیت (ع) با ما بودند. کل بچه ها در آن موقع و آن وضعیت هم نماز شب می خواندند و هم دعای امام زمان (عج).

بعد از گرفتن قله که تا نماز صبح به طول کشید، تنها چند نفر باقی مانده بودیم، من و آقای الله بخشی که الان در آموزش و پرورش گتوند مشغول به کار هستند. و آقای عابدین که فرمانده گروهان ما بودند. یعنی بیشتر بچه های گروهان مسلم شهید شده بودند. بعد از آن، آقای عابدین می رفت و رگبار می زد و من آربی جی می زدم تا دشمن نفهمد که ما دو نفر هستیم.

نزدیکی های ظهر بود که مرحله دوم شروع شد. قرار بود در مرحله سوم بعد از گرفتن حلبچه، سد دربندخان را بگیریم. بعد از این مرحله فرمانده لشکر ما آقای احمد دانش پژوه آمد. شهدا و مجروحان زیادی داشتیم. یک گردان جدید تشکیل دادیم و با این گردان می خواستیم سد دربندخان را بگیریم. بچه های پاسدار وظیفه هم در میان ما بودند. برای مرحله دوم بچه های پاسدار وظیفه گفتند ما خسته ایم و مرخصی می خواهیم. چون برای این مراحل نیروی زیادی به کردستان نیامده بود. یکی از بچه های پاسدار وظیفه گفت مگر ما نوکر هستیم. فرمانده لشکر گفت: «آقا! بله، ما نوکر هستیم. ما نوکر امام زمان (عج) هستیم». واقعاً این حرف فرمانده برای من مایه افتخار بود و تا آخرین لحظه زندگی ام به آن افتخار می کنم و واقعاً نوکری آقا ارزش دارد.

صدام در آن برهه یعنی آزادی شهر حلبچه شهرهای تهران و تبریز را زیاد می زد. به همین خاطر از طرف فرماندهی کل دستور آمد که عملیات گرفتن

سد دربندخان را متوقف کنید، چون دشمن به خاطر سد دربندخان شهرها را می‌زد. عملیات لغو شد و ما برگشتیم تا شهدا را جمع کنیم. در همین حین دیدیم هواپیماهای عراقی از بالای قله شلم آمدند و شهر حلبچه را بمباران کردند.

البته ماجرای بمباران شهر حلبچه یک نکته اصلی دارد که بیشتر مردم نمی‌دانند. دلیل اینکه صدام حلبچه را زد، یک چیز بود و آن هم اینکه موقع ورود ما به شهر حلبچه، دیاله و خورمال، مردم از ما خیلی استقبال کردند و به ما گل می‌دادند. آن موقع وقتی در اولین مرحله قله شلم را گرفتیم، عملیات خیلی محرمانه بود و نمی‌دانستند ما قاچاقچی هستیم یا نیروهای ایران. وقتی که فهمیدند نیروهای ایران هستیم، به مردم حلبچه، خورمال و دیاله اسلحه دادند که با نیروهای ایران بجنگند. مردم کرد این منطقه، فرمانده حزب بعث در شهر و شهردار را اسیر گرفتند و به ما تحویل دادند. بعد از این جریان وقتی صدام فهمید که مردم این شهر چه کرده‌اند و با نیروهای ایرانی همکاری کرده‌اند، دستور بمباران شیمیایی را صادر کرد. دشمن قبلاً در فکه و در عملیات کربلای پنجم گاز خردل زده بود ولی در حلبچه گاز شیمیایی سیانور زد. به ما خبر دادند که شیمیایی زده‌اند. بعد وارد شهر شدیم و دیدیم مردم زیادی از بین رفته‌اند. آنهایی که زنده مانده بودند به ما گفتند بروید شهر خورمال و دیاله. شب به آنجا رسیدیم. وقتی به مردم سلام می‌دادیم، کسی جواب ما را نمی‌داد. انگار لب‌هایشان را دوخته بودند. بعد فهمیدیم که اینها بین خودشان هم حرف نمی‌زنند. یکی دو روز مردم خورمال و دیاله نمی‌توانستند حرف بزنند. گویا شوکه شده بودند به خاطر اینکه در یک آن، جمعیت زیادی از مردم شهر و زن و فرزند و نزدیکان‌شان از بین رفته بودند. خلاصه در آن عملیات سخت و دشوار شهدای بسیاری دادیم و بسیاری از آنها نوجوانان چهارده تا هفده‌ساله بودند. حتی بعضی از آنها قبلاً ترکش خورده بودند و با همان وضع به عملیات جدید آمده بودند.

بعد از آن عملیات ما را به خوزستان و جزیره مجنون فرستادند. دلیلش هم این بود که صدام از آن جبهه وارد عمل شده و به شهر فاو تک زده بود. بیشتر شهدای تک دشمن به شهر فاو، از لشکر امام حسین (ع) بودند. آن موقع بزرگراه فتح، خط مقدم جزیره مجنون بود. فاو و شلمچه و خرمشهر و فکه همه جا زمین یکدست و مسطح بود و اگر کوچک‌ترین تیراندازی از جانب ما می‌شد، تانک‌های پیشرفته عراقی پاسخ می‌دادند. در آنجا منافق هم زیاد بود. خلاصه در آنجا ماندیم و روزهای آخر جنگ را پشت سر گذاشتیم تا اینکه قطعنامه ۵۹۸ از سوی امام خمینی (ره) پذیرفته شد و جنگ به پایان رسید.

در جمهوری آذربایجان

به قم برگشتم و بعد از مدتی با فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، تصمیم گرفتم برای تبلیغ به این جمهوری بروم. به طرف بیل‌سوار رفتم و از آنجا به صورت قاچاق قصد وارد شدن به خاک جمهوری آذربایجان را داشتم. پاسپورتم در حمله دشمن به حلبچه سوخته و از بین رفته بود. مدتی آنجا ماندم اما نتوانستم از مرز بگذرم. به ناچار به قم برگشتم و به خدمت آقای دری نجف‌آبادی رسیدم. ایشان نامه‌ای به نیروهای ایرانی مستقر در مرز نوشت تا با بنده همکاری کنند. من هم تعدادی نوار از سخنرانی‌های حضرت امام و مفاتیح‌الجنان برداشتم و از طریق بیل‌سوار و به صورت قاچاق با یکی از دوستان از رود ارس گذشتیم و وارد جمهوری آذربایجان شدیم. گذشتن از مرز به صورت قاچاق حاصل تجربه‌هایی بود که سال‌ها در دفاع مقدس کسب کرده بودم. بعد با قاچاقچی‌ها تا باکو رفتیم.

وقتی به باکو رسیدیم و از اتوبوس پیاده شدیم، پلیس آذربایجان ما دو نفر را صدا کرد. من کفش ورزشی به پا داشتم. آن زمان این مدل کفش ورزشی در آذربایجان وجود نداشت به همین خاطر پلیس فهمیده بود که ما قاچاقی آمده‌ایم. گفتند «اهل کجا هستید؟» گفتم «اهل ترکیه هستم». ساکم را گشتند

و دیدند مفاتیح و نوار استاد شهریار در آن هست. آن پلیس نوار استاد شهریار را دید و خوشش آمد. نوار را به او هدیه دادم. او هم ما را آزاد کرد.

اوضاع در آذربایجان اسفبار بود. مساجد تاریخی زیادی در باکو وجود داشت اما بیشترشان تبدیل به رستوران و مراکز فساد شده بودند. در آنجا با دو نفر از مؤمنین به نام‌های آذر و جوانشیر آشنا شدم. گفتم من طلبه هستم و می‌توانم به شما درس بدهم. بعد از شروع درس، تعدادمان به هفت نفر رسید. مسجدی در آنجا بود که قبلاً روس‌ها در آن استراحت می‌کردند. مسجد رو به خرابی گذاشته بود و روس‌ها هم آنجا را رها کرده بودند. فعالیت‌مان را به آن مسجد منتقل کردیم.

جمهوری آذربایجان تازه مستقل شده بود و هیچ نظمی نداشت. آن زمان آذربایجان ارتش نداشت و طالبوف فرار کرده بود. نوار سالگرد رحلت امام خمینی را به تلویزیون جمهوری آذربایجان بردیم. یک ساعت این فیلم را پخش کردند.

روز عاشورا نزدیک بود و باید تدارک برگزاری مراسم عاشورا را می‌دیدیم. با تلاش دوستان برای اولین بار پس از استقلال این جمهوری، در شهر باکو مراسم عاشورا را برگزار کردیم و از ایچری شهر تا میدان شهیدان حرکت کردیم. ده هزار نفر هم جمعیت همراه ما بودند. آنجا در میان مردم اعلام کردیم که مساجد محرم خدا است و شما نامحرم به خانه نمی‌برید، پس مسجدها باید آزاد باشند. این حرف را که زدیم، مردم حرکت کردند و کل مساجد باکو را آزاد کردند. اولین نماز جمعه را هم بنده در مسجد جمعه برپا کردم و خواندم. یک سال در باکو امام جمعه بودم. بعدها هم مبلغین ایرانی مثل حجج اسلام اجاق‌نژاد و مدنی آمدند.

در ترکیه

دیگر مدت زیادی بود که به ترکیه نرفته بودم. خانواده‌ام از ترکیه با من تماس گرفتند و گفتند این آخرین تماسی است که با تو می‌گیریم. اگر آمدی، آمدی، اگر نیامدی دیگر ما را فراموش کن.

البته قصدم این بود که چهل روز در باکو بمانم اما یک سال به درازا انجامیده بود. یک دلیلش این بود که در همان روزهایی که قصد بازگشت داشتم، آیت الله خویی فوت کردند و مجبور شدیم بمانیم تا مراسمی برای ایشان برگزار کنیم. بعد هم به خاطر اربعین ماندیم و همین طور مناسبت های دیگر که به یک سال انجامید. پس از تماسی که از ترکیه با بنده گرفتند، تصمیم قطعی به برگشت به ترکیه گرفتم و بازگشتم.

کتابنامه

- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳، بیروت: دار بیروت لطباعه والنشر، ۱۹۸۵م.
 امین، سیدحسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۱، [بی‌جا]: دارالتعارف، ۱۴۰۹ق.
 اندلسی، احمد بن محمد، العقد الفرید، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۳م.
 بایلاک، آیشن، مقاله «تاریخ و زندگی شیعیان امامی ترکیه»، نشریه پیام بهارستان، ش ۱۳، پاییز ۱۳۹۰، ص ۶۱۷.
 جبل عاملی، سیدمحسن، اعیان الشیعه، بیروت: [بی‌نا، بی‌تا].
 چلکوفسکی، پیتر، تعزیه، نیایش و نمایش در ایران، ترجمه داوود حاتمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
 داوری، صادق، بحرالعلوم، سیداحمد، موج انتظار، اصفهان: بهار قلوب، ۱۳۷۹.
 دوغان، اسراء، «استانبول، ایرانیان و کاروانسرای والده‌خان»، نشریه پیام بهارستان، ش ۴، تابستان ۱۳۸۸.
 دونمز، نوری، علویان ترکیه، قم: انتشارات ادیان و مذاهب، تابستان ۱۳۸۹.
 شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، ج ۸، قم: چاپخانه پیروز، ۱۳۹۹ش.
 صابری همدانی، احمد، تاریخ مفصل همدان، ج ۳، قم: شاکر، ۱۳۸۲ش.
 گلپینارلی، عبدالباقی، دائرةالمعارف اسلام، مدخل اثنی عشر، ج ۲۲، ترکیه: مؤسسه ایسام، [بی‌تا].
 گنجی شافعی، محمد بن یوسف، البیان فی اخبار صاحب‌الزمان، بیروت: [بی‌نا، بی‌تا]، ۱۳۹۹ق.
 محمدزاده صدیق، حسین، پگاه باور، قم: نشر ادیان، پاییز ۱۳۹۰.

معمدی کاشانی، سیدحسین، عزاداری سستی شیعیان، ج ۳، چ ۱، قم: ناشر مؤلف، ۱۳۸۳ش.

مهدی‌پور، علی‌اکبر، اسرار نماز، ترجمه اسرار الصلوة شهید ثانی، قم: رسالت، ۱۳۸۲.

مهدی‌پور، علی‌اکبر، گزارش لحظه‌به‌لحظه از میلاد نور، قم: رسالت، ۱۳۸۳.

میرخلف، سیدکمال، «مساجد ایرانی و قبرستان ایرانیان در استانبول»، نشریه پیام بهارستان، ش ۷، تابستان ۱۳۸۹.

Abdulkadir Yeler, *Türk Toplumunda Caferiler*, İstanbul Halkalı örneği (Master Thesis, Marmara University, 2006).

Aczi, Remzi, *Yeni Gülzar-i Haseneyn Vaka-i Kerbela*, İstanbul, 1955.

Agah Sırrı Levend, *Divan Edebiyatı*, İstanbul, 1984.

Ali Albayrak, *Caferilerde Dini ve Sosyal Hayat, Ankara Keçiören örneği* (Ph.D. Dissertation, Ankara University, 2006).

a.mlf, *Eski Edebiyatımızda Yarı Dramatik Bir Tür: Maktel ve Minyatürlü Maktel Yazmaları*, Türkiyemiz, sy. 61, İstanbul, 1990.

a.mlf, *Sanat ve Kerbela: Muharrem ya da Taziye Gösterileri Pekçok Münyatüre Konu Olmuştur*, Milliyet Sanat Dergisi, sy. 289, İstanbul, 1978.

Amil Çelebioğlu, *Türk Edebiyatında Mesnevi*, İstanbul, 1999.

And, Metin. *Ritüelden Drama, Kerbela-Muharrem-Taziye*, İstanbul, 2002.

Anja Pistor Hatam, *The Religious Celebration as an Expression of Persian-shiite Selfunderstanding Towards the end of 19th Century*, die welt des Islams 38, no.1 (March 1998).

Arşiv Belgelerinde OSMANLI-İRANİ ilişkileri, Başbakanlık Yayınları, Ankara, 2010.

Baylak, Ayşen, *Visibility Through Rritual: Caferi.Sshiite Community in Turkey*; boğaziçi university, 2009.

Bedri Noyan, *Bektaşî ve Alevilerde Muharrem Ayini, Aşure ve Matem Erkanı*, 1984.

Cemal Kurnaz, *Hayali Bey Divanı'nın Tahlili*, İstanbul, 1996.

David Shankland, *Islam and Society in Turkey*, Cambridheshire: The Eothen Press, 1999.

Eliane Hegland, *Flagellation and Fundamentalism: (trans) forming meaning, identity*.

Elnure Azizova, *Kerbela Vak'ası* (yüksek lisans tezi, 2001), MÜ Sosyal Bilimler Enstitüsü.

Fırlalı, Ethem Ruhi, *Türkiyede Alevilik Bektaşilik*, İstanbul, 1990.

Filiz Demirci, *Caferilerin Dini örf ve Adetleri, Iğdır örneği* (Master thesis, Erciyes university, 2006).

Fuzuli, *Hadikatüs-Süesa, Seyma Güngör*, Ankara, 1987.

Fuzuli, *Saadete Ermişlerin Bahçesi*, İstanbul Maarif Kitaphanesi.

Gölpınarlı, Abdülbaki: *Tarih Boyunca İslam Mezhepleri ve Şiilik*, İstanbul, 1979.

Günay Kut, *Aşık Çelebi*, DİA, III.

Hüseyin Mücib el-Mısri, *Kerbela Beyne şu'ara'ış- şu'ubi'l-İslamiyye*, Kahire, 2000.

I. Melikoff, *Le Drama de Kerbela Dans le Litterature Epique Turque*, REI, 1966.

İlyas üzüm, "Türkiyede İnanç Esasları Açısından Caferilik" (Ph.D. Dissertation, Marmara University, 1993).

İlyas Üzüm, *Hüseyin, a.e*, XVIII.

İlyas Üzüm, *Türkiyede İnanç Esasları Açısından Caferilik* (Ph.D. Dissertation, marmara university, 1993).

Juan R.I.cole and moojen momen, *Mafia, Mob and Shiism in Iraq: the Rebellion of Ottomon Karbala 1824-1843, past and present*, no.112 (august 1986).

Mahmood Ayoob, *Redmptive Suffering in İslam: a Study of the Devotional Aspects of Ashura in Twelver Shiism* (the hague: mouton publishers, 1978).

Martin Kramer, *Introduction in Shiism, Resistance and Revolution* (London: west view press, 1987).

Martin van Bruinessen, *Kurds, Turks and the Alavi Revival in Turkey*. Middle east report 200 (1996), pp.7-10.

Metin And, Ritüelden Drama, *Kerbela-Muharrem-Taziye*, İstanbul, 2002.

Moojen, momen. *An Introductation to Shii İslam the History and Dectrines of Tüelver Shiism* (new haven and London: yale university press, 1985).

Noyan, Bedri, *Bektaşilik-Alevilik Nedir?*, Ankara, 1985.

Peter Alford Andrew, *Ethnic Groups in the Republic of Turkey (Türkiyede Etnik Gruplar)*, istanbul: Ant yayınları, 1992.

Richard Augustus Norton, ritual, blood and Shiite identity: ashura in nabatiyya lebanon, *The Drama Review* 49, no.4 (2005).

Uzun, Mustafa, "Kerbela", *Türk Edebiyatında Kerbela, İslam Ansiklopedisi*.

Üsküdadra İranlılar ve İran Kabristanlığı, Prof.Dr. Zekeriyya Kurşun, Üsküdar Sempozyumu, 3. 5 Kasım 2006 Bildiriler C. I s, 195.212.

Yaman, Mehmet, *Alevilik, İnanç-Edeb-Erkân*, İstanbul, 1993.

تشکر و سپاس

آیت الله احمد صابری همدانی
حجت الاسلام صلاح الدین اوزگوندوز
حجت الاسلام حمید توران
حجت الاسلام قدیر اک آراس
حجت الاسلام حسن قناعتی
حجت الاسلام علی اکبر مهدی پور
حجت الاسلام باب الله ثقة الاسلامی
حجت الاسلام میرعباس صفوی
حجت الاسلام اسماعیل سابقی
حجت الاسلام صبری سایان
حجت الاسلام محمد قطاعی
حجت الاسلام نوری دؤنمز
حجت الاسلام حسین متقی
حجت الاسلام دربندی
حجت الاسلام فتح الله ذوقی
حجت الاسلام احمد رنجبری حیدریاگی
پروفسور حسین حاتمی
دکتر محمد علی بویوک کارا

دکتر فاضل آغیش

دکتر حسین محمدزاده صدیق

خانم دکتر اسرا دوغان

خانم دکتر آیشن بایلاک

جناب آقای سید حسین شریانی

جناب آقای ابراهیم حکمت

جناب آقای محمود صدقی زاده

جناب آقای حسن دیده بان

جناب آقای محمد خبازی

جناب آقای جواد گوک

جناب آقای کاظم آلجان

جناب آقای سید کمال میرخلف

نمايه

آبادان، ۱۸۴	آيت الله بهجت، ۱۷۸
آتاتورک، ۱۰۰، ۱۰۱	آيت الله خويي، ۱۵۱، ۱۹۰
آتش کربلا، ۱۲۶	آيت الله روحاني، ۱۴۶
آدانا، ۸۶، ۹۷	آيت الله سبحاني، ۱۴۵
آذربايجان، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۳۹، ۴۲، ۷۵، ۸۷، ۹۹، ۱۰۲، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۹، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۸، ۱۸۹	آيت الله سيستاني، ۲۵، ۱۴۲
آذري، ۱۶، ۱۸، ۲۸، ۶۳، ۷۵، ۱۲۸	آيت الله شبيري زنجانى، ۱۴۵
آغ شمس الدين، ۵۳	آيت الله شرف الدين، ۱۴۶
آغري، ۱۷، ۷۵	آيت الله شريعتمدارى، ۱۵۱
آلباني، ۱۱۲، ۶۹	آيت الله شيخ مرتضى حائرى، ۱۴۵
آلمان، ۶۷، ۸۷، ۱۴۶	آيت الله شيرازى، ۱۳۳
آلوسى، ۴۴	آيت الله صافى، ۱۲۶
آماسيا، ۸۴	آيت الله عبدالمجيد واعظى، ۲۹، ۱۴۳، ۱۴۵
آمریکا، ۴۰	آيت الله مكارم شيرازى، ۱۴۵
آناتولى، ۵۸، ۱۲۸، ۱۳۰	آيت الله وحيد خراسانى، ۱۳۷، ۱۴۲
آنژا پستورها تام، ۱۱۰	ابراهيم حكمت، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۵
آنكازا، ۱۷، ۸۷، ۸۹، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۴۶، ۱۷۵	ابراهيم رهبر، ۱۷۴
آه کربلا، ۱۲۶	ابراهيم (ع)، ۴۹
آهنگران، ۱۷۳	ابن سعد، ۵۲
آيت الله آخوند محمد كاظم خراسانى، ۱۴۳	ابن الرشد، ۱۲۶
آيت الله احمد صابري همدانى، ۱۴۳، ۱۴۴	ابوالدرهم الشامى، ۵۱
	ابوايوب انصارى، ۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳
	ابوحنيفه، ۲۰، ۱۴۲
	ابودرداء، ۵۱
	ابوذر غفارى، ۵۱

۱۹۸ / تا استانبول در جست و جوی تشیع

- ابوسعید الخدری، ۵۱
 ابوشیبه الخدری، ۵۱
 اتریش، ۸۷، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸
 اجاق نژاد، ۱۸۹
 احمد بن محمد اندلسی، ۵۲
 احمد بهادر، ۱۱۱
 احمد تاشقین، ۱۴
 احمد توفیق پاشا، ۱۲۱
 اختری، ۱۷۲
 ادب و ارکان مولوی، ۷۲
 ادهم افندی، ۱۲۶
 ادهم، ۵۱، ۱۲۴
 اردبیل، ۵۵
 اردن، ۴۸
 ارمنستان، ۱۷، ۷۵
 ارمنی، ۱۱۴، ۱۵۳
 ارنست همبری، ۱۱۱، ۱۱۲
 از میر، ۱۷، ۸۷، ۱۴۶
 الازیف، ۸۶
 اسپانیا، ۱۳۵
 استانبول، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۷، ۷۰، ۷۳، ۷۶، ۸۱، ۸۷، ۸۹، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۹۱، ۱۹۲
 اسرا دوغان، ۱۹۵
 اسطوره ها، ۷۰
 اسکودار، ۲۹، ۶۷، ۱۱۱، ۱۱۲
 اسلام، دین انسانیت و عشق، ۴۳
 اسلم بن عمرو، ۱۲۸
 اسماعیل حکمت ارتایلان، ۱۲۵
 اسماعیل سابقی، ۱۴۳، ۱۵۲، ۱۵۴
 اسماعیل سویوک، ۱۷۷
 اسماعیل معشوقی، ۵۵
 اسناد عثمانی: آرشیو عثمانی درباره ایران، ۱۱۵
 اشعار برگزیده فارسی، ۷۰
 اصطلاحات و ضرب المثل های تصوفی در ترکی، ۷۲
 اصفهان، ۱۶۵
 اصل الشیعة و اصولها، ۱۴۶
 اصول نقد، ۷۰
 اطمان، ۴۱
 اعتقادات شیعه، ۱۴۶
 اعمال دین، ۱۴۸
 اقتصادنا، ۱۴۶
 اکبر یورت سئون، ۹۱
 الیاس اوزوم، ۱۴، ۱۶، ۹۷
 الین هگلند، ۱۴
 امام علی (ع)، ۱۲، ۲۲، ۴۶، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۸۲، ۹۸، ۹۹، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰
 امام حسن (ع)، ۱۱، ۱۹، ۲۰، ۴۶، ۸۲، ۱۰۳، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۳۱، ۱۴۱، ۱۶۲
 امام حسین (ع)، ۱۱، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۴۸، ۷۸، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۶۲، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۸
 امام زین العابدین (ع)، ۱۰۶، ۱۲۸
 امام صادق (ع)، ۲۰، ۴۶، ۹۹، ۱۰۷، ۱۴۲، ۱۶۱

- امام کاظم (ع)، ۱۰۷، ۱۱۶
 امام رضا (ع)، ۸۲، ۹۸، ۱۰۷، ۱۳۷، ۱۸۵
 امام حسن عسکری (ع)، ۱۰، ۴۷، ۱۰۷
 امام زمان (عج)، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۳
 ۱۳۷، ۱۷۲، ۱۸۶
 انتقام کربلا، ۱۲۶
 انجیل، ۱۵۸
 اندونزی، ۱۲۴
 اندیشه‌های مدینه، ۴۳
 انگلیس، ۱۱۷
 اوزون حسین افندی، ۵۳
 اولیا چلبی، ۵۳
 اهل تسنن، ۳۷، ۶۶، ۷۸، ۸۶
 اهل سنت، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۴۰، ۵۹
 ۷۶، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۱۰۱، ۱۲۳، ۱۳۰،
 ۱۳۱، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۶۲، ۱۷۱، ۱۸۳
 اهواز، ۱۸۴
 ایتالیا، ۱۵۹
 ایران، ۱۶، ۱۷، ۲۷، ۶۷، ۷۵، ۷۹، ۸۲
 ۸۸، ۹۸، ۹۹، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۶،
 ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۶۵،
 ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴،
 ۱۷۵، ۱۸۲، ۱۸۳
 ایزمیت، ۱۷
 ایغدیر، ۱۷، ۷۵، ۸۷، ۸۹، ۹۷، ۱۷۵
 ایگناسیوس، ۱۰، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱
 ایوب سلطان، ۵۱، ۵۳
 باتمان، ۸۶
 بارداس، ۴۹
 باکو، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰
 بایرامی، ۱۳۱
 بایرامیه، ۵۵
 بایزید، ۱۲۵
 بحار الانوار، ۴۶
 بحرین، ۱۳۵
 بررسی حقوق دولتی، ۴۳
 برگ‌هایی از حزن عاشورا، ۴۰
 برلین، ۱۴۶
 بغداد، ۱۱۶، ۱۱۷
 بقیع، ۱۱۹
 بکناشی، ۱۵، ۹۷، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۱
 بلاروس، ۱۷۵
 بلژیک، ۸۷، ۱۷۵
 البنک اللاریویه، ۱۴۶
 بوداق منشی قزوینی، ۵۳
 بورس، ۱۷، ۸۷
 بویوک والده‌خان، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰،
 ۳۱، ۶۲، ۱۰۹، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۸۱، ۱۸۳
 البیان فی اخبار صاحب الزمان، ۴۷
 بیزانس، ۳۴، ۳۵، ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۵۱، ۵۷
 بیله‌سوار، ۱۸۸
 پاکستان، ۱۵۲
 پایه‌های دین، ۱۴۸
 پیامبر اکرم (ص)، ۹، ۱۰، ۱۹، ۲۰، ۲۱،
 ۲۲، ۴۷، ۵۱، ۵۳، ۷۸، ۹۸، ۱۰۲
 پیترا آلفرد آندرو، ۱۶
 پیترا چلکوفسکی، ۱۴
 پیرسلطان ابدال، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸
 پیرعلی آق‌سرای، ۵۵
 تاجیکستان، ۱۶۶
 تاریخ اسلام از دیدگاه جامعه‌شناسی، ۷۲
 تاریخ فلسفه اسلام، ۴۳
 تاریخ و اصول شیعه، ۱۵
 تاریخچه عاشورا، ۱۴۶
 تبریز، ۱۴۸، ۱۷۳، ۱۸۶
 تحریر الوسیله، ۱۷۰
 تخته‌چی، ۹۷
 ترکمنستان، ۱۶۶
 ترکیه، ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰،
 ۳۳، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۵۱

- ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵،
۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶،
۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۳، ۹۷، ۹۸، ۹۹،
۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۴،
۱۱۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵،
۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱،
۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۵،
۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲،
۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲،
۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸،
۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۸،
۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱
- تسخیری، ۱۷۲
تشیع، ۱۴، ۱۵، ۶۶، ۷۵، ۸۶، ۱۰۲، ۱۲۳،
۱۴۲، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۸۱
تصریف ترکی، ۷۰
تمدن اسلامی، ۷۰
تواریخ اولاد امام حسن (ع) و امام
حسین (ع) و امام محمد باقر (ع)، ۱۲۴
تهران، ۱۲۱، ۱۸۶
ثریا پاشا، ۱۱۳
ثقه الاسلامی، ۱۴، ۱۴۳، ۱۶۱، ۱۵۱
جابر بن سموره، ۵۱
جابر بن عبدالله انصاری، ۳۴، ۳۵، ۵۱
جابر بن محمد الانصاری، ۵۱
جامائیکا، ۱۲۴
جامعه المصطفی، ۲۵، ۸۷، ۱۶۲
جبل عامل، ۵۳
جعفر بن عبدالله الانصاری، ۵۱
جعفری، ۱۶، ۱۷، ۷۷، ۱۲۳
جمال الدین بیلگین، ۱۱۲
جواد رسولی، ۱۳۷
جواد گزوک، ۱۳۳
جواهر الاخبار، ۵۳
چلبی زاده محمد سعید، ۴۸
- چورلولو علی پاشا، ۱۲
چوروم، ۱۷
چهار زندان بشر، ۴۳
حاجی بکتاش ولی، ۷۲، ۹۸، ۹۹، ۱۰۳
حافظ، ۱۷۲
حدیث کریلا، ۱۲۴
حدیقه السعداء، ۹۹، ۱۰۲، ۱۲۶
حسام بن عبدالله الانصاری، ۵۱
حسن البکر، ۱۵۲
حسن حاسب، ۱۲۴
حسن قناعلی، ۷۴، ۹۱، ۹۲، ۱۹۵
حسین حاتمی، ۹، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۸۳، ۱۹۵
حسین بن مرتضی، ۱۲۴
حسین، ۲۱، ۱۰۵، ۱۰۸
حسینعلی آقای خویی، ۶۰
حسین علی تاجر خویی، ۵۹
حضرت ابوالفضل (ع)، ۳۹
حضرت خضر (ع)، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹
حضرت رسول (ص)، ۱۳۰
حضرت زینب (س)، ۳۹
حضرت علی اکبر (ع)، ۳۹
حضرت علی، امیر مؤمنان (ع)، ۷۲
حضرت فاطمه زهرا (س)، ۱۹، ۲۱، ۸۸،
۱۰۳، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۷۹، ۱۸۱
حضرت محمد (ص) و احادیش، ۷۲
حضرت محمد (ص) و اسلام، ۷۲
حضرت مریم (س)، ۵۰
حضرت معصومه (س)، ۱۳۷، ۱۷۸
حق یولو، ۱۴۴
حقوق بشر، ۴۳
حلب، ۹۹
حلبچه، ۱۸۶، ۱۸۸
حلمی زاده ابراهیم رفعت، ۱۲۶
حلواجی بابا، ۵۴، ۵۵، ۵۶
حمید توران، ۳۷، ۷۶، ۱۷۵، ۱۹۵

- حمید طهباز، ۱۷۴
 حمدالله الانصاری، ۵۱
 حنبلی، ۱۳۱
 حنفی، ۱۹، ۱۲۹
 حیدر باش، ۱۳۶
 خافر، ۵۱
 خالص افندی، ۱۲۶
 ختایی، ۱۰۴، ۱۰۶
 خضر نبی (ع)، ۴۴
 خلاصه تاریخ فرانسه، ۷۰
 خمینی (ره)، ۴۳، ۱۵۱، ۱۷۰، ۱۸۸، ۱۸۹
 خواجه احمد یسوی، ۱۳۰
 خورمال، ۱۸۷
 خوی، ۱۴۹
 داستان راستان، ۱۴۶
 داغستان، ۱۰۲
 دانشگاه استانبول، ۲۶، ۴۲، ۶۹، ۷۲، ۱۷۰
 دایرةالمعارف اسلام، ۷۲
 دایه خاتون، ۳۴، ۵۱
 دده افندی، ۱۳۱
 در ۱۰۰ سؤال، مذاهب و طریقت‌ها در
 ترکیه، ۷۲
 درباره ادبیات دیوانی، ۷۲
 درباره انسان، ۷۰
 درباره زیان، ۷۰
 دریند، ۱۰۲
 درس‌هایی از حقوق اسلام، ۴۳
 درسیم، ۱۰۱
 دری نجف‌آبادی، ۱۸۸
 دریای سیاه، ۴۴
 دفتر واردات و مصارف کربلا، ۱۲۴
 دوازده امام، ۷۲
 دوغان آکبولوت، ۹۱
 دوغرویول، ۷۱
 دیاریکر، ۸۶
 دیاله، ۱۸۷
 دیلم، ۱۲۸
 دیوان امام علی (ع)، ۷۰
 دیوان باقی، ۷۰
 دیوان حافظ، ۸۵، ۱۷۱
 دیوان ختایی، ۹۹
 دیوان شهریار، ۸۵
 دیوان عطار نیشابوری، ۸۵
 دیوان فضولی، ۷۲
 دیوان قمری، ۱۰۲
 دیوان ندیم، ۷۲
 دیوان نظامی گنجوی، ۸۵
 دیوان یونس امره، ۷۲
 دیوید شانکلند، ۹۸
 رابطه الاسلامی و حضرت مهدی (عج)، ۱۴۶
 راهنمای استانبول، ۱۱۱
 راهنمای قبله، ۱۴۶
 رجب طیب اردوغان، ۳۸، ۳۹
 رحمان کارانلیک، ۹۱
 رساله فی بیان شهادت امام حسین (ع)، ۱۲۴
 رستم پاشا، ۵۴، ۵۷
 رمزی کوروک، ۱۲۶
 روسیه، ۱۶، ۴۰، ۱۳۵، ۱۴۱
 روضه الشهدا، ۱۲۶
 روم، ۳۴، ۴۹، ۵۱
 رهبری در اسلام، ۱۴۶
 ریاض الاصفیا، ۱۲۴
 ریچارد نورتن، ۱۴
 زکی توم‌آی، ۹۱
 زن در حکمت الاهی، ۴۳
 زنجان، ۱۷۳
 زوربخ، ۱۵۶
 زیارتنامه امام حسین، ۱۲۲
 زیدیه، ۱۲۳
 زین العابدین سولهان، ۹۱

- زین العابدین مراغه‌ای، ۲۶
ساری صدیقه، ۳۴
سامرا، ۱۱۶
سعادت‌نامه، ۱۲۶
سعدی، ۵۰
سفیان بن عینه، ۵۱
سکینه، ۳۳، ۳۵
سلطان احمد، ۵۶
سلطان خلیفه عبدالعزیز، ۲۲، ۲۳، ۴۸
سلطان سلیم سوم، ۵۳
سلطان سلیمان قانونی، ۴۹، ۵۳، ۵۷
سلطان عبدالحمید، ۲۰، ۱۱۰، ۱۱۴
سلطان عبدالمجید دوم، ۱۱۴
سلطان محمد فاتح، ۱۰، ۵۳
سلطان محمود اول، ۱۲۴
سلطان محمود ثانی، ۳۳
سلطان مراد چهارم، ۲۸
سلماس، ۴۲، ۱۸۳
سلمان فارسی، ۱۵۵
سلیم مؤذن زاده، ۱۳۷
سلیمان آتش، ۱۵۲
سن پترزبورگ، ۱۳۶
سنی، ۱۶، ۲۰، ۳۹، ۴۱، ۷۳، ۸۹، ۱۱۶،
۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۶۲، ۱۷۶
سوند، ۱۳۵
سوئیس، ۱۵۶
سوریه، ۴۸، ۸۸، ۱۷۸
سیاحت‌نامه، ۲۶
سید جواد میری، ۷۱
سید خلیل، ۱۴۳، ۱۴۹
سیداحمد درسی، ۵۸، ۵۹، ۶۳، ۶۴، ۶۷
۷۳، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۴۴، ۱۴۷،
۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۳
سیدالشهداء(ع)، ۲۴، ۳۵، ۴۶
سیدجمال الدین اسدآبادی، ۱۴۳
- سیدحسن مدرس، ۱۴۹
سیدحسین شریانی، ۱۴، ۱۳۷، ۱۵۳،
۱۷۳، ۱۸۱، ۱۹۵
سیدحسین صدر، ۸۵
سیرتنا و سنتنا، ۱۴۶
سیواس، ۹۹
شاذی کاستامونوی، ۱۲۴، ۱۲۵
شافعی، ۱۴۲
شام، ۳۹
شاه اسماعیل صفوی، ۹۸، ۹۹
شاه طهماسب، ۹۹
شاه عباس، ۹۹
شرح قصیده امام حسین بن علی(ع)،
۱۲۴
شرح مثنوی، ۷۲
شریعتی، ۴۳، ۸۵
شعبه، ۵۱
شلمچه، ۱۸۴
شمر، ۲۱، ۲۲
شمس الدین سامی، ۶۹، ۷۰
شمعون ثانی، ۴۹
شمینیس، ۱۰۲
شوروی، ۱۵، ۱۶
شهریار، ۱۸۹
شهید ثانی، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷
شهید صدر، ۱۴۶
شهید عشق، ۱۲۷
شهید مطهری، ۸۵
شهید، ۱۴۶
شهیدان کربلا، ۱۲۶
شیخ اسدالله مامقانی، ۱۴۳
شیخ بهایی، ۵۴
شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی، ۵۴
شیخ زین الدین عاملی جبعی، ۵۳
شیخ صدوق، ۴۷

عبدالله بن عباس، ۴۶
 عثمانی، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۲۰، ۲۸، ۳۲،
 ۴۱، ۴۸، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۳،
 ۶۹، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲،
 ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱،
 ۱۲۲، ۱۴۰، ۱۴۳
 عراق، ۴۸، ۸۸، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۳۳،
 ۱۸۲
 عربستان، ۱۴۱
 عزیز اوتاری، ۷۱
 عقاید الاسلامیه، ۱۴۶
 العقد الفرید، ۵۲
 عقدالدوله، ۱۲۱
 علاءالدین اردبیلی، ۵۵
 علاءالدین ریزه‌لی قایغوسوز، ۷۲
 علامه امینی، ۱۴۶
 علامه جعفری، ۷۳
 علامه دهخدا، ۶۹
 علامه طباطبائی، ۸۵
 علامه عسکری، ۱۴۶
 علامه مظفر، ۱۴۶
 علوی، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۳۵، ۳۷، ۴۱،
 ۵۹، ۸۹، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۲۳،
 ۱۲۴، ۱۳۹، ۱۶۲، ۱۸۲
 علی آل‌بایراک، ۱۴، ۱۶
 علی اوزگوندوز، ۷۴
 علی طبلی، ۵۵، ۵۷
 علی میلانی، ۶۲
 علی یامان، ۱۴
 علی، ۱۲، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۸،
 علی اکبر مهدی‌پور، ۱۴، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷،
 ۱۴۸
 عمادالدین نسیمی، ۹۸، ۹۹
 عمرو عاص، ۵۱
 عمرو بن عباد، ۵۱، ۵۷

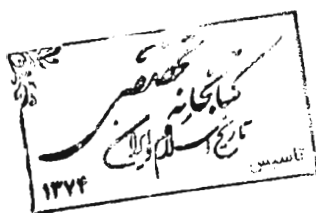
شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ۹۸، ۹۹
 شیخ طوسی، ۴۷
 شیخ علی خویی، ۱۴۳، ۱۴۵
 شیخ محمد، ۱۴۳، ۱۴۵
 شیخ یعقوب افندی، ۵۵
 شیعه در اسلام، ۸۵
 شیعه، ۳۹، ۴۱، ۵۳، ۷۳، ۸۳، ۸۴، ۸۵،
 ۸۶، ۹۱، ۹۹، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۳۹،
 ۱۴۲، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲
 شیما گون‌گور، ۱۲۶
 صالح اوچان، ۸۳
 صحیفه سجادیه، ۱۷۱
 صدام، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸
 صفویه، ۹۷، ۱۰۲، ۱۲۳
 صلاح‌الدین اوزگوندوز، ۲۴، ۳۷، ۳۹، ۷۴،
 ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۱۷۵، ۱۹۵
 صیدا، ۵۴
 ضیاء تورک‌یلماز، ۸۱
 ضیاء شاکر، ۱۲۶
 طالبوف، ۱۸۹
 طبری، ۴۴
 طبقات الکبری، ۵۲
 عاشق چلبی، ۱۲۶
 عاشورا چه روزی است، ۱۴۶
 عاشورا، ۲۳، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۶۶، ۶۷،
 ۷۸، ۷۹، ۱۱۱، ۱۲۴، ۱۷۲، ۱۸۹
 عباس افعالی، ۶۲، ۱۴۳، ۱۵۲، ۱۵۳
 عبدالباقی گلینارلی، ۱۴، ۳۱، ۴۱، ۶۱
 ۶۲، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۱۳۱، ۱۴۵، ۱۴۹
 عبدالحق سیف‌الدین دهلوی، ۱۲۴
 عبدالقادر سوهاچی اوغلو، ۸۳
 عبدالقادر گیلانی، ۱۳۱
 عبدالقادر ینلر، ۱۴
 عبدالله بن سبا، ۱۴۶
 عبدالله ریاضی، ۶۱، ۱۵۱

- عیسی مسیح (ع)، ۴۷، ۴۹، ۵۰
 غربی شدگی، ۴۳
 غزوات امام حسین (ع)، ۱۲۴
 غلام رضا شیعه خلص، ۱۷۴
 الغیبه، ۴۷
 فاجعه کربلا، ۱۲۴، ۱۲۷
 فاضل آغیش، ۸۳، ۱۲۸، ۱۹۵
 فاطمه، ۲۰، ۳۳، ۳۵، ۱۰۴، ۱۰۵
 فرهنگ ترکی - فرانسوی، ۷۰
 فرهنگ ترکی، ۷۰
 فضل زیارة الحسین، ۱۲۲
 فضیلت نامه، ۹۹
 فلسفتنا، ۱۴۶
 فیروز زیرک کار، ۱۷۴
 فیلیز دمیرجی، ۱۴
 قائم آل محمد (عج)، ۴۶
 قاجار، ۱۱۵
 قاراجا احمد، ۵۸
 قاسم اردم، ۹۱
 قاسم پاشا، ۱۲۴
 قاموس الاعلام، ۶۹
 قدیر آک آراس، ۲۴، ۷۴، ۸۱، ۸۲، ۹۱
 قرآن، ۲۲، ۳۶، ۴۵، ۷۲، ۸۴، ۸۵، ۹۲، ۱۰۲
 ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۷۱، ۱۷۸
 قرآن، معجزه جاوید، ۱۴۶
 قروه، ۱۸۵
 قره باغ، ۱۱، ۱۶، ۱۳۵
 قزلباش، ۱۵، ۹۷، ۱۲۳
 قفقاز، ۱۶، ۷۱، ۷۲، ۱۱۱
 قم، ۷۹، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸
 ۱۸۳
 قمری دربندی، ۱۰۲
 قوجا مصطفی پاشا، ۴۸
 قول همت، ۹۹
 قلیچ داراوغلو، ۱۰۱
 کوسم سلطان، ۲۷
 کاترینا، ۳۴
 کارس، ۱۷، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۸۷، ۸۹، ۹۷
 ۱۳۸
 کاشف الغطاء، ۱۴۶
 کاظم آلجان، ۳۹، ۱۳۸، ۱۴۰
 کاظم پاشا فریق، ۱۲۴
 کاظم سیختاش، ۹۱
 کاظمین، ۱۱۶
 کامل زیارات، ۱۲۲
 کتاب آل رسول، ۱۲۶
 کربلا بین شعراء الشعوب الاسلامیه، ۱۲۳
 کربلا نفاق در تاریخ اسلام، حسن، حسین، معاویه، یزید، ۱۲۶
 کربلا، ۲۱، ۲۲، ۳۳، ۳۵، ۳۹، ۴۶، ۹۹
 ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۵
 ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴
 ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۷۳، ۱۸۴
 کربلا نامه، ۱۲۶
 کربلای خونین، ۱۲۶
 کردستان، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶
 کرک قلعه، ۱۷
 کرکوک، ۱۸۳
 کعب بن مالک، ۵۱
 کمال پیلاواوغلو، ۱۲۶
 کمال الدین شکری، ۱۲۶
 کمال الدین، ۴۷
 کوجا انلی، ۱۷
 کوفه، ۳۹
 کول، ۱۰۹
 کویت، ۱۳۳
 گرجستان، ۷۵، ۸۷
 گلزار حسین، ۷۲، ۱۰۲
 گلیبولولو جامع رومی، ۱۲۶

- کنجی شافعی، ۴۷
 لائیس و حقوق بشر در اسلام، ۱۲۸
 لارا دیب، ۱۴
 لامعی، ۱۲۶
 لبنان، ۴۴، ۴۸، ۵۳، ۱۰۹، ۱۵۱
 مارتین کرامر، ۱۶
 مارتین ون بروئینسن، ۱۴، ۹۷
 مانيسا، ۱۷
 ماه پیکر، ۲۷
 متین آتام، ۹۱
 متین آند، ۱۴، ۱۰۹
 مثنوی معنوی، ۷۲
 مجلسی، ۴۶
 مجمع مراثی حضرت امام حسین (ع)، ۱۲۴
 محرم افندی، ۱۲۴
 محسن خان، ۱۱۴
 محمد حنفیه، ۱۳۰
 محمد زرگری، ۳۱
 محمد ناظر، ۱۲۶
 محمد بن کعب القرظی، ۴۴
 محمد باقر منصوری، ۱۳۷
 محمد رضا شاه، ۱۵۲
 محمد علی بویوک کارا، ۱۰۲، ۱۹۵
 محمد نقی شفیع زاده، ۲۸، ۶۲
 محمود ایوب، ۱۴
 محمود صدقی زاده، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۹۵
 مدینه، ۵۳، ۱۱۵، ۱۱۶
 مذاهب اسلامی و تشیع در طول تاریخ، ۷۲
 مراد سرت اوغلو، ۱۲۷
 مرتضی مطهری، ۱۴۶
 مرثیه امام حسین (ع)، ۱۲۴
 مرجئی، ۱۳۰
 مریوان، ۱۸۵
 مسئله امروزی شدن و جامعه، ۴۳
 مسیحیت، ۱۰۲
 مشهد، ۸۰، ۱۸۳
 مصایب کربلا، ۱۲۴
 مصر، ۱۰۲
 مصر، ۱۵۲
 مصطفوی، ۱۶۷
 مصطفی عزت افندی یساری زاده، ۳۳
 مصطفی کایهان، ۲۸
 معاویه، ۵۲، ۱۳۵، ۱۴۱
 مفاتیح الجنان، ۱۸۸
 مقالات دینی، ۱۴۶
 مقام معظم رهبری، ۱۶۹
 مقتل امام حسین (ع)، ۱۲۴، ۱۲۵
 مقتل الحسین، ۱۲۴
 مقتل حسین، ۱۲۵
 مقتل، ۱۲۶
 مکه، ۱۱۵
 ملا محمد مالک، ۶۹، ۷۱
 ملا محمد فضولی، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۲۶
 ملاطیه، ۸۶، ۱۸۳
 ملیکا، ۱۰
 منیر یورداتاپ، ۱۲۷
 موجن مومن، ۱۵، ۱۶، ۱۰۹
 موسی دانشگر، ۶۲، ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۰
 موسی (ع)، ۴۴، ۴۵، ۴۸
 مولویه بعد از مولانا، ۷۲
 مهدی خادم آذریان، ۱۷۴
 میرجعفرزاده میرمحمد کریم، ۱۲۶
 میرزا آقا تاجر اصفهانی، ۲۶
 میرزا حسین خان، ۱۱۰
 میرزا صادق بروجردی، ۲۶
 میرزا صفا، ۱۱۰
 میرزا محمد صابری تبریزی، ۳۱، ۱۴۳، ۱۴۸
 میرزا یحیی خان، ۱۱۶
 میرعباس صفوی، ۱۵۲، ۱۵۹
 المیزان، ۸۳

- میکائیل گورل، ۹۱
میکائیل، ۴۸
میهاییل، ۴۸، ۴۹، ۵۱
ناکاش، ۱۰۹
نجف، ۲۷، ۱۱۶، ۱۱۷
نجف آباد، ۱۸۳
نجمی اونور، ۱۲۷
نخجوان، ۸۷
نرگس خاتون (س)، ۴۸، ۴۹
نُصیری، ۱۵، ۹۷
نظام حکومت اسلامی، ۱۴۶
نفس های علوی - بکتاشی، ۷۲
نقشبندی، ۱۳۰
نورالدین افندی، ۱۲۶
نورتن، ۱۰۹
نوشته های مه آلود، ۴۳
نهیج البلاغه، ۱۷۱
نیشابور، ۹۸
واعظ کاشفی، ۱۲۶
واقعہ کر بلا، ۱۲۴، ۱۲۶
واقف، ۱۳۰
واویلا، ۱۲۴
وحیدالدین اینجه، ۸۳
وقایع کر بلا، ۱۲۴
وقعه کر بلا، ۱۲۴
- وقوعات کر بلا، ۱۲۴
ولایت نامه، ۷۲
وهابی، ۱۳۶
وهب بن قشیره، ۵۱
ویرانی، ۹۹
هاتای، ۹۷
هاشمی رفسنجانی، ۱۸۴
هانری کرین، ۴۳
هلال محمود اوغلو، ۳۹
هلند، ۸۷
هند، ۱۱۶
هندوستان، ۱۱۱، ۱۵۲
یالووا، ۱۷
یاووز سلطان سلیم، ۴۸
یحیی یثربی، ۸۵
یحیی بن بخشی، ۱۲۵
یزید، ۵۲، ۱۳۵
یزیدی، ۱۵
یعقوب حلواجی، ۵۶
یمینی، ۹۹
یوستینگانوس، ۵۰
یوسف مداح، ۱۲۵
یوشع (ع)، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱
یوکسل گلپینارلی، ۱۳۱
ییتراک ناکاش، ۱۴

تصاویر





نشسته از راست، حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی، مرحوم آیت الله حاج
میرزا عبدالمجید واعظی، مرحوم آیت الله حاج میرزا جعفر اشراقی، مرحوم علامه شیخ
محمد جواد مغنیه، در مراسمی پیش از انقلاب در شهر قم



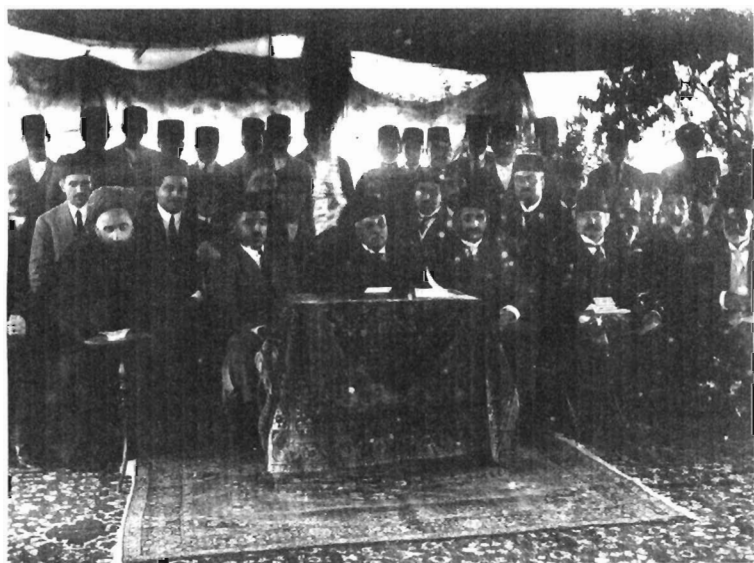
آیت الله احمد صابری همدانی و حجت الاسلام علی اکبر مهدی پور در سنین کهنسالی



اعضای دولت در تبعید در مدرسه ایرانیان استانبول، اواخر دوره قاجار (۱)



اعضای دولت در تبعید در مدرسه ایرانیان استانبول، اواخر دوره قاجار (۲)



اعضای دولت در تبعید در مدرسه ایرانیان استانبول، اواخر دوره قاجار (۳)



"Türkiye ile kardeşlik bağları kuracağız"

Türkiye'deki İranlı Şiilerin lideri Mehdi-Pur, Türk-İran ilişkilerinin hızla geliştirilmesi ve iki ülke arasında dostluk ve kardeşlik bağları kurulmasından yana olduklarını bildirdi. Fotoğrafta Mehdi-Pur arkadaşımız Can Akın ile görüşüyor...

**İranlı Şiilerin Türkiye'deki Lideri Mehdi
Pur ilk siyasi demeci Günaydın'a verdi:**

"Türkiye'nin bizi geç tanımasına üzüldük"

- Türkiye'deki İranlı Şiilerin Lideri Ali Ekber Mehdi-Pur, "Biz her şeye rağmen Türkiye için potansiyel dostluklarını açacağız" dedi.

(Yazısı 2. Bölümde)

★ İran'da sokak çarşımaları devam ediyor

- Tebriz'in dışında Tahran ve Kazvin kentlerinde Şah yanlılarının saldırılarında bulundukları, bu arada camilerde toplanan sivilileri öldürdükleri bildiriliyor.

(Yazısı 2. Bölümde)

بازتاب مصاحبه‌های حجت‌الاسلام مهدی پور با روزنامه‌های ترک

همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی (۱)



İran'da kurulan Şii İslam Cumhuriyeti'nin Türkiye'de sözcülüğüne yapan Ali Ekber Mehdi Pür'u İranlı Şiiler bir an bile yalnız bırakmıyor. Fotoğrafta Çakmakçılar'daki Hüyük Valide Camii'nde namazdan sonra Mehdi Pür'un etini öpmele görülüyor.

"Bizim Cumhuriyetimiz Şii bir İslam Cumhuriyetidir" diyen Türkiye'deki Şiilerin Lideri İmam Ali Ekber Mehdi-Pür:

"Yeni İran rejimi olarak komşumuz Türkiye'ye istediği kadar petrol vereceğiz"

Can AKSİN

Türkiye'de bulunan Humeyni taraftarlarının ve İranlı Şiilerin lideri Büyük Valide Camii İmamı Ali Ekber Mehdi-Pür, ilk karşılaştığımızda "Çok üzgünüm" dedi. "Çok üzgünüm çünkü Türkiye, komşumuz, canımız Türkiye bizi tanımakta

çok geç kaldı. Oysa biz Türkiye ile sakinine kayıpla çok daha yarırdı, çok daha geniş ilişkiler içerisinde olmak istiyorduk. Bütün İslam aleminde olduğu gibi Türkiye ile de, Müslüman Türkiye ile de kardeşlik bağları içerisinde olmak istiyorduk. Fakat aynı ilgi ve kardeşliği komşusından göremedik. Biz isterdik ki bizi ilk önce komşumuz Türkiye tanısan ve bu olumlu hareketi bütün ülkelere, özellikle Müslüman ülkelere örnek olmasın."

● Sizden bu kardeşliğiniz özellikle petrol ihtiyacı olan Türkiye'ye İran'ın petrol verip vermemesini etkiler mi?

● Kesinlikle etkilemez. Biz yine de komşumuz Müslüman Türkiye'ye ne kadar istiyorsa, ne kadar ihtiyacı varsa o kadar petrol vereceğiz.

Bizden önce İran petrolü, Amerikan emperyalistlerinin ayağı İsrail'e, İngiltere'ye, Amerika'ya, Rusya'ya, Güney Afrika'ya gönderiliyordu. Şii komşusu Türkiye'ye uzatırlar petrol vermedi. Ancak geçen sene sıkıyınca petrol verdi. Kendisini güç durumda görünce komşusu Türkiye'den emin olmak istiyordu. Ancak şimdi bizim İslam Cumhuriyetimiz Müslüman Türkiye'ye ne ihtiyacı için petrol vermektedir.

● Yeni kurulan İslam Cumhuriyeti'nin diğer İslam Cumhuriyetlerinden ayrı bir yanı bulunsak mı?

● "Bizim İslam Cumhuriyetimiz ne Suudi Arabistan'a, ne Libya'ya, ne Moritanya'ya ne de Pakistan'a benzeyecektir. Çünkü onlar Sünni biz ise Şiiyiz. Genel olarak İslam ülkelerinde hırsızlık yapanlara ceza, elinin kolunun kesilirdi. Zina yapanlar taşlanarak öldürülür. Katiller idam edilir ya da kolları vurulur. Ama bütün bu suçlar bizim İslam devletimizde işlenmeyeceği için söz konusu cezalar da olmayacak kanunlarımızda.

● İran'da Şah'a karşı hareketi yürüten gruplara rasuuda komünist ve laiklerin de geniş ölçüde bulunduğu söyleniyor. Bu gruplara yeni kurulan Bozergen kabinesinde durumları nasıldır?

● İran'da Şah'a karşı olan tek bir hareket vardır. O da "İnşâ" hareketidir. Komünistlerin ve laiklerin bu harekete yeri yoktur İran'da var olduğu söylenen gizli Komünist Partisi TUDER'in üyeleri bir kaç ay önceki kadar bir elin parmaklarından azdır.

İran'da laikler de yoktur. Olas bile üç beş geçecek. Onların bu harekete ne katkılarları olabilir ki.

بازتاب مصاحبه‌های حجت‌الاسلام مهدی پور با روزنامه‌های ترک

همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی (۲)

طبل با خست در دست تاج و
پژ سوسیس صدای دیگر دارد!

۲۰۲۱

سال اول شماره ۳
۱۴ بهمن ماه ۱۳۵۳

سہ ماہی ۱۹ آخر ماہ ۱۳۵۳ سال اول ۲۷۸۸

در مقام یک رهبر جهانی، علما و طلاب دینی را از جنگال خوین حکومت عراق نجات دهید

ایام مسجد و میان استانبول و
مردمانی بزرگوار، اینجگاه شامگاه
اینجا، استغفار کرده است که

«میراث» هواپیماهای جنگل امریکایی بخورند

بسمی اقصیٰ علیہما شایعہ شایعہ
عراقی و الطہار قلی است بہ عل
میراسانی و جہانہ حکومت یعنی
مراق از پیشکام مبارک با تمسک بہ
بقیہ در صفحہ ۴ سکون چہارہ

THE

در یک نگاه

راه حل های مساله

استاد الاسلام از ترکیه
پشتگاه ملوک اعظمی حضرت همایون
محمود شاه پهلوی نعلبند آرا بامبر
- کیران



صفحات ۳ (سکون نهم) و
۴۰ (سکون اول)

ملی للکرامی به پیشگاه شاهنشاه

امام شیعیان استانبول خواستار آزادی روحانیون عراق شد

پیشگاه مبارک اعلیحضرت
مایون محمد رضا شاه پهلوی
شاهنشاه آریامهر شاه تهران
ایرانیان و شیعیان مقیم
ترکیه از دریافت خبر محکومیت
علمای اسلامی شیعه و مدرسین و
طلاب علوم دینی حوزه نجف
اشرف از طرف حکومت بعثی
عراق شدیداً متالم و متأثرند
ضمن اعتراض و اظهار تنفر
نسبت به عمل غیر انسانی و
جایزانه حکومت بعثی عراق از
پیشگاه مبارک با تمسک به
رافت و عطف در مقام یک
زعیم و رهبر جهانی نسبت
باستغلاص و نجات علما و
طلاب علوم دینی گرفتار در
چنگال خونین حکومت بعثی
عراق عاجزانه استمداد و استعاضا
مینمایند و تاکید میکنند در
همه شئون مانند قاطبه ملت
ایران پیرو رهبر خردمند و
عظیم‌الشان خود هستند .
الاحقر الحاج شیخ باب‌الله
نقّه‌الاسلامی امام مسجد ایرانیان
و شیعیان استانبول

در مجلس :
تکلیف ضریب
حقوق کارمندان
دولت فردا روشن



مسجد والده خان در حدود ۴۰ سال پیش (۱)



مسجد والده خان در حدود ۴۰ سال پیش (۲)



مسجد والده خان در حدود ۴۰ سال پیش (۳)



مسجد والده خان در حدود ۴۰ سال پیش (۴)



مسجد والده خان در حدود ۴۰ سال پیش (۵)



مسجد والده خان در حدود ۴۰ سال پیش (۶)



مسجد والده خان در حدود ۴۰ سال پیش



نمایی قدیمی از سرای والده خان در حدود ۴۰ سال پیش (۱)



نمایی قدیمی از سرای والده خان در حدود ۴۰ سال پیش (۲)



Son Havadis
YIL 17 SAYI 776 12 EKİM 1986 SAĞ

Halkla beraber
Son Havadis
FİYAT: 300 KR. TEL: 25 00 (SANTRAL)

Kara Kuvvetleri Komutanı öldürüldü



● Havaalanları ve bütün sınır kapıları kapatıldı

● Eski Başbakan Rahtiyar'dan haber yok

Humeyni sokaklara dökülen halkı sükunete çağırıyor



İran artık Humeyni'nin

بازتاب در اختیار گرفتن کنسولگری ایران در استانبول توسط حجت الاسلام علی اکبر مهدی پور
و انقلابیون در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (۱)

Milliyet Gazetesi
No: 63 İSTANBUL
16 SAYFA
350 KURUS
YIL: 29, SAYI: 11237

BUGÜN
16
SAYFA
350
KURUS

Milliyet

Halk Gazetesi

VICKS
VAPORUB
İLAHAĞAŞAN MEDİKA

13
SÜRAT
1979

ABD'nin
i ile çalışmaya
tuğunu söyledi
e Suriye ile 5 ülke
mi tanıdı

HUMEYİNİ COŞAN

HALKI SÜKÛNETE ÇAĞIRDI

İSTANBUL'DAKİ İRAN KONSOLOSLUĞU'NU HUMEYNICİLER İSGAL ETTİ



İran konsolosluğunda Humeyni destekçileri, 1979 yılında İstanbul'da. (1) Humeyni'nin İstanbul'daki temsilcisi, 1979 yılında. (2) Humeyni'nin İstanbul'daki temsilcisi, 1979 yılında. (3) Humeyni'nin İstanbul'daki temsilcisi, 1979 yılında.



بازتاب در اختیار گرفتن کنسولگری ایران در استانبول توسط حجت الاسلام علی اکبر مهدی پور
و انقلابیون در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (۲)

Hürriyet

13 Şubat 1979 Perşembe
KÜLTÜR MÜSTAKİL SİYASİ GAZETE
Kuruluş: 22.05.1948
Yazı: 2 - No: 1398
Yüksek Yürütme Kurulu
Yüksek Yürütme Kurulu

Tebriz'de iç savaş patladı: 700 ölü

● Başkent Tehran'da da
insan avı giderek artıyor
● Amerikan & İngiliz baskısı: 102
Amerikalı & 5 saat rehine tutuldu



Yıldırım CAVALI
Tahran'dan
bildiriyor

iran'daki
kargaşa
dünyaya
dert oldu

Akdeniz'de
dolaşan korsan
tankerler
isteyen ülkelere
karaborsa
petrol satıyor



"Humeyni'nin temsilcisi ile namaz kıldım"

Petrol kıtlığı başladı

گزارش روزنامه حریت از فعالیت شیعیان در مسجد والدہ خان، بهمن ۱۳۵۷



دیدار احمد گوندوز اؤکچون وزیر سابق امور خارجه ترکیه (۱۹۷۸-۱۹۷۹) با امام خمینی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی. در تصویر حجت الاسلام مهدی پور به عنوان مترجم وی دیده می شود (۱)



دیدار احمد گوندوز اؤکچون وزیر سابق امور خارجه ترکیه (۱۹۷۸-۱۹۷۹) با امام خمینی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی. در تصویر حجت الاسلام مهدی پور به عنوان مترجم وی دیده می شود (۲)



دیدار احمد گوندوز اۆکچون وزیر سابق امور خارجه ترکیه (۱۹۷۸-۱۹۷۹) با امام خمینی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی. در تصویر حجت الاسلام مهدی پور به عنوان مترجم وی دیده می شود (۳)



مراسم عزاداری در مسجد والده خان در محرم ۱۳۹۲ قمری (۱)



مراسم عزاداری در مسجد والده خان در محرم ۱۳۹۲ قمری (۲)



ایستاده سمت راست، دکتر فاضل آغیش در مراسم کلنگ‌زنی مسجد امام صادق (ع) آنکارا.
در مرکز تصویر، حجت الاسلام مهدی پور مشاهده می‌شود.

nin icablarını en iyi bilen ve kavrayan olması lazımdır.

Haz. Mehdi'nin gaybetinden bugüne kadar şia Alemleri şartları haliz bulunan müctehitlerden hiçbir zaman boş kalmamıştır. Bugün de şia müctehitleri iki mühim dinî merkez olan GOM ve NECEF de verdiler.

Irak'ın Necef şehrindeki ilmi merkez, şia'nın en eski ilmi merkezidir. Bundan bin sene evvel merhum Şey Tual tarafından Haz. Ali'nin mübarek mezarı yanında tesis edilmiştir.

Şia'nın en büyük ilmi merkezi ise İran'ın Gom (= Quom) şehrinde olup, onikibinden fazla ruhaniyete mensup insan orada tahsil, tadrîs ve tahkik ile meşguldür.

Der-ül tebliğ-e İslâmi adlı büyük dinî Üniversite ise çağımızın büyük müctehidi Ayetullahî ŞERİATMEDARİ tarafından tesis edilmiştir. 24 İslâmî ve gayri İslâmî memleketten gelen öğrenciler orada tahsil görmekte ve bütün İslâmî ilimlerde ihtisas yapmaktadırlar.

Son olarak şunu da belirtmek lazım gelir ki, şia ruhanîyeti (=dinî camia mensupları) bağımsız bir idareye sahip olup, hükümet ve devletle hiçbir ilişkileri yoktur. Şianın ilmi merkezlerinin bütün masrafları, din görevlilerinin, imam hatiplerin, vaizlerin maaşları dindar halk tarafından temin olunur. Sâiller Enfal suresinin 41. ayet-i kerîmesinin emrine uyarak, bir senede kazandıkları paradan meşru' masraflarını çıkıktan sonra geri kalan servetin yüzde yirmisini HUMS Önvânı altında müctehitlerine öderler ve yukarıda arz edildiği gibi dinî teşkilât bu yoldan idare olunur.

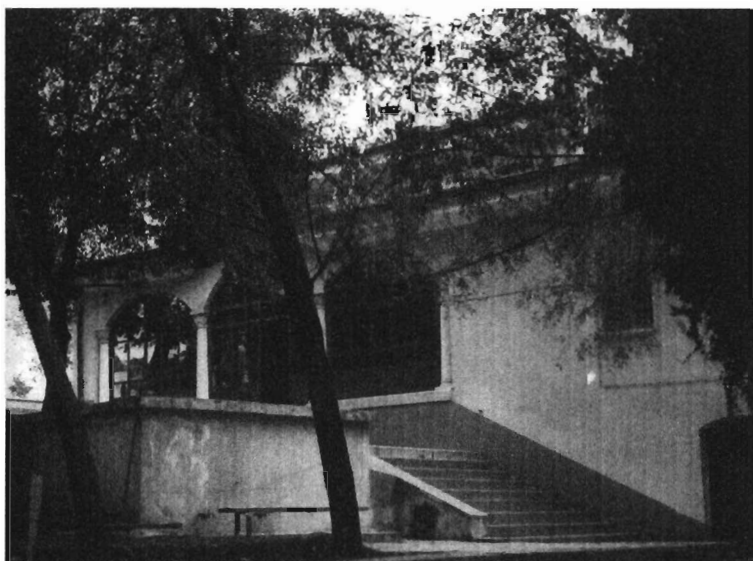
Her türü dinî bilgi için: P. K. 147
Beyazıt - İst.

— 8 —

Hazreti MEHDİ



بروشوری مربوط به معرفی امام زمان (عج) جهت توزیع در میان شیعیان، ۱۹۷۷



تصویری قدیمی از مسجد سیداحمد درسی در حدود ۴۰ سال پیش



جشن پیروزی انقلاب اسلامی در استانبول با حضور دانشجویان ایرانی، بهمن ۱۳۵۷

اینهاست حسین بایگرا، فرزند نصیر، تولد قزوین، از ایالت‌های آذربایجان
شخصی در سال ۱۹۰۴ میلادی تولد شد، و هم‌اکنون در استانبول، ترکیه
پروان شماره ۵۸ واقع در شمالی استانبول (قامت می‌کیم، به وزارت
حضرت اعلیٰ، و پیری محمد و بیت چهار خواهر پانزده عقیقه داشت،
و حضرت محمد بن عبد الله و هم را بعنوان آخرین پانزده الهی شهادت می‌دهم.
و حضرت علی را بعنوان نوازدهمین و آخرین وصی پانزده دانسته، حضرت
محمد را خاتم النبیا، و حضرت مهدی را در حال حیات میدانم، و معتقدم که
در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و مصلحت در تمام صلح برقرار خواهد کرد و جهان‌انوار
نور بر پرچم تصدیق خواهد کرد. باب ۵، بهاء و دیگر مدعیان مهدویت را
گروه و فاسد می‌دانم، از بایگری و بایگری‌ها تنفر و انزجار خود را
اعلام می‌دارم. آنچه که در کتاب انقلاب ایران، تحت عنوان انقلاب
باب ۵ نوشته‌ام، رد می‌کنم. آن مطالب را در اثر اینک مبارک و ماخذ
صحیح بدست نرسید بود، ندانم از کتب غیر صحیح نقل کرده‌ام. ۱۳۴۶/۴/۲۹
میلادی

تویه نامه یکی از نویسندگان بهایی اهل جمهوری آذربایجان در استانبول



حجت الاسلام ثقة الاسلامی در حال وعظ در مسجد والده خان، رمضان ۱۳۹۱ق/ ۱۳۵۰ش



حجت الاسلام علی اکبر مهدی پور در کنار مرحوم پروفیسور عبدالباقی گلپینارلی



از راست به چپ: حجت الاسلام مهدی پور، پروفیسور حسین حاتمی، الله شکور پاشا زاده رئیس اداره علمای قفقاز و روزنامه نگار ترک در مسجد والده خان



از راست به چپ: حجت الاسلام ثقة الاسلامی، وزیر اسبق امور دیانت ترکیه، حجت الاسلام مهدی پور، دکتر سلیمان آتش، رئیس امور دیانت آنکارا



دیدار مهندس عبدالله ریاضی رئیس مجلس شاهنشاهی از گورستان سیداحمد درسی در حال نثار گل به مزار مرحوم رضا لکی، رئیس انجمن خیریه ایرانیان، فروردین ۱۳۵۲ش



سخنرانی حجت الاسلام ثقة الاسلامی در مراسم عزاداری ایرانیان در مسجد والده خان، محرم ۱۳۵۳ش



(صفحه ۱)

شماره ۸ / ۵۳ صورت مجلس
تاریخ ۱۳۵۳
پایت

سرکنشگر هیئت شایسته ای ایران
استان بول

طبعی بود این محترم و سرکنشگر هیئت شایسته ای ایران در استانبول

بهشت ۸ قطعه قالی اهدایی انجمن آثار ملی ایران برای مسجد ابراهیم در استانبول طبق شش
در تاریخ ۱۳۵۳/۵/۱۳ که پس از انجام تشریفات گمرکی در استانبول ترخیص و رعیت
و در روز ۲۰ در حضور نمایان امضا کنندگان زیر تحویل انجمن خیریه ایرانین بمقیم ترکیه (استانبول) گردید

مشخصات قالی ۶-

قیمت قالی های اهدائی با مشخصات بافته شده در زمینه تالیله (آیه های انجمن آثار ملی) ۲- به مسجد ابراهیم در استانبول

۳- (با بنده صابر) ۲- ۱۳۵۳

تعداد	ابعاد	نقشه	رنگ زمینه	رنگ نقش
۱	۶	۳۶۰×۲۵۰	افشان شاهی	سرمه ای
۲	۲	۴۰۰×۲۰۰	سرمه ای	سرمه ای

۱- ۱۰۴۰۰۰۰
۲- ۱۰۴۲۰۰۰

۳- ۱۰۴۲۰۰۰

مجلس شورای ملی
(نقل به صحت)

صورت مجلس تحویل ۸ قطعه فرش دستباف اهدایی انجمن آثار ملی ایران

به مسجد والده خان، ۱۳۵۳ ش (۱)



صفحه ۳

شماره ۸ / ۱۱ / ۱۳۵۳
تاریخ
پست

سرکنشگری شاهنشاهی ایران

استان تهران

عین مالی های فوق سالم و بدون هیچگونه عارضی تحویل انجمن خیریه ایران در استانبول گردید
 کسب از انجمن شریعت لازم طی حقیقه تحویل کسب اداره کتبه مسجد ایرانستان در استانبول
 گردد و نسخه از آن را جهت ضبط در سر دنده مربوطه و جهت قطع کسر بنگی مربوطه به مالی های
 مذکور بر سرکنشگری شاهنشاهی ایران در استانبول تسلیم دارند =

امضا کننده گران بر عهده زیر

کای باب الله فتوح الاسلامی رئیس هیئت مجتهدین
 ایران

کای علی کاشانی نایب رئیس انجمن آثار ملی ایران

کای یوسف عارفی رئیس انجمن خیریه
 (جوانمرد)

کای سعید جان بولار رئیس انجمن خیریه

کای محمد رضا رفیع زاده دبیر انجمن

کای محمد کاظم کوفی عضو هیئت مدیره انجمن

کای منوچهر کریمی زنده نایب سرکنشگری شاهنشاهی ایران در استانبول

صورت مجلس تحویل ۸ قطعه فرش دستباف اهدایی انجمن آثار ملی ایران

به مسجد والده خان، ۱۳۵۳ ش (۲)



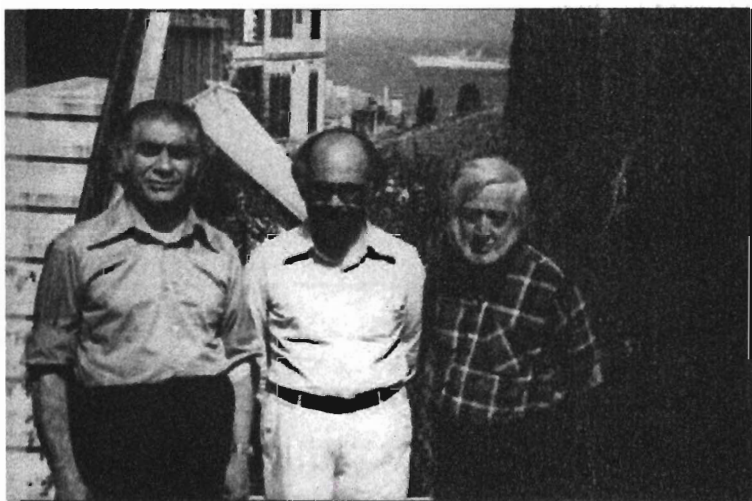
عکسی قدیمی از مسجد سید احمد درسی در حدود ۴۰ سال پیش



مراسم کلنگ‌زنی مسجد امام صادق (زینبیه فعلی) در استانبول، ۱۳۵۶ ش (۱)



مراسم کلنگ‌زنی مسجد امام صادق (زینبیه فعلی) در استانبول، ۱۳۵۶ش (۲)



مرحوم پروفیسور گلپینارلی، حجت الاسلام ثقة الاسلامی و مرحوم دکتر عباس افعالی



مرحوم آخوند ملا محمد مالک در منزل شخصی خود

۲۴ رجب ۱۳۹۳

۴۵

محضر جناب استاد عالی کرامت حضرت آیت الله العظمی بروجردی مد ظله العالی
مترقب شد و مد ظله العالی

قربانت شدم از روزی که بروم آیدم و آنقدر محبت ایستاد که از زیارت کرم و بعد از آن
آمده این مکتوب را محضر جناب میفرماید الحمد لله بامدادی بانی دولت مستقیم علیه السلام منقول به کلام جناب است
استب سرتا بعد از تو شدم و نشانت از تو منور است بابت محضر جناب تو ابرو است باطل و محضر
با کزاد مدد کرده و نشاند که اینکار و هدیه های تو نشانه محضر کرامت و بود و اما بر سره کرم
محضر جناب رحمت بجز ولی چه کنم که این روز و درین شبانه با محتاج بدیدار است و است
مترقب شرف محضر است محضر جناب شما و درین روزی و نشاند که محضر جناب میفرماید
واللهی دعا میکنم محضر و از آنکه محضر
و این حق کرمی

GÖNLÜ FERAH OTELİ
ÇEKİRGE
BURSA

نامه ای منحصر به فرد از مرحوم پروفیسور عبدالباقی گلپینارلی (۱)

زینہ

۱۸ فتح الباعث
ع ۱۳۹۵

بکفر مبالغه کرده اند و بعضی گفته اند که
مشرکین و کفار و منافقین و...

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

[illegible]

نامه‌ای منحصر به فرد از مرحوم پروفیسور عبدالباقی گلپینارلی (۲)

تعالی شان

حرمزهر بخت حجاب معظم له سلمه الله تعالی
عزیز می شود اولاً از نگاه قادر تعالی مستحق
آزاد و معظم له ارجح و تکرار کجاست در شانیه قادر نعم الجلال

و محمدی فرمایید بخت خسته البیتا ملایم آلا ان الحمة
مرد و زن مستحق ما را سیکر مهلوله جمعه مفروض است یا به قیاس
جمعه اقامه خوانده میشود چون که قیاس نماز و مفروضه باید افتاد
خوانده میشود والسلام علیکم وعلیٰ آئین حضرت علی و جمعه الله

وسپاس

فی ۱۴ جمادی الاول

۱۳۹۳

خادم شریعت الشریفة
والترکیه محمدی

İstanbul: 8.12.1974

۱۳۸۳/۹/۱۴
۱۳۹۲ ر. ۱۲

Sayın Lütfi Doğan
Diyaset İşleri Başkanı

A N K A R A

Irak hükümetince, Necaf-ül Şerif'teki İslâm şia Ulemasından bir kısım mahkumiyet ve tevkifi haberinin ulaşması Türkiye'de mukim İrânîlilerin siyasetiyle üstünlüğü mucip olmuştur.

Bu cihetle şia alilerinden, Dünya müslümanlarını birlik ve-
lunde husura erdirmek için Fehr-i Kalasat Peygamber efendimizin (A.S)
Men esbehe ve lem yehtame bi emur-il müslimine feleyse minhum
hadisi gerifleri muktesasınca bu tîr, tesyik ve serlama amellerinden
elikenulmalarını ve bu muhterem Ulemanın idamlarından vazeçmelerini
temin babında her türlü yardım ve alakalarını esirgemeyeceğini
uvarız.

Bu vahşiye amellere, insanlık ve islamiyet nokta-i nazarın-
dan Hatem-ül Embiya efendimizin (A.S) buyrukları "El-müslimune Kelce-
sed-il vahidi ise iştakaminku usuvu tadea lehu enir-ul esah üsere
mümenate buluncagınızı ümitle bekleriz.

Saygılarımla

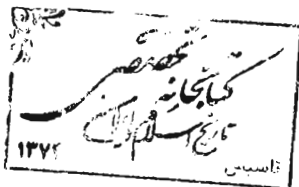
İstanbul İrânîliler Cami-i İmamı
Sık'at-ül İslami



نامه حجت الاسلام ثقة الاسلامی به رئیس سازمان دیانت ترکیه

درخصوص ممانعت از اعدام ۸۸ عالم شیعی در عراق

برص و دابت از استنول



6 / Basiran/ 975

Iran Devleti Aliyyesi

Istanbul İli Başkonsolosluğu Yüksek Makamına:

Istanbul İranlılar ve Şiiler Meseidi İsmi Sikkat-ül İslami 'nin buradaki vasifesinden ayrılıp İrana gideceği teessürle haber alınmıştır. İsmimizin dini ve içtimai bilgisinden başka hayırlı teşebbüsleri, halkla ve Türk kardeşlerimizin bilgileri ve aydınları ile mübâde ilgilî ; her hususta verimli faaliyeti hepimizce gün gibi aşikar olduğundan gidişine mümanasette bulunulması ve vasifesine devamı hususunun sağlanmasını derin ve kalbi saygılılıkla rica ederiz.

Abdullahî Efendi

Kutub Hüdâdâdî

Muzaffer Bekrî

Ş. Kan

Mahmud Zengeri

Celal Deniz

Simail Kibar

Mahmud Keimî

Mahmud Ali Mahdî

نامه درخواست جمعی از شیعیان استانبول از جمله مرحوم پروفیسور عبدالباقی گلپینارلی
به کنسولگری ایران مبنی بر بازگشت حجت الاسلام فقه الاسلامی به استانبول

**Türkiye İranlılar
Hayır ve Yardımlaşma Cemiyeti**

**1972 Yıllık İdare Heyeti
Faaliyet Raporu**

İSTANBUL

نخستین گزارش از فعالیت‌های انجمن ایرانیان استانبول، ۱۹۷۲م



ورودی گورستان سیداحمد درسی پیش از بازسازی، خرداد ۱۳۵۲ش



مزار مرحوم عبدالباقی گلپینارلی در گورستان سیداحمد درسی